

شمیم سیب بهشت

بررسی اسماء و اوصاف و القاب
فاطمهٔ زهرا سلام‌الله‌علیها در زیارات
(همراه با سیری کوتاه در زندگی و فضایل آن حضرت)

محمد مهدی کافی


بسم الله الرحمن الرحیم

شمیم سیب بهشت

نویسنده:

محمدمهدی کافی

ناشر چاپی:

موسسه پیام امام هادی (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

شمیم سیب بهشت

مشخصات کتاب

سرشناسه:کافی، محمدمهدی، ۱۳۴۸ - گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور:شمیم سیب بهشت : بررسی اسماء و اوصاف و القاب فاطمه زهرا علیهماالسلام در زیارات (همراه با سیری کوتاه در زندگی و فضایل آن حضرت) / به اهتمام موسسه امام هادی علیه السلام ؛ گردآوری و تنظیم محمدمهدی کافی.

مشخصات نشر:قم: پیام امام هادی (ع)، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری:۲۰۰ ص.

شابک:۱۸۰۰۰ریال ۹۶۴-۸۸۳۷-۰۶-۶ : ؛ ۱۶۰۰۰ ریال(چاپ اول) ؛ ۳۵۵۰۰ ریال (چاپ سوم)

وضعیت فهرست نویسی:فاپا (چاپ دوم)

یادداشت:چاپ اول: ۱۳۸۶.

یادداشت:چاپ دوم.

یادداشت:چاپ سوم: ۱۳۹۲.

یادداشت:کتابنامه: ص.[۱۹۸] - ۲۰۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع:فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- نام ها

موضوع:فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق. -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده:موسسه امام هادی (ع)

رده بندی کنگره:BP۲۷/۳ /ن۲ک۲۱۳۸۸

رده بندی دیویی:۲۹۷/۹۷۳

شماره کتابشناسی ملی:۱۱۴۵۲۸۲

ص:۱

سخن مؤسسه

بسم الله الرحمن الرحيم

ص :٣

فاطمه زهرا علیها السلام پارهٔ تن پیامبر و اسوه و سرور زنان در دو عالم است که آیات قرآن به پاکی و اخلاص او گواهی می دهند. و روایات فراوان در کتب فریقین از عظمت مقام و موقعیت قدسی او سخن می گویند.

هیچ زنی در اسلام و پیش از آن به مقام او نرسید و تنها او مدال افتخار امّ ابیها و امّ الأئمّه النجباء و سیده نساء العالمین را دریافت نمود.

مؤسسه امام هادی علیه السلام پیش از این، کتابی مشتمل بر زیارتهای حضرت فاطمه علیها السلام به همراه ترجمه و توضیحات، با عنوان «در حریم یاس» منتشر کرد که با استقبال روبرو گردید.

اکنون نیز در تلاشی دیگر، با بررسی نامها، اوصاف و القاب آن حضرت در زیارات معصومین علیهم السلام که مؤید مقامات معنوی و فضائل آن حضرت می باشند، کتاب «شمیم سیب بهشت» را که در فضائل و سیری کوتاه در زندگانی فاطمه زهرا علیها السلام است، به شیفتگان تقدیم می دارد.

از دانشمند محترم حضرت حجه الاسلام والمسلمین محمدمهدی کافی که به دعوت مؤسسه گردآوری و تنظیم این کتاب را به عهده گرفتند و نیز دیگر همکاران مؤسسه که در فراهم کردن این کتاب کوشیدند، تشکر می شود.

همچنین از مؤسسه فرهنگی فلاح و کمیته حمایت از فعالیتهای مؤسسات فرهنگی و هنری که در چاپ این کتاب مساعدت کردند قدردانی نموده و توفیقات همه این عزیزان را از درگاه خداوند متعال خواستاریم.

مؤسسه امام هادی علیه السلام

فهرست

فهرست

ص :۶

پیش گفتار

بسم اللّه الرحمن الرحیم

«وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»

آفرینش انسان و دیگر موجودات بیهوده نیست. قرآن کریم در آیاتی به این معنا اشاره دارد؛ ما آسمان و زمین و آنچه میان آن دو است را بازیچه نیافریدیم. ۱و در جای دیگر می فرماید؛ آیا پنداشته اید که شما را بیهوده آفریدیم. ۲آفرینندهٔ جهان، حکیمی است که ذره ای در کار او بیهودگی، سستی، اختلاف و کژی راه ندارد و همو در قرآن فرمود؛ جنّ و انسان را جز برای عبادت نیافریدم. ۳پرستش با شناخت خالق میسّر است و کمال شناخت خالق و دستورات او به وسیلهٔ شناخت فرستادگان خدا و جانشینان آنها امکان پذیر می شود. امام حسین علیه السلام فرمود:

ای مردم! خدای بلند مرتبه، بندگان را جز برای اینکه او را بشناسند نیافرید، وقتی او را شناختند او را می پرستند و وقتی او را عبادت کنند از عبادت غیر او بی نیاز می شوند. ۴ در سخن امام علیه السلام نیز هدف آفرینش انسان ها، شناختن و معرفت پروردگار بیان گردیده است.

خداوند پیامبران را مأموران هدایت بشر و برانگیختن گنجینه های عقل آنان قرار داد (۱)، و پس از پیامبران جانشینانشان همین وظیفه را به عهده دارند. در آخر الزمان نیز خداوند در میان مردم پیامبری برانگیخت که کتاب الهی را بر آنان تلاوت کند و آنها را پاک گرداند و کتاب الهی و حکمت به آنان بیاموزد، ۲ پس از پیامبر صلی الله علیه و آله نیز حلقه های سلسلهٔ طلایی، یعنی جانشینان دوازده گانه او این مسئولیت را به دوش می کشند. این گروه از هر خطا و اشتباه مصون و مظهر اتم انسان کامل و خلیفه الهی بر روی زمین اند.

قرار گرفتن در مسیر کمال، به آشنایی و نزدیک شدن به این آموزگاران بستگی دارد. ۳در روایت پیش گفته امام حسین علیه السلام در پاسخ کسی که پرسید معرفت چیست فرمودند:

معرفت یعنی مردم هر زمان امام واجب الاطاعه خود را بشناسند.

سرعت حرکت در این مسیر نیز، به مقدار آشنایی و محبت به این بزرگواران بستگی دارد، شناخت و محبتی که موجب پیروی از آنان و بهره بردن از راهنمایی شان باشد. ۴با این مقدمهٔ کوتاه ضرورت شناخت و محبت و پیروی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله برای گام برداشتن در مسیری که جهان آفرینش برای آن موجود شد روشن می شود.

امّا در میان این انوار مقدس، شناخت فاطمهٔ زهرا علیها السلام به جهاتی ویژگی دارد.

او ام الائمه و مادر همهٔ نیکیهاست و شناخت او، بنابر نقلی، حتّی سبب گردش دورانهای پیشین است ۵، و این یکی از ویژگیهای ضرورت شناخت عصمت کبری فاطمه زهرا علیها السلام است.

۱- (۱) . نهج البلاغه، ص ۳۸، خ ۱: ویثیروا لهم دفائن العقول... .

از راههای شناخت این بزرگواران علیهم السلام مراجعه به زیارات آنها است. فقرات زیارت هایی که از زبان شریف معصومین علیهم السلام صادر و به دست ما رسیده، القاب و اوصاف به کار رفته در آنها، همه و همه در شناساندن این بزرگواران و شناساندن معارف دینی به زائر، تأثیر به سزایی دارد.

هم چنین زیارتهایی که صدور آنها از معصومین به اثبات نرسیده است و احتمال می رود به زبان اولیاء الهی در زیارت این ذوات مقدس جاری شده باشد نیز، لبریز از اوصاف، القاب و فقراتی است که از احادیث و گفتار معصومین علیهم السلام دربارهٔ آن انوار پاک نشأت گرفته است.

بنابراین می توان گفت؛ در زیارات معصومین علیهم السلام تمامی واژه ها و کلمات به کار رفته یا از خود معصومین علیهم السلام و یا برگرفته از سخنان آنان می باشد و زائر در هنگام زیارت با حضور قلب و تدبر، علاوه بر بهره های بسیار، به شناسایی برخی از زوایای وجودی این انوار مقدس نیز نائل می شود.

این اثر گامی است بسیار کوتاه در جهت معرفی گوشه هایی از زوایای وجودی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام که با استفاده از القاب، اوصاف و اسامی بکار رفته در زیارات آن حضرت علیها السلام و دیگر معصومین علیهم السلام انجام گرفته است. این القاب و اوصاف و اسامی در بخشهای زندگانی حضرت فاطمه علیها السلام ، مقام بلند و سروری، دانش، پاکدامنی و وابستگی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ، مسئولیت پذیری، آزارها و شهادت تنظیم شده است و شواهدی از روایات و لغت در توضیح آنها، - همراه با رعایت اختصار - گردآوری شده است، به گونه ای که خواننده علاوه بر توجه به معانی این اسامی، اوصاف و القاب، سیری اجمالی در زندگی آن بانوی بزرگوار داشته باشد. در پایان نیز بخشی به زیارتهای آن حضرت علیها السلام اختصاص یافته است.

ص:۹

اسم، لقب، کنیه و صفت

حضرت فاطمهٔ زهرا علیها السلام ، در کلام الهی و معصومین علیهم السلام ، در موارد بسیار با اسامی مبارک و القاب شریفی که از شرافت و صفات ویژه ذات مقدس او حکایت می کند یاد شده است. به مناسبت موضوع این نوشتار در آغاز توضیحی کوتاه پیرامون اسم، لقب، کنیه و صفت ذکر می شود.

اسم : هر علامت و نشانه ای است که برای صاحب اسم می باشد. در دستورات دینی درباره حقوق فرزند بر پدر آمده است؛ یکی از حقوق فرزند بر پدر، انتخاب نام نیکو برای فرزند است. (۱)

کنیه : برگرفته از کنایه است و آن اسم هایی است که اول آن اب یا ام و نیز ابن یا بنت باشد. به جای اسم می آید و صاحب اسم را معرفی می کند و برای بزرگداشت استفاده می شود. (۲) یکی از افتخارات و عادتهای رایج در میان عرب که در میان دیگر اقوام ناشناخته بود، استفاده از کنیه برای بزرگداشت و احترام صاحب کنیه بود، که بعدها در میان غیرعرب نیز متداول شده است. در میان عرب کنیه بر لقب ترجیح داشت. (۳)

ص:۱۰

۱- (۱) . روضه الواعظین، ص ۳۶۹؛بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۸۰ . «حَقُّ الْوَلَدِ عَلَی والِدِه ثَلاثَةٌ. یُحَسّن اسْمَهُ وَیُعلِّمه الْکِتابَة وَیُزَوِّجهُ إذا بَلَغَ ؛ از حقوق پدر بر فرزند نیز این است که او را به اسم صدا نزند که این خود احترام بیشتری برای پدر است». (کافی ، ج ۲، ص ۱۵۸، ح ۵؛ بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۴۵).

۲- (۲) .مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۶۰۰.

۳- (۳) . الخصایص الفاطمیه، ج ۱، ص ۱۱۲.

لقب : در تعریف لقب گفته اند: آن نام که پس از نام نخستین به کسی دهند، و دربردارنده ستایش یا بدگویی از کسی باشد که برای مدح و ستایش و هم برای بد معرفی کردن شخص بکار می رود. (۱)آیهٔ «ولا تنابزوا بالألقاب» (۲) نهی از لقبهای بدی است که برای شخص ناخوشایند است. برای بزرگداشت، به جای اسامی، از القاب نیکو استفاده می شود.

صفت : بیان حال و علامت و نشان چیزی است. (۳)

۱- (۱) . لغتنامه دهخدا ، ج ۱۲، ص ۱۷۴۱۷.

۲- (۲) . حجرات: ۱۱.

۳- (۳) . لغتنامه دهخدا ، ج ۹، ص ۱۳۱۹۱. صفت در ترکیب به اسم ملحق می گردد.

بخش اول: زندگانی حضرت زهرا علیها السلام

پیش از ولادت

ص:۱۳

زندگانی حضرت زهرا علیها السلام

پیش از ولادت:

المُمتَحَنَهُ: (۱) آزموده

از تعبیراتی که دربارهٔ ساحت مقدس حضـرت فاطمهٔ زهرا علیها السـلام در زیارت به کار رفته، ممتحنه است که مربوط به پیش از پاگذاری آن حضرت به عالم خاکی می باشد.

در زیارت حضرتش می خوانیم ای کسی که خدای آفریننده ات، پیش از آفرینشت تو را آزمود و در آن آزمایش تو را شکیبا یافت... . (۲)علامـه مجلسی در توضیـح می آورنـد: امتحان کنایه از دانش است، گرچه این احتمال هست که امتحان در عالم ارواح بوده باشد.

آن حضرت پیش از به دنیا آمدن در عالم میثاق، از علوم إلهی اشباع شده و خداوند او را از هر گونه جهل و نادانی جدا نموده است و در همان زمان او را از هر گونه آلودگی دور کرده است؛ در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است:

هنگامی که فاطمه علیها السلام متولد شد خدای عزّ و جلّ به فرشته ای وحی کرد و او زبان محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به گردش درآورد و حضرت صلی الله علیه و آله و سلم او را فاطمه نامید و

۱- (۱) . موسوعه زیـارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۷۵، ۲۸۱ و ۲۹۰. «کـانَ الإمْتِحانُ کِنایَهً عَنِ العِلْم، مَع انّه یُحتَمِلُ الإمتَحانُ فی عالَمِ الأرواح» . (ملاذ الاخیار، ج ۹، ص ۲۵).

۲- (۲) . « یا مُمْتَحَنه امتَحَنَک اللّهُ الَّذی خَلَقَکِ قبلَ أنْ یخلقکِ فوجدکِ لما امتحنکِ صابرَه ...»

فرمود: من تو را بـا علم و دانش اشـباع و تو را از آلودگی جـدا نمودم. سـپس امام باقر علیه السـلام فرمود: به خـدا قسم خـدای تبـارک و تعالی او را هنگام میثاق [الهی] با علم و دانش او را سـیراب و از آلودگی جـدا نمود. (۱)در مرحله پیش از پاگذاری فاطمه زهرا علیها السـلام به عالم وجود، بایـد به این نکته که نطفهٔ آن حضـرت با میوهٔ بهشتی بوجود آمد اشاره شود که دربارهٔ آن سخن خواهد آمد، هم چنین آن حضرت علیها السلام هنگامی که در رحم بود با مادر خویش، خدیجه سخن می گفت که در ضمن حدیثی در کیفیت تولد حضرتش علیها السلام از امام صادق نقل شده است:

... کانَتْ فاطمَهُ تُحدِّثُها مِنْ بَطْنِها وَتُصبِّرُها... (۲)؛

فاطمه علیها السلام در رحم با او [خدیجه] سخن می گفت و او را دلداری می داد.

دودمان حضرت فاطمه علیها السلام

انتساب فاطمهٔ زهرا علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و همچنین پاکی پدران و مادران آن حضرت علیها السلام با تعابیر مختلف در زیارتها مورد ذکر و عنایت قرار گرفته است. به ویژه از شخصیت پدر بزرگوارش با القابی والا و خاص یاد می شود و حضـرت زهرا علیها السـلام به عنوان دختر چنین شخصـیتی مورد خطاب و زیارت قرار می گیرد؛ گویا ذکر القاب ویژهٔ پیامبر در زیارت های حضـرت زهرا علیها السـلام اشاره به شخصـیت حضـرت زهرا علیها السـلام نیز دارد که او دختر چنین شخصیت باعظمتی است و وارث فضیلتهای او است.

۱- (۱) . کافی، ج ۱، ص ۴۶۰، ح ۶. « لَمّا وُلِدَت فاطمَهُ علیها السلام أوْحَی اللّه عَزَّ وَ جَلَّ إلی مَلَک فَأنْطَقَ بهِ لِسانَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم فَسَمّاها فاطِمَه ثمَّ قالَ إنّی فَطَمْتُکِ بِالعِلم وفَطَمْتُکِ مِن الطَّمْثِ ». امام در ادامه می فرمایـد: « وَاللّهِ لَقَدْ فَطَمَها اللّهُ تَبارَکَ وَتَعالی بِالعِلْمِ وَعَنِ الطَّمثِ فی المِیثاقِ ».

۲- (۲) . امالی صدوق ، ص ۴۷۵، مجلس ۸۷ ح ۱؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۲، ح ۱

تعابیر به کار رفته در زیارات عبارتند از:

بِنْتُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم : (۱) دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم

بِنْتُ مُحَمَّدالأکرَمِ: (۲) دختر محمد ارجمند

اِبْنَهُ الرَّسُولِ: (۳) دختر پیامبر

بِنتُ رَسولِ اللّه: (۴) دختر فرستادهٔ خدا صلی الله علیه و آله و سلم

بِنتُ رَسولِ ربِّ العالَمِینَ: (۵) دختر فرستادهٔ پروردگار جهانیان

بِنتُ حَبیبِ اللّهِ: (۶) دختر حبیب خدا

بِنتُ خَلیلِ اللّهِ: (۷) دختر دوست صمیمی خدا

بِنتُ صَفِیِّ اللّهِ: (۸) دختر بندهٔ خالص خدا

ص:۱۷

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۷؛ ج ۴، ص ۳۸۰. در این سیاق دو تعبیر «ابنته» و «ابنتک» نیز در زیارات آمده است. (موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۳، ص ۳۴۰؛ ج ۴، ص ۳۷۰؛ ج ۵، ص۷۹؛ ج ۱، ص ۱۲۹، ۱۵۶، ۱۵۷ و ۲۸۳؛ ج ۵، ص ۹۹).

۲- (۲) . همان، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ج ۵، ص ۱۶۷.

۳- (۳) . همان، ج ۵، ص ۶۷ و ۱۱۲.

۴- (۴) . همان، ج ۱، ص ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۷؛ ج ۲، ص ۲۵۵؛ ج ۳، ص ۲۹۰.

۵- (۵) . همان، ج ۳، ص ۵۰۷؛ ج ۵، ص ۱۲۵. همچنین تعبیر «ابنه رسول ربّ العالمین» نیز بکار رفته است. (موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۳، ص ۵۰۷؛ ج ۵، ص ۱۲۵).

۶- (۶) . همان، ج ۱، ص ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۵. علامه مجلسی رحمه الله در توضیح حبیب می آورد: «محبّه او محبوبه تعالی کما قال: یحبّهم و یحبّونه». (روضه المتقین ، ج ۵، ص ۳۴۴؛ ملاذ الاخیار ، ج ۹، ص ۲۶؛بحارالأنوار ، ج ۱۰۰، ص ۱۹۵) پدر علامه مجلسی نیز در این باره می آورد: «محبّ خدا، یا محبوب خدا، یا محب و محبوب بر سبیل مجاز شایع». (لوامع صاحبقرانی ، ج ۸، ص ۵۰۶).

۷- (۷) . همان ج ۱، ص ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۵. خلیل را الصدیق المختص معنا کرده اند. (بحارالأنوار ، ج ۱۰۰، ص ۱۹۵؛روضه المتقین ، ج ۵، ص ۳۴۴؛ ملاذ الأخیار ، ج ۹، ص ۲۶).

۸- (۸) . همان، ج ۱، ص ۲۷۶، ۲۷۹ و ۲۸۵. «الصفو من کل شئ، خیاره وخالصه والصفوه من کل شیء صفوه؛ الصفی:

الصديق المختار». (المعجم الوسيط ، ج ١، ص ٥٢٠).

بِنتُ أمِینِ اللّهِ: (۱) دختر شخص مورد اعتماد خدا

بِنتُ خَیرِ خَلقِ اللّهِ: (۲) دختر بهترین آفریدهٔ خدا

بِنتُ خَیرِ البَرِیَّهِ (۳) وَابْنَهُ خَیرِ البَرِیَّهِ: (۴) دختر بهترین آفریدگان

بِنتُ خَیرِ الأنبیاءِ: (۵) دختر بهترین پیامبران

بِنتُ أفضَلِ أنبیاءِ اللّهِ وَمَلائِکَتِهِ وَرُسُلِهِ: (۶) دختر برترین پیامبران خدا و فرشتگان و فرستادگانش

بِنتُ سَیِّدِ النَّبِیِّینَ: (۷) دختر سرور پیامبران

بِنتُ نَبِیِّ اللّهِ: (۸) دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم

بِنتُ نَبِیِّکَ (۹) وَابْنَهُ نَبِیِّکَ: (۱۰) دختر پیامبرت

اِبْنَهُ نَبِیِّ الرَّحمَهِ: (۱۱) دختر پیامبر رحمت

اِبْنَهُ النَّبِیِّ الْمصطَفی: (۱۲) دختر پیامبر برگزیده

اِبْنَهُ المُختارِ: (۱۳) دختر آن برگزیده

۱- (۱) . موسوعه زیـارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۶، ۲۷۹ و ۲۸۵. «الامین: الحافظ الحارس، والمأمون، ومن یتولی رقابه شئ او المحافظه علیه». (المعجم الوسیط ، ج ۱، ص ۲۸).

۲- (۲) . همان، ج ۱، ص ۲۷۶، ۲۷۹ و ۲۸۵.

۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۲۷۹ و ۲۸۵.

۴- (۴) . همان، ج ۱، ص ۲۷۶.

۵- (۵) . همان، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ج ۵، ص ۱۶۸.

۶- (۶) . همـان، ج ۱، ص ۲۷۶ و ۲۷۹. همچنین تعبیر «وبنت افضـل انبیـاء اللّه» در زیارتهـا آمـده است. (موسوعه زیـارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۵).

۷- (۷) . همان، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ج ۵، ص ۱۶۷.

۸- (۸) . همان، ج ۱، ص ۲۷۶ و ۲۸۵.

۹- (۹) . همان، ج ۳، ص ۲۷۹، ۳۶۰، ۵۴۰؛ ج ۴، ص ۲۵ و ۱۲۴؛ ج ۵، ص ۱۶۰.

۱۰- (۱۰) . همان، ج ۱، ص ۲۸۴؛ ج ۵، ص ۱۰۳.

۱۱- (۱۱) . همان، ج ۱، ص ۲۸۱.

۱۲- (۱۲) . همان، ج ۱، ص ۲۸۱.

۱۳- (۱۳) . همان، ج ۲، ص ۲۱۶.

اِبْنَهُ مَولاىَ: (۱) دختر سرور من

آری زائر به قلب خویش خطور می دهـد و به زبان جاری می کنـد که تو دختر شخصـیتی هستی که برتر از او در جهان هستی نیست. تو فرزند محمد، آن گرامی، دوست صـمیمی خداوند، و محبوب او می باشـی و بالاخره تو دختر کسـی هستی که مورد اعتماد خداوند و برترین پیامبران است.

اِبْنَهُ الأطهارِ: (۲) دختر پاکیزگان

در این فراز، زائر آن حضـرت علیها السـلام را مورد خطاب قرار می دهد و به فضائل و پاکی پدر و مادر و دودمان او اشاره می نماید.

آری تو فرزند پاکان هستی و اجداد و پدرانت همگی دارای پروندهٔ درخشانی هستند.

در کتب سیره دربارهٔ پدران پیامبر صلی الله علیه و آله و خدماتشان به طور مشروح سخن گفته شده است.

مادر فاطمهٔ زهرا علیها السلام

مادر فاطمه علیها السـلام ، خدیجه است که نخستین زن ایمان آورنده به دین اسـلام و ایثارگر و پایدار در راه دین الهی بود. او دختر خویلد بن اسد بن عبد العزیز بن قصیّ، و مادرش فاطمه بنت زائده الاصمّ از نسل عامر بن لؤیّ است.

وی اولین زنی بود که اسـلام آورد و بـا ثروتی که داشت پیـامبر را یـاری کرد و بـا آن حضـرت مواسـات نمود. او زنی عاقله و ثروتمند بود که افراد با سرمایهٔ او تجارت می کردند.

در سن چهل سالگی با پیامبر صـلی الله علیه و آله که بیست و پنج سال داشت ازدواج نمود و بیست و چهار سال با پیامبر صـلی الله علیه و آله زندگی کرد و در سن شصت و پنج سالگی، سه سال پیش از هجرت وفات یافت.

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۶.

۲- (۲) . همان، ج ۲، ص ۲۱۶.

بلاذری و ابوالقاسم کوفی و سید مرتضی در کتاب شافی و شیخ طوسی در کتاب تلخیص گفته اند: خدیجه پیش از ازدواجش بـا پیـامبر صـلی الله علیه و آله ، ازدواجی نکرده بـود. (۱)در فضـیلت حضـرت خدیجه علیها السـلام ، امام کاظم علیه السـلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل فرمود:

خداوند از میان زنان چهار نفر را برگزید: مریم، آسیه، خدیجه و فاطمه. ۲نیز در کتاب مسند احمد بن حنبل روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: برترین زنان بهشتی، خدیجه دختر خویلد، و فاطمه دختر محمّد، و آسیه دختر مزاحم - زن فرعـون - و مریـم دخـتر عمران می باشـد. ۳افزون بر روایـتی کـه گـذشت، روایـات دیگری از پیـامبر صـلی الله علیـه و آلـه در بزرگداشت شخصیت والای خدیجه علیها السلام نقل شده است، از جمله اینکه خداوند در معراج توسط پیامبر صلی الله علیه و آله به خدیجه سلام می رساند و... .

از موارد دیگری که بر فضیلت این بانو اشاره دارد حاضر شدن چهار زن بهشتی برای وضع حمل اوست. هنگامی که زنان مکه در وقت تولد فاطمه علیها السلام ، خدیجه را تنها گذاردند، مریم، ساره، آسیه و خواهر موسی از سوی خدا برای کمک نزد او آمدند.

ولادت

تُفّاحَهُ الفِردَوسِ وَالخُلْدِ: ۴ سیب بهشتی و جاودانگی

خلقت فاطمـهٔ زهرا علیها السـلام و قـدم نهادن او به این دنیا و ازدواج و زنـدگی آن حضـرت، از ویژگی ها و امتیازات فراوانی برخوردار بوده است.

۱- (۱) . معارف و معاریف ، ج ۵، ص ۱۰۲.

دربارهٔ پیدایش نطفهٔ حضرت علیها السلام در روایات آمده است که، از میوه ای بهشتی (خرما یا سیب) که برای پیامبر هدیه آورده شده بود، به وجود آمد.

امام باقر علیه السلام فرمود: از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد:

ای رسول خدا! شما فاطمه را می بوسید و از او جدا نمی شوید و به خود می چسبانید و لطفی به او می کنید که به دختران دیگر خود نمی کنید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: جبرئیل سیبی از سیبهای بهشت برای من آورد من آن را خوردم و سیب در صلب من به صورت آبی درآمد. با خدیجه هم بستر شدم و او به فاطمه باردار شد. من از فاطمه علیها السلام بوی بهشت استشمام می کنم. (۱)ولادت حضرت زهرا علیها السلام در مکّه، پنج سال پس از بعثت و سه سال پس از معراج پیامبر صلی الله علیه و آله ، در بیستم جمادی الثانی ذکر شده است. (۲) برخی بیستم جمادی الثانی سال دوم بعثت را صحیح دانسته اند. (۳) در برخی کتب اهل سنت ولادت آن حضرت پیش از مبعث ذکر شده است. (۴)شیخ صدوق رحمه الله در کتاب مولد فاطمه علیها السلام روز بیستم جمادی الثانی را معیّن دانسته، و علمای شیعه نیز همین روز را روز تولد آن حضرت علیها السلام دانسته و بزرگ می دارند. (۵)امام صادق علیه السلام در جواب مفضل بن عمر که از چگونگی تولد فاطمه زهرا علیها السلام پرسید، فرمود: هنگامی که خدیجه با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ازدواج کرد، زنان مکه با او قطع رابطه کردند، نه از او عیادت می کردند و نه به او سلامی می گفتند و نه اجازه می دادند

ص:۲۱

۱- (۱) . علل الشرایع ، ج ۱، ص ۱۸۳؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۵، ح ۴ و ۵، ص ۶، ح ۶، ص ۴، ح ۲. در این روایت بجای سیب، خرما ذکر شده است: «یا رَسُولَ اللّهِ إِنَّکَ تَلثِمُ فاطِمَهَ وَ تَلتزَمُها وَ تُدْنِیها مِنکَ وَتَفعَلُ بِها ما لا تَفعَلُهُ بِأَحَدٍ مِنْ بَناتِکَ؟ فَقالَ: إنَّ جَبرَئِیلَ أتانی بِتُفّاحهٍ مِنْ تُفّاح الجَنَّهِ، فَأَكَلْتُها، فَتَحَوَّلَتْ ماءً فی صُلْبی، ثُمَّ واقَعْتُ خَدِیجَهَ فَحَملَتْ بِفاطِمَهَ، فَأنا أَشَمُّ مِنها رائِحَهَ الجَنَّهِ» .

۲- (۲) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۵۷؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص۶، ح ۷، ۸، ۹، ۱۰ و ص ۹، ح ۱۳، ۱۵ و ۱۶.

۳- (۳) . اقبال الاعمال ، ج ۳، ص ۱۶۲؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۸، ح ۱۲ و ص ۹، ح ۱۴ و ۱۵.

۴- (۴) . بحارالأنوار ، ج ۴۳، ص ۸ و ۹.

۵- (۵) . الخصائص الفاطمیه ، ج ۱، ص ۳۹۱.

زنی بر او وارد شود، خدیجه از این کار دلتنگ شد، و غصّه و بی تابی او برای مواظبت بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود. وقتی فاطمه علیها السلام را باردار شد، فاطمه علیها السلام از درون رحم با او سخن می گفت و به او دلداری می داد. خدیجه این موضوع را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پنهان می داشت، تا اینکه روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد خانه شد و شنید که خدیجه با کسی سخن می گوید، فرمود: خدیجه! با چه کسی صحبت می کنی؟ گفت: جنینی که دارم با من سخن می گوید و با من انس می گیرد، فرمود صلی الله علیه و آله و سلم : خدیجه! این جبرئیل است، به من بشارت می دهد که او دختر و همان نسل پاک و مبارک است، و خداوند نسل من را از او قرار می دهد و به زودی از فرزندان او امامانی قرار خواهد داد که پس از پایان وحی، جانشینان او بر روی زمینش باشند.

تا وقت ولادت فاطمه، این حال خدیجه بود، در هنگام وضع حمل، خدیجه به زنان قریش و بنی هاشم پیغام داد، بیایید و کارهایی که زنان هنگام ولادت برای زنان دیگر عهده دار می شوند، برایم انجام دهید.

آنها پاسخ دادند: تو نافرمانی کردی و سخن ما را نپذیرفتی، و با محمّد صلی الله علیه و آله و سلم ، یتیمِ ابوطالب که فقیر و نادار بود ازدواج نمودی. ما نیز نمی آییم و کاری برای تو انجام نمی دهیم.

خدیجه از این سخن ناراحت و غصه دار شد. در همین حال چهار زن گندمگون و بلندقامت شبیه زنان بنی هاشم بر او وارد شدند، خدیجه هراسان شد. یکی از آنان گفت: خدیجه! ناراحت نباش. ما فرستادگان پروردگارت و خواهران تو هستیم. من ساره و او آسیه دختر مزاحم - که همدم تو در بهشت است - و این مریم دختر عمران و او کلثوم خواهر موسی بن عمران است، خداوند ما را به سوی تو فرستاده تا کارهایی که زنان هنگام ولادت زنها بعهده می گیرند انجام دهیم.

یکی از آنان سمت راست خدیجه و دیگری چپ، یکی در مقابل و چهارمی

در پشت سر او نشستند و خدیجه، فاطمه را در حالیکه پاک و پاکیزه بود به دنیا آورد.

وقتی فاطمه علیها السلام بر زمین آمد، نوری از او تابش نمود که به خانه های مکه داخل شد و در شرق و غرب جهان جایی نبود که این نور در آن وارد نشود. ده حورالعین که هر کدام تشت و ظرفی بهشتی از آب کوثر در دست داشتند وارد شده و آن را به زنی که در برابر خدیجه بود دادند و آن زن فاطمه علیها السلام را با آب کوثر شست وشو داد و دو پارچه سفید که از شیر سفیدتر و از مشک و عنبر خوش بوتر بود بیرون آورد، در درون یکی او را پیچید و با دیگری سر او را بست. سپس از فاطمه علیها السلام خواست که سخن بگوید، فاطمه علیها السلام با گفتن شهادتین سخن را شروع کرد و فرمود: اشهد ان لا اله الا اللّه شهادت می دهم معبودی جز اللّه نیست و پدرم فرستاده خدا سرور پیامبران و شوهرم سرور جانشینان پیامبران، و فرزندانم سرور سبطهایند، سپس بر آن زنها سلام کرد، آنان نیز به او تبسم می کردند و حورالعین به یکدیگر بشارت تولد فاطمه علیها السلام را می دادند. آسمانیان نیز برخی به برخی دیگر خبر خوش تولد فاطمه علیها السلام را می دادند و در آسمان نور درخشنده ای پدید آمد که فرشتگان پیش از این ندیده بودند. آن چهار زن گفتند: ای خدیجه! او را پاک و پاکیزه، [از ما] بگیر که در او و نسلش برکت داده شده است... . (۱)

ازدواج

فاطمهٔ زهرا علیها السلام با دومین شخصیت عالم ازدواج نموده است. در زیارات از امیر مؤمنان علیه السلام با تعابیر و القابی بلند یاد شده است، که مضامین آنها از علو مرتبهٔ بانوی دو عالم علیها السلام نیز حکایت دارد و به این مقامِ بلند فاطمه سلام الله علیها با این تعابیر اشاره می شود:

۱- (۱) . أمالی صدوق ، ص ۴۷۵، مجلس ۸۷، ح ۱؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۲ و ۳، ح ۱.

زوجهُ وَلِیّ اللّهِ وَ خیر الخلق بَعد رَسُولِ اللّه: (۱) همسر ولیّ خدا و همسر بهترین آفریده هایش پس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم

زوجهُ ولیک: (۲) همسر ولیّ تو خدا

زَوجُ الوَصِیّ (۳) زَوجَهُ وَصِیِّ نَبِیِّکَ: (۴) همسر وصیّ پیامبر

قَرِینَهُ سَیِّدِ الأوصِیاءِ: (۵) همسر سرور اوصیاء [پیامبران]

قَرِینَهُ خَیرِ الأوصِیاءِ: (۶) همسر بهترین اوصیاء [پیامبران]

حَلِیلَهُ المُرتَضی: (۷) مَحرم و همسر مرتضی

قَرِینَهُ المُرتَضی: (۸) همسر مرتضی

حَلِیلَهُ صاحِبِ اللِّواءِ: (۹) همسر پرچمدار [حق و عدل]

صاحِبَهُ وَلِیِّکَ: (۱۰) همدم ولیّ تو (خدا)

التُّحفَهُ خَصَصْتَ بِها وَصِیَّهُ: (۱۱) ارمغانی که ویژهٔ وصیّ پیامبر گردانیدی

تاریخ ازدواج آن حضرت با امیر مؤمنان علی علیه السلام را اول یا ششم ذی حجه سال دوم

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۶، ۲۸۰ و ۲۸۵. علامه مجلسی در توضیح واژه ولی گوید: «ولی اللّه: محبُّه او من جعله اللّه اولی بالمؤمنین من انفسهم». (بحارالأنوار ، ج ۱۰۰، ص ۱۹۵؛ روضه المتقین ، ج ۵، ص ۳۴۴؛ ملاذ الاخیار ، ج ۹، ص ۲۶). «الولیّ: کل من ولِیَ امراً أو اقام به، النصیر، المحبّ، الصدِّیق». (المعجم الوسیط ، ج ۲، ص ۱۰۷).

۲- (۲) . همان، ج ۳، ص ۴۰ و ۲۷۹؛ ج ۴، ص ۱۲۴؛ ج ۵، ص ۱۰۳.

۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۲۸۱.

۴- (۴) . همان، ج ۱، ص ۲۸۴.

۵- (۵) . همان، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ج ۵، ص ۱۶۸.

۶- (۶) . همان، ج ۵، ص ۶۷.

۷- (۷) . همان، ج ۱، ص ۲۸۲.

۸- (۸) . همان، ج ۱، ص ۲۷۸.

۹- (۹) . همان، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ج ۵، ص ۱۴۵.

۱۰- (۱۰) . همان، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ج ۵، ص ۱۶۸.

۱۱- (۱۱) . همان، ج ۱، ص ۲۸۷. «التحفه: الطرفه ويقال لما له قيمه فنيَّه أو أثريّه». (المعجم الوسيط ، ج ۱، ص ۸۲).

هجری (۱) و زفاف آن حضرت را ۲۱ محرم سال سوم هجری (۲) ذکر کرده اند، که در ماه شوال و ششم ذی حجه نیز نقل شده است. (۳)هم شأن بودن (کفویت) از دید اسلام برای تشکیل خانواده و ازدواج جایگاه ویژه دارد. اگرچه آنچه که اکنون در جامعهٔ ما به عنوان معیارهای کُفْویَت شناخته می شود با معیارها از نظر اسلام تفاوت بسیار دارد.

با توجه به شأن ویژه و والای حضرت زهرا علیها السلام ، شخصیّتی بلند و مقامی بزرگ شایسته همسری اوست. در مرور تاریخ می یابیم افرادی که دارای عناوین ظاهری و بهره مند از مال بودند، از فاطمه علیها السلام خواستگاری کردند اما از پیامبر پاسخ رد شنیدند.

امام صادق علیه السلام در این باره که تنها کفو و هم شأن فاطمه علیها السلام ، امیر مؤمنان علیه السلام بود می فرماید:

اگر خدای تبارک و تعالی امیر مؤمنان علیه السلام را برای فاطمه علیها السلام نمی آفرید، روی زمین هم شأنی برای فاطمه از آدم و پس از او یافت نمی شد. (۴)به گفته علامهٔ مجلسی رحمه الله این سخن بر برتری امیر مؤمنان علیه السلام بر پیامبران اولوا العزم جز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم دلالت دارد... و گاه بر برتری فاطمه علیها السلام بر آنان نیز با این حدیث استدلال شده است. (۵)به مناسبت تعابیر ذکر شده در زیارات شمه ای از ماجرای ازدواج آن حضرت علیها السلام

۱- (۱) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۵۷؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۹۲، ح ۲.
۲- (۲) . اقبال الاعمال ، ج ۳، ص ۹۲؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۹۲، ح ۱.
۳- (۳) . امالی طوسی ، ج ۱، ص ۴۲، مجلس دوم؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۹۷، ح ۷.
۴- (۴) . کافی ، ج ۱، ص ۴۶۱، ح ۱۰؛ امالی طوسی ، ج ۱، ص ۴۲؛بحارالأنوار ، ج ۴۳، ص ۹۷، ح ۶. «لَولا أنَّ اللّهَ تَبارَکَ وَ تَعالی خَلَقَ أمِیرَ المُؤمِنِینَ علیه السلام لِفاطِمَةَ ما کانَ لَها کُفْوٌ عَلی ظَهرِ الأرضِ مِنْ آدَمَ وَ مَنْ دُونَهُ ».
۵- (۵) . مرآه العقول ، ج ۵، ص ۳۴۹.

ذکر می شود.

دستور خداوند

ازدواج فاطمه زهرا علیها السلام یک ازدواج معمولی نبود، و به دستور خداوند متعالی انجام گرفت، که در سخنان معصومین علیهم السلام مورد تأکید قرار گرفته است.

خواستگاران فاطمه علیها السلام یکی پس از دیگری با پاسخ منفی پیامبر صلی الله علیه و آله روبرو می گشتند، علی علیه السلام در این باره می فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود:

علی! مردانی از قریش مرا به خاطر فاطمه مورد عتاب قرار داده و گفتند: ما او را از تو خواستگاری کردیم، ما را باز داشتی و او را به ازدواج علی علیه السلام درآوردی. به آنان گفتم: به خدا سوگند این من نبودم که شما را بازداشتم و او را به ازدواج علی علیه السلام درآوردم. بلکه خداوند این کار را انجام داد. (۱)

پرسش از فاطمه علیها السلام

هنگام خواستگاری فاطمه علیها السلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

علی جان! پیش از تو کسانی از او خواستگاری کرده اند، من موضوع را به اطلاع فاطمه علیها السلام رسانده ام، و در صورت او ناخشنودی دیده ام، کمی صبر کن تا برگردم. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر فاطمه علیها السلام داخل شد... به او فرمود:

فاطمه جان! علی بن ابی طالب کسی است که خویشاوندی و برتری و اسلام او را می دانی و من از خدا خواسته ام که تو را به ازدواج بهترین و محبوب ترین مخلوقاتش درآورد. او از تو خواستگاری کرده است. نظرت چیست؟

فاطمه علیها السلام ساکت شد و صورت خود را باز نگرداند و پیامبر نیز او را ناراحت ندید، حضرت صلی الله علیه و آله و سلم برخاست و فرمود: اللّه اکبر سکوت او نشانهٔ قبول است... . (۲)

۱- (۱) . عیون اخبار الرضا علیه السلام ، ج ۱، ص ۱۷۷، ح ۳؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۹۲، ح ۳.
۲- (۲) . امالی طوسی ، ج ۱، ص ۳۷؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۹۳، ح ۴.

بـا اینکه شخصـیت علی علیه السـلام شـناخته شـده بود پیـامبر با بیان فضائل علی علیه السـلام در پی رضایت کامل فاطمه علیها السـلام بود، و این درسی است که مسلمانان همراه اهتمام برای تربیت صحیح فرزندان، در وقت ازدواج به فرزندان خویش حق انتخاب دهند تا آنان با رضایت کامل با شخص مورد نظر ازدواج کنند.

مهریه و وسائل منزل

مهر فاطمه علیها السلام پانصد درهم بوده است. (۱) در حدیثی از امام باقر علیه السلام آمده است:

پیشـکش فـاطمه علیهـا السـلام از سوی علی علیه السـلام یـک پنجم دنیا و یک سوم بهشت و چهار نهر بر روی زمین قرار داده شد؛ فرات، نیل در مصر و نهروان و نهر بلخ، و خداوند به پیامبر دستور داد: او را به پانصد درهم تزویج کن تا روشی برای امت تو باشد. (۲)برای تهیه وسائل منزل، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود: زره خود را بفروش.

علی علیه السـلام نیز همین کار را انجام داد و پول را نزد پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم آورد، حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله و سـلم بلاـل را خواست، بخشـی از پول را به او داد و فرمود برای فاطمه علیها السـلام عطر تهیه کن. و به برخی دیگر برای خرید لباس، و اثاثیه منزل پول دادند.

۱- (۱) . منـاقب آل ابی طـالب ، ج ۳، ص ۳۵۱؛ بحارالأـنوار ، ج ۴۳، ص۱۱۲. پانصد درهم در مناقب صـحیح تر دانسـته شده است، اگر چه ۴۸۰ درهم و ۴۰۰ مثقال نقره نیز ذکر شده است.

۲- (۲) . بحارالأنوار ، ج ۴۳، ص ۱۱۳، به نقل از کتاب الجلاء والشفاء . «عن الباقر علیه السلام : وَجُعِلَتْ نِحْلَتَها مِن علیّ خُمس الـدُّنیا وَثُلث الجَنَّهِ وَجُعِلَتْ لَهـا فِی الأرضِ أربَعَه أنْهارٍ الفُرات، وَنیل مِصـر وَنَهرَوان وَنهر بَلْـخ. فَزَوِّجْها أنْتَ یا مُحَمّـد بِخَمْسـمِأه دِرهَم تَکُون سُنَّهً لأُمَّتِک. قیلَ: لِلنَّبی صلی الله علیه و آله قَدْ عَلِمْنا مهرَ فاطِمه فی الأرضِ فَما مَهرها فی السَّماءِ؟... قال: کانَ مهرُها فی السَّماء خُمسَ الأرضِ فَمَنْ مَشـی عَلیها مُبغضاً لَها وَلِوَلـدها، مَشـی عَلَیْها حَراماً إلی انْ تَقُوم السَّاعَه» . (مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۵۱).

وسایلی که برای منزل فاطمه علیها السلام تهیه شد، عبارت بودند از:

۱. پیراهن به قیمت هفت درهم

۲. رو سری به قیمت ۴ درهم

۳. رو انداز مخمل خیبری سیاه رنگ

۴. تختی که پایه هایش مزیّن به برگ خرمای بافته شده بود.

۵ . دو تشک از کتان مصری که درون یکی لیف خرما و درون دیگری از پشم گوسفند بود.

۶. چهار متکای پوست طائف که درونش گیاه خوشبوی اذخر قرار داشت.

۷. پرده ای پشمین

۸ . بوریای یمنی

۹. آسیاب دستی

۱۰. ظرف رختشوی مسی

۱۱. مشکی از پوست

۱۲. کاسهٔ بزرگ برای شیر

۱۳. مشکی کهنه برای آب

۱۴. آفتابه

۱۵. کوزه گلی سبزرنگ

۱۶. کوزه های سفالی. (۱)از نکات آموزنده در ازدواج فاطمه زهرا علیها السلام برای افراد با ایمان، وسائل بسیار اندک زندگی است که نشان می دهد بزرگی آدمی به هیچ وجه در دارایی های مادی نهفته نیست. بدیهی است هیچ کس نمی تواند خود را در رتبه مقایسه با معصومین قرار دهند،

۱- (۱) . امالی طوسی ، ج ۱، ص ۳۹؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۹۴، ح ۵.

امّا هرکس می تواند به تناسب، به آن بزرگواران شبیه گشته و آنها را اسوهٔ خویش قرار دهد.

مهریهٔ اندک آن حضرت علیها السلام نیز الگوی دیگری است که در دستورات مورد تشویق قرار گرفته است. (۱)نکته دیگر اینکه آنچه در هم شأنی و در ابعاد دیگر در ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام مورد توجه قرار گرفته است فضائل انسانی و درجه تقرب به خدای متعال است که پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در معرفی علی علیه السلام برای فاطمه علیها السلام این فضیلت ها را بازگو می نماید.

امام صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که فاطمه به خانهٔ علی علیه السلام رفت، جای خواب آن دو پوست گوسفندی بود که هنگام خواب آن را بر می گرداندند و بر پشم آن می خوابیدند، بالش آنان نیز پوستی بود که درونش لیف خرما قرار داشت. (۲)در عوض از این خانهٔ محقر و بی آلایش آثار و برکات مادی و معنوی در جهان انتشار یافت که در بخش های دیگر در توضیح تعبیر مبارکه و دیگر تعبیرات به آن اشاره خواهد شد.

۱- (۱) . من لا یحضره الفقیه ، ج ۳، ص ۳۸۵، ح ۴۳۵۹؛ وسائل الشیعه ، ج ۲۱، ص ۲۵۱، ح ۹. امام صادق علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل فرمود: « أفضلُ نِساء أُمَّتی أصبَحهُنّ وَجْهاً وَأَقَلهُنَّ مَهْراً ...»؛ بهترین زنان امت من خوش سیماترین آنها و کسانی که مهریه آنان کم است می باشند.
۲- (۲) . قرب الاسناد ، ص ۱۱۲، ح ۳۸۸؛بحارالأنوار ، ج ۴۳، ص ۱۰۴، ح ۱۴. «عَن جَعفَر عَن أبیه علیهما السلام قال: کانَ فراشُ علی وفاطِمه حینَ دَخلتْ عَلیهِ إهابَ کَبشٍ إذا أرادا أنْ یَناما عَلیهِ قَلَباهُ فناما علی صُوفِهِ قال: وَکانَتْ وَسادَتهُما أدماً حَشْوُهالیفٌ ».

همسرداری

پس از ازدواج این دو نور، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به خانهٔ آنان آمد و سفارش هایی به آنان کرد، از جمله به دختر خود فرمود:

یا بُنَیَّه نِعْمَ الزَّوج زوجک لاتَعصی لَه أمراً؛

دخترم! شوهرت خوب شوهری است. او را نافرمانی نکن.

سپس رو به امیر مؤمنان علی علیه السلام کرد و فرمود:

اُدخُلْ بَیتَکَ وَالْطفْ بِزَوجَتِکَ وَارْفِقْ بِها، فَإنَّ فاطِمَهَ بَضعَهٌ مِنّی...؛

به خانه ات داخل شو و با همسرت خوشرفتاری کن و به او مهربان باش که فاطمه پارهٔ تن من است... .

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

به خدا سوگند تا آن هنگام که فاطمه علیها السلام از دنیا رفت، او را به خشم نیاوردم و او را وادار به انجام کاری نکردم، او نیز مرا به خشم نیاورد و دستوری از من سرپیچی ننمود. من به او می نگریستم و ناراحتی ها و غصه ها از من زدوده می شد. (۱)با الگویی این چنین در زندگی زناشویی، آیا بازهم شاهد ناراحتی های عصبی، درگیری ها، و تیرگی ها و خدای ناکرده طلاق خواهیم بود؟ و آیا فرزندانی که در چنین محیط آرام و پر مهری پرورش یافته اند با فرزندانی که در زندگی های الگو گرفته از غرب تربیت می شوند یکسانند؟ کدامیک بهتر می توانند به اجتماع خویش بهتر خدمت نماید؟

۱- (۱) . مناقب خوارزمی ، ص ۳۵۳ و ۳۵۴؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۳۴. «قال علیٌ علیه السلام فَوَاللّهِ ما أغضَبتُها وَلا أکرهتُها عَلی أمرٍ حتّی قَبضَها اللّه عَزَّ وَجلّ ولا أغضبَتْنی وَلا عَصتْ لی أمراً وَلقدْ کنتُ أنظر إلَیها فَتنکَشِفُ عَنّی الهمُومُ وَالأحزانُ ».

وجود تفاهم سبب نشاط زن و مرد و فرزندان و شیرینی زندگی است، گرچه دارایی اندک باشد.

احادیثی که - بیشتر از کتب اهل سنت - نقل شده و حاکی از اختلاف میان این دو نور است را نمی توان تأیید کرد و در صورتی که صدور آنها قطعی باشد، همان گونه که مجلسی رحمه الله نیز در ذیل این گونه احادیث توضیحاتی آورده اند، تأویل می شود. (۱)

تقسیم کار

امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیهما السلام نقل فرمود:

علی و فاطمه علیهما السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دربارهٔ انجام کارهای روزمره راهنمایی خواستند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم انجام کارهای درون خانه را به فاطمه علیها السلام و کارهای بیرون خانه را به علی علیه السلام واگذار کرد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

فاطمه علیها السلام فرمود: جز خدا کسی نمی داند من چه اندازه شاد شدم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مرا از انجام کارهایی که به عهدهٔ مردان است معاف نمود. ۲بدیهی است مواردی که عهده گرفتن کارهای اجتماعی از سوی زنان ضرورت دارد، استثنا است.

۱- (۱) . بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۴۶.

الشَّجَرَهُ الزَّيتُونَهُ: (۱) درخت زیتون

زیتون درختی است همیشه سبز و از محصولات گرمسیر، و نـام میوهٔ آن نیز زیتون است. پس از چهـار سـال میوه می دهـد... چوبش سـخت و مقـاوم دارای سود بسـیار و عمر طولانی است بگونه ای که هزار سال می گـذرد هنوز میوه می دهـد، درخت پیوسته سبز ناحیهٔ مدیترانه. از مدتی پیش از دورهٔ مسیح، ساقه و برگش نشانه صلح بوده است. روغن زیتون نافع و هرچند کهنه شود قویـتر شود... . (۲)نـام این درخت بـا اسـتحکام که میوهٔ آن نیز برکتهای بسـیار دارد در قرآن آمـده و به آن قسم یاد شـده است: «وَالتِّینِ وَالزَّیتُون» (۳)، و در موارد دیگر نیز نام آن ذکر گردیده است. ۴در جای دیگر در توصیف آن آمده است:

درختی از طور سینا ۵ به وجود آوردیم تا برای شما روغن (چراغ) و نان خورش باشد. ۶در جای دیگر خداوند در توصیف نور الهی می فرماید:

خداوند نور آسمانها و زمین است، مَثَل نور او همانند جای چراغ است که در آن چراغی و آن چراغ در شیشه ای است، گویی آن شیشه اختری درخشان است

ص:۳۲

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۱۱۳.

۲- (۲) . برگرفته از لغتنامه دهخدا ، ج ۸، ص ۱۱۵۱۴.

۳- (۳) . تین: ۱.

که از درخت بابرکت زیتونی نور گرفته است که نه شرقی و نه غربی است.

(روغنش چنان صاف و خالص است که) نزدیک است بدون تماس با آتش شعله ور شود، نوری است برفراز نور. (۱)زیتون غذای پیامبران و نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از بهترین نان خورشها بوده است و امیر مؤمنان از آن بسیار تناول می کرده و نقل است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: زیتون بخورید و به بدن خود بمالید که آن درخت مبارکی است... . (۲)تعبیر شجرهٔ زیتونه در بارهٔ حضرت علیها السلام با توجه به ماندگاری درخت زیتون و با برکت بودن آن برای همه، و نیز روشنایی بخشی ویژه اش، و شادابی و خرمی آن در مدت طولانی بسیار پر معناست و اشاره دارد که آن حضرت علیها السلام درخت شادابی است که تمامی عالم وجود از آن بهره مند می گردند و از نور او روشنایی می گیرند و نسل مبارك امامان معصوم علیهم السلام که هادیان امت و تا روز قیامت حافظان از گمراهی اند، از آن وجود مبارک است.

النَّبعَهُ النَّبَوِیَّهُ النّاضِرَهُ: (۳) درخت شاداب نبوت

نبع درختی است که از آن تیر و کمان می سازند و در قلهٔ کوه می روید. این واژه برای تبار نیز بکار می رود گویند: «هو من نبعه کریمه» یعنی او از تبار بزرگان است.

حضرت فاطمهٔ زهرا علیها السلام تبار زیبای نبوت است. او سبب استمرار هدایت و حافظ نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، امامان معصوم علیهم السلام فرزندان اویند، و آن حضرت همانند درختی

ص:۳۳

۱- (۱) . «اللّهُ نُورُ السَّمواتِ وَالأرض، مَثَلُ نُورِهِ کَمِشْکاه فیها مصباحٌ، المصباحُ فی زُجاجَه، الزُّجاجَهُ کأنَّها کَوکَبٌ دُرّی یُوقَدُ مِن شَجَره مبارَکَه زیتُونه لاشَرقیّه ولا غَربیّه...» (نور: ۳۵).

۲- (۲) . بحارالأنوار ، ج ۶۲، ص ۲۸۲.

۳- (۳) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۱۱۲. «النبع: شجر ینبت فی قلّه الجبل تُتَّخذ منه القسیّ والسهام، یقال هو من نبعه کریمه ماجد الأصل». (المعجم الوسیط ، ج ۲، ص ۹۰۵).

شاداب است که شاخه ها و برگ هایش گسترده شده است و در هر زمان به فرمان پروردگارش میوه می دهد.

سخنی پـاک همچون درختی پاک است، ریشـهٔ آن اسـتوار و شاخه های آن در آسـمان است و هر زمان به فرمان پروردگارش میوه می دهد. (۱)دربـارهٔ این آیه امام باقر علیه السـلام فرمود: پیامبر درخت و شاخـهٔ درخت، علی بن ابی طالب علیه السـلام و شاخـهٔ ظریف آن فاطمه دختر رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم و فرزندانش میوه های آن، و شـیعیان ما برگ های آنند، سپس فرمود: وقـتی مؤمنی از شـیعیان مـا می میرد از آن درخت برگی فرو می افتـد، و چون فرزنـدی از شـیعیان مـا به دنیـا آید درخت برگی می رویاند. (۲)تعابیری که به صورت کنیه برای حضرتش ذکر شده است نیز به این نکته که او تبار شاداب نبوت است و امامان هدایت گر از نسل فاطمه علیها السلام هستند اشاره دارد، همچون:

أُمُّ الأَئِمَّهِ الطّاهِرِینَ: (۳) مادر امامان پاک

أُمُّ الأَئِمَّهِ البَرَرَهِ: (۴) مادر امامان نیکوکار

أُمُّ الأَئِمَّهِ: (۵) مادر امامان

۱- (۱) . «کَلِمَهً طَیِّبَهً کَشَجَرَهٍ طَیِّبَهٍ أصلُها ثابِتٌ وَفَرعُها فِی السَّماءِ تُؤْتِی أُکُلَها کُلَّ حِینٍ بِإذْنِ رَبِّها» (ابراهیم: ۲۴ و ۲۵).

۲- (۲) . معانی الأخبار ، ص ۴۰۰، ح ۶۱؛ نور الثقلین ، ج ۲، ص ۵۳۶، ح ۵۸. «عَن جابِرِ الجُعفی قال: سَألتُ أبا جَعفر محمّدَ بن عَلیّ الباقِرِ علیهما السلام عَنْ قَولِ اللّه عَزَّ وَجلّ «کَشَجَرَهٍ طَیِّبَهٍ...» قالَ: أمّا الشَّجَرَهُ فَرَسُول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم وفَرْعُها علی علیه السلام وَغُصنُ الشَّجَرَهِ فـاطِمَهُ علیها السلام بِنْت رَسُولِ اللّه صلی الله علیه و آله و سلم وَثَمَرُها أولادُها علیهم السلام وَوَرَقُها شِیعَتُنا، ثُمَّ قالَ: إنَّ المُؤمِنَ مِنْ شِیعَتِنا لِیَمُوتُ فیَسـقُطُ مِنَ الشَّجَرَهِ وَرقَهٌ، وَإنَّ المُولُودَ مِنْ شِیعَتِنا لَیُولَدُ فتُورق الشَّجَرهُ ورَقَهً.»

۳- (۳) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۱۶۷ و ۲۲۲.

۴- (۴) . همان، ج ۵، ص ۱۱۲.

۵- (۵) . همان، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ج ۵، ص ۱۶۸.

أُمُّ أَئِمَّهِ الهُدَی: (۱) مادر امامان هدایت

أُمُّ الأَئِمَّهِ الهادِینَ: (۲) مادر امامان هدایت گر

أُمُّ السّادَهِ الأئِمَّهِ: (۳) مادر امامان سرور

أُمُّ الأئِمَّهِ النُّجَباءِ: (۴) مادر امامان بزرگوار

والِدَهُ الأئِمَّهِ المَهدِیِّینَ (۵)، وَالِدَهُ الأئِمَّهِ: (۶) مادر امامان هدایت شده

أُمُّ أحِبّائِکَ وَأَصْفِیائِکَ: (۷) مادر دوستداران و برگزیدگان تو (خدا)

در تعابیر دیگری از زیارات، نام فرزندان فاطمه علیها السلام ذکر شده است و به این صورت جلوهٔ دیگری از علو مقام و بزرگی آن حضرت مورد اشاره قرار گرفته است، یعنی تو بانویی هستی که فرزندانی مانند امام حسن و امام حسین علیهما السلام در دامن تو تربیت شده اند:

أُمُّ الحَسَنِ وَالحُسَینِ علیهما السلام : (۸) مادر امام حسن و امام حسین علیهما السلام

أُمُّ السِّبطَینِ الحَسَنِ وَالحُسَینِ علیهما السلام سَیِّدَی شَبابِ أهلِ الجَنَّهِ: (۹) مادر دو نوهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم حسن و حسین، دو سرور جوانان بهشت

که این تعبیر به سخنی از پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم درباره آن دو امام اشاره دارد؛ الحسن والحسین سیدا شباب أهل الجنه. (۱۰)

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ج ۵، ص ۱۴۵.

۲- (۲) . همان، ج ۵، ص ۶۷.

۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۲۸۱.

۴- (۴) . همان، ج ۱، ص ۲۸۲.

۵- (۵) . همان، ج ۴، ص ۲۰۲.

۶- (۶) . همان، ج ۲، ص ۲۱۶.

۷- (۷) . همان، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ج ۵، ص ۱۴۵.

۸- (۸) . همان، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰ و ۲۸۵؛ ج ۵، ص ۱۲۵.

۹- (۹) . همان، ج ۳، ص ۲۷۹؛ ج ۴، ص ۱۲۴.

۱۰- (۱۰) . کشف الغمه ، ج ۲، ص ۱۵۹.

[ام الائمه المعصومین] : (۱) مادر امامان معصوم

کنیهٔ دیگری که در زیارات نیامده است؛

در پایان این قسمت به برخی از کنیه های دیگر حضرت علیها السلام که در زیارت ها نیامده اشاره می گردد:

[ام اسماء] : (۲) مادر اسماء

علامهٔ مجلسی از کتاب معرفه الصحابه نقل می کند که (۳) گفته اند؛ کنیه او ام اسماء بوده.

[ام الهناء] : (۴) مادر گوارایی

این کنیه در منظومهٔ شیخ حر عاملی مورد اشاره قرار گرفته است. (۵) واژه هنیء به معنی گواراست. در قرآن نیز فکلوه هنیئاً مریئاً (۶) آمده است.

برخی کنیه های دیگر عبارتند از: ام الریحانتین، ام المحسن، ام الخیره، ام الازهار، ام الاخیار و ام النجباء

۱- (۱) . الخصائص الفاطمیه ، ج ۱، ص ۱۲۵. علامهٔ مجلسی می آورد؛ می توان آن بزرگواران را با اوصاف و القابی که دوستداران در مقام ستایش و بزرگداشت به کار می برند، مورد خطاب قرار داد، مگر آنکه مخالف تصریح خود آن بزرگواران باشد، بنابراین می توان علاوه بر کنیه های مذکور (با ریختن صفتهای ویژه آنان در قالب کنیه) هزاران کنیه ساخت و این کنیه ها را در مقام خطاب بکار برد.

۲- (۲) . الخصائص الفاطمیه ، ج ۱، ص ۱۱۶.

۳- (۳) . بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۸، ح ۱۲، باب ۱. عن کتاب معرفه الصحابه و الخصائص الفاطمیه ، ج ۱، ص ۱۱۶. « ...وکانت فیما قیل تکنی ام اسماء ».

۴- (۴) . الخصائص الفاطمیه ، ج ۱، ص ۱۱۷.

۵- (۵) . وقد رووا کنیتها ام الهنا ام الائمه الهداه الأمنا

۶- (۶) . نساء: ۴.

نام فرزندان فاطمه علیها السلام

مشهور است که از فاطمه زهرا علیها السلام چهار فرزند باقی ماند و یک فرزند نیز پیش از تولد به شهادت رسید.

امام حسن مجتبی علیه السلام نخستین فرزند آن حضرت است که در رمضان سال سوم هجری متولد شد. (۱)در ماه شعبان سال چهارم هجری (۲) ولادت امام حسین علیه السلام گرمی تازه ای به خانهٔ علی علیه السلام و فاطمهٔ زهرا علیها السلام بخشید.

حضرت زینب علیها السلام الگوی فداکاری و تحمل مصائب و صبر، فرزند سوّم آن حضرت است. تولد زینب علیها السلام را در پنجم جمادی الاولی سال پنجم هجری ذکر کرده اند. (۳) شوهر ایشان عبداللّه بن جعفر طیار بود.

پس از او حضرت ام کلثوم که در همهٔ مشکلات و مصیبت ها شریک خواهر بزرگوارش بود و در فضیلت و فصاحت و بلاغت پس از زینب کبری قرار داشت، در سال هفتم هجری دیده به جهان گشود. شوهر او عون بن جعفر بود. (۴)فرزند دیگری که پیش از به دنیا آمدن به شهادت رسید محسن نام داشت که در بخشهای آینده دربارهٔ شهادت آن مظلوم سخن خواهد آمد.

ص:۳۷

۱- (۱) . اگر چه در سال دوم هجری نیز ولادت آن حضرت نقل شده است، اما مرحوم اربلی اصح اقوال را در نیمه رمضان سال سوم هجری، در مدینه دانسته است. (کشف الغمه ، ج ۲، ص ۱۴۰؛دلائل الامامه ، ص ۶۰؛ اعلام الوری ، ج ۱، ص ۴۰۲).

۲- (۲) . کشف الغمه ، ج ۲، ص ۲۱۵؛اعلام الوری ، ج ۱، ص۴۲۰. تولد حضرت علیه السلام در سال سوم هجری نیز نقل شده است.

۳- (۳) . فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفی ، ص ۶۳۴. در تولد آن حضرت، شعبان سال ششم هجری و اقوال دیگرنیز ذکر شده است.

۴- (۴) . فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفی ، ص ۶۵۰.

[ام المحسن] : (۱) مادر محسن

این کنیه نیز در غیر زیارات برای حضرتش علیها السلام بکار رفته است.

بنابر روایات ،علی و فاطمه علیهما السلام نام گذاری فرزندان خود را به پیامبر صلی الله علیه و آله واگذار کردند و آن حضرت این نامها را برایشان برگزید.

به مناسبت به یکی دیگر از القاب حضرت علیها السلام که در زیارت ها ذکر نشده است اشاره می شود:

[حانیه] : (۲) مهربان نسبت به فرزندان

زنی که نسبت به فرزندان به گونه ای مهربان باشد که از شدت محبت به آنان پس از مرگ پدر شان ازدواج نکند، حانیه خوانده می شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله در مدح زنان قریش فرمود: احناه علی ولد؛ آنان مهربانترین زنان نسبت به فرزندان خودمی باشند، این صفت کمال نیز در فاطمه زهرا علیها السلام بارز بود.

۱- (۱) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۵۷؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۶.
۲- (۲) . الخصائص الفاطمیه ، ج ۱، ص ۱۹۸. «حناه یحنو: عطفه... والمرأه علی اولادها حنوّاً: عطفت واقامت علیهم ولم تتزوج بعد ابیهم». (اقرب الموارد ، ج ۱، ص ۲۴۱).

بخش دوم: مقام بلند و سروری

اشاره

ص:۳۹

شخصیّت فاطمه علیها السلام در پرتو اسماء اوصاف و القاب

نامها، القـاب و کنیه هـای معصومین علیهم السـلام هریـک برگرفته از واقعیـاتی هسـتند و از ابعاد و آثار وجودی آنان حکایت دارند. بررسـی اسماء و القاب حضرت فاطمه علیها السلام و تأمل در آنها نیز ما را در شناختن آن حضرت یاری می رساند. این قسمت به بیان و بررسی این اسماء و القاب اختصاص یافته است.

فاطِمَه (۱)

فـاطمه یکی از مشـهورترین اسـامی حضـرت علیهـا السـلام است که از معـانی بلنـدی حکـایت دارد. این نام همراه صـفاتی که توضیح بیشتری دربارهٔ حضرتش علیها السلام را می رساند نیز در زیارات آمده است مانند:

فاطِمَةُ الزّهراءُ علیها السلام . (۲)

فاطِمَةُ بِنتُ مُحَمَّدٍ: (۳) فاطمه دختر محمد

۱- (۱) . موسوعه زیـارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۲؛ ج ۲، ص ۲۵۵، ۲۸۱، ۳۰۵، ۳۸۶؛ ج ۳، ص ۴۰؛ ج ۵، ص ۴۰، ۹۹، ۱۱۸، ۱۴۵، ۱۶۰، ۱۶۷، ۲۲۲، ۲۲۷، ۲۲۸. «فطم الحبل: قطعه، والمرضع الرضیعَ: فصلته عن الرضاع، و الرجل عن عادته: قطعه عنها». (اقرب الموارد ، ج ۲، ص ۹۳۳).

۲- (۲) . همـان، ج ۱، ص ۲۸۱، ۲۸۲ و ۲۸۶؛ ج ۲، ص ۱۹۱، ۱۹۵ و ۲۴۹؛ ج ۳، ص ۴۱۸، ۵۰۸؛ ج ۵، ص ۶۷، ۱۰۲ و ۱۱۲. درباره واژهٔ زهرا توضیح خواهد آمد.

۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۲۸۶.

فاطِمَهُ بِنتُ الرَّسُولِ: (۱) فاطمه دختر فرستاده [خدا]

فاطِمَهُ البَتُولُ: (۲) فاطمهٔ جدا شده از خلق

فاطِمَهُ الکُبرَی: (۳) فاطمهٔ بزرگتر

فاطِمَهُ الانْفِطامِ (الأفطام): (۴) فاطمهٔ جدا شده (از جهل و شرک و بدی)

این اسم در کلام معصومین علیهم السلام بیانگر برخی جلوه های شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام است که در ذیل اشاره می شود:

الف) نام فاطمه برگرفته از نام خداوند است، زیرا فاطر از نام های خداوند است و فاطمه برگرفته از فاطر است امام علی بن الحسین علیه السلام فرمود:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود و امیر مؤمنان علی و فاطمه زهرا و امام حسن و امام حسین علیهم السلام نیز گرد او بودند. پیامبر فرمود: قسم به آنکس که مرا پیامبری بشارت دهنده مبعوث کرد، خداوند بر روی زمین آفریده ای دوست داشتنی تر از ما و بزرگوارتر خلق ننمود، خداوند تبارک و تعالی برای من نامی از نام های خود جدا کرد، او محمود است و من محمد. نامی نیز برای تو ای علی علیه السلام جدا نمود او علی اعلی است و نام تو علی است، نامی نیز برای تو ای حسن جدا نمود، نام او محسن است و نام تو حسن و نامی نیز برای تو ای حسین از نامهای خود جدا نمود او دارای احسان است و تو حسینی و ای فاطمه نامی نیز برای تو از نام های خود جدا نمود، نام او فاطر است و نام تو فاطمه.

سپس گفت: خدایا تو را شاهد می گیرم من با کسی که با آنها در صلح باشد صلح

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۷.

۲- (۲) . همان، ج ۱، ص ۲۸۷. دربارهٔ واژه بتول در بخشهای آینده توضیح خواهد آمد.

۳- (۳) . همان، ج ۵، ص ۱۱۲ و ۱۲۵.

۴- (۴) . همان، ج ۵، ص ۱۰۳ «افطم الرضیع: دخل فی وقت الانفطام و حان له ان یفطم، انفطم: مطاوع فطم». (اقرب الموارد ، ج ۲، ص ۹۳۳).

هستم و با جنگ کننده با آنان در جنگم و کسی که آنها را دوست دارد دوست می دارم و بر کسی که به آنان خشم گیرد خشمگینم و با کسی که با آنان دشمن باشد دشمنم و با هر کس با آنان دوستی داشته باشد دوستم زیرا آنها از من و من از آنانم. (۱)ب) حضرتش علیها السلام فاطمه نام گذاری شده است زیرا او و دوستدارانش از آتش جهنم باز داشته شده اند. (۲)امام رضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل فرمود: دخترم را به این سبب فاطمه نام نهادم زیرا خداوند عز و جل او و دوستدارانش را از آتش جهنم بازداشته است. (۳)

۱- (۱) . معانی الأخبار ، ص ۵۵، ح ۳؛ بحارالانوار ، ج ۳۷، ص ۴۷، ح ۲۳؛ ج ۴۳، ص ۱۵، ح ۱۳. « كانَ رَسُولُ اللّه ذاتَ يَوم جالِساً وَعِندَهُ عليٌّ وفاطِمَه وَالحسنُ والحسينُ عليهم السلام ، فَقال: وَالّذى بَعَثَنى بِالْحَقِّ بَشِيراً، ما عَلى وَجْهِ الأرضِ خلقٌ أحَبُّ إلى اللّهِ عَزَّ وَجَلّ وَلا أكرَم عَليهِ مِنّا، إنَّ اللّه تَبارَك وتَعالى شَقَّ لىّ اسْماً مِنْ أسْمائِهِ، فَهُوَ مَحمُود وَأنَا مُحَمَّدٌ، وَشَقَّ لَكَ يا عَليُّ اسْماً مِنْ أسْمائِهِ، فَهُوَ الْعَلىُّ الأعلى وأنتَ عَليٌّ، وَشَقَّ لَكَ يا حَسنُ اسْماً مِنْ أسْمائِهِ، فَهوَ المُحْسِنُ وَأنتَ حَسَن، وَشَقَّ لَكَ يا حُسَينُ اسْماً مِنْ أسْمائِهِ فَهُوَ ذُو الإحْسانِ وَأنتَ حُسَين، وَشَقَّ لَكَ يا فاطِمَهُ اسْماً مِنْ أسْمائِهِ فَهُوَ الْفاطِرُ وَأنتِ فاطِمَهُ. ثُمَّ قالَ صلی الله علیه و آله و سلم : أللّهُمَّ إنّى أُشْهِدُك أنّى سِلْمٌ لِمَن سالَمَهُم، وَحَربٌ لِمَن حارَبَهُم، وَمُحِبٌّ لِمَن أحَبَّهُم، وَمُبغضٌ لِمَن أبْغَضَهُم، وَعَدُوٌّ لِمَن عاداهُم، وَوَلِيٌّ لِمَن والاهُم، لأنَّهم مِنّى وأنَا مِنْهُم ».

۲- (۲) . بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۲، ح ۳، ۱۲ و ۱۴.

۳- (۳) . عیون الاخبار ، ج ۲، ص ۴۶، ح ۱۷۴؛علل الشرایع ، ص ۱۷۸، ح ۱؛کشف الغمه ، ج ۲، ص ۸۹؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۲، ح ۳ و ۴، ص ۱۴، ح ۱۱، ص ۱۵ ح ۱۲ و ۱۴، ص ۱۸، ح ۱۸؛ فضائل الخمسه ، ج ۳، ص ۱۲۶به نقل از ذخائر العقبی ، ص ۲۶؛کنز العمال ، ج ۶، ص ۲۱۹. « عَنِ الرِّضا علیه السلام قالَ: قالَ رَسُول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم : إنّى سَمّيتُ ابنَتى فاطِمَه لانّ اللّه عَزَّ وَجَلّ فَطَمها وَفَطَم مَنْ أحَبَّها مِنَ النّارِ ». علامهٔ مجلسی درباره این معنی می آورد؛ توهّم نشود که با این وجه تسمیه حضرتش علیها السلام می بایست مفطومه نامگذاری می شد، چرا که بسیار در کلام عرب فاعل به معنای مفعول می آید مثل «سرٌ کاتم» و «مکان عامر» و در قرآن «عیشه راضیه» و «ماء دافق» آمده است و بسا که «فطم» لازم هم استعمال شود. (بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۴ ذیل ح ۱۰).

در برخی روایات آمده است فاطمه نام گذاری شد زیرا او و ذریه اش از آتش جهنم بازداشته شده اند. (۱)ج) او فاطمه نام گرفته است چون با وجود حضرتش طمع افراد از وراثت امر (ولایت) قطع شده است.

امام کاظم علیه السلام از عبداللّه بن حسن پرسید:

چرا فاطمه فاطمه نامیده شد؟ او پاسخ داد تا میان آن اسم و اسم های دیگر تفاوت باشد، فرمود: فاطمه هم از اسماء بود [و قبلاً نامگذاری می شد] امّا این اسم به این سبب گذارده شد که خدای تبارک و تعالی هر چیز را پیش از بودن آن می دانست و می دانست پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان قبیله ها ازدواج خواهد نمود و آنها در جانشینی این امر (رهبری) طمع خواهند کرد، وقتی فاطمه علیها السلام متولد شد خداوند تبارک و تعالی به سبب خیری که از او ظاهر کرد و آن چه در میان فرزندان او قرار داد او را فاطمه نامید، پس میان آن افراد و طمع شان جدایی انداخت. فاطمه علیه السلام به این سبب فاطمه نامیده شد.

چون او طمع آنان را قطع کرد. (۲)د) سبب نامگذاری او به فاطمه این است که خداوند او را آن چنان دانش آموخته است که از دانش دیگران بی نیاز است.

۱- (۱) . بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۸، ح ۱۸.

۲- (۲) . علل الشرایع ، ص ۱۷۸، ح ۲؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۳، ح ۷؛مرآه العقول ، ج ۵، ص ۳۴۴. «لِمَ سُمیَّت فاطِمَهُ فاطِمَهً قُلتُ فَرقاً بینَه وَبَینَ الأسْماءِ قال: إنّ ذلک لَمِنَ الأسماءِ وَلکنَّ الإسمَ الّذی سُمِّیت بِهِ انَّ اللّهَ تَبارَکَ وَتَعالی عَلِمَ ما کانَ قبلَ کونِهِ، فَعلِم أنَّ رَسُولَ اللّه صلی الله علیه و آله و سلم یَتزوّجُ فی الأحیاء وَأَنَّهُمْ یَطمعُونَ فی وراثَهِ هذا الأمْر فیهم مِنْ قبلِهِ، فَلَمّا وُلدتْ فاطِمَه سمّاها اللّه تَبارَکَ وَتعالی فاطِمَه لِمّا أخْرَج مِنْها وَجَعلَ فی ولدِها فقَطَعَهُم عَمّا طَمَعُوا، فَبِهذا سُمّیتْ فاطمهُ فاطمهً لأنَّها فَطَمَتْ طَمعَهُم ».

امام باقر علیه السلام فرمودند:

وقتی فاطمه علیها السلام متولّد شد، خدای عزّ و جلّ به فرشته ای وحی نمود و او زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به گردش درآورد و نام حضرتش را فاطمه گذارد سپس [خطاب به فاطمه علیها السلام] فرمود: من تو را با دانش ممتاز کردم [بی نیاز از دانش دیگران نمودم] و از آلودگی جدایت کردم.

امام باقر علیه السلام پس از این فرمود: به خدا سوگند خدای تبارک و تعالی به هنگام میثاق او را با دانش بی نیاز و از آلودگی زنانه جدا نمود. (۱)ه) علت نامگذاری حضرتش به فاطمه علیها السلام این است که او از بدی جدا است.

امام صادق علیه السلام به یکی از دوستداران فرمود:

می دانی تفسیر فاطمه چیست؟ گفتم: مولایم به من بگو. فرمود او از شرّ و بدی جدا گردیده است. (۲)و) او فاطمه نامیده شد زیرا از شرک منقطع است؛

ص:۴۵

۱- (۱) . کافی ، ج ۱، ص ۴۶۰، ح ۶؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۳، ح ۹. «عَنْ أبی جَعْفَر علیه السلام : قَالَ: لَمّا وُلِدَتْ فاطمه علیها السلام : أوحی اللّه عزّ وجلّ إلی مَلَک (فانطَلَقَ) فأنطق به لسانَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم فَسمّاها فاطِمَه. ثُمَّ قال: إنّی فَطَمتُکِ بالعِلْم وَفَطَمتُکِ من الطَّمْث، ثُمَّ قال أبُو جَعفر علیه السلام : وَاللّهِ لَقَد فَطَمها اللّهُ تَبارَکَ وَتَعالی بِالعِلْمِ وَعَنِ الطَّمثِ فی المیثاقِ ». علامه مجلسی در توضیح این حدیث آورده اند: «فطمتک بالعلم» یعنی تو را به سبب دانش از نادانی جدا کردم، یا اینکه از شیر گرفته شدن تو را همراه با علم قرار دادم، کنایه از اینکه در ابتدای خلقتش عالم به علوم ربّانی بوده است. یا اینکه منظور این باشد، که تو را با علم شیر نوشانیدم تا بی نیاز شدی و جدا گردیدی، و در هر یک از تقادیر گذشته فاعل به معنای مفعول است یا به باب تفعیل قرائت شود یعنی تو را آن گونه قرار دادم که مردم را از نادانی جدا می کنی. وقتی او را خداوند از جهل جدا کرد فاطمه علیها السلام نیز مردم را جدا می کند. (مرآه العقول ، ج ۵، ص ۳۴۴).

۲- (۲) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۳۰؛مرآه العقول ، ج ۵، ص ۳۴۴؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۶. «تدری ایّ شئ تفسیر فاطمه؟ قلت اخبرنی یا سیدی قال: فطمت من الشّر ».

امام صادق علیه السلام فرمود:

فاطمه علیها السلام دارای نُه اسم است، فاطمه، صدیقه، مبارکه، طاهره، زکیه، راضیه، رضیه، محدثه، و زهرا، سپس به راوی فرمود: می دانی تفسیر فاطمه چیست؟ گفتم: از چه چیز باز داشته شده سرورم؟ فرمود: از شرک. (۱)البَتولُ (۲) وَالبَتُولَهُ: (۳) بریده از غیر

بتول از دیگر نام های ذکر شده در زیارات است. این اسم برای حضرت مریم نیز به کار رفته است. بتول به معنای جدا شده از دیگران به سبب ویژگی خاص می باشد. این کلمه به معنای شخصی که به هیچ وجه ازدواج نکرده است نیز به کار می رود همان گونه که در بارهٔ حضرت مریم علیها السلام به این معنا بکار رفته است، امّا برای فاطمه زهرا علیها السلام این معنا صادق نیست بلکه این واژه دربارهٔ حضرت زهرا علیها السلام وجوه دیگری دارد که اشاره می شود:

الف) پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در توضیح واژهٔ بتول فرمود:

بتول یعنی آنکه هرگز عادت ماهیانه ندیده است زیرا این پدیده در میان دختران پیامبران پسندیده نیست. (۴)و به عایشه فرمود:

او مثل زنان آدمی نیست که به عادت ماهیانه گرفتار شود. (۵)

۱- (۱) . دلائل الامامه ، ص ۱۰؛العدد القویه ، ص ۲۲۶. « لِفاطِمَه علیها السلام تِسعَهُ أسماء؛ فاطِمَه وَالصِّدّیقَه وَالمُبارَکه وَالطاهِرَه وَالزَّکِیَّه وَالرّاضِیَه، وَالرَّضیَّه وَالمُحَدَّثه وَالزَّهراء. ثُمَّ قال علیه السلام : أتَدری أیّ شَیءٍ تَفسیرُ فاطِمَه؟ قُلتُ: أخْبِرنی یا سَیِّدی مِمّا فُطِمتْ؟ قال: مِنَ الشِّرکِ ».

۲- (۲) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۱۵۷، ۲۸۳، ۲۸۷؛ ج ۲، ص ۱۹۱؛ ج ۵، ص ۵۰ و ۶۷.

۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۲۸۱، ۲۸۲. «بَتَل ه – قطعه و فصله عن غیره». (المعجم الوسیط ، ج ۱، ص ۳۷).

۴- (۴) . کشف الغمه ، ج ۲، ص ۹۰؛دلائل الامامه ، ص ۵۵؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۵، ح ۱۳؛مرآه العقول ، ج ۵، ص ۳۲۱. مجلسی رحمه الله توضیحی خواندنی در این باره آورده است. «البَتُول الَّتی لَمْ تَرَ حُمرَهً قطُّ ایْ لَم تَحضْ فإنّ الحیض مکرُوهٌ فی بنات الأنبیاء» .

۵- (۵) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۳۰؛بحارالأنوار ، ج ۴۳، ص ۱۶.

برخی گفته اند یکی از وجوه تسمیه آن حضرت، به فاطمه نیز همین بوده است، «یُقال إنَّها سُمّیَت فاطِمَه لأنّها فُطِمَت عَنِ الطَّمْث (۱) طمث عادت ماهیانه زنان ترجمه گردیده است.

امّا از طمث معنای عام یعنی «هرگونه آلودگی» و کنایه از معاصی و اخلاق پست، و چرکی های روحی و جسمی نیز می تواند مورد نظر باشد. (۲)ب) فاطمه علیها السلام بتول نامیده شد، زیرا از نظر برتری و فضیلت و ایمان و شرافت خانوادگی از دیگران جدا و ممتاز شده بود. (۳)ج) او بتول نامیده شد، زیرا از دنیا بریده بود و همهٔ توجه او به سوی خدای متعال بود. (۴)

د) او را بتول نامیدند، چون او نظیری نداشت. (۵)الزَهراءُ: (۶) درخشنده تر

از دیگر اسامی مشهور حضرت صدیقهٔ طاهره علیها السلام ، زهرا است. این نام نیز نشان دهندهٔ جلوه هایی از شخصیت بزرگ فاطمه علیها السلام است که در روایات رسیده از معصومین علیهم السلام به آن اشاره شده است. امّا چرا فاطمه علیها السلام ، زهرا نامیده شد؟

ص:۴۷

۱- (۱) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۳۰؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۶.

۲- (۲) . مرآه العقول ، ج ۵، ص ۳۴۴؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۳، ذیل ح ۹.

۳- (۳) نهایه ابن اثیر، ج ۱، ص ۹۴. «امرأه بتول: منقطعه عن الرجال لا شهوه لها فیهم وبها سمّیت مریم امّ المسیح علی نبینا وآله وعلیهما السلام وسمّیت فاطمه علیها السلام البَتول، لانقطاعِها عن نساء زمانها فضلاً وديناً وحسباً، وقيل لانقطاعها عن الدنيا إلى اللّه تعالى.

۴- (۴) نهایه ابن اثیر، ج ۱، ص ۹۴. «امرأه بتول: منقطعه عن الرجال لا شهوه لها فیهم وبها سمّیت مریم امّ المسیح علی نبینا وآله وعلیهما السلام وسمّیت فاطمه علیها السلام البَتول، لانقطاعِها عن نساء زمانها فضلاً وديناً وحسباً، وقيل لانقطاعها عن الدنيا إلى اللّه تعالى.

۵- (۵) . فضائل الخمسه ، ج ۳، ص ۱۲۶.

۶- (۶) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۲، ۲۸۶؛ ج ۲، ص ۲۴۹؛ ج ۳، ص ۴۱۸، ۵۰۸؛ ج ۵، ص ۶۷، ۱۰۲ و ۱۱۲. «زهر الوجه و السراج و القمر زَهْراً وزهوراً: تلألأ و الشيء: صفا لونه و اضاء. الزهراء: مؤنث الازهر، المرأه المشرقه الوجه، البيضاء المنيره». (المعجم الوسیط ، ج ۱، ص ۴۰۵؛اقرب الموارد ، ج ۱، ص ۴۷۸).

الف) ابـان بن تغلب از امـام صـادق علیه السـلام سؤال کرد: چرا حضـرت فاطمه علیها السـلام زهرا نام گرفت؟ امام صادق علیه السلام فرمود:

زیرا نور او در روز، سه بار برای امیر مؤمنان علیه السلام می درخشید، نور صورتش وقت نماز صبح، هنگامی که مردم در بستر بودند درخشـش می کرد. سفیدی این نور به اتاق های آنان در مدینه می رسید و دیوارهایشان را روشن می کرد. آنان شگفت زده از این پدیده نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می آمدند و سؤال می کردند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آنان را به خانه فاطمه علیها السلام روانه می کرد، آنان فاطمه را در محراب خویش مشغول نماز می دیدند و در آن حال نور صورتش از محراب می درخشید. در می یافتند آنچه دیده اند از نور فاطمه علیها السلام بوده است.

ظهر هنگـام وقتی فـاطمه علیهـا السـلام برای نماز آماده می شـد صورتش به رنگ زرد می درخشـید این نور به اتاق های مردم داخل می گشت، لباس و رنگ آنان به زردی می گراییـد، مردم نزد پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم آمـده و در این باره می پرسیدند.

پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم آنـان را به منزل حضـرت فـاطمه علیها السـلام می فرسـتاد، او را مشاهـده می کردنـد که در محراب خود ایسـتاده و صورتش - درود خدا بر او و پدر و شوهر و فرزندانش باد - می درخشد، می یافتند آن چه دیده بودند از نور صورت فاطمه علیها السلام است.

وقت غروب خورشـید در پایان روز، صورت فاطمه علیها السلام به خاطر شادی و شکر گزاری خدای عز و جل سرخ می شد و می درخشید.

این نور خـانه هـا را فرا می گرفت و دیوارهـای آنان را به این رنگ در می آورد، مردم شـگفت زده نزد پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم آمـده دربـارهٔ آن می پرسـیدند، حضـرت [بـار دیگر] آنـان را بسوی منزل فاطمه علیها السـلام روانه می کرد، و می دیدنـد که فاطمه علیها السـلام نشسـته و تسبیـح خـدا می گوید و او را می سـتاید و نور صورت او به رنگ قرمز درخشـش می نماید. در می یافتند، آن چه دیده اند از نور صورت فاطمه علیها السلام است.

ص:۴۸

و این نور در صورت او بود تا امام حسین علیه السلام متولد شد و تا روز قیامت این نور در صورت ما اهل بیت، امامی پس از امام، منتقل می شود. (۱)صاحب کتاب خصائص الفاطمیه در بیان این حدیث آورده است:

روشنایی بخشی فاطمه علیها السلام با این سه نور در سه وقت، نشان از تفاوت حالتهای آن حضرت در هنگام عبادت و پس از فراغ دارد.

اول صبح ابتدای طلوع خورشید است، سفیدی نور حضرت نشان رحمت های ویژه حضرت حق است که در طول شب بر او افاضه شده و این صفت به امیدواری قبولی اطاعت های سابق و پس از آن اشاره دارد.

ظهر هنگام، وقت ریزش برکات و پایین آمدن فرشتگان رحمت و میان دو وقت صبح و عصر است، نشانه های خوف و خشیت آن حضرت از این که مبادا غفلتی در مورد عبادت و اطاعت و کوتاهی در ادای حق صاحب حق شده باشد در چهره آن حضرت ظاهر می گردد. اثر ترس و خشیت، لرزش و زردی چهره است.

امّا هنگام غروب، آخر انجام تکالیف روز است و وقت آمدن شب و مناجات با حضرت حق. این وقتِ احساس انبساط از پذیرش اطاعت او در پیشگاه خداوند است و احساس و لمس محبت الهی است و نشانهٔ محبت و شوق، سرخی صورت است.

این حالت ها از آثار عبودیت است و به همین سبب فاطمه علیها السلام با این انوار در

۱- (۱) . علل الشرایع ، ص ۱۸۰، ح ۲؛بحارالأنوار ، ج ۴۳، ص ۱۱، ح ۲، و ص ۱۶. « لِأَنّها تَزْهَرُ لِأَمیرِ المُؤْمِنین فی النَّهار ثَلاثَ مَرّاتٍ بِالنُّور، کانَ یَزْهَرُ نورُ وَجهِها صَلاةَ الغَداةِ وَالّناسُ فی فِراشِهِم فرشهم فَیدخُل بَیاضُ ذلِکَ النور إلی حُجَراتِهِمْ بالْمَدینَهِ، فَتَبیضُّ حیطانُهُم فَیَعْجبُون مِن ذلِک، فیَأْتُونَ النَّبیَّ صلی الله علیه و آله و سلم وَیَسأَلُونَه عَمّا رَأَوْا فَیُرسِلَهُمْ إلی مَنْزِلِ فاطِمَه علیها السلام فَیَأْتُون مَنْزلها فَیرونَها قاعِدَه فی مِحْرابِها تُصَلّی وَالنُّورُ یَسطَع مِنْ مِحْرابِها مِنْ وَجْهِها فَیَعْلَمُون أَنَّ الّذی رَأَوْه کانَ مِنْ نُورِ فاطِمَه علیها السلام ... ».

محرابش نمایان و این رنگ ها از آن حضرت منتشر می گشت. (۱)ب) آن حضرت را زهرا نامیدند، زیرا هنگام عبادت، برای آسمانیان می درخشید.

امام صادق علیه السلام در پاسخ این سؤال که چرا فاطمه علیها السلام ، زهرا نامیده شد فرمود:

زیرا وقتی فاطمه علیها السلام در محراب خود می ایستاد نورش - مانند درخشش ستاره ها برای اهل زمین - برای آسمانیان می درخشید. (۲)ج) در حدیث دیگری دربارهٔ علت این نام گذاری آمده است:

خداوند فاطمه علیها السلام را از نور عظمتش آفرید. وقتی درخشش کرد، با نورش آسمانها و زمین را روشن کرد و بر چشم فرشتگان پرده افکند. فرشتگان با دیدن این نور در برابر خداوند به سجده افتادند و گفتند: ای خدای و سرور ما، این چه نوری است؟ خداوند به آنان وحی کرد؛ این نور از نور من است، از عظمت خود خلق کردم و آن را در آسمان خود جای دادم و او را از صلب یکی از پیامبرانم که بر تمامی پیامبران برتری می دهم خارج می کنم و از این نور امامانی را که عهده دار کار من شوند به وجود آورم که به سوی حقِ من هدایت می کنند، و پس از پایان وحی، آنان را جانشینان خویش در روی زمین خود قرار می دهم. (۳)

۱- (۱) . الخصائص الفاطمیه ، ج ۱، ص ۲۰۹.
۲- (۲) . معانی الاخبار ، ص ۶۴، ح ۱۵؛ علل الشرایع ، ج ۱، ص ۱۸۱، ح ۳؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۲، ح ۶. «لِأنّها كانَتْ إذا قامَتْ فی مِحْرابِها، زَهَرَ نُورُها لِأهْلِ السَّماءِ كَما تَزْهَرُ نُورُ الْكَواكِبِ لِأهْلِ الأرْضِ ».
۳- (۳) . علل الشرایع ، ص ۱۸۰، ح ۱؛معانی الاخبار ، ص ۶۴، ح ۱۶؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۲، ح ۵، و ص ۱۷. « لأنّ اللّه عَزَّ وَجَلّ خَلَقَها مِنْ نُورِ عَظَمَتِهِ، فَلَمّا أشْرَقَتْ أضاءَتِ السَّماواتِ وَالأرْض بِنُورِها وَغشِيَتْ أبْصارُ المَلائِكَهِ وَخَرَّت المَلائِكه لِلّه ساجِدينَ وَقالُوا: إلٰهَنا وَسيِّدَنا ما لِهذا النّورِ؟ فَأوْحى اللّهُ إلَيْهِمْ: هذا نُورٌ مِنْ نُورى أسكَنْتُه فى سَمائى. خَلَقْتُهُ مِنْ عَظمَتى، أُخْرِجُهُ مِنْ صُلْبِ نَبيٍّ مِنْ أنبيائى، أفَضِّلُه عَلى جَميعِ الأنِبياءِ وأُخرِجُ مِنْ ذلِك النُّور أئِمّهً يَقُومُونَ بِأَمْرى يَهدُونَ إلىٰ حَقّى وَأجْعَلهُمْ خُلَفائى فى أرْضى بَعْدَ إنقضاءِ وَحْيى ».

د) آن حضرت زهرا نام گرفت زیرا در بهشت برای او گنبدی وجود دارد که بهشتیان آن را مانند ستاره ای درخشنده مشاهده می کنند و می گویند: این زهرا برای فاطمه است. (۱)ه) هنگامی که خداوند نور فاطمه علیها السلام را مانند چراغی آفرید و آن را در زائدهٔ عرش آویخت، هفت آسمان و زمین های هفتگانه نورانی شد. فاطمه علیها السلام به همین جهت زهرا نامیده شد. فرشتگان خدا را تسبیح و تقدیس گفتند، خداوند فرمود:

به عزت و جلال خود سوگند، پاداش تسبیح و تقدیس شما را تا روز قیامت برای دوستداران این زن و پدر و شوهر و فرزندان او قرار می دهم. (۲)این گونه پرتو افکنی آن حضرت علیها السلام تنها ویژهٔ این دنیا نیست بلکه در سرای دیگر نیز اهل بهشت از آن بهره می برند، دربارهٔ آیه «لایَرَوْنَ فیها شَمْساً وَلا زَمْهَریراً» (۳)

ص:۵۱

۱- (۱) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۳۰؛بحارالأنوار ، ج ۴۳، ص ۱۶. «الحسن بن یَزید قُلتُ لأبی عبداللّه لِمَ سُمِّیَت فاطِمَهُ، الزَّهراء؟ قالَ: لأَنَّ لَها فِی الجَنَّهِ قُبَّهً مِنْ یاقوتهٍ حَمْراء إرتفاعُها فِی الْهَواءِ مَسیرَهُ سَنَه مُعَلَّقهٌ بِقُدرَهِ الجَبّار، لا عَلاقَهَ لَها مِنْ فَوْقِها فَتُمْسکها وَلا دِعامَهَ لَها مِنْ تَحْتِها فَتلْزمها، لَها مائهُ ألف بابٍ وَعَلی کُلِّ بابٍ ألفٌ مِنَ المَلائِکَهِ یَراها أهلُ الجَنَّه کَما یَری أحدُکم الْکَوکَبَ الدُّری الزاهرِ فی أُفقِ السَّماءِ فَیَقُولُون: هذه الزَّهراء لِفاطِمَه ».

۲- (۲) . ارشاد القلوب ، ص ۴۰۳؛عوالم ، ج ۱۱، ص ۷، ح ۱؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۷، ح ۱۶. «مرفوعاً إلی سلمان الفارسی قال کُنتُ جالِساً عِندَ النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم ... فَقالَ النبیّ صلی الله علیه و آله و سلم : لَمّا أرادَ اللّه تَعالی أن یَبلُوَ المَلائکَهَ أرسلَ عَلَیهِم سَحاباً مِنْ ظُلْمَهٍ فَکانَت المَلائِکَهُ لا تَنظُر أوّلُها مِن آخرِها وَلا آخرُها مِنْ أوّلِها. فَقالت المَلائِکَهُ: إلهَنا وَسَیّدَنا مُنْذُ خَلَقتَنا ما رَأَینا مثلَ ما نحنُ فِیه. فَنسألُکَ بِحَقِّ هذِهِ الأنْوارِ، إلّاما کَشَفْتَ عَنّا. فَقالَ اللّهُ عَزَّ وَجلَّ وَعِزَّتی وَجَلالی لأَفْعَلنّ، فَخَلَقَ نُورَ فاطِمَه الزَّهرا علیها السلام یَوْمَئِذٍ کَالقنْدیلِ وَعَلَّقَهُ فی قُرطِ الْعَرشِ فَزَهَرَت السَّماواتِ السَّبْعِ وَالأَرَضُونَ السَّبع وَمِنْ أَجْلِ ذلکَ سُمِّیَت فاطِمَه الزَّهْرا، وَکانَت المَلائِکَهُ تُسَبِّحُ اللّهُ وَتُقَدِّسُهُ فَقالَ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ: وَعِزَّتی وَجَلالی لأَجعَلَنَّ ثَوابَ تَسْبیحِکُمْ وَتَقْدیسِکُمْ إلی یَوم القِیامَهِ لمُحِبّی هذِهِ الْمَرأهِ وَأبیها وَبَعْلِها وَبَنیها ».

۳- (۳) . دهر: ۱۳. «در بهشت نه خورشید و نه سرما را نمی بینند».

از ابن عباس نقل شده است:

وقتی بهشتیان در بهشت ساکن می شونـد نوری مانند نور خورشـید مشاهده می کنند که بهشت را روشن می کند، بهشتیان می گویند، پروردگارا، در کتاب خود فرمودی، در بهشت نه آفتاب و نه سـرمایی مشاهده نمی شود، در این هنگام منادی صدا می کنـد؛ این نـور خورشـید و نور مـاه نبود، بلکه علی و فـاطمه علیهمـا السـلام از چیزی به شـگفت آمـده و خندیدنـد و بهشت از نورشان روشن شد. (۱)الغَرّاءُ: (۲) درخشنده، بزرگوار

تعـبیر دیگری که در زیـارات برای حضـرت فـاطمه علیهـا السـلام به کـار رفته، غرّاء است. غرّاء مـؤنث اغرّ و به معنـای درسـت کرداری است که کارهایش بزرگوارانه است و به معنای «سروَر» «زیبا»، «سفید هرچیز» و «نجیب» نیز می آید.

که دربـارهٔ آن حضـرت علیهـا السـلام بزرگواری، درخشـندگی و نورانیت و سَیِروَری و نجـابت همه و همه صادق است. که به برخی از آنها در بخش های گذشـته اشاره شـد. پس از این نیز دربارهٔ سـروری آن حضـرت علیها السـلام احادیثی ذکر خواهد شد.

نورانیت آن حضـرت از نور خداوندی است و تابش آن به هر شـخص سـبب هدایت و راهنمایی و سعادت او در دنیا و آخرت است.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هنگامی که خداونـد بهشت را آفریـد آن را از نور صورت خویش آفریـد سـپس آن نور را پراکند، یک سوم از آن نور به من رسید و یک سوم دیگر به

۱- (۱) . مناقب ابن شهرآشوب ، ج ۳، ص ۳۲۹؛ نور الثقلین ، ج ۵، ص ۴۸۰، ح ۴۳؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۴۵.
۲- (۲) . موسوعه زیـارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۶. « غرّ وجهـه، صـار ذا غرّه و حسـن. و الشـیء: ابیضّ. و المرأه: شـرف. الغراء: البیضـاء المنوره و المیمونه المبارکه مأخوذه من غره الفرس، أو الشـریفه الکریمه مؤنث أغرّ ». (أقرب الموارد ، ج ۲، ص ۸۶۶؛ بحارالأنوار ، ج ۱۰۰، ص ۲۰۱).

فاطمه علیها السلام و یک سوم به علی و خاندانش علیهم السلام رسید. هرکس از آن نور برگرفت به ولایت آل محمد هدایت شد و کسی که از آن نور بی نصیب ماند از ولایت آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بی نصیب شد. (۱)الإنْسِیَّةَ: (۲) انسان

الحَوراءُ (۳) وَالحُورِیَّةُ: (۴) حوری

این دو وصف در زیارات اشاره به دارا بودن کمالات انسان و حورالعین است. گاه این دو صفت با یکدیگر ذکر شده اند:

الإنسِیَّةُ الحَوراءُ: (۵) انسان حوری صفت

در آیات قرآن از حور العین یاد شده است: «حورٌ مقصورات فی الخیام» (۶). «وحورٌ عین کأمثال اللؤلؤ المکنون» (۷).

حوراء شخص دارای چشمانی زیبا، که سیاهی آن بشدت سیاه و سفیدی آن بسیار سفید است و دارای بدنی بسیار سفید که در فارسی نیز معادل آن واژه حوریه وحوری استعمال می شود.

ابی بصیر از امام صادق علیه السلام دربارهٔ آفرینش حور العین پرسید: فدایت شوم حور العین از چه آفریده شده اند؟ فرمود: از بهشت و درون ساق او از پس هفتاد حُلّه دیده

۱- (۱) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۲۵. «لَمّا خَلَقَ اللّهُ الجَنَّةَ خَلَقَها مِنْ نُورِ وَجْهِهِ، ثُمَّ أخَذَ ذلکَ النُّورَ فَقَذَفَهُ فَأصابَنی ثُلثُ النُّورِ، وَأصابَ فاطِمَةَ ثلثُ النُّور، وَأصابَ عَلیّاً وَأهلَ بَیْتِهِ ثُلثُ النُّورِ، فَمَنْ أصابَهُ مِنْ ذلکَ النُّور اهْتَدیٰ إلیٰ وِلایهِ آلِ مُحَمَّدٍ وَمَنْ لَمْ یُصِبْهُ مِنْ ذلکَ النُّور ضَلَّ عَنْ وِلایهِ آلِ مُحَمَّد ».

۲- (۲) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۶.

۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۲۸۰، ۲۸۶.

۴- (۴) . همان، ج ۱، ص ۲۷۷؛ ج ۵، ص ۱۰۲.

۵- (۵) . همان، ج ۵، ص ۱۱۲.

۶- (۶) . الرحمن: ۷۲. «حوریانی که در خیمه ها مستورند».

۷- (۷) . واقعه: ۲۲ و ۲۳. «[همسرانی مانند] حور العین، همچون مروارید در صدف پنهان» و نیز در سوره دخان: ۵۴ و طور: ۲۰.

می شود. گفتم. فدایت شوم آیا سخنی هم می گویند: فرمود: بله. سخنی که هیچکس نشنیده است... . (۱)هم چنین فرموده اند؛ آنان از زعفران خلق شده اند. (۲) و آنان از بوی خوش آفریده شدند، بیمار نمی شوند و آفتی به آنها نمی رسد. (۳)تعبیر حوراء الانسیه بدین معناست که او حوریه ای است بصورت انسان همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حدیثی فرمودند:

هنگامی که به معراج رفتم جبرئیل علیه السلام دستم را گرفت، داخل بهشت نمود و از خرمای بهشتی به من داد، من آن را خوردم، و در صلبم به صورت نطفه ای درآمد، در بازگشت به زمین با خدیجه همبستر شدم، و او فاطمه را باردارشد.

فاطمه علیها السلام حوریه ای است به صورت آدمی و من هرگاه به بوی بهشت مشتاق شوم دخترم فاطمه را استشمام می کنم. (۴)نیز پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

فاطمه حوریه ایست که به صورت انسان آفریده شده است. (۵)

۱- (۱) . تفسیر علی بن ابراهیم ، ج ۲، ص ۸۲؛بحارالانوار ، ج ۸، ص ۱۲۱، ح ۱۱. «جُعلتُ فداک مِنْ أیّ ِ شَیءٍ خُلقنَ الحور العین؟ قالَ: مِنَ تربه الجَنَّهِ النورانیّه ویُرِیَ مخّ ساقَیْها مِن وَراءِ سبعین حُلَّه قلتُ: جعلتُ فِداک ألَهُنَّ کلامٌ یَتَکلَّمْنَ بِهِ فی الجَنّهِ؟ قال: نَعَمْ کَلامٌ یَتکلّمنَ بِهِ لم یَسمَع الخَلائِقُ بِمِثلِهِ ...».

۲- (۲) . بحارالانوار ، ج ۸، ص ۱۲۲ ح ۱۴. «فانهنّ خلقن من الزعفران ».

۳- (۳) . احتجاج ، ج ۱، ص ۳۵۱؛ بحارالانوار ، ج ۸، ص ۱۳۶، ح ۴۸. «وانّها خلقت من الطیب لا تعتریها عاهه ولا تخالط جسمها آفه ».

۴- (۴) . بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۴، ح ۲، و ص ۵، ح ۴ و ۵، و ص ۶، ح ۶. « لَمّا عرَجَ بی إلی السَّماء أخذَ بِیَدی جِبرئیلُ علیه السلام فَأَدخلَنی الجَنَّهَ فَناوَلَنی مِنْ رُطَبِها فَاکَلتُه فتحوَّلَ ذلکَ نُطفهً فی صُلبی، فَلَمّا هَبطتُ إلی الأرْضِ واقعتُ خَدیجهَ فَحَمَلتْ بِفاطِمَهَ علیها السلام ففاطِمَهُ حَوْراءُ إنسیّه فَکُلَّما إشتَقْتُ إلی رائحهِ الجنَّهِ شَمَمْتُ رائِحَهَ ابنَتی فاطِمَه ».

۵- (۵) . کشف الغمه ، ج ۲، ص ۸۹؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۷، ح ۸. «إنّ فاطِمَه خُلقتْ حوریه فی صُوره إنسیّه ».

به گفته علامهٔ مجلسی، به فاطمه علیها السلام حوری گفته می شود زیرا ویژگیهای آنها را داراست، اخلاق ناپسند دیگر زنان را ندارد و به جمال و کمال آراسته است. (۱)در احادیث اهل بیت علیهم السلام آمده است:

حور العین از نور وجود مقدس فاطمه علیها السلام خلق شدند و او از رطب بهشتی آفریده شد. (۲)[العذراء] : (۳) بکر

یکی از القاب حضرت علیها السلام که در زیارات ذکر نشده است عذراء می باشد که به معنای بکر است. قرآن در بارهٔ حور العین می فرماید: «فَجَعَلْناهنَّ أبکاراً» (۴).

وصف عذراء برای فاطمه زهرا علیها السلام نیز به جنبهٔ حوری بودن و بهشتی بودن آن حضرت علیها السلام اشاره دارد.

سروری حضرت زهرا علیها السلام

سَیِّدَهُ نِساءِ العالَمِینَ: (۵) سرور زنان جهانیان

سَیِّدَهُ نِساءِ العالَمِینَ مِنَ الأوَّلِینَ وَالآخِرِینَ: (۶) سرور زنان جهانیان از پیشینیان و پسینیان

۱- (۱) . بحارالأنوار ، ج ۱۰۰، ص ۱۹۶؛ ملاذ الاخیار ، ج ۹، ص ۲۷؛ روضه المتقین ، ج ۵، ص ۳۴۵.

۲- (۲) . الخصائص الفاطمیه ، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳- (۳) . الخصائص الفاطمیه ، ج ۱، ص ۱۸۲. «بکارت برای حضرت علیها السلام فضیلتی نیست بلکه منظور دوام این بکارت با زوجیت و ولادت است که ویژه حضرت فاطمه علیها السلام است».

۴- (۴) . واقعه: ۳۶.

۵- (۵) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۱۲۹، ۲۷۶، ۲۷۸، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۹۱؛ ج ۲، ص ۱۹۱، ۲۵۵، ۳۶۷، ۳۸۶؛ ج ۵، ص ۶۷، ۷۳، ۹۹، ۱۶۷، ۱۷۶، ۲۲۷. « السیّد: اللّه تعالی لأنّه مالک الخلق اجمعین. المالک والملک والمولی،... وکلّ من افترضت طاعته، ولقب تشریف یخاطب به الاشراف من نسل الرسول صلی الله علیه و آله و سلم ... و سیّد کلّ شیء أشرفه وأرفعه یقال: القرآن سیّد الکلام ». (المعجم الوسیط ، ج ۱، ص ۴۶۴).

۶- (۶) . همان، ج ۱، ص ۲۸۵.

سیّد از سواد به معنای سیاهی گرفته شده است. به معنای ربّ، مالک، شریف.

قاضی، کریم، حلیم، رئیس، فرمانبرده شده و شکیبا استعمال می شود.

قرآن کریم دربارهٔ حضرت یحیی علیه السلام می فرماید:

«سیّداً وحصوراً ونبیّاً من الصالحین» (۱)؛ سرور و بدور از هوسهای سرکش و پیامبری از صالحان.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دربارهٔ امام حسن و امام حسین علیهما السلام فرمودند:

امام حسن و امام حسین علیهما السلام دو سرور جوانان بهشت اند. (۲)در این زمان به افرادی که منتسب به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله می باشند لقب سیّد اطلاق می شود.

همان گونه که پدر فاطمه علیها السلام سید پیامبران و شویش سید اوصیاء و دو فرزندش سید جوانان بهشت هستند، او نیز سرور و سید زنان جهانیان است.

به مالک و مولای شخص و هرکس که فرمانبری او واجب باشد سیّد گفته می شود، هم چنین از اشرف و برتر هر چیز به سید تعبیر می شود. در زیارات، حضرت زهرا علیها السلام با این صفت فراوان خطاب شده است و روایات زیادی - از شیعه و اهل سنت - این مضمون را در بر دارد.

ابن عباس گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

دخترم فاطمه سرور زنان جهانیان از پیشینیان و پسینیان است. (۳)در ضمن حدیث دیگری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

هر زنی در شبانه روز پنج نماز گزارد و ماه رمضان را روزه دارد و حج

۱- (۱) . آل عمران: ۳۹.
۲- (۲) . کشف الغمه ، ج ۲، ص ۷۸. « الحسن والحسین سیدا شباب اهل الجنّه ».
۳- (۳) . امالی صدوق ، ص ۹۹، ح ۲، مجلس ۲۴. « إبْنَتی فاطِمَه فإنّها سَیِّدَهَ نِساءِ الْعالَمینَ مِنَ الْأَوَّلِینَ والآخرینَ ».

بیت اللّه به جا آورد و زکات مال خود را بپردازد و از همسرش فرمان بَرَد و پس از من علی علیه السلام را به ولایت و سرپرستی خود برگزینند با شفاعت دخترم فاطمه علیها السلام به بهشت داخل می شود و به تحقیق فاطمه علیها السلام سرور زنان جهانیان است. (۱)قرآن کریم در شأن حضرت مریم علیها السلام آیات زیبایی دارد؛ از جمله در سورهٔ آل عمران ماجرای تولد او و به دعای مادرش و نیز مقام و منزلت او نزد خداوند را بیان می فرماید و پس از آن در آیات بعدی او را برگزیده، پاک و برتر زنان جهان معرفی می کند. (۲)«وَإِذْ قالَتِ الْمَلائِکهُ یا مَریَمُ إِنَّ اللّهَ اصْطَفاكِ وَطَهَّرَكِ واصْطَفاكِ عَلى نِساءِ العالَمِينَ» (۳)؛

و بیاد آور هنگامی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است.

این آیه می رساند که حضرت مریم محدثه بوده و فرشتگان با او سخن می گفته اند. (۴) اصطفاء به معنای تلخیص نمودن از ناخالصی هاست و در این جا بمعنای مختار و برگزیده است، بالاترین رتبهٔ برگزیده شدن، سیادت است. (۵)جمع میان سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دربارهٔ فاطمه علیها السلام «که او سرور زنان جهانیان است» با آیهٔ قرآن که مریم را سرور زنان معرفی می کرد، برای برخی مبهم بود،

۱- (۱) . امالی صدوق ، ص ۳۹۳، ح ۱۸، مجلس ۷۳؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۲۲، ح ۲۰. «فَأَیّما إمرَأه صَلَّتْ فِی الْیَوْم وَاللَّیْلَهِ خَمْسَ صَلَواتٍ وَصامَتْ شَهرَ رَمَضان وَحَجَّتْ بَیْت اللّهِ الْحَرام وَزَکَّتْ مالَها وَأطاعَتْ زَوْجَها وَوالَتْ عَلِیّاً بَعْدی دَخَلَتْ الْجَنَّهَ بِشَفاعَهِ إبْنَتی فاطِمَه وَإنَّها لَسَیِّدَه نِساءِ الْعالَمینَ ».

۲- (۲) . آل عمران: ۳۵ - ۳۷.

۳- (۳) . آل عمران: ۴۲.

۴- (۴) . المیزان ، ج ۳، ص ۲۰۴.

۵- (۵) . المیزان ، ج ۳، ص ۲۳۵.

از امام صادق علیه السلام در این باره سؤال شد؟ امام علیه السلام فرمود:

مریم علیها السلام سرور زنان عالَم خود بود و فاطمه علیها السلام سرور زنان جهانیان از پیشینیان و پسینیان است. (۱)همین سخن از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز نقل شده است.

در این قسمت به مناسبت دو تعبیر دیگر که برای حضرتش علیها السلام در زیارات مورد استفاده قرار گرفته است ذکر می گردد:

مَریَمُ الکُبری: (۲) مریم بزرگتر

این تعبیر به شأن و منزلت حضرت مریم علیها السلام و طهارت و پاکی و برگزیدن او از سوی خداوند متعال در قرآن اشاره دارد و این که فاطمه زهرا علیها السلام تمامی این فضیلت ها را در حد بالاتری داراست. در روایت گذشته آمده بود که مریم با همهٔ منزلتها، سرور زنان زمان خود بود امّا فاطمه علیها السلام سرور زنان اولین و آخرین است.

شَقِیقَةُ البَتُولِ مَریَمَ: (۳) همتای مریم بتول

برای آماده کردن ذهن مخاطبان و آسان کردن فهم مطالب، در مورد مقام حضرت فاطمه علیها السلام ، تشبیه هایی بین آن حضرت و حضرت مریم صورت گرفته است. در برخی فرازها حضرت زهرا علیها السلام با عنوان نظیر و مانند مریم علیها السلام مورد خطاب قرار گرفته اند. در زبان عرب شقیق به برادر، و شقیقه به خواهری که از یک پدر و مادر باشند گفته می شود.

۱- (۱) . معانی الاخبار ، ص ۱۰۷، ح ۱؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۲۴، ح ۲۰. «أخْبِرْنی عَنْ قَوْلِ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فی فاطِمَهُ: «إنَّها سَیِّدَه نِساءِ الْعالَمینَ» أهِیَ سَیِّدَه نِساءِ عالَمِها؟ فَقالَ: ذاکَ لِمَرْیَمَ کانَتْ سَیِّدَهِ نِساءِ عالَمِها وَفاطِمَهُ سَیِّدَه نِساءِ الْعالَمینَ مِنَ الْاَوَّلینَ وَالْآخِرینَ ».

۲- (۲) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۱۱۲.

۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ج ۵، ص ۱۶۷. «الشقیق: الاخ من الرحم، کأنه شق نسبه من نسب اخیه... و کل ما انشق بنصفین فکلّ منهما شقیق الآخر... و الشقیقه: الاخت». (اقرب الموارد ، ج ۱، ص ۶۰۳).

به مانند و نظیر نیز شـقیق گفته می شود و چه بسا در موردی که شـباهت بسیار زیاد است به کار رود، زیرا فرزندانی که از یک پدر و مادر هستند در شکل و شمایل و صفات و خلقیات به یکدیگر بسیار نزدیکند.

خداوند در آیاتی از قرآن کریم حضرت مریم (۱) را ستوده است مانند این آیه:

و [خداونـد برای کسانی که ایمان آوردنـد] مریم دختر عمران را مثال زد که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیـدیم و سـخنان پروردگـار خود و کتابهای او را تصـدیق کرد و از فرمانبرداران بود. ۲مشاهـده می شود پاکدامنی و تصدیق سخنـان پروردگـار، فرمانبرداری از خداونـد و اسـتفادهٔ مریم علیها السـلام از روزی بهشتی که پس از این خواهـد آمـد، همه از امتیـازات مریم علیهـا السـلام است. مشـابه همین تعبیرها از پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم و ائمه علیهم السـلام دربارهٔ فاطمه علیها السـلام ذکر شده است و افزون بر آن فاطمهٔ زهرا علیها السلام بر مریم علیها السلام برتری داده شده است مانند این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود:

فاطمه علیها السـلام پاکـدامن بود خداوند نیز فرزندان او را بر آتش حرام نمود. ۳آیاتی نیز از سورهٔ آل عمران گـذشت که در آنها مریم علیها السلام برترین زنان معرفی گردیده بود. «إِنَّ اللّهَ اصطَفاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفاكِ عَلى نِساءِ الْعالَمِين» ۴.

ص:۵۹

۱- (۱) . مریم دخـتر عمران بن ماثـان است و عمران در اینجـا غیر از عمران فرزنـد اشـهم که منسوب به اسـحاق فرزنـد ابراهیم خلیل علیه السلام است می باشد.

دربارۀ فاطمه علیها السلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

[مریم سرور زنان عالم خود بود] و اما دخترم فاطمه او سرور زنان عالمیان از اولین و آخرین است و همانا او در محراب خود به نماز می ایستد، هفتاد هزار فرشته مقرّب بر او سلام داده و با همان [کلماتی که] مریم را مورد خطاب قرار می دادند او را صدا زده و می گویند: ای فاطمه! خداوند تو را برگزید و پاک گردانید و بر زنان عالمیان برتری داد. (۱)در آیۀ دیگری در مدح مریم علیها السلام آمده است:

هر بار که زکریا در محراب بر مریم وارد می شد نزد او خوراکی می یافت.

می گفت: ای مریم! این از کجا برای تو [رسیده] است و مریم می گفت: از جانب خداست. خداوند به هرکس بخواهد بی شمار روزی می دهد. ۲امام باقر علیه السلام فرمود:

فاطمه علیها السلام عهده دار کارهای خانه و خمیر کردن و پختن نان و جارو کردن خانه شده بود و علی علیه السلام کارهای بیرون – تهیۀ هیزم و آوردن غذا – را عهده دار بود. روزی پرسید: غذایی هست؟ فاطمه علیها السلام گفت: قسم به آنکس که حق تو را بزرگ داشته است، سه روز است که چیزی برای پذیرایی نیست.

علی علیه السلام فرمود: چرا به من نگفتی؟ پاسخ داد: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا از اینکه

ص:۶۰

۱– (۱) . امالی صدوق ، ص ۳۹۴، ح ۱۸، مجلس ۷۳؛بحارالانوار ، ج ۳۷، ص ۸۵، ح ۵۲؛ ج ۴۳، ص ۲۴، ح ۲۰. « وَأَمّا إبنَتی فاطِمَهُ فَهِیَ سَیّدَهِ نِساءِ الْعالَمینَ مِنَ الْاَوَّلینَ وَالْآخرینَ وَإنَّها لَتَقُوم فی مِحْرابِها فیُسَلِّمُ عَلَیْها سَبْعُونَ أَلْف مَلَکٍ مِنَ الْمَلائِکهِ الْمُقَرَّبینَ وَیُنادُونَها بِما نادَتْ بِهِ الْمَلائِکَهُ مَرْیَمَ؛ فَیَقُولُونَ: یا فاطِمَهُ إنَّ اللّهَ اصطَفاکِ وَطَهَّرَکِ وَاصْطَفاکِ عَلی نِساءِ الْعالَمینَ ».

چیزی از تو بخواهم بازداشت و فرمود: از پسر عمویت چیزی نخواه، اگر چیزی آورد که آورد و اگر نه از او درخواست نکن.

علی علیه السلام خارج شد، مردی را دید و دیناری از او قرض کرد، به سوی خانه آمد، عصر شده بود، مقداد بن اسود را دید و از او پرسید برای چه این وقتِ روز بیرون آمده ای؟ گفت: ای امیر مؤمنان! قسم به آنکس که حق تو را بزرگ داشته است به سبب گرسنگی.

در اینجا راوی از امام باقر علیه السلام پرسید: آیا این ماجرا در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اتفاق افتاد؟ امام علیه السلام فرمود: بلی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم زنده بود. علی علیه السلام به مقداد فرمود:

من نیز به همین سبب بیرون آمدم و دیناری قرض کردم، امّا تو را بر خود مقدم می دارم. دینار را به مقداد داد و به سوی خانه آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود و فاطمه علیها السلام نماز می گزارد و میان آن دو طبقی که رویش پوشانده شده بود قرار داشت وقتی فاطمه علیها السلام از نماز فارغ شد آن را پیش آورد: طبقی از نان و گوشت بود. علی علیه السلام پرسید فاطمه! این از کجا برای تو رسیده است؟ او گفت: هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّهِ إنَّ اللّهَ یَرْزُقُ مَنْ یَشاءُ بِغَیْرِ حِسابٍ ؛ این از سوی خداوند است و خداوند به هرکس بخواهد بی حساب روزی می دهد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود: آیا بگویم مَثَل تو و فاطمه چیست؟ مثل تو مَثَل زکریاست هنگامی که در محراب بر مریم وارد شد، نزد او غذایی یافت. به او گفت: ای مریم! این از کجا برای تو رسیده است؟ گفت: از سوی خداوند، خدا به هر کس بخواهد بدون حساب روزی می دهد. (1)

1- (1) . تفسیر عیاشی ، ج 1، ص 171، ح 41؛ بحارالانوار ، ج 43، ص 27، ح 30، و ص 31، ح 38، و ص 68، 69، و ص 73 و 74، ذیل ح61. علامهٔ مجلسی از زمخشری در کشاف ماجرا را شبیه به همین نقل می کند و در آخر می آورد که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: حمد مخصوص خدایی است که تو را شبیه سرور زنان بنی اسرائیل قرار داد... (بحارالانوار ، ج 43، ص 29).

این ماجرا با نقلهای گوناگون در کتب روایی ذکر شده است که بسا اختلاف در کیفیت ماجرا به سبب تکرار شدن آن باشد.

در کتاب مناقب ، میان فاطمه زهرا علیها السلام و مریم مقایسه ای انجام داده، و برتری فاطمه علیها السلام را نتیجه گرفته است که به بخشی از آن اشاره می شود:

مریم دختر عمران بود و فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم و شرافت مردم به پدران آنهاست [قرآن می فرماید]: «وکفّلها زکریا» (۱)، زکریا عهده دار تربیت مریم شد. در حالیکه کفالت زهرا علیها السلام را پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم عهده دار شد، و سرپرستی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر هر سرپرستی برتری دارد.

مریم، عیسی علیهما السلام را در ایام جاهلیت به دنیا آورد و فاطمه علیها السلام امام حسن وامام حسین علیهما السلام را بر فطرت اسلام به دنیا آورد. به مریم گفته شد اندوهگین مباش، در حالیکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ای فاطمه خداوند به خوشنودی تو خشنود می شود.

فرشتگان به مریم گفتند: بدرستیکه خدا تو را برگزید و پاک کرد و بر زنان جهان برتری داد. در حالیکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: فاطمه سرور زنان عالمیان از اولین و آخرین است و همانا او در محراب خود به عبادت می ایستد و هفتاد هزار فرشته مقرب بر او سلام داده و فرشتگان که مریم را مخاطب قرار دادند فاطمه علیها السلام را صدا زده و می گویند ای فاطمه، بدرستی خداوند تو را برگزید و پاک گردانید وبر زنان عالمیان برتری داد.

و هرگاه زکریا بر مریم در محراب وارد می شد نزد مریم غذا مشاهده می کرد و از آیه استفاده می شود که این غذا به سبب زیادی شکرگزاری مریم بوده است در این باره فاطمه علیها السلام مناقبی دارد که کسی نمی تواند آن را انکار

۱- (۱) آل عمران: ۳۳.

نمایـد ماننـد احادیث مقـداد، بریده، و حدیث انار و انگور و سـیب و گلابی و غیر آن و تردیدی نیست که فاطمه علیها السـلام خوراکیهایی میل می کرد که برای دیگران نبوده است.

روزیِ مریم از بهشت بود در حالی که آفرینش فاطمه علیها السلام از روزی بهشتی بود.

خداوند مریم علیها السلام را در قرآن به بیست تعریف ستوده است و در اخبار صحیح برای فاطمه علیها السلام بیست اسم است که هرکدام بر فضـیلتی از حضـرتش علیها السـلام دلالت دارد و صدوق رحمه الله در کتاب « مولد فاطمه علیها السـلام » آورده است. (۱)تعابیر دیگری دربارهٔ سیادت و سروری فاطمه علیها السلام در زیارات آمده است مانند:

سَیِّدَهُ النِّساءِ: (۲) سرور زنان

السَّیِّدَهُ الزّهراءُ: (۳) زهرای سرور

السیده الکبری: (۴) سرور بزرگتر

سیده نساء أهل الجنّه: (۵) سرور زنان بهشتی

از امام صادق علیه السـلام دربارهٔ این سـخن پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم که فاطمه علیها السـلام سـرور زنان بهشتی است سؤال شد: آیا او سرور زنان زمان خویش است، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

آن مریم علیها السلام بود و فاطمه سرور زنان بهشتی از پیشینیان و پسینیان است. (۶)زَینُ نِساءِ العالَمِینَ: (۷) زینت زنان جهانیان

ص:۶۳

۱- (۱) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۵۹؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۴۸ - ۵۰ .

۲- (۲) . موسوعه زیـارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۷، ۲۹۲؛ ج ۲، ص ۲۱۲، ۲۴۹؛ ج ۳، ص ۵۰۸؛ ج ۴، ص ۳۶، ۱۴۴، ۱۷۵؛ ج ۵، ص ۶۵، ۱۶۸، ۱۷۶.

۳- (۳) . همان، ج ۵، ص ۱۲۹.

۴- (۴) . همان، ج ۵، ص ۱۲۹.

۵- (۵) . همان، ج ۴، ص ۱۲۵.

۶- (۶) . مناقب آل ابی طالب ، ص ۳۲۳؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۳۷، و ص ۴۴، ح ۴۴. «هی سَیِّدَهِ نِسٰاءِ عٰالَمِهٰا؟ قٰالَ ذٰاکَ مَرْیَمُ وَفٰاطِمَهُ سَیِّدَهُ نِسٰاءِ أهْلِ الْجَنَّهِ مِنَ الْأَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ ».

۷- (۷) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ج ۵، ص ۱۶۸.

تعبیر دیگری که در زیارات برای فاطمه علیها السلام استفاده شده است تعبیر فوق می باشد.

فاطمه علیها السلام بهترین زن و پاک ترین آنان و سرور زنان دو عالم است صفاتی که تمامی زنان جهان بدان افتخار می نمایند. شخصیت آن حضرت نه تنها زینت برای زنان بلکه زینتی برای عالم وجود است در تعبیر دیگری که خواهد آمد برتری آن حضرت بر تمامی انسانها مورد اشاره قرار گرفته است.

خَیرُ نِساءِ الأُمَّهِ: (۱) بهترین زنان امت

فاطمه زهرا علیها السلام سرور تمامی زنان است و این به سبب نیکوکاری و برتری ایشان در میان زنان است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آیهٔ «انّ اللّه اصطفاك و طهّرك...» را خواند سپس فرمود:

ای علی! بهترین زنان جهانیان چهار نفرند: مریم دختر عمران، و خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد و آسیه دختر مزاحم (۲). تعبیر سیده نساء العالمین، به برتری فاطمه علیها السلام بر این بزرگواران نیز اشاره می نماید.

المُفَضَّلَهُ عَلی نِساءِ العالَمِینَ: (۳) برتری داده شده بر زنان جهانیان

حضرت زهرا علیها السلام به سبب ویژگیهایی مانند شناخت خداوند، اطاعت و خلوص و...

که به برخی اشاره شد کامل ترین و در میان زنان بهترین آنها بود، و خداوند او را بر تمامی زنان عالم برتری داد.

ص:۶۴

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۳، ص ۳۸۲.

۲- (۲) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۲۲؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۳۶. «یا عَلی خَیْرُ نِساءِ الْعالَمینَ اربَع: مَرْیَمُ بِنتُ عِمران وَخَدیجَهُ بِنْتُ خُوَیْلَد وَفاطِمَهُ بِنتُ مُحَمَّد وَآسِیَهُ بِنْتُ مُزاحِم ».

۳- (۳) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۱۰۲.

امام رضا علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل فرمود:

امام حسن و امام حسین علیهما السلام بهترین اهل زمین پس از من و پدرشان هستند و مادر آنان دو برترین زنان زمین است.
(۱)المُفَضَّلَهُ عَلی کافَهِ النّاسِ: (۲) برتری داده شده بر تمامی مردم

این تعبیر بیانگر فضیلت و برتری فاطمه زهرا و کمال آن حضرت است. و به قرار گرفتن آن حضرت در رتبهٔ معصومین علیهم السلام اشاره دارد. پس مقام و منزلت آن حضرت نه تنها ایشان را بهترین زنان در عالم، و زینت زنان و سرور آنان قرار داده است، بلکه بر تمامی مردم برتری داده است.

در پایانِ حدیثی که امام صادق علیه السلام ، اسماء فاطمه علیها السلام را بیان می نماید به این مطلب اشاره شده است. امام صادق علیه السلام فرمود:

فاطمه علیها السلام نزد خداوند متعال دارای نه اسم است: فاطمه و صدیقه و مبارکه و طاهره و زکیه و راضِیه و مرضیّه و محدَّثه و زهرا. سپس به شنونده فرمود:

می دانی تفسیر فاطمه چیست؟ گفت: سرورم مرا آگاه کن. فرمود: او از بدی بازداشته شده است، سپس فرمود: اگر امیر مؤمنان علیه السلام با او ازدواج نمی کرد بر روی زمین برای او کفوی از آدم و پایین تر از او نبود. (۳)

۱- (۱) . عیون أخبار الرضا علیه السلام ، ج ۲، ص ۶۲، ح ۲۵۲؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۹، ح ۵. « اَلْحَسنُ وُالْحُسَیْنُ خَیرُ أهْلِ الْأرْضِ بَعْدی وَبَعْدَ أبیهما، وَأُمُّهُما أفْضَلُ نِساءِ الْأَرْضِ ».
۲- (۲) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۱۱۲.
۳- (۳) . الخصال ، ص ۴۱۴، ح ۳؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۰، ح ۱. «قالَ أبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام : لِفاطِمَهَ علیها السلام تِسْعَهُ أسْماءٍ عِنْدَ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ فاطِمَهُ وَالصِّدّیقَهُ وَالْمُبارَکَهُ وَالطّاهِرَهُ وَالزَّکِیَّهُ وَالرّاضِیَهُ وَالْمَرْضِیَهُ وَالْمُحَدَّثَهُ وَالزَّهْراءُ ثُمَّ قالَ: أتَدْری أَیّ شَیءٍ تَفْسیرُ فاطِمَهُ؟ قُلْتُ أخْبِرْنی یاسَیِّدی، قالَ: فُطِمَتْ مِنَ الشَّرِّ. قالَ: ثُمَّ قالَ: لَوْلا أنَّ أمیرَ الْمُؤْمِنینَ علیه السلام تَزَوَّجَها لَما کانَ لَها کُفْوٌ إلی یَومِ الْقِیامَهِ عَلی وَجْهِ الْأرْضِ آدَمُ فَمَنْ دُونَهُ ».

مَولاتی: (۱) سرور من

مولی به معنـای ربّ و مالـك و سـرپرست و دوسـتدار و... به کار می رود و اینجا به معنای مالك و صاحب نعمت و سـرور می باشد.

او نه تنهـا سـرور زنـان جهانیـان است که سـرور تمامی انسان ها است و نه تنها بر تمامی زنان که بر تمامی انسان ها برتری داده شـده است و زائر آن حضـرت، بـا این خطاب ها بیان می کنـد که غلام یا کنیز حضـرت است و او ارباب، و تمامی عالم وجود ریزه خوار سفرهٔ تفضلات او و فرزندان و شوهر و پدر بزرگوارش علیهم السلام هستند.

مقام بلند فاطمه علیها السلام در پرتو القابی دیگر

اشاره

السَعِیدَه: (۲) خوشبخت

سعیده مؤنث سـعید است و مادّهٔ سـعد برای حالتی که اقتضای خیر و صـلاح و فضل دارد به کار می رود، واژهٔ مقابل آن، شقاء یعنی حالت «عسرت» و «مانع از خیر و صلاح» و «سیر کمالی بودن» می باشد.

در قرآن کریم خداوند انسانها را به دو گروه سعید و شقی تقسیم می نماید:

«یَوم یأتِ لَاتَکَلَّمُ نَفْسٌ إلّابإذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِی وَسَعِید» (۳)؛

روزی آید که هیچ کس جز به اجازهٔ او سخن نمی گوید پس برخی از مردم شقی و برخی سعید هستند.

سعادت و شقاوت هم ذاتی است و هم اکتسابی. سعادت ذاتی در اثر عواملی پیش

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۶. «المولی: الرّب، والمالك والصاحب... والمنعِم والمنعَم علیه». (المعجم الوسیط ، ج ۲، ص ۱۰۷۰).

۲- (۲) . همان، ج ۵، ص ۱۰۲. «سعدَ سعداً وسعوداً، نقیض شَقِیَ ویقال سعد یومك: یَمُن». (المعجم الوسیط، ج ۱، ص ۴۳۲).

۳- (۳) . هود: ۱۰۵.

از به وجود آمدن یک نفر، یعنی از سوی پدران و اسباب دیگر به وجود می آید. قانون توارث، شرایط زمان و مکان و اعمال و اخلاق پدران و مادران و غذای آنان و غذای خود طفل از این سبب ها می باشند.

سعادت اکتسابی نیز در اثر تأثیر محیط، تربیت و تعلیم و اعمال صالح و انجام عبادتها و ریاضات بدست می آید.

لازم است انسان مراقب زندگی و حالات مادی و معنوی خود و عائله و فرزندان بوده و توجه داشته باشد که این مهم از مسئولیت های حیاتی هر فرد محسوب می شود.

حضرت زهرا علیها السلام در ذات، سعید است، و دربارهٔ سعادت ذاتی فاطمه علیها السلام پیش از این روایاتی دربارهٔ قبل از تولد، نحوهٔ تولد و سخن گفتن آن حضرت علیها السلام هنگام تولد بیان شد. و در بارهٔ سعادتمندی اکتسابی؛ آن حضرت نیز می توان به تربیت یافتن ایشان در دامان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، مصاحبت با شویی مانند امیر مؤمنان علیه السلام ، و عبادت و ریاضات آن حضرت اشاره کرد، عبادت فاطمه علیها السلام به گونه ای بود که خداوند بر فرشتگان مباهات می کرد.

الحَمِیدَه: (۱) ستوده

حمید به معنای ستوده و درخور ستایش، یکی از اسماء خداوند است و در آیاتی ذکر شده است: «وَاعْلَمُوا أَنَّ اللّهَ غَنِیٌّ حَمِیدٌ» (۲) «إنّه حَمیدٌ مَجیدٌ» (۳) «إنَّ اللّهَ لَغَنِیٌّ حَمیدٌ» (۴).

حمد، ستایش کردن و ثنا گفتن؛ در مقابل عظمت و صفات و یا اعمال برجستهٔ یک شخص می باشد. حمید کسی است که ستایش مطلق برای او ثابت است و خداوند حمید است، زیرا هرگونه نعمتهای مادی و معنوی و هم چنین تربیت همهٔ افراد از اوست. (۵)

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۱۰۲.

۲- (۲) . بقره: ۲۶۷.

۳- (۳) . هود: ۷۳.

۴- (۴) . ابراهیم: ۸.

۵- (۵) . تفسیر روشن ، ج ۱۱، ص ۲۵۵.

حضرت زهرا علیها السلام مورد ستایش و ثنا از سوی همه اهل آسمان و زمین است، زیرا دارای عظمت است و صفات و اعمالی را داراست که در مرتبهٔ فوق بشری است.

از روایاتی که دربارهٔ ارجمندی حضرت فاطمه علیها السلام نزد خداوند، در صفحات گذشته ذکر شد این سخن بیشتر روشن می شود.

البَرَّه: (۱) نیکوکار

برّ از نامهای خداوند متعال است و به معنای «راستگو» می باشد، و برّه زنی را گویند که به خانواده و اطرافیان نیکی نموده و با آنان خوش رفتار باشد. در قرآن نیز از ابرار یاد شده است «إنَّ الأبْرارَ لَفی نَعِیمٍ وَ إنَّ الفُجّارَ لَفی جَحِیمٍ» (۲). در تفسیر این آیه امام باقر علیه السلام فرمود: ابرار همانا ما هستیم و فجّار دشمنان ما. (۳)امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود:

هرچه خداوند عزّ و جل در قرآن فرمود: «انّ الأبرار» به خدا قسم، منظور جز علی بن ابیطالب و فاطمه و من و حسین علیهم السلام نیست، زیرا ما نسبت به پدران و مادران خویش نیکوکار و دل های ما عامل به اطاعت الهی و نیکی است و از دنیا و حب آن بیزار است و ما تمامی واجبات الهی را ما فرمانبرداریم و به یگانگی خدا ایمان داریم و پیامبرش را تصدیق نمودیم. (۴)

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۲؛ ج ۲، ص ۲۱۶؛ ج ۵، ص ۱۰۲. «برّ فی یمینه: صدق، والیمین: صدقت برّه: اسم عَلَمٌ بمعنی البرّ لاـ یُصرَف لاجتماع التعریف و التأنیث فیه و امرأه برّه اذا کانت بارّه بأهلها حسنه العشره لهم». (اقرب الموارد ، ج ۱، ص ۳۷؛ معجم البلدان ، ج ۱، ص ۴۰۶).

۲- (۲) . الانفطار: ۱۳ و ۱۴. «به یقین نیکان در نعمتی فراوان و بدکاران در دوزخند».

۳- (۳) . کنز الدقائق ، ج ۱۴، ص ۱۷۲. «الابرار نحن هم والفجّار هم عدوّنا ».

۴- (۴) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۴، ص ۲؛کنز الدقائق ، ج ۱۴، ص ۱۷۲. «کل ما قال فی کتاب اللّه عزّ وجلّ من قوله «إنّ الأبرار» فَوَ اللّهِ ما أرادَ بِهِ إلّاعَلیَّ بْن أبی طالِب وَفاطِمَهَ وَأنَا وَالْحُسَیْنَ لِأنّا نَحْنُ أَبْرارٌ بِآبائِنا وَأُمَّهاتِنا وَقُلُوبُنا عَمِلَتْ (علت خ ل) بِالطّاعاتِ [وَالبِرِّ]وَتَبَرَّأَتْ مِنَ الدُّنیا وَحُبِّها وَأَطَعْنا اللّهَ فی جَمیعِ فَرائِضِهِ وَآمَنّا بِوَحْدانِیَّتِهِ وَصَدَّقْنا بِرَسُولِهِ ».

الرَّضِيَّهُ: (۱) خوشنود

این لقب نمایان گر مرتبهٔ بلند رضایت حضرت زهرا علیها السلام است. امیر مؤمنان علیه السلام خطاب به شخصی از بنی سعد فرمود:

دربارهٔ خودم و فاطمه برای تو بگویم؟ او نزد من بود و از محبوب ترین افراد نزد پیامبر صلی الله علیه و آله ، با مشک آب می کشید به گونه ای که جای آن در سینه اش می ماند و آسیا می کرد به گونه ای که دو دست او پینه می بست و خانه را جارو می کرد و لباسهایش غبار آلود می شد و آتش زیر دیگ روشن می کرد لباسهایش کثیف می شد و از این بابت زیان زیادی به او رسید. به او گفتم: کاش نزد پدرت می رفتی و از او خدمتکاری می خواستی تا این کارها به تو زیان نرساند.

فاطمه علیها السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفت، عده ای با حضرت صلی الله علیه و آله سخن می گفتند، خجالت کشید و بازگشت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دانست او برای کاری آمده بود صبحگاهان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزد ما آمد... علی علیه السلام فرمود: من علت آمدن فاطمه علیها السلام را برای حضرتش باز گفتم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آیا چیزی بهتر از خدمتکار به شما یاد ندهم؟

هنگام خواب سی و سه بار «سبحان اللّه» و سی و سه بار «الحمد للّه» و سی و چهار بار «اللّه اکبر»، بگویید. فاطمه زهرا علیها السلام سه بار فرمود: از خدا و پیامبرش راضی شدم. (۲)امام صادق علیه السلام فرمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه زهرا علیها السلام را دید که عبایی از پشم شتر بر خود داشت و با

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۵، ۲۸۷؛ ج ۲، ص ۲۱۶؛ ج ۴، ص ۱۲۵ «الرضی: المرضیّ والمطیع والمحب». (المعجم الوسیط ، ج ۱، ص ۳۵۲).

۲- (۲) . علل الشرایع ، ص ۳۶۶، باب ۸۸؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۸۲، ح ۵. « رَضیتُ عنِ اللّهِ وَرَسُولِه» ثَلاثَ دَفَعاتٍ.

دست آسیا می کرد و فرزندش را نیز شیر می داد؛ پیامبر گریان شد و فرمود:

[چیزی نیست] دخترم! در برابر شیرینی آخرت به تلخی دنیا پیش دستی کن.

فاطمه علیها السلام گفت: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم ! سپاس مخصوص خداست و ستایش در برابر نعمت های ویژهٔ اوست. آیهٔ «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضى» در این هنگام نازل شد. (۱)مرحوم انصاری در شرح خطبه فاطمه علیها السلام گوید:

حضرت فاطمه رضیّه (۲) نامیده شد چون:

أ - حضرتش علیها السلام ، آن هنگام که نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفت و خدمتکاری تقاضا نمود و گفت: بر سختی کارهای خانه طاقت ندارم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تسبیح فاطمه علیها السلام را به او آموخت و ثوابش را به او بشارت داد، فاطمه علیها السلام از خدا و پیامبرش راضی شد و سه بار فرمود: از خدا و رسولش راضی شدم. پس از بازگشت از محضر پدر گفت: از پدرم خیر دنیا را خواستم او به من خیر آخرت را عطا کرد.

ب - برای قرب و منزلت و پاکی طینت و مراتب عالی دیگر که خداوند در دنیا و برزخ و آخرت به او عطا کرد فاطمه علیها السلام از خداوند متعال خرسند شد.

ج - به این خاطر که خداوند متعال شفاعت کبری را به دست او قرار داد. (۳)المَرْضِيَّةُ: (۴) پسندیده

این وصف در قرآن نیز پس از راضیه ذکر شده است: «يا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعى

ص:۷۰

۱- (۱) . مناقب ابن شهر آشوب ، ج ۳، ص ۳۴۲؛ کنز الدقائق ، ج ۱۴، ص ۳۱۸.

۲- (۲) . رضیّه به معنای راضیه است.

۳- (۳) . اللمعه البیضاء ، ص ۲۰۵.

۴- (۴) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۵، ۲۸۷؛ ج ۲، ص ۲۱۶.

إِلىٰ رَبِّكِ راضِيَةً مَرْضِيَّةً» (۱)؛ ای روح آرام یافته! به سوی پروردگارت باز گرد در حالی که هم تو از او خشنود و هم او از تو خشنود است.

برای نفس پنج مرتبه ذکر کرده اند: نفس امّاره، نفس لوّامه، نفس مطمئنه، راضیه ومرضیه.

مرضیه در قرآن کریم و در روایات در ضمن اوصاف نفس مطمئنه آمده و پس از راضیه ذکر می شود، امّا مرضیه شریف تر و قوی تر است. راضیه آن نفسی است که همهٔ مقدرات و احکامی که از سوی خداوند به او می رسد را قبول دارد، امّا مرضیه کسی است که خداوند از او خشنود شده و مرضی حضرت حق گردیده است. (۲)مرحوم انصاری برای نامیده شدن حضرت زهرا علیها السلام به مرضیه سه وجه ذکر می نماید:

الف) به این علت فاطمه علیها السلام مرضیه نامیده شد که خداوند متعال در آخرت کراماتی فاخر به اوعطا فرماید تا راضی گردد همانگونه که به پدرش فرمود؛ «ولسوف یعطیک ربّک فترضی» (۳)؛ و به زودی پروردگارت [آن قدر] به تو عطا کند که تو خشنود شوی.

ب) چون خدای متعال و پیامبرش و شویش علیهما السلام از او راضی هستند.

ج) چون تمامی موجودات از او راضی اند چرا که از فیوضات وی بهره می برند. (۴)الفاضِلَه: (۵) دارای اوصاف پسندیده

فضل به معنای زیاده باقی مانده از نیاز است. در آیات بسیاری سخن از فضل الهی

۱- (۱) . فجر: ۲۷ و ۲۸.

۲- (۲) . الخصائص الفاطمیه ، ج ۱، ص ۲۳۳.

۳- (۳) . الضحی: ۵.

۴- (۴) . اللمعه البیضاء ، ص ۲۰۵.

۵- (۵) . موسوعه زیارات المعصومین علیهم السلام ، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۵.

به میـان آمـده و خداونـد خود را ذو الفضل یعنی دارای فضل معرفی نموده است «إِنَّ اللّهَ لَـذُو فَضْلٍ عَلَی النّاسِ» (۱)، «وَاللّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ» (۲) و در آیات دیگر تصریح می نماید که اگر فضل الهی نبود هیچ کدام از شما پاک نمی شدید. (۳)فاضل به شخصی گویند که دارای فضیلت بوده و زیادتر از انسانهای معمولی به اوصاف پسندیده و نیکو آراسته است.

امیر مؤمنان علیه السلام در وصف پرهیزگاران می فرمایند:

پرهیزگـاران در این جهان همان صاحبان فضایل انـد، گفتارشان راست پوشـشان میانه و سیرتشان در زنـدگی تواضع و فروتنی است. (۴)ریشه های فضایل را حکمت، عفت، شـجاعت و عقل بر شـمرده اند. (۵) فضـیلت های فاطمه علیها السلام هم ذاتی و هم خـارجی است: فضـیلت های خارجیماننـد اصالت خانوادگی و شـرافت نسب است. او دختر خاتم پیامبران، سـلطان عالم و افتخار بنی آدم است و مادرش خدیجهٔ طاهره و همسرش امیر مؤمنان علیه السلام قطب عالم امکان و فرزندان او ائمهٔ معصومین علیهم السـلام اند. کیفیت انعقاد نطفه آن حضرت علیه السلام و ولادت و.. از نوع فضائل ذاتی است. بزرگ ترین فضیلت های ذاتی آن حضرت علیها السلام عفت، عصمت، معارف حقه و حقائق نظریه است که در او به حد کمال رسیده است. (۶)

۱- (۱) . بقره: ۲۴۳.
۲- (۲) . آل عمران: ۷۴.
۳- (۳) . نور: ۲۱.
۴- (۴) . نهج البلاغه ، ص ۴۰۲، خطبه ۱۹۳. «فَالْمُتَّقُونَ فِیها هُمْ أَهْلُ الْفَضائِلِ، مَنْطِقُهُم الصّوابُ وَمَلْبَسُهُم الاقْتِصادُ ».
۵- (۵) . المعجم الوسیط ، ج ۲، ص ۷۰۰.
۶- (۶) . « فَحَسـر عَن إدراکها إنسانُ کلِّ عارفٍ وَقَصَرَ عَنْ وَصْفِها وَإحصائِها لسانُ کُلُّ مُحصٍ وَواصفٍ وَالکُلُّ بِضُروبِ فَضائِلها مُعتَرِفُون وَعَلی باب کَعْبِهِ فَواضِلِها مُعْتَکِفُون وَخَصَّها اللّهُ مِنْ وَظائِفِ فَضْلِهِ وَشرائِفِ نَبْلِهِ بِأَکْمَلِ ما أعدَّه لِغَیْرِها مِن ذَوی النفوسِ القُدسیَّه وَالأعراقِ الزَّکیهِ وَالأخلاقِ الرَّضِیَّه وَالحِکَم الإلهیَّهِ وَسَطَعَ صبحُ النُّبُوَّهِ بِطَلعَتِها الحَمیدَهِ وغُرَّتِها الرَّشیدهِ... ». (الخصائص الفاطمیه ، ج ۱، ص ۱۲۱).

[ام الفضائل] : (۱) مادر فضیلت ها

او نه تنها فاضله یعنی دارای فضیلت است بلکه ام الفضائل یعنی مادر فضیلت ها است و فضایل از او سرچشمه می گیرد. این کنیه در زیارات ذکر نشده است.

الرَشِیدَه: (۲) به حد رشد رسیده

رشید از اسماء حسنای الهی است. رشیده مونث رشید و به معنای هدایت کنندهٔ به راه درست است. به کسی که به سنّ بلوغ و رشد رسیده است و کسی که در تنظیم امور آگاه است نیز گفته می شود.

فاطمه زهرا علیها السلام به تمامی معانی ذکر شده رشیده بود، او تمامی سیر تکامل را پیش از پاگذاردن به این دنیا طی نموده بود. او در بطن مادر با او سخن می گوید، و با او انس می گیرد. و هم او رشیده بمعنای هدایت کننده به راه درست است، او و فرزندانش هادیان جامعه انسانی به راه صواب، و نگاه دارنده از راه شقاوت اند.

الحُرَّه: (۳) آزاد

حرّ به معنای آزاد و در مقابل کنیز است. همچنین به معنای شخص بزرگوار و به معنای خالص نیز به کار می رود. حَریر به معنای ابریشم خالص است.

فاطمه زهرا علیها السلام سرور زنان آزاد و بزرگوار است. ممکن است به کار بردن حرّه برای آن حضرت به سبب خلوص، حضرتش علیها السلام نیز باشد.

این تعبیر هنگامی که فاطمه علیها السلام در بستر بیماری بود و آن دو نفر برای عیادت

۱- (۱) . عوالم ، ج ۱/۱۱ ص۹۵.

۲- (۲) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۹۲؛ ج ۵، ص ۱۶۸. «رشد: اهتدی -: فهو راشد ورشید، الرشید: أحد أسماء اللّه الحسنی، وحَسَنُ التقدیر، والمُرشِد، ومن بلغ سنّ الرّشد». (المعجم الوسیط ، ج ۱، ص ۳۴۷).

۳- (۳) . همان، ج ۳، ص ۱۲. «الحره: ضد الأمه و الکریمه... و السحابه الکثیره المطر... الحُرّیه: الخلوص و الخصله المنسوبه إلی الحرّ». (اقرب الموارد ، ج ۱، ص ۱۷۹).

اجازه خواستند توسط امیر مؤمنان علیه السلام برای فاطمه علیها السلام بکار رفته است. علی علیه السلام فرمود:

ای حرّه! فلانی و فلانی آستانه در ایستاده و می خواهند بر تو سلام کنند نظر شما چیست؟ فرمود: خانه، خانهٔ تو و زن آزاد همسر توست هر طور می خواهی عمل کن. (۱)در کتاب الخصائص الفاطمیه می آورد: حرّه زنی است که عبادت او خالص است. (۲)دربارهٔ به کار بردن واژهٔ حرّه از سوی امیر مؤمنان در روایت بالا دو وجه ذکر می کند:

الف) گویا علی علیه السلام می فرماید: ای فاطمه علیها السلام من تو را الزام به اذن برای آنان نمی کنم تو حرّه و مختار و مطاعی... .

ب) بنابر اینکه معنای حرّه کریمه باشد، استفاده از این تعبیر به این معناست که چون هنگام جلب محبت و کرم افراد بزرگوار و بخشنده و رسیدن به مطلب مورد نظر رسم است که پیش از خواستن چیزی از آنان، مدح و ستایش آنها گفته شود؛ علی علیه السلام این گونه فاطمه علیها السلام را مورد خطاب قرار دادند تا برای آن دو اجازه بگیرند... . (۳)أَمَتِک: (۴) کنیز تو (خدا)

حضرت فاطمه علیها السلام با این وصف نیز در زیارت مورد خطاب قرار گرفته است. باید توجه داشت که این مقامی است که در حقیقت بالاترین مرحله کمالات انسانی است.

خداوند متعال، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم - عصارهٔ وجود - را عبد و بندهٔ خود می خواند: «منزّه است کسی که بندهٔ خویش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را یک شب از مسجد الحرام به مسجد الاقصی سیر داد». ۵ امیر مؤمنان علیه السلام نیز افتخار خود را در داشتن مقام عبودیت می داند:

ص:۷۴

۱- (۱) . کتاب سلیم بن قیس ، ج ۲، ص ۸۶۹. « فَقالَ لَها: أَیّتها الحُرَّهَ فُلانٌ وَ فُلانٌ بِالبابِ یُریدانِ أَنْ یُسَلِّما عَلَیْکِ فَما تَرین؟ قالَتْ: الْبَیْتُ بَیْتُکَ و الحرَّهُ زَوْجَتُکَ فَافْعَلْ ماتَشآء ».

۲- (۲) . الخصائص الفاطمیه ، ج ۱، ص ۱۹۰.

۳- (۳) . الخصائص الفاطمیه ، ج ۱، ص ۱۹۲.

۴- (۴) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۴.

پروردگارا همین افتخار برای من بس که بندهٔ تو باشم. (۱)در روایات آمده است که خطبهٔ ازدواج حضرت زهرا علیها السلام توسط فرشته ای بنام راحیل در بیت المعمور میان عده ای از آسمانیان خوانده شد و آن فرشته امیر مؤمنان علی علیه السلام را عبد خدا و فاطمه زهرا علیها السلام را أمه خداوند خواند:

خداوندِ مالکِ چیره، برگزیدهٔ کرامت و بندهٔ بزرگی اش را برای کنیز خود سرور زنان و دختر بهترین پیامبران برگزید. (۲)و در جای دیگر نیز آمده است که جبرئیل علیه السلام بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده و گفت:

... خداوند به من وحی نمود عقد ازدواج را که به این صورت بود بخوانم: کنیز خود فاطمه دختر حبیبم محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به ازدواج عبد خود علی بن ابیطالب علیه السلام درآوردم، من نیز عقد نکاح را جاری کردم... (۳)هم چنین خداوند وقتی در برابر فرشتگان به عبادت فاطمهٔ زهرا علیها السلام مباهات می کند از آن حضرت با این واژه یاد می کند:

ای فرشتگانم به کنیزم فاطمه سرور کنیزان من بنگرید که [چگونه] در برابر من ایستاده و از ترس شانه هایش می لرزد. (۴)از توضیحات پیش گفته معلوم شد که تعبیر حُرّه به معنای زن آزاد و أمه اللّه یعنی کنیز خدا دربارهٔ حضرتش هیچ گونه منافاتی ندارد.

ص:۷۵

۱- (۱) . بحارالانوار ، ج ۳۸، ص ۳۴۰، ح ۱۴، باب ۶۸. «کَفی لی فَخْراً أن أکون لَکَ عَبْداً ».

۲- (۲) . مناقب ابن شهرآشوب ، ج ۳، ص ۳۴۸؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۱۰. «إخْتارَ المَلِکُ الجَبّار صَفْوَهَ کَرَمِهِ وعَبْدَ عَظَمَتِهِ لِأَمَتِه سَیِّدَهِ النّساء بِنْتِ خَیْرِ النَّبِیّینَ... ».

۳- (۳) . کشف الغمه ، ج ۱، ص ۳۵۷؛ بحارالأنوار ، ج ۴۳، ص ۱۲۸.

۴- (۴) . امالی صدوق ، ص ۱۰۰، مجلس ۲۴؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۷۲. «یا مَلائِکَتی انظُرُوا إلی أمَتی فاطِمَه سَیِّدَهِ إمائی قائِمَهً بَیْنَ یَدَی تَرْتَعِدُ فَرائِصُها مِنْ خیفَتی... ».

المُبارَكه: (۱) فرخنده و بابرکت

مبـارکه یعنی دارای برکت. در قرآن لفـظ برکت و مبـارک و مبـارکه در موارد متعـدد بکار رفته است قرآن کتاب مبارک (۲) خوانده شده است هم چنین بیت اللّه (۳)، حضرت عیسی علیه السلام (۴)و شب قدر (۵) با صفت مبارک ذکر شده اند.

مبارک خیری است که همراه زیادتی باشـد و به معنای زیاده نیز می باشد. قرآن مبارک خوانده شده است چون تلاوت و عمل بـه آن خیر است و در آن دانش اولین و آخرین قرار دارد. (۶) فاطمه زهرا علیها السـلام موجودی خجسته، فرخنده، میمون و با برکت برای همه است، از برکتهای بی شـمارش اینکه او مادر امامان معصوم علیهم السـلام که هدایت عالم بشریت را تا قیامت بعهده دارند می باشد.

عبد اللّه بن سلیمان گوید:

در وصف پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم در انجیل خوانـدم که او همسـران بسـیار امّا فرزنـدانی کم دارد، و نسل او فقط از مبارکه [فاطمه زهرا علیها السـلام] است که برای او خانه ای در بهشت است... . (۷)هنگام تولد فاطمه علیها السلام زنان بهشتی حاضر، به خدیجه گفتند:

او را که پاک و پاکیزه و میمون و با جلالت است و نسلش مبارک است دریافت کن. (۸)

ص:۷۶

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۲. «البرکه: النماء و الزیاده و السعاده». (المعجم الوسیط ، ج ۱، ص ۵۱).

۲- (۲) . انعام: ۹۲، ۱۵۵؛ انبیاء: ۵۰.

۳- (۳) . آل عمران: ۹۶.

۴- (۴) . مریم: ۳۱.

۵- (۵) . دخان: ۳.

۶- (۶) . مجمع البیان ، ج ۴، ص ۱۲۱.

۷- (۷) . امالی صـدوق ، ص ۲۲۴، ح ۸، مجلس ۴۶؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۲۲، ح ۱۴. «وَإِنَّما نَسلُهُ مِنْ مُبارَکه لَها بَیْتٌ فی الْجَنَّه لا صَخبٌ فیهِ وَلا نَصَبْ... ».

۸- (۸) . امالی صدوق ، ص ۴۷۶، دنبالهٔ ح ۱، مجلس ۸۷ ؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۳، ح ۱. «خُذیها طاهِرَه مُطَهَّره زَکیَّه میْمُونَه بُورِکَ فیها وَفی نَسْلِها ».

فاطمه علیها السـلام با عمر کوتاه خویش برکات بسیار داشت، بلکه باید گفت او مادر برکت ها و ریشهٔ تمام نیکی ها است، او مادر امامانی است که از نور وجود آنان عالم روشن و گردونه وجود در گردش است. به چند نمونه از برکت های مشـهود آن حضرت علیها السلام اشاره می شود:

مسلمان شدن اهل کتاب به برکت فاطمه زهرا علیها السلام

امیر مؤمنان علیه السـلام از شخصـی یهودی مقداری جو قرض کرد. او از حضرت چیزی را به عنوان گرو خواست، امیر مؤمنان علیه السـلام چادر فاطمه علیها السلام را گرو داد، یهودی آنرا به خانه برد و در اتاقی گذارد، شب وقتی همسر مرد یهودی برای کاری به اتاقی که چادر در آن قرار داشت داخل شد، نوری درخشنده دید که تمام اتاق را روشن کرده بود، به سوی همسرش رفت و ماجرا را گفت، مرد یهودی که فراموش کرده بود چادر فاطمه علیها السـلام در اتاق است شتابان برخاست و داخل شد، شعاع نور چادر که گویا از ماه شب چهارده منتشـر می شود را دیـد در شـگفت شـد بیشتر دقت کرد، فهمید نور از چادر فاطمه علیهـا السـلام است، یهودی دوان دوان بسوی نزدیکانش رفت. همسـر او نیز بسوی نزدیکان خود رفت، هشـتاد نفر از یهود این منظره را مشاهـده کرده و همگی اسـلام آوردنـد. (۱)حـادثه ای دیگر: برخی از یهود به سـبب سـاده زیسـتی فـاطمه زهرا علیها السـلام ، قصـد کوچـک نمودن آن حضـرت را داشـتند. با اصـرار از پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم درخواست کردنـد تا از دخترش فاطمه علیها السـلام بخواهـد در مجلس عروسـی آنان شـرکت کنـد و آنان هرآنچه زیور داشـتند جمع کردند تا به رخ بکشـند. قرار شد فاطمه علیها السلام در این مراسم شرکت کند. جبرئیل لباس و زیوری از بهشت آورد که مانند آن دیده نشده بود. فاطمه علیها السـلام آن زیور و لباسـها را پوشید و عطرها را استفاده نمود. هنگامی که به آن مجلس وارد شد زنان یهود به سجده افتاده، زمین را در برابر او می بوسیدند. با این اتفاق بسیاری از یهود مسلمان شدند. (۲)

۱- (۱) . الخرائج والجرائح ، ج ۲، ص ۵۳۷، ح ۱۳؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۳۰، ح ۳۶.

۲- (۲) . الخرائج والجرائح ، ج ۲، ص ۵۳۸، ح ۱۴؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۳۰، ح ۳۷.

در ماجرایی دیگر نیز چهار هزار نفر از قبیله بنی سلیم به سبب هدیهٔ فاطمه علیها السلام به شخصی أعرابی از اهالی این قبیله، مسلمان شدند. (۱) حوادث مشابه دیگری نیز در کتب روایی ذکر گردیده است.

از جلوه برکت آن حضرت علیها السلام ، نسل مبارك اوست که واژهٔ کوثر به آن اشاره دارد.

[الکوثر] : خیر زیاد

گرچه این تعبیر در زیارات حضرت علیها السلام به کار برده نشده است امّا به مناسبت واژه مبارکه به آن اشاره می شود.

خداوند در سورهٔ کوثر می فرماید: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ» (۲) ما به تو کوثر عطا کردیم.

کوثر بمعنای خیر کثیر است، در تفسیر این واژه اختلاف است. خیر کثیر، نهری در بهشت، حوض پیامبر در بهشت، یا در محشر و اولاد آن حضرت، معانی است که برای این لفظ گفته شده است. و برخی تا بیست و شش معنا بر شمرده اند که فقط در دو معنی اوّل به روایت استناد شده است.

علامه طباطبایی می فرماید: به قرینهٔ آیهٔ آخر منظور از کوثر، یا تنها کثرت ذریه است، و یا منظور خیر کثیر است و کثرت ذریه در ضمن خیر کثیر اراده شده است، و اگر این طور نباشد «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الأَبْتَرْ» (۳) در آخر سوره خالی از فائده خواهد بود.

روایات فراوانی نزول سوره را درباره کسی می داند که پس از دنیا رفتن دو فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله قاسم و عبداللّه با ابتر خواندن پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن حضرت عیب گرفت.

این جمله قرآن می رساند که فرزندان فاطمه علیها السلام ذریهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و این نیز از پیش گویی های قرآن است. خداوند نسل پیامبر صلی الله علیه و آله را پس از بلاهای بسیار و کشتار زیادی که از آنان شد به اندازه ای زیاد کرده که هیچ نسلی به پای آنان نمی رسد. (۴)

۱- (۱) . بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۶۹، ح ۶۱.
۲- (۲) . کوثر: ۱ .
۳- (۳) . کوثر: ۳ .
۴- (۴) . المیزان ، ج ۲۰، ص ۵۲۱، ۵۲۲.

امروز، سـلالهٔ پاک زهرا علیها السـلام از لحاظ کمیّت در حدی هسـتند که برخی از نویسندگان و محققین، و بویژه متخصصان علم انساب معتقدنـد حـدود ۴۰ میلیـون نفر از نوادگـان و ذرّیـهٔ آن حضـرت علیهـا السـلام در اطراف سـوریه، هنـد، پاکسـتان، افغانستان، اردن،، اروپا و امریکا وجود دارند که همگی به فرزندی زهرا علیها السلام افتخار می کنند.

برخی منابع و مآخذ آماری، تعداد سادات را در ایران سه میلیون، عراق یک میلیون، مصر پنج میلیون، مغرب اقصی پنج میلیون، یمن و هند و پاکستان حدود بیست میلیون نفر برشمرده اند.

تهیه کنندگان این آمار در محاسبات خود از کشور مسلمان ترکیه غفلت ورزیده اند.

بیش از نه میلیون نفر از علویّون منتسب به آن خانـدان نیز در این کشور زنـدگی می کننـد، هرچنـد که از نظر فکری و تربیـتی برخلاف خط آن بزرگوار طی طریق می نمایند.

هـم چنین پـاره ای از منـاطق غیر اسـلامی هم بـدرستی آمـارگیری نشـده است. افزون بر این که این آمـار از چنـدین سـال قبل موجـود می باشـد. وگرنه آمـار و ارقـام مربـوط به سـادات جهـان بـاز هم بسـیار بیش از این خواهـد بود. (۱)گذشـته از کمیت فرزندان حضـرت زهرا علیها السـلام از نظر کیفیت و موقعیت نیز، فرزندان آن حضـرت از هر لحاظ واجد اهمیت شایان، و نوعاً منشاء خیرات و برکات و مشعل داران هدایت و ارشاد در جهان اسلام بوده و هستند.

صد هزاران آفرین بر جان او

ص:۷۹

۱- (۱) . آمار، برگرفته از کتاب صدیقهٔ طاهره بانوی بزرگ اسلام ، ص ۷۲، به نقل از کتاب فاطمه الزهرا من المهد الی اللحد.

المَیمُونَه: (۱) با برکت

میمون به معنای دارای یُمن است و یُمن به معنای برکت می باشد، که سخن دربارهٔ آن تحت عنوان واژهٔ مبارکه گذشت.

الکَرِیمَهُ المَحمُودَهُ: (۲) بزرگوار ستوده

فاطمهٔ زهرا علیها السلام نزد خداوند متعال دارای مقامی بزرگ است، و او ستودهٔ حق تعالی است و مقام و مرتبتی را داراست که پدیدار شدن آن بر روی زمین امکان پذیر نیست. امّا برخی از اتفاقات نشانگر شأن و منزلت و بزرگواری او در دستگاه عظمت الهی است. به مناسبت این تعبیر به برخی روایات در این باره اشاره می شود:

ابوذر گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مرا فرستاد تا علی علیه السلام را خبر کنم. به خانهٔ او آمدم، و صدا زدم کسی جواب مرا نداد، دیدم آسیا می گشت کسی هم آن جا نبود. علی علیه السلام را صدا زدم همراه من بیرون آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به حضرت علیه السلام چیزی فرمود، من نفهمیدم. گفتم:

شگفتا! آسیا در خانه علی علیه السلام می چرخید و کسی کنار آن نبود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

همانا خداوند قلب و جوارح دخترم فاطمه علیها السلام را مملوّ از ایمان و یقین نموده است و خداوند ناتوانی او را دانست و او را بر دوران زندگی اش یاری نمود و کفایت کرد. آیا نمی دانی خداوند فرشتگانی دارد که مأمور کمک به آل محمد علیهم السلام اند؟ (۳)دربارهٔ تعبیر الکریمه المحموده می توان به لباس ها و حُله ها و زیور آلاتی بی مانند

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۲. «میمون: ذو الیمن، الیمن: البرکه». (المعجم الوسیط ، ج ۲، ص ۱۰۸۰).

۲- (۲) . همان، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ج ۵، ص ۱۶۸.

۳- (۳) . الخرائج والجرائح ، ج ۲، ص ۵۳۱، ح ۷؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۲۹، ح ۳۴. «إنّ إبنتی فاطمه علیها السلام مَلَأَ اللّهُ قَلبَها وَ جَوارِحَها إیماناً وَ یقیناً وَ إِنَّ اللّهَ عَلِمَ ضَعْفَها فأَعانَها عَلی دَهْرِها وَ کَفاها. أَما عَلِمْتَ أنَّ للّهِ مَلائِکَهً مُوَکّلینَ بِمَعُونَهِ آلِ مُحمّدٍ علیهم السلام ».

اشاره کرد که از بهشت برای فاطمه علیها السلام فرستاده شد و افراد یهودی که می خواستند برای لباس های سادهٔ آن حضرت را تحقیر کنند مجبور به سجده در مقابل او شدند که پیشتر گذشت. (۱)هم چنین نقل شده است؛ هنگامی که فاطمه زهرا علیها السلام به شهادت رسید، خدمتکار آن حضرت - ام ایمن - سوگند خورد در مدینه نماند، به سوی مکه حرکت کرد و در راه عطش شدیدی به او رسید دستهایش را بالا برد و گفت: پروردگارا! من خدمتگزار فاطمه علیها السلام هستم آیا با عطش مرا از دنیا می بری؟ خداوند دلوی از آسمان فرو فرستاد. او نوشید و هفت سال هرگز به آب و غذا نیازی پیدا نکرد، از آن پس مردم او را در روزهای بسیار گرم برای کارهایی می فرستادند و عطش در او اثر نمی کرد. (۲)مورد دیگری که می توان به آن اشاره کرد؛ احترام بسیار و بزرگداشت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به فاطمه زهرا علیها السلام می باشد که نشان از بزرگواری فاطمهٔ زهرا علیها السلام نزد خداوند متعال داشت امام باقر و امام صادق علیهما السلام می فرمایند:

روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اینگونه بود که نمی خوابید تا پهنای صورت فاطمه علیها السلام را می بوسید و صورت خود را میان سینهٔ فاطمه می گذاشت و برای او دعا می کرد. (۳)نیز دربارهٔ این تعبیر می توان به سخن گفتن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دربارهٔ قیامت و عریان محشور شدن خلائق در آن روز اشاره نمود که در این هنگام فاطمه علیها السلام پرسید آیا من هم عریان هستم؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: بله تو هم آن روز عریان خواهی بود، در آن روز

۱- (۱) . الخرائج والجرائح ، ج ۲، ص ۵۳۸، ح ۱۴؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۳۰، ح ۳۷.
۲- (۲) . الخرائج والجرائح ، ج ۳، ص ۵۳۰، ح ۵؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۲۸، ح ۳۲.
۳- (۳) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۳۴؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۴۲. «إنَّهُ كانَ النَّبِیُ صلی الله علیه و آله و سلم لا يَنامُ حَتّی يُقَبِّلْ عَرْضَ وَجهِ فاطِمه وَيَضَع وَجْهَهُ بَيْنَ ثَدْيَی فاطِمه وَيَدْعُولَها ».

هیچ کس به دیگری توجه ندارد. فاطمه علیها السلام گفت: وای از شرمساری دربرابر خداوند متعال، هنوز فاطمه علیها السلام از نزد پیامبر صلی الله علیه و آله خارج نشده بود که جبرئیل بر حضرت صلی الله علیه و آله نازل شد و گفت:

ای محمد صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام سلام برسان و به او خبر بده، که او از خداوند تبارک و تعالی حیا کرد، خداوند نیز از او حیا نمود. همانا او را وعده داد که در قیامت دو حله از نور به او بپوشاند. (۱)و از آن جمله می توان به روایت

«إنَّ اللّهَ لَيَغْضِبِ لِغَضَبِ فاطِمَه وَ يرضى لِرِضاها (۲)؛ خداوند بخاطر خشم فاطمه خشمگین و برای خوشنودی او خشنود می گردد» اشاره نمود.

هم چنین می توان به فرود آمدن زنانی از بهشت هنگام ولادت آن حضرت علیها السلام ، و نیز فرود آمدن جبرئیل و فرشتگان، پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله برای تسلّی فاطمه زهرا علیها السلام اشاره کرد.

و از موارد دیگر این که: پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمهٔ زهرا علیها السلام را در حالت بیماری و ضعف مشاهده کرد، اشک بر گونه هایش جاری شد، فرمود:

ای فاطمه علیها السلام آیا نمی دانی بخاطر بزرگداشت تو بود که خداوند تو را به ازدواج اولین اسلام آورندگان و بردبارترین و عالم ترین زمینیان درآورد؟ (۳)در پاسخ این پرسش که چرا خداوند متعال سورهٔ هل أتی را در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل کرد و همهٔ نعمت های بهشتی را در آن ذکر نمود امّا از حور العین نامی نبرد؟

ص:۸۲

۱- (۱) . کشف الغمه ، ج ۲، ص ۱۲۳؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۵۵. «یا مُحَمَّد اقرأ فاطمه السلام وأعلمها أنّها استحیت من اللّه تبارک وتعالی فاستحیی اللّه منها، فقد وعدها أن یکسوها یوم القیامه حلّتین من نور... ».
۲- (۲) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۲۵؛کشف الغمه ، ج ۲، ص ۸۴ ؛مرآه العقول ، ج ۵، ص ۳۱۵.
۳- (۳) . الخصال ، ص ۴۱۲، ح ۱۶؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۹۸، ح ۸. «أما عَلِمتِ یا فاطِمَه أنَّ لِکَرامَهِ اللّهِ إیّاکِ زوّجَکِ أقدَمهُم سِلْماً وَأعظَمهُم حِلْماً وَأکْثرهُم عِلْماً... ».

دانشـمندی گفت: این کار برای بزرگداشت فاطمه علیها السـلام بود. (۱)الکَرِیمَهُ عِندَ المَلَاءِ الأعلی: (۲) بزرگوار و ارجمند در عالم بالا

امام صادق علیه السـلام در بیان حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله که در آن، از روز قیامت و قرار دادن کرسی برای پیامبران و اوصیاء و ... سخن به میان آمده، فرمود: خدای تعالی به اهل محشر خطاب می کند: ای اهل محشر کرامت در این روز برای کیست؟ پیامبر، امیر مؤمنان، امام حسن، امام حسین علیهم السـلام و فاطمه علیها السـلام می گوینـد: برای خداونـد واحـد قهّار است. خدای تبارک و تعالی می فرماید:

ای اهل محشر من ارجمندی و کرامت را برای محمّد و علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام قرار دادم. ای اهل محشر سرها را پایین اندازید و چشم ها را ببندید، این فاطمه علیها السلام است که به سوی بهشت می رود. (۳)دربارهٔ ارجمندی فاطمه علیها السلام نزد عرشیان می توان به آنچه دربارهٔ ام ایمن خدمتگزار آن حضرت نقل شد اشاره کرد که در هنگام عطش خداوند دلوی از آسمان برای او فرو فرستاد و او نوشید. (۴)مانند این ماجرا دربارهٔ شهره، دختر مسکه، دختر فضه خادمه حضرت زهرا علیها السلام نقل شده است که در موسم حج مرکب او در میانهٔ راه از ادامهٔ مسیر مانده بود، و به دعایش شخصی برای او شتری آورد و به مقصد رسید. (۵)

ص:۸۳

۱- (۱) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۲۵؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۵۳.

۲- (۲) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ج ۵، ص ۱۴۵.

۳- (۳) . تفسیر فرات کوفی ، ص ۲۹۸، ح ۴۰۳ - ۱۳؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۶۴، ح ۵۷. «فیقول اللّه جَلَّ جَلالُه: یا أهلَ الجمعِ إنّی قَدْ جَعلتُ الکَرَمَ لِمُحَمَّدٍ وَعلیّ وَالحَسَن وَالحُسَین وَفاطِمَه، یا أهلَ الجَمعِ طأطِؤا الرُّؤوسَ وغضُّوا الأبصارَ فَانَّ هذِهِ فاطمهُ تَسیرُ إلی الجَنَّهِ ».

۴- (۴) . الخرائج والجرائح ، ج ۲، ص ۵۳۰ ، ح ۵ ؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۲۸، ح ۳۲، و ص۴۶، ح ۴۵.

۵- (۵) . مناقب ابن شهرآشوب ، ج ۳، ص ۳۳۸؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۴۶، ح ۴۶.

دربارهٔ کرامت حضرت زهرا علیها السلام شبیه سخن امام صادق علیه السلام ، از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمود:

روز قیامت منادی از عرش صدا می زند؛ ای مخلوقات، چشمان خود را پایین اندازید تا فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم عبور کند. (۱)[المنصوره] : (۲) یاری شده

به مناسبت به یکی از القاب حضرت زهرا علیها السلام که در زیارتها ذکر نشده است اشاره می شود؛ بر اساس احادیث، در آسمان ها فاطمهٔ زهرا علیها السلام را با این اسم می خوانند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

نام او در آسمان منصوره است و این سخن خداوند است؛ در این روز، مؤمنان به یاری خداوند شاد می گردند. او هر کس را خواهد، یاری کند. یعنی فاطمه علیها السلام دوستدارانش را یاری می کند. (۳)مُبَشِّرَةُ الاولِیاءِ: (۴) مژده دهنده دوستداران

پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمهٔ زهرا علیها السلام که با یادآوری محشر و ویژگیهای آن اندوهگین شده بود دلداری می داد و منزلت او را در آن روز برایش بازگو می کرد. در بخشی از این سخن آمده است:

... جبرئیل گوید: ای فاطمه چه درخواستی داری؟ تو می گویی: پروردگارا

۱- (۱) . کشف الغمه ، ج ۲، ص ۸۳ ؛بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۵۲. «إذا کانَ یَوم القِیامَهِ نادی مُنادٍ مِنْ بُطنانِ الْعَرْشِ یا مَعْشَرَ الخَلائِقِ غُضُّوا أبْصارَکُم حَتّی تَجُوزَ فاطِمَهُ علیها السلام بنتُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم ».

۲- (۲) . الخصائص الفاطمیه ، ج ۱، ص ۲۱۳. «نَصَر المظلوم: أعانه، ویقال النصر أخصّ من المعونه لاختصاصه بدفع الضّر». (اقرب الموارد ، ج ۲، ص ۱۳۰۶).

۳- (۳) . معانی الاخبار ، ص ۳۹۶، ح ۵۳ . « وهِیَ فی السَّماءِ الْمَنْصُورهُ، وَذلکَ قَولُ اللّه عَزَّ وَجَلَّ «یَومَئِذٍ یفرَحُ المُؤمِنُونَ بِنَصْرِ اللّهِ ینْصُرُ مَنْ یَشاءُ» (روم: ۵) یَعنی نَصر فاطِمَه لِمُحِبّیها».

۴- (۴) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۸.

شیعیانم. خدای عزّ و جلّ فرماید: آنها را بخشیدم بار دیگر می گویی پروردگارا شیعیان فرزندانم. خدای عزّ و جلّ گوید: آنها را نیز بخشیدم، سپس می گویی:

پروردگارا شیعیان شیعیانم. خداوند می فرماید: برو، هرکس به تو توسل جوید با تو در بهشت است. در این هنگام خلایق آرزو می کنند ای کاش فاطمی بودند... . (۱)در سخنی دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله به سلمان فرمود:

ای سلمان! هر کس دخترم فاطمه علیها السلام را دوست دارد در بهشت با من است و هرکس با او دشمنی ورزد در آتش است. سلمان! محبت فاطمه علیها السلام در ده جایگاه سود می رساند که آسان ترین آنها هنگام مرگ و قبر و اندازه گیری اعمال و محشر و گذر از صراط و حسابرسی است. هر کس فاطمه از او خوشنود باشد من نیز از او خشنودم و هر کس که من از او خوشنود باشم خداوند از او خوشنود است و هر کس فاطمه بر او غضب کرد من بر او خشم گیرم و هر کس من بر او خشم گیرم خداوند بر او غضب کند. ای سلمان! وای بر کسی که به فاطمه علیها السلام و شوهرش امیر مؤمنان علیه السلام ستم روا دارد، وای بر کسی که بر فرزندان و شیعیان او ستم کند. (۲)

۱- (۱) . تفسیر فرات کوفی ، ص ۴۴۶، ذیل ح ۵۸۷ - ۳؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۲۲۷، ذیل ح ۱۳. «ثمَّ یقولُ جِبرئیلُ علیه السلام : یا فاطِمَهُ سَلی حاجَتَکِ، فتَقُولینَ: یا ربِّ شیعَتی، فَیقولُ اللّهُ عَزَّ وَجلَّ: قَد غَفَرْتُ لَهُمْ، فَتَقُولینَ یا رَبِّ شیعَه وُلْدی فَیقولُ اللّه قَدْ غَفرتُ لهُم، فَتقُولینَ: یا رَبِّ شیعَه شیعَتی، فَیَقُولُ اللّهُ: انطَلِقی فمَنْ اعتَصَمَ بِکِ فهُوَ مَعَکِ فی الجَنَّهِ، فعِنْدَ ذلِکَ یَوَدُّ الخلائقُ أنَّهُم کانُوا فاطِمیّین ».

۲- (۲) . فرائد السمطین ، ج ۲، ص ۶۷؛بحارالانوار ، ج ۲۷، ص ۱۱۶، ح ۹۴ از مناقب ابن شاذان . «یا سَلْمان! مَن أحَبَّ فاطِمَهَ [إبنَتی] فَهُوَ فی الجَنَّهِ مَعی وَمَن أبغَضَها فَهُوَ فی النّار. یا سَلمان حُبُّ فاطِمَه ینفعُ فی مِائهٍ مِنَ المَواطِنِ، أیسَرُ ذلِک المَواطِنِ المَوْتُ وَالقَبْرُ وَالمیزانُ وَالمَحْشَرُ وَالصِّراطُ وَالمُحاسَبَهُ، فمَنْ رضیتْ عَنهُ ابنَتی فاطِمَه رضیتُ عنه وَمن رضیتُ عَنهُ رضی اللّهُ عَنْهُ وَمَنْ غَضِبتْ عَلَیه [فاطِمَهُ] غضبتُ عَلَیْه وَمَن غضبتُ علیهِ غَضبَ اللّه عَلَیْه. یا سَلمان وَیلٌ لمَنْ یَظْلمُها وَیظلمُ بعلَها أمیرَ المُؤمِنین عَلیّاً علیه السلام وَوَیلٌ لِمَنْ یظلِمُ ذُرِّیَتَها وَشِیعَتَها ».

دربارهٔ واژهٔ مبشره الأولیاء می توان به سخنی از خود آن بانو اشاره کرد که فرمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: ای فاطمه هر کس بر تو درود فرستد خداوند او را می آمرزد و هر جای بهشت باشم او را به من ملحق می کند. (۱)المُشَفَّعَهُ فی یَومِ اللِّقاءِ: (۲) شفاعت کنندهٔ روز دیدار (قیامت)

یکی از ویژگی های مورد اشاره در زیارات دربارهٔ فاطمهٔ زهرا علیها السلام شفاعت کردن آن حضرت در روز قیامت است که برخی روایات دربارهٔ آن ذکر شد.

به دنبال روایتی که از امام صادق علیه السلام دربارهٔ روز قیامت صفحاتی قبل گذشت چنین آمده است؛ در آن روز خداوند می فرماید:

ای اهل محشر من ارجمندی را برای محمد و علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام قرار دادم.

ای اهل محشر سرها را پایین اندازید و چشم ها را ببندید، این فاطمه است که به سوی بهشت می رود. سپس جبرئیل برای فاطمه علیها السلام شتری از بهشت که دو پهلوی او آراسته و دهنه ای از مروارید برّاق و جهازی از مرجان بر آن است می آورد، شتر در برابر فاطمه علیها السلام زانو می زند، و حضرتش علیها السلام سوار می شود.

خداوند صد هزار فرشته را به سوی او روانه می نماید، آنان طرف راست فاطمه علیها السلام قرار می گیرند و صد هزار فرشته نیز به سوی آن حضرت گسیل می دارد که فاطمه علیها السلام را بر بالهای خویش حمل می کنند و به سوی دَرِ بهشت می برند.

وقتی فاطمه علیها السلام به در بهشت رسد بر می گردد، خداوند فرماید: ای دختر حبیب من! چرا بازگشتی؟ من دستور دادم تو را به بهشت برند!.

۱- (۱) . بحارالانوار ، ج ۱۰۰، ص ۱۹۴، ح ۱۰. «عَن فاطِمَه علیها السلام قالتْ: قالَ لی رَسُول اللّه صلی الله علیه و آله : یا فاطمه مَن صَلّی علیکِ غَفَرَ اللّهُ لَه وَألحَقَهُ بی حَیثُ کنتُ مِنَ الجَنَّه ».

۲- (۲) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۴، ص ۲۰۲؛ ج ۵، ص ۱۰۳.

فاطمه علیها السلام می گوید: پروردگارا دوست دارم در این روز منزلت من شناخته شود.

خداونـد متعـالی می فرمایـد: دختـر حبیبم! بـاز گرد و بنگر و دست هر کس که دوستی تو، یـا یکی از ذریه ات را در دل دارد بگیر و در بهشت داخل کن.

امام باقر علیه السـلام فرمود: ای جابر! به خدا قسم فاطمه علیها السـلام در این روز همان گونه که مرغ دانهٔ خوب را از میان دانه های بـد بر می چینـد شیعیان و دوست دارانش را جـدا می کنـد و وقتی شـیعیانش همراه او به بهشت می رونـد خداونـد در دل آنان می انـدازد که باز گردنـد، هنگام بازگشت خـدای عزّ و جلّ می فرماید: ای دوسـتداران من! برای چه برگشتید، من دختر حبیبم فاطمه علیها السلام را شفیع شما قرار دادم؟

آنان گویند: پروردگارا دوست داریم ارزش ما در چنین روزی شناخته شود.

حقتعالی می فرماید: ای دوسـتدارانم! برگردید و بنگرید چه کسـی شـما را به خاطر دوست داشـتن فاطمه علیها السـلام دوسـت داشت و چه کسـی شـما را برای دوست داشـتن فاطمه علیها السـلام غذا داد و چه کسی شما را برای دوست داشتن فاطمه علیها السـلام پوشانید، و چه کسـی شـما را برای دوست داشـتن فاطمه علیها السلام جرعه ای آب داد و چه کسی برای دوست داشتن فاطمه علیها السلام غیبتی را از شما رد نمود، دست او را بگیرید و داخل بهشت کنید.

امام باقر علیها السـلام فرمود: به خدا قسم در میان مردم جز کسی که شک در دل دارد یا منافق یا کافر است باقی نمی ماند... . (۱)

۱- (۱) . تفسیر فرات کوفی، ص ۲۹۸، ح ۴۰۳ - ۱۳؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۶۴، ح ۵۷. «قالَ جابِر لأبی جعفرٍ علیه السـلام جُعلتُ فداک یا ابنَ رسولِ اللّه حَدِثنی بحَدیثٍ فی فضْلِ جِدَتِکَ فاطِمه علیها السـلام إذا أنا حدَّثتُ به الشّـیعَهَ فَرِحُوا بِذلک. قال أبو جعفر علیه السـلام حَـدَّثنی أبی عَن جَـدی عَنْ رسولِ اللّه صلـی الله علیه و آله و سـلم قـالَ: إذا کانَ یَومَ القِیامَهِ نصبَ لِلأنبیاء وَالرُّسـل مَنـابِر مِنْ نُور فیکونُ مَنبَری أعلیٰ مَنـابِرِهِم یَومَ القیـامهِ، ثُمَّ یَقول اللّه یا مُحَمَّدُ اخْطب فَأخطُبُ بخُطبَهٍ لَمْ یسـمَع أحـدٌ مِنَ الأنبیـاءِ وَالرُّسـل بِمِثْلِها، ثُمَّ یُنصَبْ لِلأوصِـیاء مَنابِرَ مِنْ نورٍ وَیُنصبُ لوَصـیّی عَلیِ بن أبی طالبٍ فی أوساطِهِم مِنبرٌ مِنْ نور، فیَکونُ منبرُه أعْلیٰ مَنـابِرِهم. ثُمَّ یقولُ اللّهُ: یـا عَلی! اخطُب فیخطُب بخُطبه لم یسـمَعْ أحـدٌ من الأوْصـیاءِ بِمِثلِهـا، ثُمَّ ینصَب لأوْلادِ الأنبیاءِ وَالمُرسَلینَ مَنابِرَ مِنْ نُورٍ فَیَکونُ لابنَیَّ وَسِبْطیَّ وَریحانَتیَّ أیّام حَیاتی مِنْبَرٌ مِنْ نُور، ثُمَّ یُقالُ لَهُما إخطبا. فیَخطُبان بخُطبَتَیْن لمْ یسمَع أحـدٌ مِنْ أولادِ الأنبیاء وَالمُرسَـلین بِمِثْلِهما. ثُمَّ یُنادی المُنادی وَهُوَ جِبرئیل علیه السـلام أینَ فاطِمَه بنت مُحَمَّدٍ؟ أینَ خَـدیجَه بنتُ خُوَیلَـد؟ أینَ مَرْیَم بنتُ عِمْران؟ أینَ آسـیَهُ بنتُ مزاحِم؟ أینَ أم کُلثوم أم یَحیی بن زَکریـا؟ فیقُمْنَ. فیقولُ اللّه تَبـارَکَ وَتَعالی: یا أهـلَ الجَمْع لِمَنِ الْکَرَم الیُومُ؟ فَیَقولُ مُحَمَّدٌ وَعلیّ وَالحَسَن وَالحُسَـین وَفاطِمَه: لِلّهِ الواحـدِ القَهارِ. فَیقولُ اللّه تَعالیٰ: یا أهلَ الجَمْعِ إنّی قَدْ جعلتُ الْکَرَمَ لِمُحَمَّدٍ وَعَلیّ وَالحَسَن وَالحُسَین وَفاطِمَهَ. یا أهلَ الجَمْع طأطؤا الرءُوسَ وَغُضُّوا الأبصارَ فَإنَّ هذِهِ فاطِمَه تَسیر إلی الجَنَّهِ. فَیَأتیهـا جِبرئیـل بِنـاقهٍ مِن نُوقِ الجنَّه مُـدَبَجه الجَنْبَین خِطامُهـا مِنْ اللُّؤْلُؤ المحَقق الرطب عَلَیها رحْلٌ مِنَ المرجانِ، فتُناخُ

بينَ يَدَيها فتركَبُها فيُبعَثُ إليها مِائةُ ألف مَلَك. فيَصيروا عَلى يَمينِها وَيُبعث إليها مِائةُ ألف مَلَك يحمِلونَها عَلى أجْنِحَتِهِم حَتّى يصيرُوها عِندَ بابِ الجنَّهِ فَإذا صارَتْ عِنْدَ بابِ الجنَّهِ تلتفتُ. فَيقولُ اللّهُ: يا بنتَ حَبيبى ما التفاتُكَ وَقَدْ أمرتُ بِكِ إلى جنَّتى. فَتَقُولُ: يا رَبِّ أحببتُ أن يُعرفَ قَدرى فى مثلِ هذا اليوم. فَيقُولُ اللّهُ: يا بنتَ حَبيبى ارجِعى فانْظُرى مَنْ كانَ فى قَلبهِ حُبٌ لَكِ أوْ لِأحدٍ مِنْ ذُرِّيَّتِكِ خُذى بيَدِه فَأدْخِليه الجنَّهَ . قالَ أبو جعفر عليه السلام : وَاللّهِ يا جابر إنّها ذلكَ اليوم لتَلْتقِطُ شيعتَها وَمُحبّيها كَما يلتَقِطُ الطَّيرُ الحبَّ الجيِّدَ مِنَ الحبِّ الرَّدِىء، فَإذا صارَ شيعتُها مَعَها عندَ بابِ الجنَّهِ يُلقى اللّهُ فى قُلوبِهِم أنْ يَلْتَفِتُوا. فإذا التَفَتُوا فَيقُولُ اللّهِ يا أحبّائى ما إلتفاتُكُم وَقَد شَفَّعتُ فيكُم فاطمه بنتَ حَبيبى؟ فيقُولونَ: يا ربّ أحبَبْنا أن يُعْرَفَ قدرُنا فى مِثل هذا اليوم. فيقولُ اللّهُ: يا أحبّائى ارجِعُوا وَانظُروا مَنْ أحبَّكُم لِحُبِّ فاطِمَه، أنظُروا مَنْ أطعَمَكُم لحبِّ فاطِمَه، انظُروا مَن كَساكُم لِحُبِّ فاطِمَه، انظُروا مَنْ سَقاكُمْ شربَةً فى حُبِّ فاطِمَه، انظُروا مَنْ رَدَّ عَنكُم غيبَةً فى حُبِّ فاطِمَه، خُذُوا بيَدِه وَأدخُلُوه الجنَّهَ. قالَ أبو جعفر: وَاللّهِ لا يبقى فى النّاس إلّاشاكٌ أو كافرٌ أو مُنافقٌ فَإذا صارُوا بينَ الطَّبَقاتِ نادُوا كَما قالَ اللّه تَعالى «فَمَا لَنا مِنْ شافِعِينَ وَ لا صَدِيقٍ حَمِيم» فيقولون «فَلَوْ أَنَّ لَنا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» قال أبو جعفر عليه السلام : هيهات هيهات منعوا ما طلبوا «وَ لَوْ رُدُّوا لَعادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَ إِنَّهُمْ لَكاذِبُونَ» ».

ارجمندی و مقام بلند فاطمه زهرا علیها السلام نزد خداوند از این سخن امام باقر علیه السلام نیز آشکار می شود که فرمود:

فاطمه علیها السلام توقفی بر در جهنم دارد، روز قیامت میان دو چشم هر کس نوشته شده مؤمن یا کافر است، به یکی از دوستداران فاطمه علیها السلام که گناهانش زیاد است می گویند به سوی آتش برود، فاطمه علیها السلام میان دو چشم او می خواند که

دوستدار است. می گوید: خدای و پروردگار من! مرا فاطمه نامیدی و به سبب من هر کس که من و ذریه ام را دوست دارد از آتش بازداشتی و وعدهٔ تو حق است و تو خلف وعده نمی کنی.

خدای عزوجل می فرماید: راست گفتی من تو را فاطمه نامیدم و به سبب تو هرکس که تو و ذریه ات را دوست دارد و آنان را سرپرست خود بدانند از آتش باز می دارم و وعدهٔ من حق است و خلف وعده نمی کنم و من این بنده ام را تنها برای آن دستور دادم به سوی آتش رود تا تو او را شفاعت کنی و من تو را شفیع او قرار دهم و برای فرشتگان و پیامبران و فرستادگانم و اهل محشر جایگاهت پیش من، آشکار شود، هرکس که میان دو چشم او خواندی مؤمن است دست گیر و به بهشت داخل کن. (1)

۱- (۱) . علل الشرایع ، ج ۱، ص ۱۷۹، ح ۶؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۴، ح ۱۱.

بخش سوم: پاکدامنی، دانش و وابستگی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

اشاره

ص:۹۱

پاکدامنی، دانش و وابستگی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پاکی و پاکدامنی

در این قسمت صفاتی ذکر شده است که به پاکی و پاکدامنی فاطمه زهرا علیها السلام در زیارات اشاره دارد.

التقیّه: (۱) پرهیزگار

از صفات مورد تأکید در زیارات، پاکی آن حضرت از تمامی آلودگی ها می باشد حتی آلودگی هایی که برخی لازمه طبیعی بشر است، مانند آنچه در توضیح واژه بتول با استفاده از روایات گذشت.

تقیّه مؤنث تقی یعنی پرهیزگار، برگرفته از تقوی است. در قرآن و کلمات معصومین علیهم السلام تقوی مورد تأکید قرار گرفته و معیار کرامت انسانی است ۲ و نیز به عنوان بهترین توشه معرفی شده است. ۳ کسی که پیشینهٔ وجودی اش از عالم بالا و بالاتر از فهم آدمیان است و حوریه ای در لباس انسان و خود عین پاکی است، شگفت نیست که این صفات و القاب نشان دهندهٔ ابعاد بزرگ این پاکی و پرهیزگاری وی باشند و بالاتر آنکه خداوند، او و پدر و شوهر و فرزندانش را تطهیر نموده و پاک خوانده است. ۴

ص:۹۳

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۶، ۲۸۷؛ ج ۲، ص ۲۱۶؛ ج ۴، ص ۱۲۴؛ ج ۵، ص ۱۰۲. «التقی من یتقی اللّه». (المعجم الوسیط ، ج ۲، ص ۱۰۶۵).

علامه مجلسی رحمه الله در توضیح این واژه می آورد:

یعنی او از هر آنچه خدا خوشنود نبود حتی در کارهای مباح پروا داشت. (۱)نقیّه: (۲) پاکیزه

نقاوه و نقاء بمعنای پاکیزگی، خلوص و ناب بودن است. فاطمهٔ زهرا علیها السلام از همهٔ رذائل پاکیزه، و از ویژگی ها و کارهایی که لایق به مقامش نبود نظیف بود.

الزَکِیّه: (۳) پاک و شایسته

الزکیه العارفه: (۴) پاکیزهٔ آشنا (به احکام الهی)

زکیّه مونث زکیّ بر وزن فعیل به معنی پاک از گناه و بزرگ شده بر خیر و خوبی است. فرشتهٔ الهی به حضرت مریم علیها السلام می گوید: «إنّما أنا رَسُولُ رَبِّکَ لأهَبَ لَکِ غُلاماً زَکیا» (۵)؛ من فرستاده پروردگار تو ام تا پسری پاکیزه به تو بخشم.

تزکیه به معنی تطهیر است. «قد افلح من زکّاها» (۶). پاکیزگی از اخلاق ناشایست ناشی از غضب، حسد، بُخل، حبّ مقام، دوستی دنیا، کبر و عُجب، سبب رستگاری فرد است. خطاب قرار دادن حضرت فاطمه علیها السلام با این وصف، به فلاح، رستگاری، تزکیهٔ فطری و ذاتی و دوری آن حضرت علیها السلام از خُلقیات پَست اشاره دارد. و به سبب همین تزکیه، شایستهٔ مقام خدادادی گردیده است.

۱- (۱) . روضه المتقین ، ج ۵، ص ۳۴۵. «بمعنی المتقیه عن اللّه فی جمیع ما لا یرضی اللّه حتی عن المباحات».

۲- (۲) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۶، ۲۸۷؛ ج ۲، ص ۲۱۶؛ ج ۴، ص ۱۲۴؛ ج ۵ ، ص ۱۰۲. «نقی الشیء نقاوه: نَظُفَ. فهو نقی وهی نقیه». (المعجم الوسیط ، ج ۲، ص ۹۵۸). المنقّاه من جمیع الخصال و الافعال الغیر اللائقین بها روضه المتقین ، ج ۵ ، ص ۳۸۵.

۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۹۱؛ ج ۳، ص ۲۷۹؛ ج ۴، ص ۱۲۵؛ ج ۵، ص ۱۴۵. «قال المجلسی؛ المزکاه من الصفات الرذیله و الافعال الذمیمه». (روضه المتقین : ج ۵، ص ۳۴).

۴- (۴) . همان، ج ۵، ص ۱۱۲. دربارهٔ صفت عارفه پس از این توضیح خواهد آمد.

۵- (۵) . مریم: ۱۹.

۶- (۶) . الشمس: ۹. «هرکس خود را تزکیه کرد رستگار شد».

الزاکِیه: (۱) پاک از گناه

زاکیه نیز معانی زکی را داراست افزون بر آن زاکیه برای کسی که هیچ گناه انجام نداده است استفاده می شود. (۲)الطَّیِّبَهُ: (۳) پاک و نیکو

واژهٔ طیّب به معنای پاک و پاکیزه و چیز خوب و حلال است و در مقابل تمامی این معانی واژه خبیث قرار دارد. در قرآن نیز این واژه در مواردی به کار رفته است. (۴)«اَلَمْ تَرَ کَیْفَ ضَرَبَ اللّهُ مَثَلاً کلمهً طیّبه کَشَجَرَهٍ طَیِّبه» (۵)؛ آیا ندیدی چگونه خداوند مثالی زد؛ کلمهٔ پاک مانند درختی پاک است، ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان است، هر زمان میوه اش را به اذن پروردگارش می دهد.

منظور از شجره طیبه در روایات اهل بیت اند. امام صادق علیه السلام در توضیح این آیه فرمود:

رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم ریشه این درخت پاک و امیر مؤمنان علیه السلام شاخهٔ آن و ائمه از ذریهٔ آن دو نفر، جوانه های آن و دانش ائمه علیهم السلام میوهٔ آن است و شیعیان مؤمن برگ های آن هستند... . (۶)

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۱۰۲. «زکا الشیء: نما وزاد وفلانٌ صلَحَ وتنعَّم وکان فی خِصب فهو زکیّ». (المعجم الوسیط ، ج ۱، ص ۳۹۸).

۲- (۲) . مجمع البحرین ، ص ۷۷۶.

۳- (۳) . مجمع البحرین ، ج ۳، ص ۳۷۵؛ ج ۵، ص ۱۱۸. «الطیّب: الأفضل من کلّ شیء وکلّ ما یُتطیّب به من عطر ونحوه». (المعجم الوسیط ، ج ۲، ص ۵۷۹).

۴- (۴) . «وهدوا إلی الطیّب من القول»؛ «به گفتار پاک و نیکو هدایت شدند». حج: ۲۴؛ «یا ایّها النّاس کلوا ممّا فی الأرض حلالاً طیّباً»؛ «ای مردم از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است بخورید». بقره: ۱۶۸، ۱۷۲؛ آل عمران: ۱۷۹؛ نحل ۹۷ نیز این واژه آمده است.

۵- (۵) . ابراهیم: ۲۴ و ۲۵.

۶- (۶) . اصول کافی ، ج ۱، ص ۴۲۸، ح ۸۰. «رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم أصلها وأمیر المؤمنین علیه السلام فرعها والأئمه من ذریتهما أغصانها وعلم الأئمه ثمرتُها وشیعتهم المؤمنون ورقها... ».

مخاطب قرار دادن فاطمه زهرا علیها السلام با واژهٔ طیّبه اشاره به پاکی و طهارت آن حضرت دارد. با توجه به اینکه حضرتش علیها السلام مادر ائمهٔ اطهار علیهم السلام می باشند، این واژه در زیارات می توانند به حدیثی که در توضیح شجرهٔ طیبه گذشت نیز اشاره داشته باشد.

الطّاهِرَهُ: (۱) پاک

طاهر از اسامی خداوند به معنای منزّه از شبیه و مانند و ضدّ، و دور از صفات ممکنات و حالات مخلوقات (یعنی زوال و سکون و...) می باشد. فاطمه علیها السلام مظهر اسم طاهر است، مانندی در میان مخلوقات ندارد و در میان زنان شبیهی برایش نیست. (۲)طاهره یکی از نه اسمی است که امام صادق علیه السلام برای فاطمهٔ زهرا علیها السلام بر شمردند که پیش از این گذشت. (۳) دربارهٔ حضرت خدیجه کبری علیها السلام نیز آورده اند:

او در زمان جاهلیت طاهره نامیده می شد. (۴)امام صادق علیه السلام فرمود:

خداوند عزّ و جلّ تا هنگامی که فاطمه علیها السلام زنده بود زنان دیگر را بر امیر مؤمنان علیه السلام حرام نمود، چون او پاک بود و عادت ماهیانه نداشت. ۵

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۳، ۲۸۶، ۲۸۷؛ ج ۲، ص ۲۱۶، ۲۴۹، ۳۶۷؛ ج ۳، ص ۲۷۹، ۳۶۴، ۳۷۵؛ ج ۴، ص ۱۲۴؛ ج ۵، ص ۶۷، ۱۰۲، ۱۱۲، ۱۱۸. «طَهُرَ: نقی من النجاسه والدنس. وبریء من کلّ ما یشین. الطُهر: الخلوّ من النجاسه والحیض وغیره». (المعجم الوسیط ، ج ۲، ص ۵۷۴).

۲- (۲) . الخصائص الفاطمیه ، ج ۱، ص ۱۶۱.

۳- (۳) . الخصال ، ج ۲، ص ۴۱۴، ح ۳؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۰، ح ۱. «قالَ أبو عَبداللّه علیه السلام : لِفاطِمَهَ تِسعَهُ أسماءٍ عِندَ اللّهِ عَزَّوَجَلَّ فاطِمَهُ وَالصِّدّیقهُ وَالمُبارَکَهُ وَالطاهِرَهُ وَالزَّکِیَّهُ وَالرّاضِیَهُ وَالمَرضیَّهُ وَالمُحَدّثَهُ وَالزَّهرا... ».

۴- (۴) . الخصائص الفاطمیه ، ج ۱، ص ۱۶۱. «کانَتْ تدعی فی الجاهِلیَّهِ الطاهِرَهُ .

علامهٔ مجلسی می آورد: ممکن است منظور امام این باشد که جلالت فاطمه علیها السلام سبب این حکم الهی بود و امام صادق علیه السلام با استفاده از لوازم این معنا یعنی صفات ویژه حضرت فاطمه علیها السلام این جلالت را بیان فرموده اند. (۱)اسماء از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بارهٔ تفاوت فاطمه زهرا علیها السلام با دیگر زنان در مسائل زنانه سؤال کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

آیا نمی دانی دخترم پاک و پاکیزه است. ۲الطُّهْرُ، ۳ الطُّهرَهُ: ۴ عاری از پلیدی

القاب دیگری به همین معنا برای حضرت فاطمه علیها السلام در زیارت ها به کار رفته است.

المُطَهَّرَه: ۵ پاک شده

مُطَهَّرَهٌ مِنَ الأرجاسِ: ۶ پاک شده از پلیدی ها

طهر به معنی پاک بودن از نجاست و چرکی و هر چیزی است که موجب زشتی است. دربارهٔ حضرت زهرا علیها السلام این لقب به پاکی از چرکی های ظاهری و باطنی اشاره دارد که بخشی از آنها در توضیح واژه بتول گذشت.

امام صادق علیه السلام در بیان چگونگی تولد حضرت زهرا علیها السلام فرمود:

فَوَضعَتْ فاطِمهَ علیها السلام طاهِره مُطَهره... ۷؛

خدیجه فاطمه علیها السلام را پاک و پاکیزه به دنیا آورد.

ص:۹۷

۱- (۱) . بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۵۳.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

دخترم فاطمه علیها السلام او سرور زنان پیشین و پسین است و او در محراب خود می ایستد، و هفتاد هزار فرشتهٔ مقرّب به او سلام می دهند و او را با جمله ای که مریم را خطاب می کردند ندا می کنند: ای فاطمه! خداوند تو را برگزید و پاک گردانید و بر زنان جهانیان برتری داد. ۱امام باقر علیه السلام می فرماید:

آیهٔ «إِنَّما يَ□يدُ اللّٰهُ لِيُذهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أهْلَ البَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطهِيراً» ۲ دربارهٔ رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله و سلم ، علی بن ابی طالب، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام در خانه ام سلمه نازل شد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام را صدا زد و عبایی خیبری بر آنان کشید. و خود نیز داخل شد و فرمود:

خدایا اینان اهلبیت منند، دربارهٔ آنان به من وعده ای دادی خدایا از آنان پلیدی را دور و ایشان را پاکیزه گردان. سپس این آیه نازل شد. ۳نافع بن ابی حمراء گوید:

مدت هشت ماه پیامبر را مشاهده می کردم هنگام نماز صبح بر خانه فاطمهٔ علیها السلام می گذشت و می فرمود: سلام و رحمت و برکات خدا بر شما اهل

بیت. [وقت] نماز است. جز این نیست که خداوند می خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور و شما را پاکیزه گرداند. (۱)مفسران شیعه دربارهٔ این آیه سخن گفته اند و ثابت کرده اند که نزول این آیه دربارهٔ اهل بیت علیهم السلام پیامبر بوده است و دلالت بر عصمت آنان دارد. (۲)أطهَرُ النِّساءِ: (۳) پاک ترین زنان

او پاک ترین زنان روی زمین است. در ذیل صفت «سیده نساء العالمین» دربارهٔ برتری حضرتش بر تمامی زنان عالم سخن خواهد آمد.

المُبرَأَهُ مِنَ الأدْناسِ: (۴) عاری از چرکی ها

از دیگر تعبیراتی است که در زیارات، به پاکی و طهارت حضرتش علیها السلام اشاره دارد.

دنَس بمعنای چرک، کثافت و آلودگی است و درباره خدشه دار شدن عزت، آبرو، احترام و شرف، و یا کثیف شدن لباس شخص یا اخلاق او بکار می رود، حضرت فاطمه علیها السلام از همه این چرکی ها پاک و پاکیزه بود و در این باره ضمن واژه های دیگر سخن گذشت.

المُهَذَّبَهُ مِنَ الخَناءِ: (۵) عاری از سخنان زشت

خنا بمعنای سخن زشت و دشنام است و در معرفی آن حضرت به طهارت و پاکی

۱- (۱) . کشف الغمه ، ج ۲، ص ۸۳ ؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۵۳. «السّلامُ عَلَیکُم یا أهلَ البَیْت وَرَحمهُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ. الصَّلاه « إنّما یُریدُ اللّهُ لِیُذهِبَ عَنکُمُ الرِّجسَ أهلَ البَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطهِیراً»» (احزاب: ۳۳).

۲- (۲) . المیزان ، ج ۱۶، ص ۳۲۷ - ۳۳۱.

۳- (۳) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ج ۵، ص ۱۶۷.

۴- (۴) . همان، ج ۵، ص ۱۰۲، ۱۱۲. «الدَّنَس: الوَسَخ. ویقال: دَنِس عرضِه وخُلُقُه». (المعجم الوسیط ، ج ۱، ص ۲۹۸).

۵- (۵) . همان، ج ۵، ص ۱۰۳. «هَذَبَ الشیء؛ قطعه و نقّاه و أخلصه واصلحه و هذّب الکلام: خلّصه مما یَشینُه عند البلغاء». (المعجم الوسیط ، ج ۲، ص ۹۸۹) «خنا فلان: أفحش فی منطقه الخنا: الفحش فی الکلام». (المعجم الوسیط ، ج ۱، ص ۲۵۹).

در ابعـاد گونـاگون، زائر بـا این وصف نیز فـاطمه علیها السـلام را مورد خطاب قرار می دهـد. او از گروهی است که نه تنها از سخن زشت پیرایش شـده انـد بلکه کلاـم آنان سراسـر نور است کَلامُکُمْ نُورٌ، وَأمرُکُمْ رُشْـدٌ. (۱)المَحروسَهُ مِنَ الوَسْـواسِ: (۲) حفاظت شده از وسواس

وَسواس مرضی است که از افزونی سوداء به وجود می آید و موجب درهم شدن ذهن آدمی می گردد. به شیطان که اندیشهٔ بد به دل آدمی می افکند نیز گفته می شود.

برای دوری وسواس و افکار شیطانی و نجات از آن اذکاری از سوی ائمه علیهم السلام بیان شده است. فاطمه زهرا علیها السلام از هر بـدی که به قلب خطور کنـد و حـدیث نفس و انـدیشه بـد محافظت شـده است و این واژه نیز به طهارت و پاکی آن بانو اشاره دارد.

[الحصان] : (۳) با عفت

این لقب اگرچه در زیارتها ذکر نشده است اما به مناسبت به آن اشاره می شود.

احصـان در قرآن به چهـار معنای بی گناهی و پاکی، (۴) همسران، (۵) آزاد (۶) و اسلام (۷)آمـده است. که تمامی این معانی در بالاترین مرتبه بر فاطمه زهرا علیها السلام منطبق است.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

إنَّ فاطِمَه أحصنَتْ فرجَها فَحَرَّمَ اللّهُ ذُرّیَتَها عَلی النّار (۸)؛

فاطمه علیها السلام عفیفه بود پس خداوند ذریهٔ او را بر آتش جهنم حرام نمود.

۱- (۱) . زیارت جامعه کبیره.

۲- (۲) . موسوعه زیـارات المعصومین ، ج ۵، ص۱۱۲. «وسوس الشـیطان إلیه وله وفی صـدره: حـدَّثه بمـا لاـ نفع فیه ولا خیر. الوسواس: الشیطان، ومرض یحدث من غلبه السوداء یختلط معه الذهن». (المعجم الوسیط ، ج ۲، ص ۱۰۴۵).

۳- (۳) . الخصائص الفاطمیه ، ج ۱، ص ۱۹۴.

۴- (۴) . «أحْصَنتْ فرجَها» (انبیاء: ۹۱).

۵- (۵) . «المُحْصَنات مِنَ النِّساءِ» (نساء: ۲۵).

۶- (۶) . «فَمَنْ لَمْ یَسْتَطِعْ مِنْکُمْ طَوْلاً أنْ یَنْکِحَ الْمُحْصَنات» (نساء: ۲۵).

۷- (۷) . «فَإذا أحصِّنّ فَإن أتینَ بِفاحِشَهٍ» (نساء: ۲۵).

۸- (۸) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۲۵؛بحارالأنوار ، ج ۴۳، ص ۲۳۲.

عصمت

از میان اسامی، القاب و اوصاف بکار رفته در زیارت های حضرت فاطمه زهرا علیها السلام برخی به عصمت آن حضرت علیها السلام اشاره دارد و زائر را متوجه وجود این کمال در حضرتش علیها السلام می نماید.

معصومه: (۱) محفوظ از گناه

عصم به معنی باز داشتن و نگاه داشتن است و در قرآن نیز این واژه در موارد متعدد استفاده شده است. «وَاللّهُ یَعصِمُکَ مِنَ النّاسِ» (۲)؛ خداوند تو را از [شر] مردم حفظ خواهد کرد. و در اصطلاح شرع ملکه ای است که شخص را از انجام و میل به معصیت با وجود قدرت بر آن باز می دارد. تعاریف دیگری نیز برای عصمت آورده اند که در کتب مربوطه به تفصیل ذکر شده است.

حضرت زهرا علیها السلام دارای عصمت است و از فکر و فعل گناه و معصیت دور است. به همین معنا تعبیر دیگری نیز در زیارت به کار رفته است:

المَعصُومَهُ مِنْ کُلِّ سُوءٍ: (۳) محفوظ از هر بدی

شیعهٔ امامیه معتقد است که چهارده نور پاک دارای عصمت هستند، اما این که عصمت چیست و معصوم چگونه از فعل و اندیشهٔ گناه مصون است در تفسیر آن سخنانی گفته اند. (۴)

ص:۱۰۱

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۲، ۲۸۶. «عصم اللّه فلاناً من الشّر أو الخطأ: حفظه ووقاه ومنعه». (المعجم الوسیط ، ج ۲، ص ۶۱۱).

۲- (۲) . مائده: ۶۷.

۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ج ۵، ص ۱۶۸.

۴- (۴) . عصمت چیست؟ الف) این لطفی است که خداوند متعال نسبت به بنده دارد و او را به اطاعت الهی نزدیک می کند و می داند که او با این لطف به سوی گناه نمی رود به گونه ای که سبب اجبار نگردد. ب) و برخی از این عده عصمت را به ملکه نفسانی تفسیر نموده اند که با داشتن آن از صاحب ملکه گناه سر نمی زند و... . (کشف المراد ، شرح آیه اللّه شعرانی، ص ۵۱۲).

هم چنین در پاسخ این سؤال که چرا خداوند به عده ای لطف می کند و آنان را معصوم قرار می دهد پاسخهایی داده شده است که برای اطلاع بیشتر، رجوع به کتاب هایی که در این باره نگاشته شده است. (۱)معصومین علیهم السلام به جهت علم خدادادی و اراده محکم و قوی به مقام مصونیت کامل از گناه یعنی عصمت رسیده اند؛ اما این موهبت خدادادی ناشی از قابلیت و شایستگی ارادی آنان است، یعنی علم خداوند به این شایستگی سبب شد آنان را برگزیند و تفضّلاً این پاداش را به آنان عنایت کند، تا راهنمایی مطمئن برای بشر باشند.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرمایند:

خداوند متعال، از فرزندان آدم انسانهایی انتخاب کرد و تولد آنها را پاک و بدن هایشان را پاکیزه گردانید، و آنها را در صلب مردان و رحم زنان محافظت کرد. نه برای طلبی که از خداوند داشته باشند بلکه به این سبب که خداوند، در هنگام خلقت می دانست آنان از او فرمانبرداری و عبادت می نمایند و هیچ گونه شرکی نسبت به او روا نمی دارند. پس اینان با فرمانبرداری خداوند به این کرامت و منزلت والا نزد او دست یافتند. (۲)

ص:۱۰۲

۱- (۱) . دربارهٔ دارابودن مقام عصمت آورده اند: الف) ویژگی جان یا بدن معصوم اقتضای ملکه ای را دارد که مانع از فجور است. ب) معصوم بر زشتی گناهان و زیبایی و خوبی فرمانبرداری آگاهی پیدا می کند. ج) آگاهی معصوم با آمدن پی در پی وحی و الهام از سوی خداوند تأکید می گردد و او را حفظ می کند. د) او بر ترک اولیٰ مؤاخذه می شود بگونه ای که می فهمد او رها نشده، بلکه در کارهای نیک غیر واجب نیز بر او سخت گیری می شود. (کشف المراد ، شرح آیه اللّٰه شعرانی، ص ۵۱۲).

۲- (۲) . بحارالانوار ، ج ۱۰، ص ۱۷۰. «إنَّ اللّهَ إختارَ مِنْ وُلدِ آدم أُناساً طَهَّرَ میلادَهُمْ، وَطَیَّبَ أبْدانَهُمْ وَحَفِظَهُمْ فی أصلابِ الرِّجالِ وَأرحامِ النِّساءِ، أخرَجَ مِنْهُمْ الأَنْبِیاء والرُّسُلَ، فَهُمْ أزکی فُروعِ آدم؛ فَفَعلَ ذلکَ لالأمرٍ استَحقُّوهُ مِنَ اللّهِ عزَّ وجلَّ وَلکِنْ عَلِمَ اللّهُ مِنْهُمْ حینَ ذَرَأَهُمْ أنَّهُمْ یُطیعُونَهُ وَیَعْبُدُونَهُ وَلا یُشْرِکُونَ بِهِ شَیْئاً فَهؤُلاءِ بِالطّاعَهِ نالُوا مِنَ اللّهِ الکَرامَهَ وَالمَنزِلَهَ الرَّفیعَهَ عِنْدَه ».

علامهٔ مجلسی رحمه الله در ذیل صفت صدیقه - که پس از این خواهد آمد - می آورد: یعنی فاطمه علیها السلام آنچه پدرش آورده بود را بسیار تصدیق می نمود و در تمامی سخنانش راستگو بود و سخنان او با کارهایش تصدیق می شد و این همان معنای عصمت است.

سپس می گوید: و در عصمت حضرتش علیها السلام شکی نیست، زیرا به اتفاق شیعه و اهل سنت در میان کسانی قرار دارد که آیهٔ تطهیر دربارهٔ آنها نازل شده است و روایات از شیعه و اهل سنت در این باره بسیار است.

و در ادامه می آورد: فخر رازی در تفسیرش در بارهٔ آیه تطهیر گوید: در آوردن لِيُطَهِّرَكُم پس از لِيُذْهِبَ عَنْكُم الرِّجْسَ، لطیفه ای هست چرا که گاه پلیدی می رود امّا جای آن پاک نمی گردد، یعنی در مورد اهل بیت تطهیر کامل است.

از ادلّه دیگری که برای عصمت حضرتش علیها السلام می توان ذکر کرد، روایاتی است که اذیت فاطمه علیها السلام را آزار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می داند و نیز روایتی که تصریح می کند خداوند برای خشم فاطمه علیها السلام خشمگین می شود. (۱)زیرا اگر فاطمه علیها السلام کسی بود که مرتکب گناه می شد نه تنها آزار او روا بود بلکه در صورت ارتکاب برخی گناهان - العیاذ باللّه - حد بر او اقامه و تعزیر می شد. همچنین خشنودی او - هنگامی که به معصیت راضی بود - رضایت خداوند نبود و اینگونه نبود که اگر کسی او را در معصیتی خشنود کند، خدا را خشنود کرده باشد و هرکس با ممانعت از گناهی او را به خشم درآورد، خداوند را خشمگین کرده باشد. (۲)همان طور که اشاره شد مفسرین در آیهٔ تطهیر، منظور از إذهاب رجس از اهل بیت علیهم السلام را ناظر به عصمت آنان دانسته اند. (۳)

ص:۱۰۳

۱- (۱) . بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۲۰، ح ۸؛ ج ۳۷، ص ۷۰. « عن جعفر الصادق علیه السلام أنّ رسول اللّه صلی الله علیه و آله قال لفاطمه: إنّ اللّه یغضب لغضبک ویرضی لرضاك ؛ ای فاطمه خداوند برای خشم تو به خشم می آید و بخاطر خرسندی تو خرسند می شود».

۲- (۲) . مرآه العقول ، ج ۵، ص ۳۱۷؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۳۹.

۳- (۳) . المیزان ، ج ۱۶، ص ۳۳۱.

الصِدِّيقَه: (۱) تصدیق کنندهٔ پیامبر در حد کمال

الصِدِّيقَه الكُبرى: (۲) تصدیق کننده بزرگتر

صدیقه مبالغه در صدق و تصدیق است. دو واژه فوق نیز به عصمت حضرت زهرا علیها السلام اشاره دارد. خداوند مریم علیها السلام را با این ویژگی ستوده است: همانا مسیح فرزند مریم پیامبری بود که پیش از او نیز پیامبرانی بودند و مادر او صدیقه بود. (۳)علامه مجلسی در توضیح این صفت برای حضرت زهرا علیها السلام می آورد:

آن گونه که از اخبار به دست می آید صدیقه به معنای معصومه است، و دو وجه برای نامگذاری حضرت زهرا علیها السلام به صدیقه ذکر می کند:

الف) او را صدیقه گویند چون اولین زن پس از مادرش خدیجه است که پیامبر را تصدیق نمود. ب) او در گفتار و رفتار بسیار صادق بود به گونه ای که کارهای او و گفتارش را تصدیق می نمود. (۴)در بخش هایی از زیارات واژهٔ صدیقه در کنار شهیده آمده است؛ (الصدّیقه الشهیده). همانند حدیثی از امام کاظم علیه السلام که فرمودند:

إنَّ فاطِمَهَ صِدِّيقَهٌ شَهِيدَهٌ... (۵)؛ فاطمه علیها السلام صدیقه ای شهید است.

ص:۱۰۴

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۸۷، ۲۹۱؛ ج ۲، ص ۲۴۹، ۴۶۷؛ ج ۳، ص۲۷۹، ۳۶۴؛ ج ۵، ص ۱۱۲، ۱۴۵. «الصّدیق: من لا یکون إلّاصادقاً فی قول أو فعل أو صحبه». (المعجم الوسیط ، ج ۱، ص ۵۱۳). «الصدّیقه: فعیله للمبالغه فی الصدق والتصدیق: أی کانت کثیره التصدیق لما جاء به أبوها صلی الله علیه و آله وکانت صادقه فی جمیع أقوالها، مصدقه أقوالها بأفعالها وهی معنی العصمه». (مرآه العقول، ج ۵، ص ۳۱۵).

۲- (۲) . همان، ج ۴، ص ۳۸۰.

۳- (۳) . مائده: ۷۵: «ما المسیح ابن مریم إلّارسول قد خلت من قبله الرُّسل واُمّه صدّیقه».

۴- (۴) . ملاذ الاخیار ، ج ۹، ص ۲۷؛ روضه المتّقین ، ج ۵، ص ۳۱۵. پدر علامهٔ مجلسی نیز در این باره می آورد: «صدیقه یعنی تصدیق کنندهٔ حضرت سید المرسلین بر وجه کمال، و این رتبه نیست مگر رتبه عصمت بنابراین آن را به معصومه تفسیر نموده اند». لوامع صاحبقرانی ، ج ۸، ص ۵۰۸ .

۵- (۵) . کافی ، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۲.

در باره واژه شهیده توضیح خواهد آمد.

امام صادق علیه السلام در پاسخ این سؤال که فاطمه علیها السلام را چه کسی غسل داد؟ فرمود: امیر مؤمنان علیه السلام . این سخن برای شنونده سنگین بود. امام علیه السلام به او فرمود:

بر تو گران نیاید، زیرا او صدّیقه بود و جز صدّیق او را غسل نمی دهد، نمی دانی که مریم را کسی جز عیسی غسل نداد؟ (۱)در این سخن امام به خوبی از واژهٔ صدیقه عصمت استفاده می شود و این مشابه احادیثی است که می فرماید امام را جز امام غسل نمی دهد. (۲) در این باره می توان به حدیثی که اهل سنت روایت کرده اند نیز اشاره نمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به علی علیه السلام فرمود:

سه چیز به تو عطا شده که به هیچ کس حتی به من نیز داده نشده است. پدر زنی مانند من و این به من داده نشده است. همسری صدّیقه مانند دخترم که به من همسری مانند او داده نشده است، حسن و حسین علیهما السلام که از صلب تو هستند و مانند آن دو من به من عطا نشده است، امّا شما همه از من و من از شما هستم. (۳)در سخنی از امام صادق علیه السلام حضرت فاطمه علیها السلام صدیقه کبری خوانده شده اند.

او صدیقه کبراست و [گردونهٔ] امت های پیشین بر مدار شناخت او گردید. (۴)

ص:۱۰۵

۱- (۱) . کافی ، ج ۱، ص ۴۵۹، ح ۴. « لا تضیقَنَّ فإنّها صدّیقه وَلَم یَکُنْ یُغَسِّلُها إلّاصِدّیقٌ، أما عَلمتَ أنَّ مَرْیَم لَم یُغسِّلْها إلّاعیسی ».

۲- (۲) . کافی ، ج ۱، ص ۳۸۴، ۳۸۵.

۳- (۳) . الریاض النضره فی مناقب العشره ، ج ۳ و ۴، ص ۱۷۲؛ فضائل الخمسه ، ج ۳، ص ۱۴۸. «أُوتیتَ ثلاثاً لَمْ یُؤْتِهِنَّ أحدٌ وَلا أنا؛ أُوتیتَ صِهراً مِثْلی وَلَم أُوتَ أنا مِثْلَک وَأُوتیتَ زَوجَهً صِدّیقَهً مِثلَ ابنَتی وَلَمْ أُوتَ مِثلَها زَوْجَهً وَأُوتیتَ الحَسنَ وَالحُسینَ مَنْ صُلْبِکَ وَلَمْ اوتَ مِن صُلْبی مِثلَهُما وَلکِنَّکُمْ مِنّی وَأنا مِنْکُمْ ».

۴- (۴) . امالی طوسی ، ج ۲، ص ۲۸۰، مجلس ۴۵۷؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۰۵، ح ۱۹. ... «وهی الصدیقه الکبری وعلی معرفتها دارت القرون الأولی ».

در توضیح این سخن برخی گفته اند:

بنابراین همهٔ پیامبران، امتهای خود را به شناخت مقامات فاطمه زهرا علیها السلام دستور می دادند. اگر یکی از این امت ها این ذات مقدس (فاطمه علیها السلام) را نمی شناخت اعمال او پذیرفته نبود. (۱)صدیق مقام راستی و استقامت در گفتار و عمل است که پس از مقام پیامبری است خداوند در قرآن می فرماید:

و کسی که خدا و پیامبرش را فرمانبرداری کند با - پیامبران و صدیقان و شهدا و صالحان - کسانی که خدا نعمتش را بر آنان تمام نموده، خواهد بود. (۲)صادقه (۳): راستگو

اگرچه واژهٔ صدیق دربردارندهٔ صادق بودن حضرت نیز هست، در زیارت حضرتش به این صفت نیز جداگانه اشاره شده است.

عایشه گوید:

هرگز کسی راستگوتر از فاطمه جز پدرش ندیدم. (۴)حلیفه الورع والزهد (۵): هم قسم ورع و پارسایی

حلیف، کسی است که با دیگری برای یاری کردن او عهد و پیمان می بندد هم

۱- (۱) . الخصائص الفاطمیه ، ج ۱، ص ۲۲۴.

۲- (۲) . نساء: ۶۹: «وَمَنْ یُطِعِ اللّهَ وَالرَسول فَاُولئِکَ مَعَ الَّذینَ أنعَمَ اللّهُ عَلَیهِمْ مِنَ النَّبیّین والصِّدّیقینَ والشُّهَداء والصّالِحینَ...».

۳- (۳) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۵.

۴- (۴) . فضائل الخمسه ، ج ۳، ص ۱۴۹، به نقل از حلیه الاولیاء ، ج ۲، ص ۴۱. « ما رَأَیتُ أحَداً قَطُّ أصدَقَ مِنْ فاطِمَهَ علیها السلام غَیرَ أبیها ».

۵- (۵) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۷. «الحَلِیف: المتعاهد علی التناصر. یقال: فلان حلیف الجود وحلیف الفصاحه». (المعجم الوسیط ، ج ۱، ص ۱۹۲).

چنین به هرچیزی که ملازم و همراه چیز دیگری باشد و از آن جدا نشود، گفته می شود.

در تعبیرهای کنایی برای شدت وجود صفتی در یک نفر ازا ین تعبیر استفاده می شود. او حلیف جود است یعنی بسیار سخاوتمند است و از بخشش هیچ گاه جدا نمی شود.

این تعبیر به این معنی است که برای فاطمه علیها السلام هیچ گاه جدایی از ورع و پارسایی متصور نیست. و مانند تعابیر گذشته به شدت پاکدامنی و عصمت آن بانو اشاره دارد.

آگاهی و دانش

اشاره

العارِفَةٌ بِالشَّرائِعِ وَالأحکامِ: (۱) آگاه به قوانین و احکام الهی

از صفات دیگری که در زیارت حضرت فاطمه علیها السلام مورد اشاره است، آگاهی و علم حضرت به قوانین و احکام الهی است. سخنانی از آن حضرت در معارف دینی به جا مانده است که گاه در پاسخ سؤال و گاه به صورت حدیث و گاه به شکل خطابه و سخنرانی می باشد و همه نشان دهندهٔ آگاهی آن حضرت علیها السلام به احکام و قوانین الهی است و شامل درسهای بلند و حکمت های بلیغ و پندهای آموزنده است.

در این رابطه نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از اصحاب سؤال کردند: چه چیز برای زنان بهتر است؟ این سؤال را فاطمهٔ زهرا علیها السلام پاسخ داد که:

برای زنان بهتر آن است که مردان را نبینند و مردها نیز آنها را نبینند. (۲)در اینجا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز فرمود:

إنَّ فاطِمَه بَضْعَةٌ مِنّی (۳)؛

بدرستی فاطمه علیها السلام پارهٔ تن من است.

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۱۰۳.
۲- (۲) کشف الغمه ، ج ۲، ص ۹۲؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۵۴. «خَیرٌ لِلنِّساءِ أنْ لایَرینَ الرِّجالَ وَلا یَراهُنَّ الرِّجالُ ».
۳- (۳) کشف الغمه ، ج ۲، ص ۹۲؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۵۴. «خَیرٌ لِلنِّساءِ أنْ لایَرینَ الرِّجالَ وَلا یَراهُنَّ الرِّجالُ ».

خطبه های حضرت زهرا علیها السلام از نشانه های علم آن حضرت به احکام و شرایع الهی و علوم گذشته و آینده است. خطبهٔ طولانی فدکیه - که در آن به علل شرایع و نیز تاریخ عرب جاهلی و اتفاقات آن زمان اشاره نموده و خبر از آینده می دهد و مطالب مهمی را با مضامین بلند بیان می فرماید - در کتب روایی ذکر شده است. نیز خطبه ای دیگر که به هنگام عیادت زنان از آن حضرت علیها السلام ، در بستر بیماری ایراد کرده است.

علامه امینی در مناقبی که برای حضرت زهرا علیها السلام ذکر کرده می آورد:

چهارمین منقبتی که وجود مقدّس حضرت زهرا علیها السلام با پدر و همسر و فرزندانش مشترک است، در اهتداء و اقتداء و تمسّک است. یعنی هدایت یافتن و پیروی کردن مردم از آنان و در موقع نیاز متوسّل شدن به آنها.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

از آفتاب پیروی کنید، و اگر آفتاب غروب کرد، از ماه. در صورتیکه ماه از نظرها پنهان شد، از زهره پیروی کنید، و اگر زهره ناپدید شد، به دو ستاره (فرقدین) اقتدا کنید. سؤال شد یا رسول اللّه مقصود از شمس و قمر و زهره و فرقدین چه کسانی هستند؟ فرمود: من آفتابم، علی ماه، و فاطمه ستارهٔ زهره است، و حسن و حسین آن دو ستاره (فرقدان). (۱)از روایت مذکور کاملا روشن است که حضرت صدّیقه علیها السلام در مراتب و مناقبِ گفته شده، در ردیف رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم ، علی علیه السلام ، و حسنین علیهما السلام است و اگر در ولایت و عصمت نظیر اینان نبود، امر هدایت یافتن، و پیروی مردم از او، و توسّل هر بشری در مشکلات به

۱- (۱) . معانی الأخبار ، ص ۱۱۴، ح ۲؛ بحارالأنوار ، ج ۱۶، ص ۹۱، ح ۲۳. «اِقْتَدُوا بِالشَّمْسِ، فَاِذا غابَتِ الشَّمْسُ، فَاقْتَدُوا بِالْقَمَرِ، وَاِذا غابَ القَمَرُ فَاقْتَدُوا بالزُّهْرَه، فَاِذا غابَتِ الزُّهْرَهُ فَاقْتَدُوا بِالفَرقَدَیْن، فقالوا: یا رَسُوْلَ اللّهِ فما الشَّمْس وما القمر وما الزّهره وما الفرقدان؟ فقال: أنا الشمس وعلی القمر والزّهره فاطمه والفرقدان الحسن والحسین ».

او، کاری بیهوده و گزاف می بود. (۱)العَلِیمَهُ: (۲) بسیار دانا

علیمه بمعنی کسی که دارای دانش بسیار است، این واژه نیز به دانش فراوان آن حضرت علیها السلام اشاره دارد.

این ویژگی برای فاطمه زهرا علیها السلام از زمان تولد و پیش از آن وجود داشت. ام سلمه همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می گوید:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با من ازدواج کرد و کار سرپرستی دخترش را به من واگذار نمود، من آداب را به او می آموختم، به خدا قسم او از من مؤدب تر بود و همه چیز را بهتر از من می شناخت. (۳)عمّار برای سلمان می گفت:

همراه امیر مؤمنان بر فاطمه زهرا علیها السلام داخل شدیم هنگامی که علی علیه السلام را دید صدا زد:

نزدیک شو تا آنچه را بوده و خواهد بود و آنچه اتفاق نیفتاده، تا روز قیامت را برایت بازگو کنم. ما نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمدیم و آن حضرت همین ماجرا را برای ما بازگو کردند.

عمار گوید: علی علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرسید: آیا نور فاطمه علیها السلام از نور ماست؟ فرمود: آیا نمی دانی؟ در این وقت علی علیه السلام سجدهٔ شکر به جا آورد. (۴)

۱- (۱) . فاطمه الزهراء گفتار علامه امینی ، ص ۴۹.
۲- (۲) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۶.
۳- (۳) . دلائل الامامه ، ص ۱۲؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۰. «قالت امُّ سَلَمه: تَزوَّجنی رَسولُ اللّه صلی الله علیه و آله و سلم وَفَوَّضَ أمرَ ابنَتَهُ إلیَّ فَکُنْتُ اؤدِّبها وَأدُلُّها وَکانَتْ وَاللّهِ أأدب مِنّی وَأعرَف بالأشیاءِ کُلِّها ».
۴- (۴) . بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۸ ، ح ۱۱ به نقل از عیون المعجزات.

مطرح شود بایـد گفت: کارهـای معصومین علیهم السـلام افزون بر ظاهر عمل، حکمت های دیگر نیز داشـته است که به عنوان مثـال گاه برای شـناساندن مقام دیگر معصومین علیهم السـلام به اطرافیان برخی کارها انجام می گرفته است و بسا در این واقعه نیز نشان دادن مقام بلند فاطمهٔ زهرا علیها السلام به عمار و دیگران که می دیدند یا بعد می شنیدند مورد نظر بوده است.

احـادیثی از حضـرت زهرا علیهـا السـلام نقل شـده و در کتب روایت اهل سـنت و شـیعه ذکر شـده است. عـده ای احادیث آن حضـرت را کمتر از ده حدیث (۱) و برخی هجـده حدیث دانسـته اند درحالیکه بیش از ۸۰ سـخن از آن حضرت جمع آوری گردیده است. (۲)این سـخنان دربارهٔ شناساندن اهل بیت، اخبار غیبی، دربارهٔ احکام و معارف، و ثواب اعمال، برخی از ادعیه، حدیث لوح، حدیث کساء و نیز سـخنانی دربارهٔ سـزاواری علی علیه السـلام به امر ولایت امت و... می باشد. به دو نمونه از این احادیث اشاره می شود:

الف) امام حسن مجتبی علیه السلام از مادرش علیها السلام نقل کرد که فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود:

دعایی به تو بیاموزم که هرکس آن را بخواند دعایش مسـتجاب شود و در او سمّ، و سحر اثر نکند؟ و شیطان به او بدی نرساند و دعـای او رد نشود و تمامی خواسـته هایی که از خـدا می خواهـد دنیوی و اخروی برآورده شود؟ گفتم: بله ای پـدر! به خـدا قسم این از دنیا و آنچه در آن است برای من بهتر است. فرمود:

بگو؛... . (۳)

۱- (۱) . الثغور الباسمه فی مناقب فاطمه ، ص ۳۴.

۲- (۲) . فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفی ، ص ۳۰۸.

۳- (۳) . دلائل الامامه ، ص ۶. «یا اللّهُ، یا أعزَّ مَذْکُورٍ وأقدَمَه قِدْماً فی العِزَّهِ والجبروتِ، یا اللّهُ یا رَحیمَ کُلِّ مُسترَحِمٍ، وَمفزَعَ کُلِّ مَلْهُوفٍ، یا اللّهُ، یا راحِمَ کُلِّ حَزینٍ یَشْکُو بثَّهُ وَحُزْنَهُ إلیهِ، یا اللّهُ، یا خَیرَ مَنْ طُلِبَ المعروفُ مِنْه وأسرَّ فی العطاء (وَأَسرَعَه إعطاءً، یـا اللّهُ خ ل)، یـا مَنْ تَخـافُ المَلائِکَهُ المُتَوَقِّـدَهُ بِالنُّورِ مِنْهُ، أسألُکَ بِالأَسْـماءِ الَّتی تَـدْعُوا بِها حَمَلَهُ عَرْشِکَ، وَمَنْ حَول عَرْشِـک یُسَـبِّحُونَ بِهـا شَـفَقَهً مِنْ خَوفِ عَـذابِک، وَبِالأَسْـماءِ الَّتی یَـدْعُوکَ بِهـا جِبْرئیـلُ وَمیکائیلُ وإسـرافیلُ إلّاأَجَبْتَنی وَکشـفتَ یا إلهی کُرْبَتی، وَسترتَ ذُنُوبی. یـا مَنْ یَأمرُ بِـالصَّیحهِ فی خَلْقِهِ فَإذا هُمْ بِالسّاهِرَهِ [یُحشَرُونَ] أسألُکَ بِـذلک الإسمِ الَّذی تُحیی بِهِ العِظامَ وَهِیَ رَمیمٌ، أنْ تُحیی قَلبی، وَتشـرَحَ صَـدْری، وَتُصْـلِحَ شَـأنی. یـا مَنْ خَصَّ نَفسَهُ بِالبَقـاءِ، وَخَلقَ لِبَرِیَّتِهِ الْموتَ وَالحَیـاهَ، یا مَنْ فِعْلُهُ قَولٌ، وَقولُه أمرٌ، وَأمرُه ماضٍ عَلی ما یَشاء. أسألُکَ بِالإسْمِ الَّذی دَعاک بِهِ خَلیلُک حینَ أُلقیَ فی النّار، فَاستجَبتَ لَهُ وَقلتَ «یا نارُ کونی بَرداً وَسـلاماً عَلی إبراهیمَ» وَبِالإِسمِ الَّذی دَعـاکَ بِهِ مُوسی مِنْ جـانِبِ الطُّورِ الأَیْمَنِ فَاستجبتَ لَهُ دُعـاءَهُ. وَبِالإِسْمِ الَّذی کَشـفتَ بِهِ عَنْ أیُّوب الضُّرَّ، وَتبتَ بِهِ عَلی داود، وَسـخرتَ بِهِ لِسـلیمانَ الرّیحَ تَجری بِأمرِه وَالشَّیاطین، وَعلَّمتَه مَنطِقَ الطَّیرِ. وَبِالإِسْمِ الَّذی وهبتَ بِهِ لِزکریّا یَحییَ، وَخلقتَ عیسـی مِنْ رُوحِ القُدسِ مِنْ غیرِ أبٍ، وَبِالإِسْمِ الَّذی خلقتَ بِهِ العَرشَ وَالکُرسـی. وَبِالإِسْـمِ

الَّذی خلقتَ بِهِ الرُّوحـانيّينَ، وَبِالإِـسْم الّـذی خلقتَ بِهِ الجِنَّ وَالإِـنسَ، وَبِالإِـسْمِ الَّذی خلقتَ بِهِ جَميعَ الخَلقِ وَجَميعَ مـا أردتَ مِنْ شیء، وَبِالإِسْمِ الَّذی قدرتَ بِهِ عَلیٰ كُلِّ شـیء. أسألُكَ بِهذِهِ الأسْماءِ لَمّا أعطَيْتَنی سُؤْلی، وَقَضَيْتَ بِها حَوائِجی. فَإنَّهُ يُقالُ لَک: يا فاطِمَهُ، نَعَمْ نَعَمْ ».

ب) فاطمه صغری از پدرش امام حسین علیه السلام از فاطمه زهرا علیها السلام نقل می کند که فرمود:

پیامبر هرگاه داخل مسجد می شد می گفت:بسمِ اللّه، اللّهم صَلِّ علیٰ مُحمَّد وَاغفِر ذنُوبی وَافْتَح لی أبوابَ رَحمَتِک.

و هنگام خارج شدن می فرمود: بِسمِ اللّه اللّهمَّ صل عَلیٰ محَمَّد وَاغْفِر ذُنُوبی وَافتَح لی أبوابَ فَضْلِك. (۱)المُحَدَّثَه: (۲) حدیث گفته شده

محدَّث کسی است که مخاطب فرشتگان قرار گرفته است. فاطمه علیها السلام محدّثه بود.

این نام نیز از وسعت آگاهی و علم حضرت زهرا علیها السلام پرده بر می دارد.

در اینکه فرشتگان با انسانهایی که به مقام پیامبری رسیدند سخن می گفتند برای کسی ابهامی نبود. امّا برخی با وجود اینکه پیامبر نبودند فرشتگان با آنان سخن گفته اند.

۱- (۱) . امالی طوسی ، ج ۲، ص ۱۵، مجلس چهاردهم.

۲- (۲) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۶.

محمد بن ابی بکر در پاسخ این سؤال که آیا فرشتگان با غیر پیامبران نیز سخن می گفتند؟ مثالهایی ذکر کرد؛ او گفت:

مریم پیامبر نبود و فرشتگان با او سخن گفتند، ساره زن ابراهیم علیه السلام پیامبر نبود، فرشتگان را دید و آنها او را به اسحاق و پس از آن به یعقوب بشارت دادند، و فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم ، فرشتگان با او سخن می گفتند در حالی که پیامبر نبود. (۱)امام صادق علیه السلام می فرماید:

فاطمه محدّثه نام گذاری شد. زیرا فرشتگان از آسمان فرود آمده همان گونه که مریم را صدا می زدند او را خطاب کرده و می گفتند: ای فاطمه! به درستیکه خداوند تو را برگزید و پاکیزه گردانید و بر زنان جهانیان برتری داد، ای فاطمه برای پروردگارت خضوع کن و او را فرمانبرداری نما و برایش سجده به جا آور و به همراه رکوع کنندگان رکوع کن. فاطمه علیها السلام با آنها و فرشتگان نیز با او سخن می گفتند. (۲)در حدیث دیگر امام صادق علیه السلام فرمود:

فاطمه علیها السلام پس از پدر هفتاد و پنج روز ماند، و در این مدت برای از دست دادن پدرش اندوه بسیاری بر او وارد شد. جبرئیل علیه السلام نزد او می آمد و او را بر سوگ پدر نیکو تسلیت می گفت و خوشنودش می ساخت و دربارهٔ پدر او

۱- (۱) . علل الشرایع ، ج ۱، ص ۱۸۳، ب ۱۴۶؛کشف الغمه ، ج ۳، ص ۳۳۶؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۵۵، و ص ۷۹، ح ۶۶.

۲- (۲) . علل الشرایع ، ج ۱، ص۱۸۲، ح ۱، ب ۱۴۶؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۷۸، ح ۶۵. «إنَّما سُمِّيَتْ فاطِمَهُ مُحَدَّثَهَ لاَنَّ الْمَلائِكَهَ كانَتْ تَهبُطُ مِنَ السَّماءِ فَتُنادِيها كَما تُنادی مَریَم بِنْتَ عِمْران فَتقُولُ: يا فاطِمَهُ إنَّ اللّهَ اصطَفاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصطَفاكِ عَلى نِساءِ العالَمينَ. يا فاطمهُ أُقنُتی لِرَبِّكِ وَاسْجُدی وَارْكَعی مَعَ الرّاكِعينَ. فَتُحدِّثُهُم وَيُحَدِّثُونَها ».

و جایگاهش خبر می داد و آنچه را پس از او در مورد فرزندانش اتفاق می افتد به او گزارش می کرد و علی علیه السلام می نوشت. (۱)سخن گفتن فرشتگان با حضرت علیها السلام در روایات دیگری نیز مورد تأکید قرار گرفته است و از آنها استفاده می شود که آنچه فاطمهٔ زهرا علیها السلام در این هنگام از جبرئیل می شنید توسط امیر مؤمنان علی علیه السلام یادداشت می شد و مجموعه ای به نام مصحف فاطمه علیها السلام تدوین یافت.

مصحف فاطمه علیها السلام

مُصحَف و مِصحف، در بردارنده کاغذهای نوشته شده میان دو جلد را گویند.

صحیفه نیز تکه ای پوست یا کاغذ است که در آن نوشته شده باشد، و به همین معنا است صحیفهٔ فاطمه علیها السلام که روایت شده طول آن هفتاد ذراع است... (۲).

مصحف فاطمه علیها السلام در

برخی روایات توصیف شده است، امام صادق علیه السلام فرمود:

فاطمه علیها السلام مصحفی از خود به جا گذارده است که آن قرآن نیست، اما کلامی از سخنان خداوند است که بر فاطمه علیها السلام نازل فرمود؛ املای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و خط علی علیه السلام می باشد. (۳)از امام صادق علیه السلام دربارهٔ جفر و جامعه سؤال شد؛ امام فرمود: جفر پوستی است که

۱- (۱) . کافی ، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱: « إنّ فاطِمَه مَکَثَتْ بَعدَ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم خَمْسةً وَسبعینَ یَوماً وَکانَ دَخَلَها حُزْنٌ شَدیدٌعَلی أبیها وَکانَ یَأتیها جبرئیلُ فَیُحسِّنْ عَزائَها عَلی أبیها وَیُطیِّبُ نَفسَها وَیُخبِرُها عَنْ أبیهاوَمَکانِه وَیُخبِرُها بِما یَکُونُ بَعدَها فی ذُرِّیَّتِها وَکان عَلیٌّ علیه السلام یَکتُبُ ذلِکَ ».

۲- (۲) . مجمع البحرین ، ج ۱، ص ۱۰۱۲.

۳- (۳) . بصائر الدرجات ، ص ۱۵۵، ذیل ح ۱۴؛بحارالانوار ، ج ۲۶، ص ۴۱، ح ۷۳. «وخَلَّفَتْ فاطِمَهُ علیها السلام مُصحَفاً، ما هُوَ قُرآن وَلکِنَّه کَلامٌ مِنْ کلامِ اللّهِ انزلَ عَلَیْها، إملاءُ رَسُولِ اللّه صلی الله علیه و آله و سلم وَخطُ عَلی علیه السلام ».

مملـو از دانش است و دربـارهٔ جـامعه فرمود: صـحیفه ای است به طول هفتـاد ذراع که در آن همـهٔ نیازهـای مردم هست. سؤال کننده سپس دربارهٔ مصحف فاطمه علیها السلام سؤال کرد، امام صادق علیه السلام مدتی طولانی ساکت شده و فرمود:

فاطمه علیها السـلام پس از پدر هفتاد و پنج روز زنده بود و برای از دست دادن پدر غم شدیدی بر او داخل شد، جبرئیل نزد او می آمد و سوگواری او را نیکو تسلیت می گفت و او را خشنود ساخته و از پدر و جایگاه او گزارش می داد و آنچه پس از او در بارهٔ ذریه اش اتفاق می افتد را به او می گفت و علی علیه السـلام آن را می نوشت، این مصـحف فاطمه علیها السـلام است. (۱)فضـیل گویـد امـام صـادق علیه السـلام به من فرمود: فضـیل! می دانی انـدکی قبل چه چیزی را مطالعه می کردم. گفتم: نه. فرمود:

در کتـاب فـاطمه علیهـا السـلام می نگریسـتم، حکمرانی در روی زمیـن نیسـت مگر نـام او و نـام پـدرش در آن آمـده اسـت. (۲)روایاتی که درباره مصـحف فاطمه علیها السـلام است ظاهری متفاوت دارنـد، در برخی آمده است که پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله خداوند فرشـته ای به سوی فاطمه علیها السلام فرستاد، یا جبرئیل نزد حضرتش علیها السلام می آمد و برای او حـدیث می گفت. برخی دیگر دلالـت دارد که این مصـحف در زمـان پیـامبر صـلی الله علیه و آله وجـود داشـته است. و در برخی دیگر آمـده که خداونـد آنرا املاء نموده و به فاطمه علیها السـلام وحی کرده است. از این روایات اسـتفاده می شود که مصحف شامل تمامی احکام شرعی از نصف تازیانه یا یک تازیانه حتی مقداری که برای خراش

۱- (۱) . کافی ، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۵ ؛ بحارالأنوار ، ج ۴۳، ص ۱۹۴، ح ۲۲. «إنّ فاطِمه مَكَثَتْ بَعدَ رَسولِ اللّهِ صـلی الله علیه و آله و سـلم خَمْسهً وَسبعینَ یَومـاً وَكانَ دَخلَها حُزْنٌ شَدیـدٌ عَلی أبیها وَكانَ جبرَئیلُ یَأتیها فَیُحسنْ عَزائَها عَلی أبیها وَیُطیِّبُ نَفسَـها وَیُخبِرُها عَنْ أبیها وَمَكانِه وَیُخبِرُها بِما یَكُونُ بَعـدَها فی ذُرِّیَّتِها وَكان عَلیٌّ علیه السـلام یَكتُبُ ذلِک، فهـذا مُصْـحَفُ فاطِمَه علیها السلام ».

۲- (۲) . کافی ، ج ۱، ص ۲۴۲، ح ۸.

باید پرداخت شود را دربردارد، و در آن نام تمامی مردم و موجودات از درخت و سنگ و...

آمده و اتفاقات مهم در آن ذکر گردیده است و استفاده می شود که این کتاب از مصادر علوم اهل بیت علیهم السلام است و به آن مراجعه می نمایند. (۱)مشهور آن است که مصحف از حروف نورانی اوائل سوره ها تشکیل شده که چهارده حرف است و ترکیب آن این است (صراط علیٍّ حقّ نمسکه) و جفر جامع از تمامی حروف الفبا تشکیل شده است، و هر دو موجودند و اهل بیت از آن آگاهند. (۲)از القاب دیگری که پرده از وسعت آگاهی فاطمه علیها السلام بر می دارد ممتحنه یعنی آزموده شده است که در اولین بخش گذشت، و یکی از احتمالات دربارهٔ ممتحنه کنایه از دانش بود.

عصمت آن حضرت علیها السلام نیز که دربارهٔ آن سخن گفته شد بر وسعت آگاهی آن حضرت علیها السلام دلالت دارد. او معصومه است و عصمت زاییدهٔ علم است، زیرا سبب افتادن در خطا جهل و نادانی است، و فاطمه علیها السلام بریده از جهل و نادانی است علاوه بر آن، جهل نقیصه و نوعی پلیدی است و حضرت فاطمه علیها السلام از تمامی آلودگی ها پاکیزه است که احادیث دربارهٔ پاکی آن حضرت گذشت.

لوح حضرت فاطمه علیها السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم به جابر بن عبداللّه انصاری فرمود: من از تو سؤالی دارم، چه وقت می توانم تو را تنها ملاقات نمایم؟ جابر گفت: هر وقت بخواهید، روزی مقرر شد. امام باقر علیه السلام فرمود: جابر! دربارهٔ لوحی که در دست مادرم فاطمه، دختر رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم ، مشاهده کردی و مطالبی که در آن لوح نوشته شده بود و حضرت

۱- (۱) . فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفی ، ص ۱۷۶.

۲- (۲) . روضه المتقین ، ج ۵، ص ۳۴۲.

به تو خبر داد، برایم بگو! جابر گفت:

خدا را شاهد می گیرم در زمان حیات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای تبریک ولادت حسین علیه السلام به ملاقات مادرت فاطمه علیها السلام رفتم، در دست او لوحی سبز رنگ مشاهده کردم، پنداشتم از زمرّد است، نوشته ای سفید شبیه به نور خورشید در آن دیدم.

گفتم: پدر و مادرم فدایت! این لوح چیست؟

فرمود: این لوح را خدای عزّ وجلّ به پیامبرش هدیه نموده است و در آن اسم پدر و شوهر و دو فرزندم و نام اوصیاء از فرزندان من نوشته شده است، پدرم آنرا به من داد تا مرا شاد نماید.

جابر به امام باقر علیه السلام گفت: مادرت فاطمه علیها السلام آنرا به من داد و من خواندم و از روی آن می نوشتم.

امام صادق علیه السلام فرمود: جابر کاغذی از پوست نازک به پدرم داد.

پدرم فرمود: جابر! در نوشته خود بنگر تا من بر تو بخوانم.

او در نسخه خود نگاه کرد و پدرم برای او خواند، به خدا قسم حرفی با حرف دیگر تفاوت نداشت.

متن لوح و ترجمهٔ آن در قمست ضمائم آورده شده است.

محدِّثه نیز به کسر دال، مؤنث محدِّث، می تواند به حدیث گفتن و روایت سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله از سوی فاطمه زهرا علیها السلام اشاره داشته باشد و همان گونه که ذکر شد این روایت ها اندک نیست. هم چنین می تواند به این نکته اشاره داشته باشد که آن حضرت علیها السلام پیش از تولد با مادر خویش سخن می گفت و در ذیل واژهٔ ممتحنه گذشت.

در پایان، به مناسبت، سه کنیه برگرفته از غیر زیارات ذکر می شود:

[ام العلوم] : (۱) مادر دانش ها

این کنیه نشان از بسیاری دانش های او و احاطهٔ کامل و تبحّر تام در علوم نقلی و عقلی دارد به گونه ای که همگان از گنجینهٔ دانش او جرعه ای نوشیده اند.

در بیان صفت علیمه و دیگر اسماء و صفات حضرت که دال بر دانش او علیها السلام است توضیحاتی گذشت.

[ام الفضائل] : (۲) مادر فضائل

این کنیه معنای وسیع تری از کنیه پیشین دارد، علم ودانش حضرتش علیها السلام یکی از فضائل است وبه فضلیت وبرتریهای دیگرش که به شمار نیاید با این کنیه اشاره گردیده است. که پیشتر نیز به آن اشاره شد.

[ام الکتاب] : (۳) مادر کتاب [قرآن]

این نام از نامهای سورهٔ مبارکهٔ فاتحه است. سورهٔ فاتحه در بردارندهٔ توحید، مبدأ و معاد و قضا و قدر است، و اصل قرآن و تمامی کتب آسمانی است و با شرافت ترین سوره های قرآن است. فاطمه علیها السلام نیز از همه بافضیلت تر و با شرافت تر و او دربردارنده همهٔ علوم و معارف است و به این جهت ام الکتاب کنیه گذاری شده است.

۱- (۱) . الخصائص الفاطمیه ، ج ۱، ص ۱۱۹.

۲- (۲) . همان، ج ۱، ص ۱۲۰.

۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۱۲۲.

وابستگی فاطمه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علاقه بسیار شدیدی به دخترش فاطمه زهرا علیها السلام داشت و این علاقه بیش از علاقهٔ یک پدر به فرزند بود، و سبب آن نیز شخصیت حضرت زهرا علیها السلام بود که وجود تکوینی او یک وجود بهشتی و دارای مقام و منزلت ویژه نزد خدای متعال بود، به همین سبب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بسیار سفارش فاطمه علیها السلام را نموده و در برابر دیدگان افراد، احترام هایی کرد که از یک پدر در برابر دخترش معمول نبود. در برابر او بر می خواست، او را به جای خویش می نشاند و سینهٔ او را می بویید و می بوسید و می فرمود من هرگاه به بوی بهشت مشتاق می شوم دخترم فاطمه علیها السلام را می بویم. (۱)در زیارات معصومین علیهم السلام تعابیری به این وابستگی و علاقه شدید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه زهرا علیها السلام اشاره دارد:

البِضعَهُ النَّبَوِیَّهُ: (۲) پاره ای از پیامبری

بِضعَهٌ مِنهُ: (۳) پاره ای از او (پیامبر صلی الله علیه و آله)

بِضعَهُ لَحمِهِ: (۴) قطعه ای از گوشت او (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)

بضعه به معنی پاره ای از یک چیز است و کنایه از شدت قرابت و نزدیک بودن به شخص است به گونه ای که گویا فرد جزئی از شخص دیگر است. احادیث بسیاری از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فاطمه علیها السلام را پارهٔ تن خویش خوانده است.

امام موسی بن جعفر علیه السلام از پدران خود از امیر مؤمنان علیه السلام نقل می کند:

نابینایی از فاطمه علیها السلام اجازه خواست، حضرتش علیها السلام خود را از او پوشانید

ص:۱۱۸

۱- (۱) . علل الشرایع ، ص ۱۸۳، ذیل ح ۲؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۵ ، ح ۵ .

۲- (۲) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۱۱۲. «البِضعه من اللّحم وغیره: القطعه. ویقال هو بضعه منّی: هو فی قرابته کالجزء منّی». (المعجم الوسیط ، ج ۱، ص ۶۰).

۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۶.

۴- (۴) . همان، ج ۱، ص ۲۸۷؛ ج ۵، ص ۷۹.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: او که تو را نمی بیند چرا خود را از او پوشاندی؟ فاطمه علیها السلام گفت: اگر مرا نمی بیند، من او را می بینم و او بو را استشمام می کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: أشْهَدُ أنَّکَ بَضْعَهُ مِنّی؛ شهادت می دهم که تو پاره تنِ من هستی. (۱)تعابیر دیگری مانند «أنْتَ منّی یا فاطمه (۲)؛ ای فاطمه تو از من هستی» یا تعبیر «شجنه منّی» (۳) و یا «شَعْرَهُ مِنّی» (۴) نیز نقل شده است. جابر گوید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

فاطمه علیها السلام مویی از من است و هر کس مویی از من را بیازارد مرا آزرده و هر کس مرا بیازارد خدا را آزرده و هر کس خدا را بیازارد خداوند او را به اندازهٔ همهٔ آسمانها و زمین لعنت کند. (۵)هم چنین ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرد:

فاطمه علیها السلام بخشی از من است. آنچه او را بیازارد سبب آزار من و هر چه او را خوشنود سازد باعث خوشنودی من است و خدای متعال به سبب خشم فاطمه علیها السلام به خشم می آید و به خوشنودی او خوشنود می شود. (۶)

۱- (۱) . العدد القویه ، ص ۲۲۴، ح ۱۶؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۹۱، ح ۱۶، و ص ۲۳، ح ۱۷. « سَمِعتُ رَسُول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم یَقُول: فاطِمَهُ بَضْعَهٌ مِنّی مَنْ سَرَّها فَقَد سَرَّنی وَمَنْ ساءَها فَقد ساءَنی فاطِمَهُ اعَزُّ النّاس عَلَیّ ».

۲- (۲) . امالی صدوق : ص ۳۷۷، ح ۷، مجلس ۷۱؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۲۲، ح ۱۵.

۳- (۳) . معانی الاخبار ، ص ۳۰۳.

۴- (۴) . روضه الواعظین ، ص ۲۷۳.

۵- (۵) . بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۵۴. «إنَّ فاطِمهَ شَعْرَهٌ مِنّی فَمَنْ اذی شَعْرَهً مِنّی فَقَدْ آذانی وَمَنْ آذانی فَقَدْ آذَی اللّه وَمَنْ آذَی اللّهَ لَعَنَهُ اللّهُ مل السَّماواتِ وَالْاَرْضِ ».

۶- (۶) . معانی الاخبار ، ص ۳۰۳، ح ۲؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۲۶، ح ۲۶، و ص ۵۴. « إنَّ فاطِمَهَ شَجْنَهٌ مِنّی یُؤذینی ما آذاها وَیَسُرّنی ما سَرَّها وإنَّ اللّهَ تَبارَکَ وَتَعالی لیَغْضَب لِغَضَبِ فاطِمَه ویَرضی لِرِضاها ». شجنه به معنای شعبه و بخشی از یک شیء است و معنایی شبیه بضعه دارد.

رُوحُهُ: (۱) روح او (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)

روح پیامبر، تعبیر دیگری است که نشان از شدت وابستگی و نزدیک بودن فاطمه زهرا علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارد، به گونه ای که فاطمه علیها السلام ، جان و روح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

روزی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حالی که دست فاطمه علیها السلام را گرفته بود بیرون آمد و فرمود:

هر کس این شخص را می شناسد، که می شناسد، و هر کس نمی شناسد، او فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم است، او پارهٔ تن من است و او قلب من و روح من که در میان دو پهلویم قرار گرفته می باشد، هرکس او را اذیت کند مرا آزرده و هر کس مرا بیازارد خدا را آزرده است. (۲)سَلِیلَهُ المُصطَفی: (۳) زادهٔ برگزیدهٔ خدا

پسر را سلیل و دختر را سلیله گویند. سلّ به معنای خارج ساختن چیزی با آرامی و نرمی است. فرزند نیز به همین شکل بخشی از شخص است که از او جدا شده است.

واژهٔ سلسله نیز دربردارندهٔ همین مفهوم یعنی کشش و ادامه داشتن است. فاطمهٔ زهرا علیها السلام بخشی از پیامبر و امتداد حضرت صلی الله علیه و آله و سلم است و همان طور که تعابیر دیگر اشاره دارد او جان، روح، قلب و پاره ای از گوشت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. در این تعبیر لطیف، ادامهٔ نبوت، و انجام وظائف رسالت به وسیلهٔ امامان علیهم السلام که فرزندان فاطمهٔ زهرا علیها السلام می باشند نهفته است.

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۶. «الروح بالضم: ما به حیاه الأنفس». (اقرب الموارد ، ج ۱، ص ۴۴۳).

۲- (۲) . بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۸۰. «مَنْ عَرَفَ هذِهِ فَقَدْ عَرَفَها وَمَنْ لَمْ یَعْرِفْها فَهِیَ فاطِمَهُ بِنْت مُحَمَّدٍ وَهِیَ بِضعَهٌ مِنّی وَهِیَ قَلْبی وَرُوحِیَ الَّتی بَیْنَ جَنْبَی فَمَنْ آذاها فَقَدْ آذانی وَمَنْ آذانی فَقَدْ آذَی اللّهَ ».

۳- (۳) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۲. « سلَّ الشیء من الشیء: انتزعه واخرجه برفق ». (المعجم الوسیط ، ج ۱، ص ۴۴۷).

فِلْذَهُ کَبِدِهِ: (۱) پارۀ جگر او (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)

فِلذه بمعنی تکه ای از کبد (جگر) یا گوشت است. برای قطعۀ طلا و نقره نیز به کار برده می شود، افلاذ الاکباد تعبیری کنایه ای است که در مورد فرزندان استفاده می شود و نشان دهندۀ وابستگی و شدت محبت است. با این خطاب، زائر مانند تعبیرهای گذشته، شدت بستگی و علاقه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و فاطمه زهرا علیها السلام را یادآور می شود.

صَمِیمِ قَلْبِهِ: (۲) میانۀ قلب او (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)

صمیم هر چیز، مغز آن است و آنچه هیچ ناخالصی در آن نباشد. دربارۀ میانۀ قلب نیز بکار می رود. در میان اعضای بدن، صمیم به استخوانی گویند که آن عضو را سرپا نگه می دارد.

فاطمۀ زهرا علیها السلام میان دل و قلب پیامبر جا داشت و برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم کسی بود که آن حضرت را تقویت می نمود، این تعبیر نیز نمایان گر شدت علاقه و وابستگی حضرتش علیها السلام به وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و وابستگی پیامبر به فاطمه علیها السلام می باشد.

النُّخبَهُ مِنکَ لَهُ: (۳) برگزیده از سوی تو (خدا) برای او (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)

نخبه به معنای برگزیده است. زیارت به این نکته اشاره دارد که حضرتش برگزیده ای است از سوی خداوند که برای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در نظر گرفته شده است. این تعبیر علاوه بر وابستگی به پیامبر صلی الله علیه و آله به مقام و منزلت حضرت زهرا علیها السلام نزد خداوند نیز اشاره دارد.

ص:۱۲۱

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۷؛ ج ۵، ص ۷۹. «الفِلذَهُ: القطعه من الکبد و اللحم و الذهب و الفضّه». (المعجم الوسیط ، ج ۲، ص ۷۰۷).

۲- (۲) . همان، ج ۱، ص ۲۸۷. «الصمیم من کلّ شیء: المحض الخالص فی الخیر والشّر ومن القلب ونحوه: وسطه وصمیم العضو: عظمه الذی به قوامه». (المعجم الوسیط ، ج ۱، ص ۵۲۶).

۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۲۸۷. «النخبه: المختار من کلّ شیء یقال: جاء فی نخبه أصحابه: خیارهم». (المعجم الوسیط ، ج ۲، ص ۹۱۵).

عَزِیزَتُهُ: (۱) عزیز و ارجمند او [پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم]

عزیز به معنای توانا و نیرومند، دوست داشتنی، کمیاب، شریف، ارجمند و بزرگوار می آید. عزیز از اسماء خدای متعالی است و در قرآن در موارد متعدد بکار رفته است. (۲)عزیز دربارهٔ خداوند به معنای چیره ای است که کسی بر او پیروز نمی گردد.

تعبیر عزیزته در مورد حضرت فاطمه علیها السلام به ارجمندی و بزرگواری او نزد پدر و مورد محبت پیامبر بودن اشاره دارد. احادیث دربارهٔ ارجمندی فاطمه علیها السلام نزد پدر و محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به او، از شیعه و سنی فراوان است.

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده است که:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نمی خوابید تا پهنای گونهٔ فاطمه را ببوسد و سر خود را بر سینهٔ او گذارد و برای فاطمه دعا کند. (۳)حَبِیبَهُ المُصطَفی: (۴) بسیار مورد محبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

حَبِیبَهُ حَبِیبِکَ وَنَبِیِّکَ: (۵) حبیب محبوب تو و پیامبرت

حَبِیبَتُهُ: (۶) محبوب او

واژهٔ حبیب، برای نشان دادن شدت محبت نسبت به دیگری است. و برای معشوق، یار، دلارام و... بکار می رود. این واژه نیز از شدت علاقهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمهٔ زهرا علیها السلام حکایت می کند.

ص:۱۲۲

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۷۹. « عزّ فلان: قوی وبریء من الذّل. عزیز: من أسماء اللّه تعالی ومعناه الغالب الذی لا یقهره شیء ». (المعجم الوسیط ، ج ۲، ص ۶۰۴).

۲- (۲) . انفال: ۱۰: «وَما النَّصرُ إلّامِنْ عِنْدِ اللّهِ إنَّ اللّهَ عَزیزٌ حَکیمٌ».

۳- (۳) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۳۴؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۵۵. «کانَ رَسولُ اللّه صلی الله علیه و آله و سلم لایَنامُ حَتّی یُقَبِّلَ عَرْضَ وَجه فاطِمَه ویَضَعُ وَجْهَهُ بَیْنَ ثدیی فاطِمَه وَیَدعُو لَها ».

۴- (۴) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۷.

۵- (۵) . همان، ج ۱، ص ۲۹۱؛ ج ۵، ص ۱۴۵.

۶- (۶) . همان، ج ۵، ص ۷۹.

مجلسی رحمه الله دو معنی محِبّ و هم محبوب را در ترجمه این واژه صحیح دانسته است. (۱)احادیث بسیاری که برخی گذشت، بر این محبت و ارجمندی فاطمه زهرا نزد پیامبر اشاره دارد.

از عایشه سؤال شد: چرا بر علیه علی علیه السلام شورش کردی؟ او گفت:

ما را به حال خود بگذار! به خدا قسم، میان مردان هیچ یک از علی علیه السلام پیش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم دوست داشتنی تر نبود و از میان زنان نیز کسی محبوب تر از فاطمه علیها السلام نبود. (۲)در جامع ترمذی نیز از قول بریده نقل می کند:

محبوب ترین زنان پیش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه و از مردان علی علیه السلام بود. (۳)این محبت آنچنان شدید بود که در سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آورده اند:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هر گاه می خواست مسافرت رود، آخرین کسی که دیدار می کرد فاطمه علیها السلام بود و وقتی باز می گشت، اولین شخص که دیدار می کرد فاطمه علیها السلام بود. (۴)

ص:۱۲۳

۱- (۱) . روضه المتقین ، ج ۵، ص ۳۴۴.

۲- (۲) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۳۱ به نقل از جامع ترمذی ج۵، ص ۷۰۱، رقم ۳۸۷۴ و ابانه العکبری و بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۳۸. «فَوَ اللّهِ ما کانَ أحدٌ مِن الرِّجالِ أحَبَّ إلی رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم مِنْ عَلیّ علیه السلام وَ لامِنَ النِّساءِ أحَبَّ إلیهِ مِنْ فاطِمَه علیها السلام ».

۳- (۳) . همان، ج ۳، ص ۳۳۱ به نقل از جامع ترمذی ج۵، ص ۶۹۸، رقم ۳۸۶۸ و بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۳۸. «کانَ احبُّ النِّساءِ إلی رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فاطِمَه وَمِنَ الرِّجالِ عَلی علیه السلام ».

۴- (۴) . همان، ج ۳، ص ۳۳۳؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۴۰. «کانَ النَّبی صلی الله علیه و آله و سلم إِذا أَرادَ سَفَراً کانَ آخِرَ النّاسِ عَهْداً بِفاطِمَه علیها السلام وَإذا قَدِمَ کانَ أوّلَ النّاس عَهْداً بفاطِمَهَ علیها السلام ».

دربارهٔ بزرگداشت فاطمه زهرا علیها السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عایشه می گوید:

فاطمه علیها السلام هرگاه بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وارد می شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای او از جای خویش بر می خواست و سر او را می بوسید و او را جای خویش می نشاند و هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نزد فاطمه علیها السلام می رفت فاطمه علیها السلام به استقبال او می رفت و یکدیگر را می بوسیدند و با هم می نشستند. (۱)اگر فاطمه علیها السلام نزد خدای متعالی برتری بزرگی نداشت، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این گونه با او رفتار نمی کرد، زیرا فاطمه علیها السلام فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود و خداوند دستور داده که فرزند پدرش را بزرگ دارد و شایسته نیست بر خلاف آنچه خدا به امت خود دستور داده است پیامبر با او این گونه رفتار نماید.

فاطمه علیها السلام فرمود: هنگامی که آیه «لَاتَجْعَلُوا دُعاءَ الرَّسُول کَدُعاءِ بَعضِکُمْ بَعْضاً» (۲)نازل شد، هیبت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مانع شد که به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بگویم: ای پدر، صدا می زدم یا رسول اللّه! حضرت یک بار و دو بار، یا سه بار از من روی برگرداند. سپس به من فرمود:

فاطمه! این آیه دربارهٔ تو و اهل بیت تو و نسل تو نازل نشده است. تو از منی و من از توام. بلکه دربارهٔ جفاکاران، افراد خشن قریش و متکبران نازل شده است. به من بگو ای پدر، که این سخن دل را زنده تر و پروردگار را خوشنود می سازد. (۳)

ص:۱۲۴

۱- (۱) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۳۳؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۴۰. «إنَّ فاطِمَهَ کانَتْ إذا دَخَلَتْ عَلی رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قامَ لَها مِنْ مَجْلِسهِ وَقَبَلَ رَأسَها وأجْلَسَها مَجلِسه وَإذا جاءَ إلَیْها لَقِیَتهُ وَقَبَلَ کُلُّ واحِدٍ مِنْهُما صاحِبَهُ وَجَلَسا مَعاً .»

۲- (۲) . نور: ۶۳. «پیامبر را مانند صدا کردن یکدیگر صدا نزنید».

۳- (۳) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۲۰؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۳۳ ح ۴؟. « قُولی: یا أَبَه فَإنَّها أحیَی لِلْقَلْبِ وَأرْضی لِلرَّبِّ ».

[ام ابیها] : (۱) مادر پدر

یکی از کنیه های معروف برای حضرت زهرا علیها السلام أُم أبیها است، اگرچه در زیارات ذکر نشده، اما به مناسبت در این بخش به آن اشاره می شود از امام باقر علیه السلام نقل شد که فرمود:

فاطمه علیها السلام با کنیهٔ ام ابیها مورد خطاب قرار می گرفت. (۲)أُمّ یعنی مادر و اصل هر چیز و رئیس گروه. ام ابیها از کنیه های ویژه حضرت فاطمهٔ زهرا علیها السلام است و کنیه ای است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه علیها السلام داده اند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را با کنیه امّ ابیها می خواند. (۳)در اینکه چرا فاطمهٔ زهرا علیها السلام با کنیهٔ «أُمّ أبیها» خوانده می شده، وجوهی ذکر شده است: (۴)الف) فاطمه زهرا علیها السلام میوهٔ درخت نبوت و حاصل عمر پیامبر صلی الله علیه و آله و صدف دُرهای عصمت و کسی است که آسمان و زمین به سبب او استقرار یافته است. در میان فرزندان که برای پدر و مادر اهمیت دارد فاطمه از میان دختران پیامبر صلی الله علیه و آله اصل کلی است و فرزندان پیامبر از او می باشند.

پیامبر صلی الله علیه و آله دربارهٔ فاطمه علیها السلام فرمود: فاطمه روح من و خون قلبم می باشد. فاطمه از من و من از اویم پس او منبع اسرار پیامبری است و حقیقت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

ب) فاطمه زهرا علیها السلام هشت سال در مکه و ده سال در مدینه، همراه و در خدمت

۱- (۱) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۱، ص ۱۶۲. «أمّه: قصده... وأُمّ کلّ شیء أصله وعماده، وللقوم: رئیسهم ومن القرآن الفاتحه... وأُمّ القری: مکه لأنّها توسَّطت الأرض فیما زعموا...». (القاموس المحیط ، ج ۴، ص ۱۰۳).

۲- (۲) . بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۹، ح ۱۹. «روی فی مقاتل الطالبیّین بإسناده إلی جعفر بن محمّد عن أبیه علیهما السلام : أنَّ فاطِمَه علیها السلام کانَتْ تُکنّی ام أَبیها ».

۳- (۳) . کشف الغمّه ، ج ۲، ص ۸۸. « أنَّ النَّبی صلی الله علیه و آله کانَ یُکَنّیها بِأُمِّ أَبیها ».

۴- (۴) . در برخی از وجوه ذکر شده، از کتاب الخصائص الفاطمیه استفاده شده است.

پیامبر صـلی الله علیه و آله بود، و این در زمانی بود که فشارهای زیادی از سوی دشـمنان بر پیامبر صـلی الله علیه و آله وارد می شد و فاطمه علیها السلام همراه پیامبر صلی الله علیه و آله این مصائب را تحمل می نمود برای همین به مادر تشبیه شده است.

ج) پس از نزول آیـهٔ: «النَّبِیُّ أَوْلی بِالْمُؤْمِنِینَ مِنْ أنفُسِهِم وَأزواجُهُ أُمَّهاتُهُم» (۱) و افتخار زنان پیامبر به کنیـهٔ ام المؤمنین، پیامبر صلی الله علیه و آله و سـلم برای نشان دادن برتری و شـرافت فاطمه زهرا علیها السلام بر آنان، فاطمه علیها السلام را به این کنیه خطاب نمود.

الدُّرَّةُ الأحمَدِیَّهُ: (۲) مروارید احمدی

دُرّ، مروارید بزرگ را گویند، در مقابل به خاک مروارید مرجان می گویند، برخی مروارید را از بقیهٔ جواهرات فاخرتر دانسته اند این واژه در مورد گرانقدری و عزیزی و دُردانگی به کار می رود، به دختر یا دختر یک دانه نیز گفته می شود.

در این تعبیر حضـرتش علیها السـلام به مروارید بزرگ احمدی خطاب شده است، فاطمه زهرا علیها السـلام دختر دُردانه نبوّت و برای پیامبر صـلی الله علیه و آله بسـیار عزیز و گرانمایه بود، همان گونه که درّ برای صاحبش عزیز و گران قـدر است. علاوه بر آن فاطمه علیها السـلام نگین خاتم نبوت و دارای درخشش بسیار بود و در همهٔ حالات جلوه ای از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و یادآور حضرتش بود. جابر گوید:

هرگاه فاطمه علیها السلام راه می رفت یاد پیامبر می افتادم. (۳)وارِثَهُ خَیرِ الْأنبِیاءِ: (۴) وارث بهترین پیامبران

وارِثَهُ سَیِّدِ الأنبِیاءِ: (۵) وارث سرور پیامبران

۱- (۱) . احزاب: ۶.

۲- (۲) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۱۱۲.

۳- (۳) . منـاقب آل ابی طـالب ، ج ۳، ص ۳۵۷؛کشـف الغمه ، ج ۲، ص ۸۹ ؛ بحارالانـوار ، ج ۴۳، ص ۵۳ . «مَا رَأَیْتُ فَاطِمَهَ علیها السلام تَمْشی إلّا ذَکَرتُ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم ».

۴- (۴) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵ ، ص ۶۷.

۵- (۵) . همان، ج ۱، ص ۲۹۲؛ ج ۵ ، ص ۱۶۸.

این واژه نیز نزدیک بودن و علاقه و وابستگی حضرتش علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و به ارث بردن دارایی و خصلت های ظاهری و معنوی فاطمه زهرا علیها السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بیان می نماید.

بـدیهی است در این تعبیرهـا، تنها وراثت از نظر اموال و دارایی مورد نظر نیست بلکه وراثت در اخلاق، منش، هـدایت گری و ملکات فاضـلهٔ پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم را نیز شامل است. همان گونه که در تعابیر سابق گذشت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سـلم فـاطمه علیهـا السـلام را پـاره ای از گـوشت، و روح، و قلب خود خواندنـد و این خود نشـان از به ارث بردن ملکات و صـفات محمدی صـلی الله علیه و آله از سوی فاطمهٔ زهرا علیها السلام دارد، اگرچه در وراثت ظاهری نیز فاطمهٔ زهرا علیها السلام بر همه تقدم داشت.

بَزل هروی از حسـین بن روح سوال کرد؛ دختران پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم چنـد نفر بودنـد؟ گفت چهار نفر. پرسـید: کـدامیک برتر بودنـد؟ پاسـخ داد: فاطمه. سؤال کرد: با اینکه سنّ او از همه کمتر بود. و مـدت زمان کمتری با پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم بود چرا برتری داشت؟ گفت:

به دو ویژگی که خداونـد او را به دو ممتاز نموده بود؛ او از پیامبر ارث می برد، و دیگر اینکه نسل پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم از او بود، و این ویژگی را خداونـد فقـط به سـبب اخلاـص برتر فـاطمه علیهـا السـلام ، که در نیت از او سـراغ داشت به او عنایت کرد. (۱)این تعبیر هم چنین به ادعای باطل عـده ای که برای رسـیدن به هـدفهای شوم خود حدیثی جعلی، مبنی بر ارث نگذاشـتن پیامبران منتشـر نمودند، اشاره دارد. فاطمه زهرا علیها السـلام در رد این ادعا در خطبهٔ فدکیه فرمود: شـما پنداشته اید من ارث نمی برم؟ (۲) در این باره توضیح خواهد آمد.

ص:۱۲۷

۱- (۱) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۲۳؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۳۷.

۲- (۲) . « ثُمَّ أَنْتُم أُولاءِ تَزْعمُونَ أَنْ لا إِرْثَ لی؟ ».

بخش چهارم: مسئولیت پذیری

اشاره

ص:۱۲۹

فعالیتهای اجتماعی

در میان اوصاف حضرت زهرا علیها السلام صفاتی هست که به بعضی از فعالیت های اجتماعی حضرت علیها السلام اشاره دارد.

فاطمهٔ زهرا علیها السلام با فراوانی کارهای منزل و عمر بسیار کوتاه، مسئولیت برخی از کارهای اجتماعی در مورد زنان و گاه غیر زنان را نیز بر عهده می گرفت، گواه این سخن سؤالهای معارفی از محضر آن حضرت و پاسخ آنهاست. از آن جمله نقل شده است که خانمی از آن حضرت دربارهٔ مسائل شرعی سؤال می کند، و این خود نشان از معمول بودن اینگونه شرفیابی و سؤال از حضرتش دارد. اگرچه این ماجراها در تاریخ کمتر نقل شده یا به دست ما نرسیده است.

امام عسکری علیه السلام فرمود:

خانمی به فاطمه زهرا علیها السلام گفت: من مادری ناتوان دارم و در مورد نمازش چیزی بر او اشتباه شده است، مرا فرستاد تا از شما سؤال کنم، فاطمه زهرا علیها السلام به او پاسخ داد. آن زن بار دیگر سؤال پرسید حضرت جواب داد. برای بار سوم پرسش کرد تا ده بار و حضرت جواب داد. آن زن از زیادی سؤالها شرمگین شد و گفت: دختر رسول خدا! دیگر زحمت نمی دهم. فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: از آنچه می خواهی سؤال کن، آیا کسی که برای حمل بار

سنگینی به پشت بام اجیر شود و اجرت او یک روز صد هزار دینار باشد برای او سخت است؟ گفت: نه.

فرمود: من برای هر سؤال به مقداری بیش از آنچه میان خاک تا عرش لبریز از لؤلؤ باشد اجیر شده ام پس بر من سنگینی نکند شایسته تر است. از پدرم شنیدم می فرمود: همانا علماء شیعیان ما برانگیخته می شوند و بر آنان از جامه های بزرگواری، به اندازه زیادی دانش، و کوشش آنها در ارشاد بندگان خدا هدیه داده می شود، به گونه ای که بر هر یک از آنان هزار هزار حُلّهٔ نور خلعت می دهند، سپس منادی پروردگار عزّ وجلّ صدا می زند: ای سرپرستان ایتام آل محمد صلی الله علیه و آله و تقویت کنندگان آنان هنگام جدا شدن از پدرانشان؛ اینان شاگردان شما و یتیمانی که از پدران خود یعنی ائمه جدا شده اند هستند و شما آنها را سرپرستی کردید و نیرو دادید، خلعتهای دانش در دنیا را به آنان هدیه دهید. پس بر هر کدام از این یتیمان به اندازهٔ دانشی که از علماء برگرفته اند خلعت داده می شود به گونه ای که در میان ایتام برخی صد هزار حلّه خلعت داده می شود و هم چنین این یتیمان به کسانی دیگر که از ایشان آموخته اند خلعت می دهند. سپس خدای متعالی می فرماید: بر علماء و سرپرستان یتیمان دو باره خلعت دهید تا خلعتهای آنان کامل شود و چند برابر آنان بدهید. و همین گونه اند کسانی که در رتبهٔ پس از آنان قرار دارند. (۱)

ص:۱۳۲

۱- (۱) . تفسیر منسوب به امام حسن عسکری ، ص ۳۴۰، ح ۲۱۶؛ بحارالانوار ، ج ۲، ص ۳. «قالَ أبومحمّدٍ العَسْكرى عليه السلام حَضَرَتْ امرَأَةٌ عِنْدَ الصِّدّيقَهِ فاطِمَهَ الزَّهْراء عليها السلام فقالتْ: إنَّ لى والِدَهً ضَعيفهً وَقدْ لَبسَ عَلَيْها فى أَمْرِ صَلاتِها شَيءٌ وَقَدْبَعَثَتْنى إليكِ أسأ لُكِ فَأجابَتْها فاطِمه عليها السلام عَنْ ذلِكَ فَثَنَّتْ فَأجابَتْ ثُمَّ ثَلَّثَتْ إلى أنْ عشَّرَتْ فأجابَتْ ثُمَّ خَجلَتْ مِن الكَثْرهِ فَقالتْ لا أشقُّ عليكِ يا إبْنه رَسولِ اللّه. قالَتْ فاطِمَهُ: هاتى وَسَلى عمّا بَدا لكِ أرأيتِ مَنْ اكترى يَوْماً يصعَدُ إلى سطحٍ بحَمْلٍ ثَقيلٍ وَكِراؤه مِائه أَلْف دينارٍ أيثْقل عَلَيْهِ؟ فَقالَتْ: لا فَقالتْ: اكتُريتُ أنا لِكُلِّ مَسألهٍ بأكثَر مِنْ مِلءِ ما بينَ الثَّرى إلى العَرْشِ لُؤلؤاً، فأحرى أنْ لا يَثْقُل عَلَيَّ، سَمِعْتُ أبى صلى الله عليه و آله و سلم يَقولُ إنَّ عُلماءَ شيعتِنا يُحشَرون فيُخْلَع عَلَيْهِم مِنْ خُلَعِ الكَرامات عَلى قدرِ كَثْرهِ عُلُومِهِم وَجِدِّهِم فى إرْشادِ عِبادِ اللّهِ حَتّى يخلَعْ عَلى الواحِدِ منهُمْ ألف ألف (خلعه خ ل) حُلَّهً مِنْ نورٍ ثُمَّ يُنادى مُنادى رَبِّنا عَزَّ وَجَلَّ أيُّها الكافِلُون لِأَيتام آلِ مُحَمَّدٍ النّاعِشُونَ لهُمْ عِنْدَ انْقِطاعِهِم عَنْ آبائِهِمْ الَّذينَ هُمْ أَئِمَّتهم، هؤُلاءِ تلامِذَتِكُم وَالأيتام الَّذين كَفَّلْتُموهُم وَنَعَشْتُموهُم فَاخلَعُوا عَلَيْهِم خُلَعَ العلُوم فى الدُّنْيا فَيَخلَعُون عَلى كُلِّ واحِدٍ مِنْ أولئكَ الأيتام عَلى قَدْرِ ما أخذُوا عَنْهم مِنَ العُلُوم حَتّى إنَّ فيهم - يَعنى فى الأَيْتام - لَمَنْ يخلَعُ عَلَيْهِ مِائهَ ألف خلْعَه وَكذلِكَ يَخْلَع هؤُلاءِ الأيْتام عَلى مَنْ تَعَلَّمَ مِنْهُم ثُمَّ إنَّ اللّهَ تَعالى يَقولُ: أعيدُوا عَلى هؤلاءِ العُلَماءِ الكافِلينَ للأَيْتام حَتّى تَتِّمُوا لَهُمْ خُلَعَهُمْ وَتُضَعِّفُوها لَهُمْ فَيتمُّ لَهُمْ ما كانَ لَهُمْ قَبْلَ أنْ يخْلَعُوا عَلَيْهِم وَيُضاعَفُ لَهُم وَكَذلكَ مَنْ يَليهِم مِمَّنْ خلع عَلى مَنْ يَليهِمْ... ».

مبارزه با ستمگران و ایستادگی در برابر آنان در دفاع از ولایت، هم چنین سخنرانی در مسجد مدینه، آن هنگام که همه را خاموش دید، از فعالیت های اجتماعی آن حضرت به شمار می رود.

علاوه بر آن، ایستادگی در برابر غصب فدك و دفاع از حق خود، از موارد بارز فعالیت های اجتماعی آن حضرت است که در کتب روایی و سیره و تاریخ نقل شده است. رسیدگی به فقرا، و انفاق در راه خداوند که به برخی از آنها اشاره شد.

پرداخت مازاد عوائد فدك را می توان از دیگر مصادیق فعالیت های اجتماعی آن حضرت علیها السلام برشمرد.

مُرَبِّيَةُ الأَيتامِ: (۱) پرستار یتیمان

این تعبیر نیز که به فعالیت های اجتماعی حضرت علیها السلام مربوط می شود، به مراقبت از یتیمان اشاره دارد در قرآن کریم نمونه ای از آن ذکر شده است. فاطمهٔ زهرا علیها السلام یکی ازپنج نفری است که سورهٔ دهر دربارهٔ آنان نازل شد. «وَيُطْعِمُونَ الطَّعامَ عَلىٰ حُبِّهِ مِسْكِيناً وَيَتِيماً وَأَسِيراً» (۲).

علمای شیعه و سنی روایت کرده اند؛ آیات سورهٔ دهر از إنّ الأبرار تا مَشْكُورا دربارهٔ

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۱۰۳.

۲- (۲) . دهر: ۸.

علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و خدمتکار آنان بنام فضّه نازل شد. (۱)برای بیماری امام حسن و امام حسین علیهما السلام ، امیر مؤمنان علیه السلام و فاطمه علیها السلام و فضه نذر کردند سه روز روزه بگیرند. هنگام ادای نذر، شب اول به وقت افطار مسکین و شب دوم یتیمی و شب سوم اسیری در خانه را زدند و اهل منزل هر سه شب با دادن افطاری خود که قرص نانی بود، تنها با آب افطار نمودند و پس از آن این بخش از آیات سورهٔ دهر نازل شد.

مبارزه با ستمگران

اشاره

خَصِیمَهُ الفَجَرَهِ: (۲) دشمن نابکاران

وصف دیگری که به فعالیتهای اجتماعی حضرتش علیها السلام اشاره دارد خصیمه الفجره یعنی دشمن نابکاران است.

از امیر مؤمنان علیه السلام دربارهٔ سبب دفن شبانه فاطمه علیها السلام سؤال شد حضرت علیه السلام فرمود: او بر عده ای که نمی خواست بر جنازه اش حاضر شوند خشمگین بود، بر پیروان آن عده نیز حرام است بر یکی از فرزندان فاطمه علیها السلام نماز گزارند. (۳)دربارهٔ دفن شبانهٔ فاطمه زهرا علیها السلام مجلسی رحمه الله می آورد؛ شیعه و سنی به تواتر نقل کرده اند که فاطمه علیها السلام چون بر ابوبکر و عمر خشمگین بود وصیت نمود شبانه دفن شود مبادا آن دو بر او حاضر شوند و بر او نماز گزارند. (۴)

۱- (۱) . مجمع البیان ، ج ۱۰، ص ۲۳۲.

۲- (۲) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵ ، ص ۱۱۲. « الفاجر: الفاسق غیر المکترث. یقال: یمین فاجره أی کاذبه ». (المعجم الوسیط ، ج ۲، ص ۶۸۱).

۳- (۳) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۶۳؛ مرآه العقول ، ج ۵، ص ۳۲۳.

۴- (۴) . علل الشرایع ، ص ۱۸۵، ح ۱ و ۲؛مرآه العقول ، ج ۵، ص ۳۲۱.

در صحیح بخاری که از کتب حدیثی معتبر نزد اهل سنت است نیز آمده است:

فاطمه علیها السلام دخت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر ابوبکر خشمناک شد پس با او ترک سخن کرد و تا وقت وفات با او سخن نگفت. (۱)المُغتَصَبَهُ حَقَّها (۲) المَغصُوبَهُ حَقَّها: (۳) حقش غصب شده

این دو تعبیر به غصب شدن حق حضرت زهرا علیها السلام (فدک) به وسیله زورمداران اشاره دارد. پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم غاصبین مقام اهل بیت علیهم السلام در توطئه ای حساب شده، فدک که توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیات آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمهٔ زهرا علیها السلام بخشیده شده بود را غصب کردند. این امر سبب حرکت حضرت زهرا علیها السلام برای احقاق حق خود شد.

دربارهٔ فدک

فدک مکانی در حجاز است که فاصلهٔ آن تا مدینه به اندازهٔ دو یا سه روز پیاده روی است. خداوند آن سرزمین را که دارای چشمه های پر آب و درختان نخل بسیاری بود در سال هفتم هجری با صلح و آرامش عاید پیامبرش صلی الله علیه و آله و سلم گردانید.

ماجرا از این قرار بود که هنگام فتح قلعه های خیبر، پیامبر سه روز آنها را در محاصره داشت و به آنها سخت گرفت. یهود خیبر کسی را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم روانه کردند و درخواست نمودند که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آنان را بیرون آورد تا در عوض آنها نیز محل خود را ترک کنند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پذیرفت و همین کار انجام شد. این خبر به گوش اهل فدک که با

۱- (۱) . صحیح بخاری ، ج ۴، ص ۹۶، باب فرض الخمس؛ ج ۸ ، ص ۱۸۵؛ فضائل الخمسه ، ج ۳، ص ۱۵۶؛ الحجه الغرّاء علی شهاده الزهراء ، ص ۷۳. « فَغَضِبَتْ فاطِمَهُ بِنْتُ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله فَهَجَرَتْ أبا بَکرٍ فَلَمْ تَزَلْ مُهاجِرَتهُ حَتّیٰ تُوُفِّیَتْ ».

۲- (۲) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۶۷.

۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۲۸۷.

خیبری ها ارتباط داشتند رسید. آنان نیز که ترسیده بودند، کسی را نزد پیامبر فرستاده و از حضرت صلی الله علیه و آله و سلم خواستند با آنان مصالحه کند، به این ترتیب که نصف میوه ها و اموال آنان از آن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم باشد و در برابر این کار، خود آنها آزاد شوند حضرت صلی الله علیه و آله و سلم نیز قبول فرمود. این غنیمتی بود که بدون لشکرکشی و جنگ بدست آمده بود و به دستور قرآن این گونه غنیمت که بدون لشکرکشی بدست آید مخصوص شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. (۱)«و آنچه را خداوند از آنان به رسم غنیمت عاید پیامبر خود گردانید، اسب یا شتری بر آن نتاختید، ولی خدا فرستاگانش را بر هرکه بخواهد چیره می گرداند و خدا بر هرکاری تواناست، آنچه خدا از ساکنان قریه ها عاید پیامبرش گردانید از آنِ خدا و از آن پیامبر و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است». (۲)شیعه وسنی هم سخنند که فدک بدون هیچگونه لشکرکشی بدست پیامبر افتاد. ابی سعید خدری دربارهٔ آیهٔ: «وآتِ ذا الْقُرْبیٰ حَقَّهُ وَالْمِسْکینَ وَابنَ السَّبیل» (۳) گفت:

هنگامی که این آیه نازل شد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم فاطمه علیها السلام را خواست و فدک را به او داد. (۴)

ص:۱۳۶

۱- (۱) . معجم البلدان ، ج ۴، ص ۲۳۸. «فَدَک بالتحریک، فدّکتُ القطن تفدیکاً إذا نفشتَه».

۲- (۲) . حشر: ۶ و ۷: «وَما افاءَ اللّهُ عَلیٰ رَسولِهِ مِنْهُم فَما أوْجَفْتُمْ عَلَیهِ مِنْ خیلٍ وَلا رِکابٍ وَلکِنَّ اللّهَ یُسَلِّطُ رُسلَه عَلیٰ مَنْ یَشاءُ وَاللّهُ عَلیٰ کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ * ما أفاءَ اللّهُ عَلیٰ رَسُولِهِ مِنْ أهْلِ القُریٰ فَلِلّهِ وَللرَّسُولِ وَلِذی القُربیٰ...».

۳- (۳) . اسراء: ۲۶؛روم: ۳۸. «پس حق خویشاوند و تنگدست ودر راه مانده را بده».

۴- (۴) . الدّر المنثور ، ج ۴، ص ۳۲۰. « عن أبی سعید الخدری رضی الله عنه قال: لَما نَزَلتْ هذِهِ الآیهُ «وَآتِ ذا القُربیٰ حَقَّهُ» دعا رَسُولُ اللّه صلی الله علیه و آله و سلم فاطِمَهَ فَأَعْطاها فَدَک ».

امام صادق علیه السلام فرمودند:

هنگامی که آیه «وآت ذا القربی» نازل شد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

ای جبرئیل! مسکین را شناختم، خویشاوند کیست؟ گفت: نزدیکانت.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام را صدا زد و فرمود: پروردگارم به من دستور داده که از آنچه عاید من کرده است به شما بدهم، و فرمود: من فدک را به شما دادم. (۱)به دنبال سقیفه اساس بسیاری از کجرویها به صورت رسمی در میان مسلمانان گذارده شد. باید اشاره کرد بنیان گذاران سقیفه یکی از موانع بزرگ در راه شومی که برگزیدند را خطر تهدید حکومت خود به وسیلهٔ فدک می دیدند، زیرا فدک با عایدات فراوانش پشتوانهٔ نیرومند اقتصادی برای اهل بیت علیهم السلام بود. (۲) ابوبکر کارگزاران فاطمه زهرا علیها السلام را از فدک اخراج نمود و دستور داد درآمد آن به سود بیت المال ضبط شود. (۳)به این موضوع با تعابیری دیگری نیز در زیارات اشاره شده است. مانند:

المَغصُوبَهُ: (۴) غصب شده [حقش]

المَمنُوعَهُ حَقُّها: (۵) از حقش بازداشته شده

ص:۱۳۷

۱- (۱) . تفسیر العیاشی ، ج ۲، ص ۲۸۷، ح ۴۶؛تفسیر البرهان ، ج ۲، ص ۴۱۵؛ صافی، ج ۱، ص ۹۶۵. « لمّا أَنزَل اللّه «فآتِ ذا القُربی حَقَّه والْمِسْکِینَ» قالَ رَسولُ اللّه صلی اللّه علیه و آله و سلم یا جبرئیلُ قَد عَرفتُ المِسْکینَ فمَنْ ذَوی القُربی؟ قالَ: هُم أقارِبُکَ. فدَعا حَسناً و حُسَیناً و فاطِمه فقال: إنَّ رَبّی أمرَنی أنْ أُعْطیکُمْ مِمّا أَفاءَ عَلیَّ، قالَ أُعطیکُمْ فَدَک ».

۲- (۲) . درآمد فدک هر ساله ۲۴ هزار دینار و در نقل دیگر هفتاد هزار دینار بوده است. (بحارالانوار ، ج ۲۹،ص ۱۲۳، ح ۲۵).

۳- (۳) . علل الشرایع ، ص ۱۹۰، ح ۱، ب ۱۵۱؛بحارالانوار ، ج ۲۹، ص ۱۲۴، ح ۲۶، و ص ۱۸۹، ح ۳۹.

۴- (۴) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۶.

۵- (۵) . همان، ج ۱، ص ۲۸۴.

المَمنُوعَهُ إرثُها: (۱) از ارثش بازداشته شده

مجلسی رحمه الله دربارهٔ این واژه می آورد:

غصب حق آن حضرت علیها السلام و بازداشته شدن او از ارث به این سبب است که فدک را از او باز داشتند. (۲)برای غصب فدک آن سرزمین را میراث خواندند و حدیثی با این مضمون که پیامبر ارث نمی گذارد جعل نمودند، در حالی که این زمین هدیهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه علیها السلام بود.

غاصبین برای هدیه بودن فدک شاهد طلب می کردند و در شاهدهایی که حضرت آورد ایراد گرفتند. (۳) امام صادق علیه السلام فرمود:

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابوبکر به جای او نشست و به سوی وکیل فاطمه علیها السلام در فدک فرستاد و او را اخراج نمود. فاطمه علیها السلام نزد ابوبکر آمد و فرمود: ابوبکر! ادّعا می کنی جانشین پدر من هستی و به جای او نشسته ای و وکیل مرا از فدک اخراج کرده ای؟ و تو می دانی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم آنرا به من بخشید و من شاهدانی دارم. او گفت: پیامبر ارث نمی گذارد.

فاطمه علیها السلام به سوی علی بازگشت و ماجرا را گفت. علی علیه السلام فرمود: نزد او برگرد و بگو: آیا می پنداری پیامبر ارث نمی گذارد در حالیکه سلیمان از داود ارث برد و یحیی از زکریا ارث برد. پس چگونه من از پدرم ارث نبرم؟

وقتی فاطمه علیها السلام این سخنان را بازگو کرد، عمر گفت: این کلمات از تو نیست.

فاطمه علیها السلام فرمود: کسی که به من گفت پسر عمو و شوهر من است.

ابوبکر گفت: عایشه و عمر شهادت می دهند از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیده اند که فرمود: پیامبر ارث نمی گذارد.

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۷.

۲- (۲) . مرآه العقول ، ج ۵، ص ۳۳۱.

۳- (۳) . علل الشرایع ، ص ۱۹۰، ح ۱، ب ۱۵۱؛ الاختصاص ، ص ۱۸۳ - ۱۸۵.

فـاطمه علیهـا السـلام فرمود: این نخستین شـهادت نـاحقی است که این دو به آن شـهادت می دهنـد. من بر ادعایم از مسـلمانان شاهدانی دارم.

ابوبکر گفت: بیّنه خود را بیاور. فاطمه علیها السلام امّ ایمن و امیرمؤمنان علیه السلام را آورد.

ابوبکر گفت: امّ ایمن! آیا تو از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم چیزی دربارهٔ فاطمه علیها السلام شنیدی؟

امیر مؤمنان علیه السلام و امّ ایمن گفتند: از پیامبر شنیدیم که فرمود: إنّ فاطِمَه سَیِّدَهِ نِساءِ أهْلِ الجَنَّه ؛ «فاطمه سرور زنان بهشتی است». سـپس ام ایمن گفت: آیـا کسـی که سـرور زنان بهشت است چیزی که مال او نیست ادعا می کنـد؟ من نیز زنی از اهل بهشتم جز به آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیده ام شهادت نمی دهم.

عمر گفت: ام ایمن این قصه ها را رها کن. شما دو نفر به چه چیز شهادت می دهید؟

ام ایمن گفت: در خانه فاطمه علیها السـلام بودم، پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم نیز بود، جبرئیل بر او نازل شـد و گفت: ای محمـد صـلی الله علیه و آله و سـلم برخیز، خـدای تبارک و تعالی به من دسـتور داده است با بال خود فـدک را مشـخص کنم. طولی نکشـید پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باز گشت. فاطمه علیها السلام عرض کرد: پدر کجا رفتی؟ فرمود: جبرئیل با بال خویش حدود فدک را برای من معین نمود. وآن... هدیه ای برای تو باشد.

آنرا می گیری؟ فاطمه علیها السـلام گفت: بلی. سـپس پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: ای علی و ای امّ ایمن! شما دو نفر شاهد باشید.

عمر برخاست و گفت: تو زن هستی و ما شهادت یک زن را معتبر نمی دانیم و علی نیز به نفع خود سخن می گوید.

فـاطمه علیهـا السـلام برخـاست و گفت: بارالها! این دو نفر دربارهٔ حق دختر پیامبر تو به او سـتم کردنـد عـذاب خود را بر آنان شدید گردان. (۱)

۱- (۱) . الاختصـاص ، ص ۱۸۳ - ۱۸۵؛ بحارالانوار ، ج ۲۹، ص ۱۸۹، ح ۳۹. « أللّهُمَّ إنَّهُما ظَلَما ابْنَهَ نَبِیِّکَ حَقَّها فَاشْدُدْ وَطْأَتَکَ عَلَیْهِما ».

در بخش دیگری آمده است:

امیر مؤمنان علیه السلام به فاطمه زهرا علیها السلام فرمود: هنگامی که ابوبکر تنها است پیش او برو، و از دومی نرم خوتر است و به او بگو: ادعای جانشینی پدرم را داری؟ و اگر فدک مال تو هم بود و من از تو می خواستم که آن را به من ببخشی، بر تو بود که آن را به من ردّ کنی.

وقتی فاطمه علیها السلام آمد و چنین فرمود، ابوبکر گفت: راست می گویی. کاغذی خواست و برای حضرت علیها السلام دستور باز گرداندن فدک را نوشت. فاطمه علیها السلام خارج شد. عمر او را دید، گفت: ای دختر محمد! این نوشته که دست توست چیست؟ فرمود: نوشته ای است که ابوبکر دربارهٔ باز گرداندن فدک برایم نوشته است. عمر گفت: به من بده. حضرت فاطمه علیها السلام از این کار خودداری کرد. او با پایش به حضرت لگد زد، در حالیکه فاطمه علیها السلام به فرزندی به نام محسن باردار بود و سقط شد، سپس به او سیلی زد. - امام صادق علیه السلام فرمود:

گویا اکنون به گوشواره ای که در گوش فاطمه علیها السلام شکست، می نگرم - سپس کاغذ را گرفت و پاره کرد... . (۱)المَظلُومَةُ: (۲) مورد ستم قرار گرفته

ستم های فراوانی به حضرت فاطمه علیها السلام پس از رحلت پدر بزرگوارش رسید.

غصب حق او - که خود آن حضرت به این سبب بر غاصبین نفرین فرمود، اللّهمّ إنَّهُما ظَلَما إبنَةَ نَبِیِّکَ حَقَّها... - ، بی مهری مردم و رها کردن و یاری نکردن حضرت علی علیه السلام از این ستم هاست، افزون بر همه این موارد صدماتی بر جسم شریف آن حضرت علیها السلام نیز وارد شد.

۱- (۱) . الاختصاص ، ص ۱۸۳ - ۱۸۵؛ بحارالانوار ، ج ۲۹، ص ۱۹۲، ذیل حدیث ۳۹.

۲- (۲) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۸۷؛ ج ۳، ص ۵۱۵ .

در روایتی که قسمتی از آن گذشت امام صادق علیه السلام فرمود:

علی علیه السلام فاطمه زهرا علیها السلام را با امام حسن و امام حسین علیهما السلام چهل روز صبح بر درِ خانهٔ مهاجر و انصار می برد و فاطمه علیها السلام به آنها می فرمود: ای مهاجر و انصار! خدا و دختر پیامبرتان را یاری کنید. روزی که شما با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیعت کردید قرار گذاشتید که همان گونه که از خود و فرزندانتان دفاع می کنید از پیامبر و فرزندان او هم دفاع کنید. پس به بیعت خود وفا کنید.

امام صادق علیها السلام فرمود: هیچ کس او را کمک نکرد و جواب او را ندادند. (۱)جابر بن عبداللّه انصاری گوید:

فاطمه علیها السلام هنگام رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر او وارد شد و در حالیکه گریه می کرد خود را بر روی پیامبر انداخت، پیامبر چشمان خود را گشود و فرمود:

دخترم تو پس از من مظلوم واقع خواهی شد و تو را ضعیف می شمارند، پس کسی که تو را آزارد مرا آزرده و کسی که تو را به خشم آورد مرا خشمگین ساخته است. کسی که تو را شاد کند مرا شاد و کسی که به تو نیکی نماید به من نیکی نموده است. (۲)

۱- (۱) . الاختصاص ، ص ۱۸۴؛ بحارالانوار ، ج ۲۹، ص ۱۹۲، ذیل ح ۳۹. «یا معشرَ المُهاجرینَ وَالأنصار انصُرُوا اللّهَ وَابنَهَ نَبیِّکُم وَقَدْ بایَعْتُم رَسولَ اللّه صلی الله علیه و آله و سلم یَوْمَ بایَعْتُموه أنْ تَمْنَعوهُ وَذُرّیّتَه مِمّا تَمْنعُونَ مِنهُ أنْفُسَکُمْ وَذَراریکُم فَفُوا لِرَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم بِبیْعَتِکُم ».

۲- (۲) . کشف الغمه ، ج ۲، ص ۱۲۳. « روی جابر بن عبداللّه الأنصاری قالَ: دَخَلَتْ فاطِمَهُ علیها السلام عَلی رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَهُو فی سَکَراتِ المَوتِ، فَأنکبَّتْ عَلیهِ تَبکی فَفَتَحِ عَیْنَهُ وَأفاقَ، ثُمَّ قالَ علیه السلام : یا بُنَیَّه أنتِ المَظْلُومَهُ بَعدی، وَأنتِ المُستضعفهُ بَعدی، فَمَنْ آذاکِ فَقَدْ آذانی وَمنْ غاظَکِ فَقَدْ غاظَنی وَمَنْ سَرَّکِ فَقَد سَرَّنی، وَمَنْ بَرّکِ فَقَد برَّنی، وَمَنْ جفاکِ فَقَد جَفانی وَمَنْ وصَلَکِ فَقَدْ وصَلَنی، وَمَنْ قَطعکِ فَقَد قَطَعنی، وَمَنْ أنصَفکِ فَقَد أنصَفَنی، وَمَنْ ظَلَمِک فَقَدْ ظَلَمَنی، لِأَنّکِ مِنّی وَأنا مِنْکِ وَأنتِ بِضعَهٌ مِنّی، وَرُوحی الَّتی بَیْنَ جَنْبَیّ، ثُمَّ قالَ علیه السلام : إلی اللّهِ أشکُو ظالِمیکِ مِنْ امَّتی ».

المَظلُومُ بَعلُها: (۱) ستم شده به شوهرش

با اوصاف دیگری اتفاقات پس از رحلت پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در زیارات مورد اشاره قرار گرفته است؛ مانند المظلوم بعلها که به بزرگترین ستم بر امیر مؤمنان علیه السلام یعنی شوهر فاطمه زهرا علیها السلام اشاره دارد.

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با کسانی مقایسه شد که هیچ گاه در ردیف او قرار نمی گرفتند و ستم بزرگتر این که آن افراد بر حضرتش علیه السلام برتری داده شدند. (۲)الصّابِرَةُ: (۳) شکیبا

صبر و شکیبایی، بمعنای خودداری از بی تابی و ثبات به هنگام سختی و رو آوردن مصیبت، از بزرگترین ملکات فاضله و حالاتی است که خداوند آنرا ستوده است و حدود هفتاد مورد دستور به آن را در قرآن کریم تکرار کرده است و از آن با تعبیر «إنَّ ذلِکَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُور» (۴) یاد کرده است. (۵)حضرت زهرا علیها السلام با صفت شکیبایی در زیارتها مورد خطاب قرار گرفته اند، آن حضرت در همهٔ امور بویژه در وقایع پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که برخی از مصادیق آن مرور شد شکیبا بود.

المَظلُومَهُ الصّابِرَهُ: (۶) ستم شدهٔ شکیبا

ص:۱۴۲

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۸.
۲- (۲) . برای مطالعه بیشتر در این باره شایسته است به کتاب فدک در تاریخ تألیف آیه اللّه شهید سید محمّدباقر صدر و سایر کتابهای تألیف شده در این موضوع مراجعه شود.
۳- (۳) . همان، ج ۱، ص ۲۷۵، ۲۸۱
۴- (۴) . زمر: ۱۰: «إِنَّما يُوَفّى الصّابِرونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِساب».
۵- (۵) . المیزان ، ج ۱، ص ۳۴۹.
۶- (۶) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۱۱۲.

با همهٔ ستم هایی که بر فاطمه علیها السلام روا داشتند او مانند شویش برای حفظ دین اسلام و جاودانه شدن کلمهٔ لَاإِلٰهَ إِلَّااللّٰهُ شکیبایی پیشه کرد.

المغشومه: (۱) ستم شده

غشم به معنای ظلم است و مغشومه به معنای مظلومه است.

المَقهُورَهُ: (۲) ستم شده، از پا افتاده

گوشه ای از ستم هایی که بر فاطمه علیها السلام و خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از رحلت آن بزرگوار رفت، ذکر شد، به بخشی نیز اشاره خواهد شد. ستم ها بگونه ای بود که به شهادت فاطمه علیها السلام منجر شد.

ص:۱۴۳

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۲، «غشم الوالی فلاناً غشماً: ظلمه». (أقرب الموارد ، ج ۲، ص ۸۷۳).

۲- (۲) . همان، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۶ « قَهَره: غلبه، ویقال: أخذهم قهراً: من غیر رضاهم وفعله قهراً: بغیر رضا ». (المعجم الوسیط ، ج ۲، ص ۷۷۰).

بخش پنجم: آزارها و شهادت

اشاره

ص:۱۴۵

شکنجه های جسمی و روحی

المُضطَهَدَهُ: (۱) به شدت خوار شده، به شدت شکنجه شده

ضهد، به معانی خوار نمودن و ستم و شکنجه کردن است و باب افتعال بر بسیاری و تأکید کاری دلالت می کند حضرت فاطمه علیها السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شکنجه های روحی فراوانی دید افزون بر آن، دشمنان از آزارهای جسمی نیز فرو گذار نکردند. (۲)در ماجرای بیرون بردن علی علیه السلام از خانه برای بیعت، نقل شده است:

فاطمه علیها السلام کنار در، میان قنفذ و علی علیه السلام فاصله شد، قنفذ ملعون با تازیانه او را زد، و فاطمهٔ زهرا علیها السلام در حالی از دنیا رفت که اثر آن ضربه مانند بازوبندی بر روی بازویش بود. (۳)

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۶، «ضهده: أذّله وظلمه. اضطهده: بالغ فی ضهده». (المعجم الوسیط ، ج ۱، ص ۵۴۸).

۲- (۲) . کتاب سلیم بن قیس ، ج ۲، ص ۵۸۸، حدیث چهارم. « وَقَدْ کانَ قُنفُذُ - لَعَنَهُ اللّهُ - ضَرَبَ فاطِمَةَ علیها السلام بِالسَّوطِ حِینَ حالَتْ بَینَهُ وَبَینَ زَوجِها. وأرسَل إلیه عُمر: إنْ حالَتْ بَینَکَ وَبینَه فاطِمَهُ فَاضْرِبْها. فَألجَأها قنفذُ لَعنَهُ اللّه إلی عَضادَهِ بابِ بَیْتِها وَدَفَعها فَکَسَرَ ضِلعَها مِنْ جَنبِها فَألْقَتْ جَنِیناً مِنْ بَطنِها ».

۳- (۳) . کتاب سلیم بن قیس ، ج ۲، ص ۵۸۶. « وَحالَتْ بینَهم وبینَه فاطِمَهُ علیها السلام عِندَ بابِ البَیْتِ، فضرَبَها قنفذُ المَلعونُ بِالسُّوطِ فَماتَتْ حینَ ماتَتْ وَإنَّ فی عَضُدِها کَمِثلِ الدّمْلجِ مِنْ ضَرْبِتِهِ ».

المَکسُورُ ضِلعُها: (۱) دنده شکسته (پهلو شکسته)

هنگام بیرون آوردن امیر مؤمنان علی علیه السلام از خانه اش، بیشترین صدمات جسمی به حضرت زهرا علیها السلام وارد شد، از جمله پهلوی آن حضرت علیها السلام شکسته شد، فاطمهٔ زهرا علیها السلام پشت در ایستاده بود تا شاید آن عده با شنیدن صدای دختر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باز گردند.

امّا آنان اهمیتی ندادند.

سلمان فارسی گوید:

قنفذ، حضرت زهرا علیها السلام را به پناه آستانهٔ در خانه اش کشاند و هُل داد، دندهٔ پهلوی فاطمه علیها السلام شکست و جنین او سقط شد، و پیوسته در بستر بیماری بود تا اینکه از این بیماری به شهادت رسید. (۲)المَقتُولُ وَلَدُها: (۳) فرزندش شهید شده

در ماجرای تأسف باری که به گوشه ای از آن اشاره شد، بر اثر فشار، دندهٔ آن حضرت شکسته، و فرزند او سقط شد.

در نقلی دیگر آمده است که هنگام گرفتن ورقی که ابوبکر برای فاطمه علیها السلام درباره باز گرداندن فدک نوشته بود و فاطمه علیها السلام از دادن آن به عمر امتناع ورزید، عمر با ضربه ای سبب سقط جنین آن بانو علیها السلام شد. (۴)

ص:۱۴۸

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۷. «الضّلع: عظم من عظام قفص الصدر مُنْحَنٍ وفیه عِرَضٌ». (المعجم الوسیط ، ج ۱، ص ۵۴۴).

۲- (۲) . کتاب سلیم بن قیس ، ج ۲، ص ۵۸۸ . « ... فَألجَأها قُنفُذ إلی عَضادَةِ بابِ بَیْتِها وَدَفعَها فَکَسَرَ ضِلْعَها مِنْ جَنْبِها فَألقَتْ جَنیناً مِنْ بَطْنِها، فَلَمْ تَزَلْ صاحِبَةُ فَراش حَتّی ماتَتْ - صَلَّی اللّهُ عَلَیها - مِنْ ذلِکَ شَهیدَةً ».

۳- (۳) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۸.

۴- (۴) . الاختصاص ، ص ۱۸۵؛ بحارالانوار ، ج ۲۹، ص ۱۹۲، ذیل ح ۳۹. «فَرَفَسَها بِرجْلِه - وَکانَتْ علیها السلام حامِلَةً بابنٍ اسمُهُ المُحْسِن - فَأَسْقَطَتْ المُحْسِنَ مِنْ بَطْنِها ثُمَّ لَطَمَها ».

المَفجُوعَهُ بِالأولادِ: (۱) مصیبت دیدهٔ فرزندان

این وصف هم به ماجرای سقط جنین و شهادت حضرت محسن علیه السلام اشاره دارد.

المُغَصَّصَهُ بِريقِها: (۲) آب دهان [بغض] گلوگیرش شده

مصیبت جانکاه فقدان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در فاطمه علیها السلام بسیار تأثیر گذاشت. امام صادق علیه السلام می فرماید:

فاطمه علیها السلام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم هفتاد و پنج روز زنده بود و برای از دست دادن پدرش اندوه بسیاری بر او وارد آمد. (۳)از امام ششم علیه السلام نقل شده است که فرمود:

بکّاؤون (بسیار گریه کنندگان) پنج نفر بودند: آدم و یعقوب و یوسف و فاطمه بنت محمد علیها السلام و علی بن الحسین علیهما السلام . پس از آن دربارهٔ فاطمه علیها السلام می فرماید: امّا فاطمه علیها السلام بر فقدان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بگونه ای گریست که اهالی مدینه از آن به ستوه آمدند، گفتند: گریه زیاد تو ما را اذیت می کند فاطمه علیها السلام به خارج مدینه به سوی مقابر شهدا می رفت و آن قدر می گریست تا آرام می گرفت. سپس باز می گشت. (۴)

۱- (۱) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۱۰۲. «فَجَعَهُ فجعاً: آلمه ایلاماً شدیداً، الفاجعه: المُصیبه المُؤلمه تُوجع الانسان بما یعزّ علیه من مال أو حمیم». (المعجم الوسیط ، ج ۲، ص ۶۸۱).

۲- (۲) . همان، ج ۵۱، ص ۶۷. «غصّ بالماءِ غصاً و غصصاً: وقف فی حلقه فلم یکد یُسیغه فهو غاصّ». (المعجم الوسیط ، ج ۲، ص ۶۶۰) «الرّیق: اللّعاب». (المعجم الوسیط ، ج ۲، ص ۳۸۷).

۳- (۳) . کافی: ج۱ ص۴۵۸ ح ۱ و بحارالانوار: ج۴۳ ص۱۵۶ ح۴. إنّ فاطِمَه مَكَثَتْ بَعدَ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم خَمْسةً وَسبعينَ يَوماً وَكانَ دَخَلَها حُزْنٌ شَديدٌ عَلى أبيها ... .

۴- (۴) . الخصال ، ص ۲۷۲، ح ۱۵؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۵۵، ح ۱. «وَأمّا فاطِمةُ رحمهم الله فَبَكَتْ عَلى رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم حَتّى تَأَذّى بِهِ أهلُ المَدينهِ فَقالُوا لَها قَدْ اذَيْتنا بِكَثرَهِ بُكائكِ فَكانَتْ تَخرُجُ إلى المَقابرِ مَقابِرِ الشُّهَداء فتَبكى حَتّى تَقْضى حاجَتها ثُمَّ تنصَرِفُ ...».

گاه با دیدن آثار و یا شنیدن صدایی که فاطمه علیها السلام را به یاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می انداخت، آن حضرت به حالت غش می افتاد.

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در لباسش غسل دادم، فاطمه می گفت: پیراهن را به من نشان بده، هنگامی که آن را بویید غش کرد، وقتی این منظره را مشاهده کردم پیراهن را پنهان نمودم. (۱)سختی بالاتر اینکه اهل مدینه نه تنها تفقدی از فاطمه علیها السلام نکردند، بلکه با ستمی که بر او و شوهرش روا داشتند بر اندوه بسیار او افزودند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

فاطمه علیها السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا وقتی از دنیا رفت هیچ گاه خندان دیده نشد. (۲)المَطلُوبَهُ بِالأَحقادِ: (۳) وامدار کینه ها

این همه هتک حرمت برای چه بود و چرا خاندان مصیبت زده وحی می بایست این گونه مورد بی مهری و ستم واقع شوند؟

فاطمه علیها السلام در پاسخ امّ سلمه که پس از این ستم ها از احوال او جویا شد، می فرماید:

شب را با دلتنگی و غصّهٔ از دست دادن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ستم بر جانشین او به صبح آوردم.

۱- (۱) . بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۵۷، ح ۶. «عَنْ عَلیّ علیه السلام قالَ: غَسَّلْتُ النَّبیَ صلی الله علیه و آله و سلم فی قَمیصِهِ فَکانَتْ فاطِمَهُ علیها السلام تَقولُ: أَرِنِی القَمیصَ. فَإذا شَمَّتْهُ غُشی عَلَیْها، فَلَمّا رأیتُ ذلِکَ غَیَّبْتُه ».

۲- (۲) مناقب آل ابی طالب ، ج ۳، ص ۳۴۱؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۹۶، ح ۲۷. «ما رُؤیَتْ فاطِمَهُ ضاحکهً قَطُّ مُنذ قُبِضَ رَسُولُ اللّه صلی الله علیه و آله و سلم حَتّیٰ قُبِضَتْ ».

۳- (۳) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵، ص ۱۰۲.

سپس حضرتش اشاره می کند که؛

کینه های به دل گرفته ستمکاران از جنگ بدر، و خونخواهی های جنگ احد که منافقان آن را در دل پنهان می داشتند سبب این گونه کارها شد. (۱)در توضیح واژهٔ بالاـ می توان به سخن امام حسن مجتبی علیه السلام در برابر معاویه و یارانش اشاره کرد که خطاب به مغیره بن شعبه فرمود:

تو بودی که فاطمه علیها السلام دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به گونه ای ضربت زدی که سبب مجروح شدن و سقط جنین او شدی و این کار تو برای کوچک نمودن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مخالفت با دستور او و هتک حرمت آن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود.

آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم به فاطمه فرمود: ای فاطمه! تو سرور زنان بهشتی. به خدا قسم ای مغیره! سرنوشت تو دوزخ است. (۲)

شهادت

السیده المفقوده: (۳) سرور از دست رفته

الشَّهِیدَه: (۴) شهید

از موارد مختصر ذکر شده، سبب شهادت فاطمه علیها السلام آشکار گشت. بر اثر ضربه های وارده، بازوی حضرتش مجروح و پهلوی او شکسته و جنین او سقط گردید.

۱- (۱) . مناقب آل ابی طالب ، ج ۲، ص ۲۰۵؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۵۶، ح ۵. «أَصْبَحْتُ بَیْنَ کَمَدٍ وکَرْبٍ، فَقْدِ النَّبیِّ وظُلمِ الوَصیِّ، هتکَ وَاللّهِ حِجابُهُ [حُجُبه] ، مَنْ أصبَحَتْ إمامَتُه مُقبِضَهً عَلیٰ غیرِ ماشرَعَ اللّهُ فی التَّنْزیلِ وَسَنَّها النَّبیّ صلی الله علیه و آله و سلم فی التَّأویلِ وَلکِنَّها أحقادٌ بَدریّهٌ وَتراتٌ أُحُدّیَّه کانَتْ عَلَیها قُلوبُ النِّفاقِ مُکتَمِنَه... ».

۲- (۲) . الاحتجاج ، ص ۲۷۸؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۹۷، ح ۲۸. «أنْتَ ضَرَبْتَ فاطِمَهَ علیها السلام بِنتَ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم حَتّیٰ أدْمَیْتَها وَأَلْقَتْ ما فی بَطْنِها استِذلالاً مِنْکَ لرَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَمخالفهً مِنْکَ لِأمْرِهِ وَانتِهاکاً لِحُرْمَتِهِ... ».

۳- (۳) . موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۵ ، ص ۱۲۵.

۴- (۴) . همان، ج ۱، ص ۲۷۷، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۳، ۲۸۵، ۲۹۱، ۲۹۲.

پس از این ماجرا پیوسته فاطمه علیها السلام در بستر بیماری بود تا به همین علت، شهید از دنیا رفت. (۱) امام کاظم علیه السلام فرمود:

إنَّ فاطِمه صِدّیقَهٌ شَهیدَه (۲)؛ فاطمه علیها السلام صدیقه ای شهید است.

در تاریخ شـهادت آن حضـرت علیها السـلام اختلاف است. مشهورترین تاریخ ها؛ هفتاد و پنج یا نود و پنج روز پس از رحلت پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است.

سید بن طاوس از کتاب التعریف للمولد الشـریف نقل می کند، شـهادت فاطمهٔ زهرا علیها السـلام روز سوم جمادی الثانی بوده است. (۳)امام صادق علیه السـلام فرمود: فاطمه علیها السـلام پس از پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم هفتاد و پنج روز زندگی کرد. (۴)تاریخ شـهادت فاطمه علیها السـلام ؛ دو ماه (۵)، صـد روز، هشت مـاه، چهـل روز و سه ماه (۶) پس از رحلت پیـامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز ذکر شده است. (۷)

۱- (۱) . بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۹۸. «فلم تزل صاحبه فراش حتّی ماتت صلّی اللّه علیها من ذلک شهیده ».

۲- (۲) . اصول کافی ، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۲.

۳- (۳) . اقبال الاعمال ، ج ۳، ص ۱۶۰؛بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۲۱۵، ۱۹۶.

۴- (۴) . کافی ، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۱؛ بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۱۹۵، ح ۲۴.

۵- (۵) . بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۲۱۷، ح ۴۹ به نقل از مصباح الأنوار.

۶- (۶) . بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۲۱۲، ۲۱۳.

۷- (۷) . علامهٔ مجلسـی می فرماید: میان بیشتر تاریخ های ولادت و رحلت و مدّت عمر شـریف آن حضـرت علیها السلام نمی توان تطبیق داد، و نیز تطبیق میان تاریخ های رحلت و خبر صحیحی که فاطمه علیها السلام پس از پدرش هفتاد و پنج روز زنده بود ممکن نیست، زیرا اگر رحلت پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم در بیست و هشـتم صـفر باشـد، بنابراین وفات فاطمه زهرا علیها السـلام در اواسط جمادی الاولی خواهـد بود و اگر در دوازدهم ربیع الاول آنگونه که اهل سنّت روایت می کنند باشد، رحلت حضـرت فـاطمه علیهـا السـلام در اواخر جمـادی الاـولی خواهـد بود. و خـبر ابو الفرج از امـام بـاقر علیه السـلام مبنی بر زندگانی حضـرت علیها السـلام تا سه ماه پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را می توان بر قول مشهور یعنی سوم جمادی الاخره تطبیق داد، و خبر ابی بصـیر از امام صادق علیه السـلام به روایت طبری نیز این تاریخ را تأیید می کند به این صورت که امام صادق علیه السلام روزهای اضافه را چون اندک بوده لحاظ نکرده اند. (بحارالانوار ، ج ۴۳، ص ۲۱۵، ح ۴۵).

پس از شـهادت فاطمه علیها السـلام امیرمؤمنان علیه السـلام برابر وصیت، همسر مظلومه اش علیها السلام را مخفیانه دفن کرد و جـای قبر را پنهـان کرد. هنگامی که امیر مؤمنان علیه السـلام خاک را از دست خود زدود، غم سراسـر وجودش را فرا گرفت و اشـکها بر گونه هـایش جـاری گشت. روی خود را بسوی قبر پیـامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم برگردانـد و شـروع به درد دل نمود:

سلام بر تو ای رسول خـدا! سـلام کسـی که وداع می کنـد، امـا خشـمگین و خسـته نیست... دریغ، دریغ، باز هم صبر زیباتر و مبارک تر است و اگر چیرگی زورگویان نبود، پیوسته در این مکان اقامت می کردم و همچون مادر فرزند مرده بر این مصیبت بزرگ شیون می کردم.

دخترت (شـبانه) و پنهان به خاک سپرده شـده و حقش پایمال گشت و از ارثش بازداشـته شد و حال آنکه چندی از رحلت تو نگذشته بود... . (۱)

۱- (۱) . کـافی ، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۳؛ بحارالأنوار ، ج ۴۳، ص ۲۱۱، زیـارت پنجم در بخش زیارتهـا؛ موسوعه زیـارات المعصومین علیه السلام ، ج ۱، ص ۱۵۶ ح ۲۱۴ وص ۲۹۳ ح ۳۵۹، رجوع کن به ص ۱۶۷ از همین کتاب.

بخش ششم: زیارت های حضرت فاطمه علیها السلام

اشاره

ص:۱۵۵

فضیلت زیارت حضرت زهرا علیها السلام

(۱)

حضرت فاطمه علیها السلام به علی بن ابی طالب علیه السلام خبر داد که رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله و سلم به او فرمود:

ای فاطمه هر کس بر تو درود فرستد خداوند او را بیامرزد و در هر جای بهشت باشم او را به من ملحق کند. (۲)هم چنین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

هر کس بعد از وفاتم مرا زیارت کند همانند آن است که مرا در حیاتم زیارت کرده است، و هر که فاطمه را زیارت کند، همانند آن است که مرا زیارت کرده است. (۳)امام صادق علیه السلام فرمود:

هرکه قبر پاک فاطمه علیها السلام را زیارت کند و بگوید: «السلام علیک یا سیده نساء العالمین...» سپس استغفار کند، خداوند او را بیامرزد و وارد بهشت کند. (۴)

۱- (۱) . توجه: بخش زیارات از کتاب « در حریم یاس » تلخیص شده و به کتاب افزوده شد.
۲- (۲) . بحارالانوار ، ج ۱۰۰، ص ۱۹۴، ح ۱۰؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱۰، ص ۲۱۱، ح ۲ از مصباح الانوار . « یا فاطِمَهُ، مَنْ صَلّیٰ علَیکِ غَفَرَ اللّٰهُ لَهُ، وَألحَقَهُ بِی حَیثُ کُنتُ مِنَ الجَنَّهِ ».
۳- (۳) - بشاره المصطفی ، ص ۱۳۹؛ بحار الانوار ، ج ۱۰۰، ص ۱۲۲ ضمن حدیث ۲۸.
۴- (۴) . اقبال الاعمال ، ج ۳، ص ۱۶۱؛بحار الانوار ، ج ۱۰۰، ص ۱۹۹، ح ۱۹ و ذیل ح۱۸ به نقل ازمصباح الأنوار.

زیارت های فاطمه زهرا علیها السلام به دو بخش تقسیم می شوند: بخش اوّل زیارت های مأثور، که از معصومین علیهم السلام رسیده است، و بخش دوم، زیارت هایی که به طور صریح به معصومین علیهم السلام منسوب نمی باشد و یا توسط بزرگان دین از روایات اقتباس شده است.

بخش اوّل:

زیارات روایی

زیارت نخست

امام جواد علیه السلام فرمود: کنار قبر فاطمه علیها السلام بگو:

یا مُمتَحَنَهُ، امتَحَنَکِ اللّهُ الَّذی خَلَقَکِ قَبلَ أنْ یَخلُقَکِ فَوَجَدَکِ لِما امْتَحَنَکِ صابِرَهً، وزَعَمْنا أنّا لَکِ أولِیاءُ ومُصَدِّقونَ وصابِرونَ لِکُلِّ ما أتانا بِهِ أبوکِ وأتانا بِهِ وَصِیُّهُ، فإنّا نَسألُکِ إنْ کُنّا صَدَّقناکِ إلّاألحَقْتِنا بِتَصدِیقِنا لَهُما بِالبُشری لِنُبَشِّرَ أنفُسَنا بِأنّا قَدْ طَهُرْنا بِولایَتِکِ (۱)؛

ای آزموده ای که خدای آفریننده ات پیش از آفرینشت تو را آزموده است و تو را در آنچه آزمود شکیبا یافت، ومعتقدیم که مادوستداران توهستیم، وبه آنچه پدر شما ووصی اوبرای ماآورد ایمان داریم و[در راه آن] شکیباییم، پس ما از تو می خواهیم که چون شما را تصدیق کردیم، ما را به سبب این تصدیق (وایمان)، به آن دو (بزرگوار)، با بشارت ملحق کنی تا خود را بشارت دهیم که ما با ولایت شما پاکیزه شدیم.

ص:۱۵۸

۱- (۱) . التهذیب ، ج ۶، ص ۹، ح۱۲؛ بحار الانوار ، ج ۱۰۰، ص ۱۹۴، ح ۱۱.

زیارت دوم زیارت فاطمه علیها السلام در بیستم جمادی الثانیه

السَّلامُ عَلَیکِ یـا بِنتَ رَسولِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یابِنتَ نَبِیِّ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیکَ یابِنتَ حَبیبِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یابِنتَ خَلیلِ اللّهِ السَّلامُ عَلَیکِ یابِنتَ صَفِیِّ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ أمِینِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ خَیرِ خَلقِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ أفضَلِ أنبِیاءِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ خَیرِ البَرِیَّهِ.

السَّلامُ عَلَیکِ یـا سَیِّدَهَ نِساءِ العالَمِینَ مِنَ الأوَّلِینَ والآخِرِینَ. السَّلامُ عَلَیکِ یا زَوجَهَ وَلِیِّ اللّهِ وَخَیرَ خَلقِهِ بَعدَ رَسولِ اللّهِ. السَّلامُ عَلَیکِ یا أُمَّ الحَسَنِ وَالحُسَینِ سَیِّدَی شَبابِ أهلِ الجَنَّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یا أُمَّ المؤمِنینَ. السَّلامُ عَلَیکِ یا أیَّتُها الصِّدِّیقَهُ الشَّهِیدَهُ، السَّلامُ عَلَیکِ أیَّتُها الرَّضِیَّهُ المَرضِیَّهُ.

السَّلامُ عَلَیکِ أیَّتُها الصّادِقَهُ الرَّشِیدَهُ، السَّلامُ عَلَیکِ أیَّتُها الفاضِلَهُ الزَّکِیَّهُ.

سلام بر تو ای دختر رسول خدا، سلام بر توای دختر پیامبر خدا، سلام برتو ای دختر حبیب خدا، سلام برتو ای دختر دوست صمیمی خدا، (سلام برتو ای دختر برگزیده خدا،) سلام بر تو ای دختر امین خدا، سلام بر تو ای دختر بهترین آفریدهٔ خدا، سلام بر تو ای دختر برترین پیامبران خدا، سلام بر تو ای دختر بهترین آدمیان. سلام بر تو ای سرور زنان جهانیان از پیشینیان و پسینیان. سلام بر تو ای همسر ولی خدا و (همسر) بهترین آفریدهٔ خدا پس از رسول خدا. سلام بر تو ای مادر حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت، سلام بر تو ای مادر مؤمنان. سلام بر تو ای صدّیقهٔ شهیده، سلام بر تو ای خرسند (از خدا و) مورد پسند (خدا). سلام بر تو ای راستگوی با کمال، سلام بر تو ای دانشمند پاک سرشت.

ص:۱۵۹

السَّلامُ عَلَيكِ أَيَّتُها الحَوراءُ الإنسِيَّهُ، السَّلامُ عَلَيكِ أَيَتُها التَّقِيَّهُ النَّقِيَّهُ، السَّلامُ عَلَيكِ أَيَّتُها المُحَدَّثَهُ العَلِيمَهُ، السَّلامُ عَلَيكِ أَيَّتُها المَعصومَهُ المَظلومَهُ، السَّلامُ عَلَيكِ أَيَّتُها الطّاهِرَهُ المُطَهَّرَهُ، السَّلامُ عَلَيكِ أَيَّتُها المُضطَهَدَهُ المَغصوبَهُ.

السَّلامُ عَلَيكِ أَيَّتُها الغَرّاءُ الزَّهراءُ، السَّلامُ عَلَيكِ يا فاطِمَهَ بِنتَ مُحَمَّدٍ رَسولِ اللّهِ وَرَحمَهُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ، صَلَّى اللّهُ عَلَيكِ يا مَولاتی وَابْنَهَ مَولایَ وَعَلی رُوحِكِ وَبَدَنِكِ. أشهَدُ أَنَّكِ مَضَيتِ عَلی بَيِّنَهٍ مِنْ رَبِّكِ، وَأنَّ مَنْ سَرَّكِ فَقَدْ سَرَّ رَسولَ اللّهِ، وَ مَنْ جَفاكِ فَقَدْ جَفا رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم ، وَمَنْ آذاكِ فَقَدْ آذی رَسولَ اللّهِ، وَمَنْ وَصَلَكِ فَقَدْ وَصَلَ رَسولَ اللّهِ، وَمَنْ قَطَعَكِ فَقَدْ قَطَعَ رَسولَ اللّهِ، لِأَنَّكِ بَضعَهٌ مِنهُ وَرُوحُهُ الَّتی بَينَ جَنبَيهِ، كما قالَ عَلَيهِ أفضَلُ الصَّلاهِ وَأكمَلُ السَّلامِ. أُشهِدُ اللّهَ وَمَلائِكَتَهُ أَنِّی راضٍ عَمَّنْ رَضِيتِ عَنهُ، وَساخِطٌ عَلی مَنْ سَخِطْتِ عَلَيهِ،

سلام بر تو ای انسیّهٔ حورا، سلام بر تو ای پارسای پاک نهاد، سلام بر تو ای دانای همرازِ فرشتگان، سلام بر تو ای بی گناه ستم شده. سلام بر تو ای پاکِ پاکیزه، سلام بر تو ای ستم کشیدهٔ حق غارت شده. سلام بر تو ای سفید روی درخشان چهره، سلام ورحمت و برکات خدا بر تو ای فاطمه دختر محمد رسول خدا، درود بر تو ای بانوی من و دختر مولایم، و (سلام) بر روح و پیکر تو باد. گواهی می دهم که تو با [مقام یقین و] دلیل روشنی از جانب پروردگارت در گذشتی و (گواهی می دهم که) هر کس تو را شاد کرد رسول خدا را شاد نمود و هر کس بر تو جفا کرد به رسول خدا جفا نمود و هر کس تو را آزار داد پیامبر خدا را آزار داد و هر کس به (راه) تو پیوست به (راه) رسول خدا پیوست، و هر که از (راه) تو برید از راه رسول خدا گسست، زیرا که تو پارهٔ تن و جان درون سینهٔ او هستی هم چنان که او خود - که بهترین و کامل ترین درودها و سلام ها بر او باد - گفته است. خدا و فرشتگانش را گواه می گیرم که من از هر کس که تو خرسندی خرسندم و بر هر کس تو خشمگینی خشمگینم،

وَلِیٌّ لِمَنْ والاـکِ، عَـدُوٌّ لِمَنْ عـاداکِ، وَحَربٌ لِمَنْ حارَبَـکِ. أَنـا یـا مَولاـتی بِـکِ وَبِأَبیـکِ وَبَعلِـکِ وَالأَـئِمَّهِ مِنْ وُلـدِکِ مُوقِنٌ، وَبِولایَتِهِم مؤمِنٌ، وَبِطاعَتِهِم مُلتَزِمٌ، أَشـهَدُ أَنَّ الـدِّینَ دِینُهُم، وَالحُکمَ حُکمُهُم، وَأَنَّهُم قَـدْ بَلَّغوا عَنِ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَدَعَوا إلی سَبیلِ اللّهِ بِالحِکمَهِ وَالمَـوعِظَهِ الحَسَـنَهِ، لاـ تَأخُـذُهُمْ فی اللّهِ لَومَهُ لائِمٍ، وَصَـلَواتُ اللّهِ عَلَیـکِ وَعَلی أَبیـکِ وَبَعلِـکِ وَذُرِّیَّتِـکِ الأَـئِمَّهِ الطّاهِرِینَ.

اللّهُمَّ صَـلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَأهـلِ بَیتِهِ، وَصَـلِّ عَلَی البَتُولِ الطّـاهِرَهِ الصِّدِّیقَهِ المَعصُـومَهِ التَّقِیَّهِ النَّقِیَّهِ الرَّضِـیَّهِ المَرضِـیَّهِ الزَّکیَّهِ الرَّشِـیدَهِ المَظلومَهِ المَقهُورَهِ، المَغصوبَهِ حَقُّهـا، المَمنوعَهِ إرثُهـا، المَکسورِ ضِـلعُها، المَظلومِ بَعلُهـا، المَقتُولِ وَلَـدُها، فـاطِمَهَ بِنتِ رَسولِ اللّهِ، وَبَضعَهِ لَحمِهِ، وَصَمِیمِ قَلبِهِ،

و هر کس که بـا تو دوستی کنـد دوست هسـتم و با هر کس که با تو دشـمنی بکنـد دشـمنم، و با هر کس که با تو بجنگـد در جنگم، بانوی من! من به تو و به پدر تو و همسـر تو و امامان از فرزندانت یقین دارم و به ولایت آنها مؤمن هستم. و به فرمانبری ایشان پایبندم. شـهادت می دهم که دین (حق) دین آنان و حکم (راستین) حکم آنان است. و آنان (آنچه را) از طرف خداوند (مأمور رسانـدنش بودنـد) رساندنـد. و بـا کلام حکیمانه، و پنـد نیکو به راه خـدا فراخواندنـد، در راه خـدا سـرزنش سـرزنش کننـدگان بر آنان مؤثر نیفتاد و درود خـدا بر تو و بر پدر تو و همسـر و فرزندان تو - آن امامان پاک سـرشت - باد. بار الها! بر محمـد و خانـدان او درود فرسـت، و درود فرسـت بر (فاطمـهٔ زهرا) آن از مردم بریـدهٔ بـه خـدا پیوسـتهٔ راسـت کردارِ بی گنـاهِ پرهیزکارِ پاک سـرشتِ خرسندِ (از خدا و) مورد پسند (او) و پاکیزهٔ به کمال رسیدهٔ ستم شدهٔ مورد خشم (دشمنان) قرار گرفته ای که حقش غصب شد و از ارثش باز داشـته شد و پهلویش شکست و همسرش مورد ستم قرار گرفت، و فرزندش کشته شد، فاطمه دختر رسول خدا و پارهٔ تن و زلال جان

وَفِلذَهِ کَبِدِهِ، وَالنُخبَهِ مِنکَ لَهُ، وَالتُّحفَهِ، خَصَصْتَ بِها وَصِیَّهُ، وَحَبیبَهِ المُصطَفی، وَقَرینَهِ المُرتَضی، وَسَیِّدَهِ النِّساءِ، وَمُبَشِّرَهِ الأولیاءِ، حَلیفَهِ الوَرَعِ وَالزُّهْدِ، وَتُفّاحَهِ الفِردَوسِ وَالخُلدِ، الَّتی شَرَّفتَ مَولِدَها بِنِساءِ الجَنَّهِ، وَسَلَلتَ مِنها أنوارَ الأئِمَّهِ، وَأرخَیتَ دونَها حِجابَ النُّبُوَّهِ. اللّهُمَّ صَلِّ عَلَیها صَلاهً تَزیدُ فی مَحَلِّها عِندَکَ وَشَرَفِها لَدَیکَ وَمَنزِلَتِها مِنْ رِضاکَ، وَبَلِّغْها مِنّا تَحِیَّهً وَسَلاماً، وَآتِنا مِنْ لَدُنکَ فی حُبِّها فَضلاً وَإحساناً وَرَحمَهً وَغُفراناً، إنَّکَ ذو الفَضلِ الکَریمِ؛

و پارهٔ جگر او و برگزیدهٔ تو برای او و ارمغانی که آن را ویژهٔ وصی پیامبر کردی، و محبوب (پیامبر) مصطفی، و همسر (علی) مرتضی، و سرور زنان، و بشارت دهندهٔ دوستداران، همپیمان پارسایی و زهد، و سیب (باغ) فردوس و بهشت جاودان، آن که ولادتش را با (حضور) زنان بهشتی شرافت دادی، و انوار (درخشان) امامان را از او طالع کردی، و پردهٔ (اسرار) نبوت را نزد او کنار زدی. بار الها! بر او درود فرست، درودی که به جایگاه و شرف او نزد تو، و مقام رضامندی تو از او بیفزاید، درود و سلام ما را بر او فرست، و از نزد خود در راه دوستی او به ما فضل و احسان و رحمت و غفران عطا کن که تو صاحب فضل و بزرگواری.

سپس نماز زیارت بخوان، و اگر توانستی نماز آن حضرت را نیز به جا آور، و آن دو رکعت است در هر رکعت سورهٔ حمد یک مرتبه و سورهٔ قل هو اللّه احد شصت مرتبه؛ و اگر نتوانستی در رکعت اوّل سورهٔ حمد و یک مرتبه سورهٔ قل هو اللّه احد و در رکعت دوم سورهٔ حمد و یک مرتبه سورهٔ قل یا ایها الکافرون بخوان، و چون سلام دادی بگو:

اللّهُمَّ إنّی أتَوَجَّهُ إلَیکَ بِنَبِیِّنا مُحَمَّدٍ وَبِأهلِ بَیتِهِ صَلَواتُکَ عَلَیهِم، وَأَسأَلُکَ بِحَقِّکَ العَظیمِ عَلَیهِم، الَّذی لا یَعلَمُ کُنهَهُ سِواکَ، وَأسأَلُکَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عِندَکَ عَظِیمٌ،

بار الها! به وسیلهٔ پیامبرمان محمد و خاندانش - که درودهای تو بر آنان باد - به سوی تو روی می کنم، و به حق بزرگ تو بر آنان که ژرفای آن را کسی جز تو نداند از تو درخواست می کنم، و به حق آنکه حق او نزد تو بزرگ است،

وَبِأَسـمائِکِ الحُسـنیٰ الَّتی أمَرتَنی أَنْ أدعُوَکَ بِهـا. وَأسأَلُکَ بِاسْـمِکَ الأعظَمِ الَّذی أمَرتَ بِهِ إبراهیمَ أنْ یَـدعُوَ بِهِ الطَّیرَ فَأجابَتْهُ، وَبِاسْـمِکَ العَظیمِ الَّذی قُلتَ لِلنّـارِ «کُونِی بَرداً وَسَـلاماً عَلیٰ إبراهیمَ» (۱) فَکانَتْ بَرداً، وَبِأَحَبِّ الأسـماءِ إلَیکَ وَأشـرَفِها وَأعظَمِها لَدَیکَ وَأَسرَعِها إجابَةً، وَأنجَحِها طَلِبَةً، وَمُستَحِقُّهُ وَمُستَوجِبُهُ، وَ أَتَوَسَّلُ إلَیکَ، وَ أرغَبُ إلَیکَ، وَ أَتَضَرَّعُ وَاُلِحُّ عَلَیکَ. وَأسأَلُکَ بِکُتُبِـکَ الَّتی أنزَلْتَهـا عَلیٰ أنبیائِـکَ وَرُسُـلِکَ صَـلواتُکَ عَلَیهِمْ مِنَ التَّوراهِ وَالإنجیـلِ وَالزَّبـورِ وَالقُرآنِ العَظِیمِ، فَإنَّ فِیهـا اسْـمَکَ الأعظَمَ، وَبِما فِیها مِنْ أسـمائِکَ العُظمیٰ، أَنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأنْ تُفَرِّجَ عَنْ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشِیعَتِهِم وَمُحِبِّیهِم وَعَنِّی، وَتَفتَیحَ أبوابَ السَّماءِ لِدُعائی، وَ تَرفَعَهُ فی عِلِّیِّینَ، وَتَأْذَنَ فی هٰذا الیَومِ وفی هٰذِهِ السّاعَهِ بِفَرَجی، وَإعطاءِ أَمَلی وَسُؤلی فی الدُّنیا وَالآخِرَهِ.

به نیکوترین نامهـایت که فرمان داده ای تو را با آن بخوانم از تو در خواست می کنم. و به آن اسم اعظمی که ابراهیم را فرمان دادی تـا بـا آن پرنـدگان را بخوانـد پس (خوانـد و آنهـا) اجابتش کردنـد، و به آن اسم بزرگت که (باآن) به آتش گفتی: «بر ابراهیم سـرد و سـلامت باش» پس سـرد (و سـلامت) شـد، و نیز به محبوب ترین و شـریف ترین و بزرگ ترین و سـریع الاجابه ترین و به نتیجه رسـنده ترین اسـمهایت از تو درخواست می کنم، و نیز به آن (صـفات) که تو شایسـته و مستحق و در خور آن هستی، و نیز به تو توسل می جویم و به سویت مشـتاق می گردم و زاری می کنم (و بر خواسـته ام) بر تو اصـرار می ورزم. و به (حق) کتاب های (آسـمانی) تو که بر پیامبران و رسولانت - که درودهای خدا بر آنان باد - فرو فرسـتادی از تورات و انجیل و زبور و قرآن بزرگ که اسم اعظم تو در آنها هست، ونیز به آن اسـمهای اعظمی که در آنها است از تو درخواست می کنم که بر محمـد وآل محمـد درود فرستی، و فرج محمد وآل محمد و شـیعیان و دوسـتدارانشان و مرا برسانی، و درهای آسـمان را به روی دعای من بگشایی، و آن را به جایگاه های بلنـدِ (اجابت خود) بالا ببری، امروز و همین ساعت در گشایش کار من، و نیز دادن آرزو و خواسته دنیا و آخرتم اذن فرمایی.

ص:۱۶۳

۱- (۱) . الانبیاء: ۶۹ .

یامَنْ لایَعلَمُ أحَدٌ کَیفَ هُوَ وَقُدرَتَهُ إلّاهُوَ، یامَنْ سَدَّالهَواءَ بِالسَّماءِ، وَکَبَسَ الأرضَ عَلَی الماءِ، وَاخْتارَ لِنَفسِهِ أحسَنَ الأسماءِ، یامَنْ سَمّیٰ نَفسَهُ بِالاسمِ الَّذی یَقضی بِهِ حاجَهَ مَنْ یَدعُوهُ، أَسأَلُکَ بِحَقِّ ذٰلِکَ الاسمِ، فَلاشَفیعَ أقویٰ لی مِنهُ أنْ تُصَلِّیَ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقضِیَ لی حَوائِجی، وَتَسمَعَ بِمُحَمَّدٍ وَعَلِیٍّ وَفاطِمَهَ وَالحَسَنِ وَالحُسَینِ وَعَلِیِّ بنِ الحُسَینِ وَمُحَمَّدِ بن عَلِیٍّ وَجَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَی بنِ جعفَرٍ وَعَلِیِّ بنِ مُوسیٰ وَمُحَمَّدِ بنِ عَلِیٍّ وَعَلِیِّ بنِ مُحَمَّدٍ وَالحَسَنِ بنِ عَلِیٍّ وَالحُجَّهِ المُنتَظِرِ لِإذنِکَ صَلَواتُکَ وَسَلامُکَ وَرَحمَتُکَ وَبَرَکاتُکَ عَلَیهِم صَوتی، لِیَشفَعُوا لی إلَیکَ، وَتُشَفِّعَهُمْ فِیَّ، وَلا تَرُدَّنی خائِباً بِحَقِّ لا إلٰهَ إلّاأنتَ؛

ای کسی که جز او کسی از چگونگی او و قدرتش خبر ندارد. ای کسی که آسمان را به هوا محیط ساختی، و (خشکیهای) زمین را بر روی آب(های دریاها و اقیانوسها) گرد آوردی. و نیکوترین نامها را برای خود برگزیدی. ای کسی که خود را به اسمی نامیدی که با آن حاجت دعا کنندگان روا گردد، از تو به حق آن اسم - که هیچ شفیعی قوی تر از آن ندارم - درخواست می کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و حوائج مرا بر آوری، و صدای (نیازمندی) مرا به محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی وجعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن علی و حجت منتظر اذن تو - که درودها و سلام و رحمت و برکات تو بر ایشان باد - بشنوانی تا نزد تو برایم شفاعت کنند، و شفاعت آنان را دربارهٔ من بپذیری به حق (کلمه طیّبهٔ) لا اله الّا انت، مرا نا امید بر مگردان.

و هر حاجتی داری بخواه که برآورده می شود ان شاء اللّه تعالی (۱).

ص:۱۶۴

۱- (۱) . اقبال الاعمال ، ج ۳، ص ۱۶۷ - ۱۶۴؛بحار الانوار ، ج ۱۰۰، ص ۱۹۹، ح ۲۰؛موسوعه زیارات المعصومین، ج ۱، ص ۲۸۵ - ۲۸۹، ح ۳۵۴.

زیارت سوم

السَّلامُ عَلَیکِ یا سَیِّدَهَ نِساءِ العالَمِینَ، السَّلامُ عَلَیکِ یا والِدَهَ الحُجَجِ عَلَی النّاسِ أجمَعِین، السَّلامُ عَلَیکِ أیَّتُها المَظلومَهُ المَمنُوعَهُ حَقُّها.

سلام بر تو ای سرور زنان جهانیان، سلام بر تو ای مادر حجت های خدا بر همهٔ مردم، سلام بر تو ای مظلومه ای که او را از حقش باز داشتند.

سپس بگو:

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی أَمَتِکَ وَابْنَهِ نَبِیِّکَ وَزَوجَهِ وَصِیِّ نَبِیِّکَ، صَلاهً تُزلِفُها فَوقَ زُلفی عِبادِکَ المُکرَمِینَ مِنْ أهلِ السَّماواتِ وَأهلِ الأرَضِینَ.

بار الها! بر کنیزت و دختر پیامبرت ، وهمسر وصی پیامبرت درود فرست، درودی که او را به مقامی بالاتر از مقام بندگان ارجمندت از اهل آسمان ها و زمین ها برساند.

روایت شده هر کس آن حضرت را به این زیارت زیارت کند و از خداوند طلب آمرزش کند، خداوند او را بیامرزد و وارد بهشت کند. (۱)

ص:۱۶۵

۱- (۱) . اقبال الاعمال ، ج ۳، ص ۱۶۱؛بحار الانوار ، ج ۱۰۰، ص ۱۹۸، ح ۱۸،موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۴، ح ۳۵۳، فرزند سید بن طاووس در کتاب زوائد الفوائد این زیارت را نقل کرده و گفته: «این زیارت مختص است به روز وفات آن حضرت و آن سوم جمادی الثانیه است». (مستدرک الوسائل ، ج ۱۰، ص ۲۱۰، ح ۱).

زیارت چهارم

... اللّهُمَّ صَلِّ عَلَى الصِّدِّيقَهِ فاطِمَهَ الزَّكِيَّهِ، حَبِيبَهِ حَبِيبِكَ وَنَبِيِّكَ، وَأُمِّ أحِبّائِكَ وَأصفِيائِكَ، الَّتى انْتَجَبتَها وَفَضَّلْتَها وَاخْتَرتَها عَلى نِساءِ العالَمينِ.

اللّهُمَّ كُنِ الطالِبَ لَها مِمَّنْ ظَلَمَها وَاسْتَخَفَّ بِحَقِّها، وَكُنِ الثّائِرَ اللّهُمَّ بِدَمِ أولادِها. اللّهُمَّ وَكما جَعَلتَها امَّ أئِمَّهِ الهُدى، وَحَليلَهَ صاحِبِ اللِّواءِ، وَالكَرِيمَهَ عِندَ المَلَإ الأعلى، فَصَلِّ عَلَيها وَعَلى امِّها خَدِيجَهَ الكُبرى صَلاهً تُكرِمُ بِها وَجهَ أبِيها مُحَمَّدٍ صلى الله عليه و آله و سلم ، وَتُقِرُّ بِها أعيُنَ ذُرِّيَّتِها، وَأَبْلِغْهُمْ عَنِّى فى هذِهِ السّاعَهِ أفضَلَ التَّحِيَّهِ وَالسَّلامِ (۱)؛

... خدایا بر صدّیقه، فاطمهٔ پاک و نیکو کار، محبوب حبیبت و پیامبرت، و مادر دوستداران و برگزیدگانت، آنکه او را انتخاب کردی و برتری دادی و بر همه زنان جهانیان برگزیدی، درود فرست.

بار الها! تو خود از ستمگران، و سبک شماران حقش انتقام گیر و تو ای خدا، خونخواه فرزندانش باش. بار الها! همچنان که او را مادر امامان هدایت، و همسر عَلمدارِ (توحید و عدل)، و بزرگوار نزد فرشتگان مقرّب خود - که در برترین منزلت جای دارند - قرار داده ای، بر او و بر مادرش خدیجه کبری درود فرست درودی که با آن پدرش محمد صلی الله علیه و آله و سلم را آبرو، و دیدگان فرزندانش را روشنایی بخشی و از جانب من هم، اکنون برترین درود وسلام را به او برسان.

۱- (۱) . مصباح المتهجد ، ص ۴۰۱؛موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۹۱، ح ۳۵۷.

زیارت پنجم

کلینی رحمه الله بـا سـند خود از امـام حسـین علیه السـلام نقـل می کنـد: چون فاطمه علیها السـلام از دنیا رفت أمیرمؤمنان علیه السـلام او را پنهانی دفن کرد و خاک بر روی قبر او ریخت، سپس برخاست و صورت خود را به سوی قبر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کرد و فرمود:

السَّلامُ عَلَیکَ یا رَسولِ اللّهِ... وَالسَّلامُ عَلَیکُما سَـِلامُ مُوَدِّعٍ لا قالٍ وَلا سَـِئِمٍ، فَإنْ أَنصَـِرِفْ فَلا عَنْ مَلالَهٍ، وَإنْ أُقِمْ فَلا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِما وَعَدَ اللّهُ الصّابِرینَ.

واهـاً واهـاً، وَالصَّبرُ أیمَنُ وَأجمَـِلُ، وَلَولاـ غَلَبَهُ المُسـتَولِینَ لَجَعَلتُ المُقامَ وَاللَّبثَ لِزاماً مَعکوفاً، وَلَأعوَلْتُ إعوالَ الثَّکلی عَلی جَلیلِ الرَّزِیَّهِ، فَبِعَینِ اللّهِ تُـدفَنُ ابْنَتُکَ سِـرّاً وَتُهْضَمُ حَقَّها وَتُمنَعُ إرثَها، وَلَمْ یتَباعَـِدِ العَهـدُ وَلَمْ یخلقْ مِنکَ الذِّکرُ، وَإلَی اللّهِ یا رَسولَ اللّهِ المُشتَکی، وَفِیکَ یا رَسولَ اللّهِ أحسَنُ العَزاءِ، صَلَّی اللّهُ عَلَیکَ، وَعَلَیها السَّلامُ وَالرِّضوانُ (۱)؛

سلام بر تو ای رسول خدا!... (و سـلام بر هر دوی شـما) سـلام وداع کننده، نه خشـمگین و نه خسـته، پس اگر (از مزار شما) بر گردم از روی خسـتگی نبوده، و اگر بمانم از روی بـدبینی به وعـدهٔ خدا به صابران نیست. دریغا! دریغا! که (باز) صبر، مبارک تر و زیباتر است، و اگر چیره گی زورگویان نبود [که مرا سـرزنش کنند یا قبر فاطمه را بشناسـند و نبش کنند] اقامت و درنگ [دراین جا] را ملازم می شـدم، و هم چون مادر فرزند مرده بر این مصـیبت بزرگ شـیون می کردم، پس در منظر خدا دخترت (شـبانه و) پنهـان، به خاک سپرده شـد، و حقش پایمال گشت، و از ارثش بازداشـته شـد در حالی که دیر زمانی (از رحلت تو) نگذشـته بود و یاد تو کهنه نشـده بود، ای رسول خدا! شِـکوهٔ خود را به خدا عرضه می دارم، و ای رسول خدا! بهترین دلداری ها را در تو می بینم، درود خدا بر تو باد، و سلام و رضوان خدا بر فاطمه.

ص:۱۶۷

۱- (۱) . کـافی ، ج ۱، ص ۴۵۸، ح ۳؛ بحار الانوار ، ج ۴۳، ص ۱۹۳، ح ۲۱؛موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۹۳، ح ۳۵۹.

بخش دوّم:

زیاراتی که به طور صریح به معصوم علیه السلام منسوب نیست

زیارت ششم

شیخ صدوق رحمه الله با تسلط کم نظیر یا بی نظیری که در روایات و احادیث اهل البیت علیهم السلام داشته است می گوید: چون از زیارت رسول اللّه صلی الله علیه و آله و سلم فارغ شدم قصد خانه حضرت فاطمه علیها السلام را کردم، در حالی که با غسل نزدیک حظیره ایستاده بودم، بگونه ای که طرف چپ من به سوی حظیره و پشت به قبله و صورتم به طرف خانهٔ فاطمه علیها السلام بود، گفتم:

السَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ رَسولِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ نَبِیِّ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ حَبِیبِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ خَلِیلِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ صَفِیِّ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ أمِینِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ خَیرِ خَلقِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ أفضَلِ أنبِیاءِ اللّهِ وَرُسُلِهِ وَمَلآئِکَتِهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یا ابْنَةَ خَیرِ البَرِیَّهِ. السَّلامُ عَلَیکِ یا سَیِّدَةَ نِساءِ العالَمِینَ مِنَ الأوَّلِینَ وَالآخِرِینَ. السَّلامُ عَلَیکِ یا زَوجَةَ وَلِیِّ اللّهِ وَخَیرِ الخَلقِ بَعدَ رَسُولِ اللّهِ.

سلام بر تو ای دختر رسول خدا! سلام بر توای دختر پیامبر خدا! سلام بر تو ای دختر حبیب خدا! سلام بر تو ای دختر خلیل (ودوست خالص) خدا! سلام بر تو ای دختر برگزیدهٔ خدا! سلام بر تو ای دختر امین خدا! سلام بر تو ای دختر بهترین آفریدهٔ خدا! سلام بر تو ای دختر بهترین پیامبران و رسولان و فرشتگان خدا! سلام بر تو ای دختر بهترین مردم! سلام بر تو ای سرور زنان جهانیان از اولین و آخرین! سلام بر تو ای همسر ولی خدا و بهترین آفریده خدا پس از رسول خدا!

ص:۱۶۸

السَّلامُ عَلَيكِ يا امَّ الحَسَنِ وَالحُسَينِ سَيِّدَى شَبابِ أهلِ الجَنَّهِ. السَّلامُ عَلَيكِ أيَّتُها الصِّدِّيقَهُ الشَّهيدَهُ، السَّلامُ عَلَيكِ أيَّتُها الرَّضِيَّهُ المَرضِيَّهُ، السَّلامُ عَلَيكِ أيَّتُها الفاضِلَهُ الزَّكِيَّهُ، السَّلامُ عَلَيكِ أيَّتُها الحُورِيَّهُ (۱) الإنسِيَّهُ، السَّلامُ عَلَيكِ أيَّتُها التَّقِيَّهُ النَّقِيَّهُ، السَّلامُ عَلَيكِ أيَّتُها المُحَدَّثَهُ العَلِيمَهُ. السَّلامُ عَلَيكِ أيَّتُها المَظلومَهُ المَغصوبَهُ، السَّلامُ عَلَيكِ أيَّتُها المُضطَهَدَهُ المَقهُورَهُ، السَّلامُ عَلَيكِ يا فاطِمَهَ بِنتَ رَسولِ اللّهِ وَرَحمَهُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ، صَلَّى اللّهُ عَلَيكِ وَعَلى رُوحِكِ وَبَدَنِكِ. أَشهَدُ أَنَّكِ مَضَيتِ عَلى بَيِّنَهٍ مِنْ رَبِّكِ، وَأنَّ مَنْ سَرَّكِ فَقَدْ سَرَّ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله و سلم ، وَمَنْ جَفاكِ فَقَدْ جَفا رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله و سلم ، وَمَنْ آذاكِ فَقَدْ آذى رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله و سلم ، وَمَنْ وَصَلَكِ فَقَدْ وَصَلَ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله و سلم ، وَمَنْ قَطَعَكِ فَقَدْ قَطَعَ رَسولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله و سلم ، لِأَنَّكِ بَضعَهٌ مِنهُ وَرُوحُهُ الَّتى بَينَ جَنبَيهِ كما قالَ عَليهِ أفضَلُ سَلامِ اللّهِ وَصَلَواتِهِ.

سلام بر تو ای مادر حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت! سلام بر تو ای صدیقهٔ شهیده! سلام بر تو ای خشنود (از خدا و) مورد پسند خدا! سلام بر تو ای پاکدامنِ نیکوکار! سلام بر تو ای حوریه انسی! سلام بر تو ای پارسای پاکیزه (سرشت)! سلام بر تو ای الهام شده دانا! سلام بر تو ای مورد ستم قرار گرفته حق غصب شده! سلام بر تو ای کسی که (به خاطر دینش) مورد ستم قرار گرفت واز پا افتاد! سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای فاطمه دختر رسول خدا! درود خدا بر تو و بر روح و تن تو باد. گواهی می دهم که تو با حجتی که از پروردگار خود داشتی درگذشتی، و اینکه هر که تو را شاد کرد رسول خدا را شاد نمود، و هر که بر تو جفا کرد بر رسول خدا جفا نمود، وهر که به تو آزار کرد رسول خدا را آزار نمود، و هر که با تو پیوند کرد با رسول خدا پیوند نمود، و هر که (پیوند خود را) از تو برید از رسول خدا گسست، زیرا تو چنان که رسول خدا - که برترین سلام ودرود خدا بر او باد - فرمود پارهٔ تن و روح او هستی که در (قلب و) سینه او جا دارد.

۱- (۱) . التهذیب ، بحار الانوار ، مصباح المتهجد ، مزار شهید : «الحوراء».

أَشهَدُ اللّهَ وَرُسُلَهُ وَمَلآئِكَتَهُ أنّی راضٍ عَمَّنْ رَضِیتِ عَنهُ، ساخِطٌ عَلی مَنْ سَخِطْتِ عَلَیهِ، مُتَبَرِّیٌ مِمَّنْ تَبَرّأْتِ مِنهُ، مُوالٍ لِمَنْ والَیتِ، مُعادٍ لِمَنْ عادَیتِ، مُبغِضٌ لِمَنْ أبغَضتِ، مُحِبٌّ لِمَنْ أحبَبتِ، وَ کَفی بِاللّهِ شَهیداً وَحَسِیباً وَجازِیاً وَمُثِیباً.

خدا و پیامبران و فرشتگان او را گواه می گیرم که از هر کس تو خشنودی من نیز خشنودم، و بر هر کس تو خشمگینی من نیز خشمگینم و از هر کس که تو بیزاری من نیز بیزارم، و با هر کس تو همراهی من نیز همراهم، و با هر کس تو دشمنی من نیز دشمنم، و از هر کس تو نفرت داری من نیز نفرت دارم، و هر کس را تو دوست داری من نیز دوست دارم، و خدا بس است که شاهد و حسابرس و کیفر دهنده و پاداش بخش باشد.

سپس می گویی:

اللّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلی عَبدِکَ وَرَسُولِکَ مُحَمَّدِ بنِ عَبدِ اللّهِ، خاتَمِ النَّبِیِّینَ، وَخَیرِ الخَلائِقِ أجمَعِینَ.

وَصَلِّ عَلی وَصِیِّهِ عَلِیِّ بنِ أبی طالِبٍ أمیرِ المؤمِنینَ، وَإمامِ المُسلِمینَ، وَخَیرِ الوَصِیِّینَ.

وَصَلِّ عَلی فاطِمَةَ بِنتِ مُحَمَّدٍ سَیِّدَهِ نِسآءِ العالَمِینَ.

بار الها! درود و سلام فرست بر بنده و رسول خود محمد بن عبدالله آخرین پیامبران و بهترین آفریدگان.

و درود فرست بر وصی او علی بن ابی طالب امیر مؤمنان و امام مسلمانان، و بهترین اوصیا.

و درود فرست بر فاطمه دختر محمد، سرور زنان جهانیان.

ص:۱۷۰

وَصَلِّ عَلَى سَيِّدَى شَبابِ أهلِ الجَنَّهِ الحَسَنِ وَالحُسَينِ.

وَصَلِّ عَلَى زَينِ العابِدِينَ عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ.

وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ باقِرِ عِلمِ النَّبِيِّينَ.

وَصَلِّ عَلَى الصّادِقِ عَنِ اللّهِ جَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ.

وَصَلِّ عَلَى كاظِمِ الغَيظِ فى اللّهِ مُوسَى بنِ جَعفَرٍ.

وَصَلِّ عَلَى الرِّضا عَلِيِّ بنِ مُوسَى.

وَصَلِّ عَلَى التَّقِيِّ مُحَمَّدٍ بنِ عَلِيٍّ.

وَصَلِّ عَلَى النَّقِيِّ عَلِيِّ بنِ مُحَمَّدٍ.

وَصَلِّ عَلَى الزَّكِيِّ الحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ.

وَصَلِّ عَلَى الحُجَّهِ القائِمِ ابنِ الحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ.

و درود فرست بر دو سرور جوانان اهل بهشت حسن وحسین.

و درود فرست بر زین العابدین علی بن الحسین.

و درود فرست بر محمد بن علی شکافندۀ علم پیامبران.

و درود فرست بر راستگوی از جانب خدا جعفر بن محمد.

و درود فرست بر فرو برندۀ خشم خود در راه خدا موسی بن جعفر.

و درود فرست بر رضا، علی بن موسی.

و درود فرست بر پارسا(ی دوران) محمد بن علی.

و درود فرست بر پاکیزه (سرشت) علی بن محمد.

و درود فرست بر نیکوکار حسن بن علی.

و درود فرست بر حجت قائم فرزند حسن بن علی.

اللّهُمَّ أَحْیِ بِهِ العَدلَ، وَأَمِتْ بِهِ الجورَ، وَزَیِّنْ بِطُولِ بَقائِهِ الأرضَ، وَأَظهِرْ بِهِ دِینَکَ وَسُنَّهَ نَبِیِّکَ حَتّی لایَستَخفِیَ بِشَیْ ءٍ مِنَ الحَقِّ مَخافَهَ أحَدٍ مِنَ الخَلقِ، وَاجْعَلْنا مِنْ أعوانِهِ وَأشیاعِهِ وَالمَقبولِینَ فی زُمرَهِ أَولِیائِهِ یا رَبَّ العالَمِینَ. اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَأهلِ بَیتِهِ الَّذِینَ أذهَبْتَ عَنهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطهیراً (1)؛

خدایا! به وسیله او عدالت را زنده کن و ستم را بمیران، و به وسیلهٔ درازی عمر او زمین را زینت بخش، و به سبب او دین خود و سنت پیامبرت را آشکار کن تا هیچ حقی به خاطر ترسِ از کسی پنهان نماند، و ای پروردگار جهانیان، ما را از یاوران و پیروان و پذیرفته شدگان در گروه اولیای او قرار ده. خدایا! بر محمد و خاندانش که پلیدی (شرک) را از آنان زدوده ای، و(خلوص و) پاکی ویژه شان بخشیده ای درود فرست.

شیخ صدوق بعد از نقل این زیارت می گوید: «در اخبار چیزی محدود و موظف برای زیارت حضرت زهرا نیافتم، پس به آنچه بر خود راضی بودم، برای هر که کتاب مرا ببیند نیز راضی هستم».

ص:172

1- (1) . من لا یحضره الفقیه ، ج 2، ص 573 ؛ المزار الکبیر ، ص 82 - 80 ، موسوعه زیارات المعصومین ، ج 1، ص 276 - 279، ح 348.

زیارت هفتم

کفعمی رحمه الله در البلد الأمین گوید: قبر را روبروی خود قرار ده و بگو:

السَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ رَسولِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ حَبیبِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ خَلیلِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ خَیرِ خَلقِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ أفضَلِ أنبیاءِ اللّهِ وَمَلآئِکَتِهِ وَرُسُلِهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ صَفِیِّ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ أمینِ اللّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یا بِنتَ خَیرِ البَرِیَّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ یا سَیِّدَهَ نِساءِ العالَمینَ مِنَ الأوَّلینَ وَالآخِرینَ، السَّلامُ عَلَیکِ یا زَوجَهَ وَلِیِّ اللّهِ وَخَیرِ الخَلقِ بَعدَ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم ، السَّلامُ عَلَیکِ یا امَّ الحَسَنِ وَالحُسَینِ سَیِّدَی شَبابِ أهلِ الجَنَّهِ، السَّلامُ عَلَیکِ أیَّتُها الصِّدِّیقَهُ الشَّهیدَهُ، السَّلامُ عَلَیکِ أیَّتُها الرَّضِیَّهُ المَرضِیَّهُ، السَّلامُ عَلَیکِ أیَّتُها الفاضِلَهُ الزَّکِیَّهُ، السَّلامُ عَلَیکِ أیَّتُها الحَوراءُ الإنسِیَّهُ، السَّلامُ عَلَیکِ أیَّتُها التَّقِیَّهُ النَّقِیَّهُ،

سلام بر تو ای دختر رسول خدا! سلام بر تو ای دختر حبیب خدا! سلام بر تو ای دختر خلیل خدا! سلام بر تو ای دختر بهترین آفریدهٔ خدا! سلام بر تو ای دختر بهترین پیامبران و فرشتگان و رسولان خدا! سلام بر تو ای دختر برگزیده خدا! سلام بر تو ای دختر امین خدا! سلام بر تو ای دختر بهترین مردم! سلام بر تو ای سرور زنان جهانیان از پیشینیان و پسینیان! سلام بر تو ای همسر ولی خدا و بهترین آفریدهٔ پس از رسول خدا! سلام بر تو ای مادر حسن و حسین دو سرور جوانان اهل بهشت! سلام بر تو ای صدیقه شهیده! سلام بر تو ای خرسند (از خدا و) مورد پسند خدا! سلام بر تو ای دارای فضیلت و کمال! سلام بر تو ای حوریهٔ انسی! سلام بر تو ای پارسای پاکیزه (سرشت)!

ص:۱۷۳

السَّلامُ عَلَيكِ أيَّتُها المُحَدَّثَهُ العَلِيمَهُ، السَّلامُ عَلَيكِ أيَّتُها المَظلومَهُ المَغصُوبَهُ، السَّلامُ عَلَيكِ يا فاطِمَهَ بِنتِ رَسُولِ اللّهِ وَرَحمَهُ اللّهِ وَبَرَكاتُهُ، صَلَّى اللّهُ عَلَيكِ وَعَلى رُوحِكِ وَبَدَنِكِ. أَشهَدُ أَنَّكِ قَدْ مَضَيتِ عَلى بَيِّنَهٍ مِنْ رَبِّكِ، وَأنَّ مَنْ سَرَّكِ فَقَدْ سَرَّ رَسُولَ اللّهِ صلى الله عليه و آله و سلم ، وَمَنْ جَفاكِ فَقَدْ جَفا رَسُولَ اللّهِ، وَمَنْ قَطَعَكِ فَقَدْ قَطَعَ رَسُولَ اللّهِ؛ لِأَنَّكِ بَضعَهٌ مِنهُ وَرُوحُهُ الَّتى بَينَ جَنبَيهِ. أُشهِدُ اللّهَ وَرَسولَهُ وَمَلآئكَتَهُ أنّى راضٍ عَمَّنْ رَضِيتِ عَنهُ، ساخِطٌ عَلى مَنْ سَخِطْتِ عَلَيهِ، مُتَبَرِّئٌ مِمَّنْ تَبَرَّأْتِ مِنْهُ، مُوالٍ لِمَنْ والَيتِ، مُعادٍ لِمَنْ عادَيتِ، مُبغِضٌ لِمَنْ أبغَضْتِ، مُحِبٌّ لِمَنْ أحبَبْتِ، وَ كَفى بِاللّهِ شَهِيداً وَحَسِيباً وَجازِياً وَمُثِيباً؛

سلام بر تو ای الهام شدهٔ دانا! سلام بر تو ای مورد ستم قرار گرفتهٔ حق غصب شده! سلام و رحمت و برکات خدا بر تو ای فاطمه دختر رسول خدا! درود خدا بر تو و بر جان و جسم (پاک) تو باد. شهادت می دهم که تو با حجتی که از پروردگار خود (علیه دشمنانت) داشتی در گذشتی، و اینکه هر که تو را شاد کرد رسول خدا را شاد نمود، و هر که بر تو جفا کرد بر رسول خدا جفا نمود، و هر که (پیوند خود را) از تو برید از رسول خدا گسست، زیرا تو پارهٔ تن و جان او هستی که در (قلب و) سینهٔ او جا دارد.

خدا و رسولش و فرشتگانش را گواه می گیرم که از هر کس تو خشنودی من نیز خشنودم، بر هر کس تو خشمگینی من نیز خشمگینم، از هر کس تو بیزاری من نیز بیزارم، با هر کس که تو همراهی من نیز همراهم، با هر کس که تو دشمنی من نیز دشمنم، از هر کس که تو در بغضی من نیز در بغضم، و هر کس را که تو دوست داری من نیز دوست دارم، و خدا بس است که شاهد و حسابرس و کیفر دهنده و پاداش بخش باشد.

سپس بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام صلوات بفرست (۱).

۱- (۱) . البلد الأمین ، ص ۲۷۸، موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۷۹ - ۲۸۰، ح ۳۴۹.

زیارت هشتم زیارت حضرت زهرا کنار خانه اش و در بقیع

السَّلامُ عَلَى البَتولَهِ الشَّهيدَهِ، ابْنَهِ نَبيِّ الرَّحمَهِ النَّبيِّ المُصطَفى، وَزَوجِ الوَصِيِّ الحُجَّهِ، امِّ السّادَهِ الأئِمَّهِ. السَّلامُ عَلَيكِ يا فاطِمَهَ الزَّهراءَ ابْنَهَ النَّبِيِّ المُصطَفى، السَّلامُ عَلَيكِ وَعَلى أبيكِ، السَّلامُ عَلَيكِ وَعَلى بَعلِكِ وَبَنيكِ.

السَّلامُ عَلَيكِ أيَّتُها المُمتَحَنَهُ، السَّلامُ عَلَيكِ أيَّتُها المَظلومَهُ الصّابِرَهُ. لَعَنَ اللّهُ مَنْ مَنَعَكِ حَقَّكِ، وَدَفَعَكِ عَنْ إرثِكِ، وَلَعَنَ اللّهُ مَنْ كَذَّبَكِ وَأعنَتَكِ، وَغَصَّصَكِ بِرِيقِكِ، وَأدخَلَ الذُّلَّ بَيتَكِ، وَلَعَنَ اللّهُ مَنْ رَضِيَ بِذلِكَ وَشايَعَ فِيهِ وَاخْتارَهُ وَأعانَ عَلَيهِ وَألحَقَهُمْ بِدَرَكِ الجَحِيمِ. إنِّي أتَقَرَّبُ إلَى اللّهِ سُبحانَهُ بِوِلايَتِكُم أهلِ البَيتِ وَالبَراءَهِ مِنْ أعدائِكُمْ مِنَ الجِنِّ وَالإنسِ وَصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ (۱)؛

سلام بر (زهرای) بتول، آن شهید (راه خدا)، دختر پیامبر رحمت، پیامبر مصطفی و همسر وصی (پیامبر) حجت (خدا) مادر سروران، امامان (نور و هدایت). سلام بر تو ای فاطمهٔ زهرا دختر پیامبر مصطفی، سلام بر تو و بر پدر (بزرگوار) تو، سلام بر تو و بر شوهر و فرزندان تو باد. سلام بر تو ای آزمودهٔ (راه خدا)، سلام بر تو ای ستمدیدهٔ شکیبا، خدا از رحمت خود دور کند هر کس که تو را از حقّت بازداشت. و از ارثت بازداشت. و خدا از رحمت خود دور کند هر کس را که تکذیبت کرد، و تو را آزرد، و تو را به ناراحتی شدید وا داشت، سبب شد تو را بغض گلوگیر شود، و ذلت را به خانه تو آورد، و خدا هر کس را که به این رفتارها خرسند بود، و در آن پیروی (دیگران) نمود و برگزید، و [بر انجام آن] کمک و یاری نمود لعنت کند، و خدا ایشان را به پست ترین جای جهنم درآورد. من از راه ولایت شما خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و بیزاری از دشمنان جن و انس شما، به خدای سبحان تقرب می جویم، و درود خدا بر محمد و خاندان پاک او باد.

ص:۱۷۵

۱- (۱) . المزار الکبیر ، ص ۸۲ ؛ مصباح الزائر ، ص ۵۳؛بحار الانوار ، ج ۱۰۰، ص ۱۹۸، ح ۱۶؛ عنهما موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۱، ح ۳۵۰.

زیارت نهم

این زیارت، زیارت حضرت زهرا علیها السلام در روضه (فاصله بین قبر و منبر) است که سید بن طاووس قدس سره می گوید: بین قبر و منبر می ایستی و چنین می گویی:

السَّلامُ عَلَی البَتولِ الطّاهِرَهِ، وَالصِّدِّیقَهِ المَعصومَهِ، وَالبَرَّهِ النَّقیَّهِ، سَلِیلَهِ المُصطَفی، وَحَلِیلَهِ (۱) المُرتَضی، امِّ الأئِمَّهِ النُّجَباءِ. اللّهُمَّ إنَّها خَرَجَتْ مِنْ دُنیاها مَظلومَهً مَغشومَهً، قَدْ مُلِئَتْ داءً وَحسرَهً وَکَمَداً وَغُصَّهً تَشکُو إلَیکَ وَإلی أبِیها ما فُعِلَ بِها. اللّهُمَّ انْتَقِمْ لَها وَخُذْ لَها بِحَقِّها. اللّهُمَّ صَلِّ عَلَی الزَّهراءِ الزَّکیَّهِ المُبارَکهِ المَیمُونَهِ، صَلاهً تَزِیدُ فی شَرَفِ مَحَلِّها عِندَکَ وَجَلالَهِ مَنزِلَتِها لَدَیکَ، وَبَلِّغْها مِنِّی السَّلامَ، وَالسَّلامُ عَلَیها وَرَحمَهُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ.

سلام بر (بانوی) از دنیابریدهٔ به خدا پیوستهٔ پاک (سرشت) و درستکار معصوم، و نیکوکار پارسا، زادهٔ مصطفی، و همسر مرتضی، مادر امامان نجیب. بار الها! او در حالی از دنیا رفت که مورد ستم و بیداد قرار گرفت و از درد و آه و دلشکستگی و غصه آکنده بود، و از رفتار(ستمگرانه ا)ی که با او داشتند به تو و پدرش شاکی بود.

بارالها! خود انتقام او را (از دشمنانش) بگیر، و حقش را بِستان. بار الها! بر زهرای پاکیزه سرشتِ خجسته با میمَنت درود فرست، درودی که به شرافت جایگاه و شکوه مقامش نزد تو بیفزاید، و سلام مرا به او برسان و سلام، رحمت و برکات خدا بر او باد.

ص:۱۷۶

۱- (۱) . در برخی از نسخ: خلیله به معنی دوست ویژه آمده است.

و نیز می گویی:

اللّهُمَّ إنِّی یُوهِمُنی غالِبُ ظَنِّی أنَّ هذِهِ الرَّوضَهَ مواراهُ سَیِّدَهِ نِساءِ العالَمِینَ وَمَثواها، وَمَوضِعُ قَبرِها وَمُعَزّاها، فَصَلِّ عَلَیها وَبَلِّغْها عَنِّی السَّلامَ حَیثُ کانَتْ وَحَلَّتْ (۱)؛

بارالها! مرا گمان بیشتر این است که این روضهٔ (مطهره) جای دفن سرور زنان جهانیان، و قبر و آرامگاه اوست پس بر او درود فرست، و از جانب من به او - هر جا که هست و مدفون گشته - سلام برسان.

ص:۱۷۷

۱- (۱) . مصباح الزائر ، ص ۵۲ ؛المزار الکبیر ، ص ۷۸، ح ۱؛ المزار (شهید)، ص ۲۰ - ۲۱ تا «ورحمه اللّه وبرکاته»، و در بحارالانوار ، ج ۱۰۰، ص ۱۹۷، ح ۱۵ به نقل از مصباح الزائر و مصباح کفعمی ، موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۲، ح ۳۵۱.

زیارت دهم

السَّلامُ عَلی سَیِّدَهِ نِسآءِ العالَمِینَ، وَبِنتِ سَیِّدِ النَّبِیِّینَ، وَاُمِّ الأئِمَّهِ الطّاهِرِینَ، فاطِمَهَ بِنتِ مُحَمَّدٍ الأکرَمِ، وَشَقِیقَهِ البَتُولِ مَریَمَ، أَطهَرِ النِّساءِ، وَبِنتِ خَیرِ الأنبِیاءِ، السَّلامُ عَلَیکِ وَرَحمَهُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ.

اللّهمَّ صَلِّ عَلَی السَّیِّدَهِ المَفقودَهِ، الکَرِیمَهِ المَحمُودَهِ، الشَّهِیدَهِ العالِیَهِ الرَّشِیدَهِ، امِّ الأئِمَّهِ، وَسَیِّدَهِ نِساءِ الاُمَّهِ، بِنتِ نَبِیِّکَ، صاحِبَهِ وَلِیِّکَ، سَیِّدَهِ النِّسآءِ، وَوارِثَهِ سَیِّدِ الأنبِیاءِ، وَقَرِینَهِ سَیِّدِ الأوصِیاءِ، المَعصومَهِ مِنْ کُلِّ سُوءٍ، صَلاهً طَیِّبَهً مُبارَکَهً مَرفوعَهً مَذکورَهً، تَرفَعُ بِها ذِکرَها فی مَحَلِّ الأبرارِ الأخیارِ فی أشرَفِ شَرَفِ النَّبِیِّینَ، فی أعلی عِلِّیِّینَ، فی الدَّرَجاتِ العُلی، فی الرَّفِیعِ الأعلی.

سلام بر سرور زنان جهانیان، و دختر سرور پیامبران و مادر امامان پاک نهاد، فاطمه دختر محمد والامقام، و خواهر مریم بتول، پاک ترین زنان، و دختر بهترین پیامبران، سلام و رحمت و برکات خدا بر تو باد.

بار الها! درود فرست بر این بانوی از دست رفته بزرگوارِ در خورِ ستایشِ شهیدِ بلند مرتبهٔ با کمال، مادر امامان، و سرور زنان امّت، دختر پیامبرت، همسر ولیّت، سالار بانوان، و وارث سرور پیامبران، و همسر سرور اوصیا، و معصوم از هر بدی (و گناه)، (بار الها! بر او درود فرست) درودِ پاکیزهٔ خجستهٔ والاـ مرتبهٔ یادکردنی که با آن یاد او را در محل نیکوکاران اهل خیر، و شریفترین جایگاه پیامبران، و نیز در میان برترین والا رتبه گان، در بالاترین درجات، در بلندترین مقام بالا ببری.

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَعَلی آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَعلِ کَعبَها، وَأَکرِمْ مَآبَها، وَأَجزِلْ ثَوابَها، وَأَدْنِ مِنکَ مَجلِسَها، وَشَرِّفْ لَدَیکَ مَکانَها وَمَثواها، وَانْتَقِمْ لَها مِنْ عَدُوِّها، وَضاعِفِ العَذابَ عَلی مَنْ ظَلَمَها، وَالنِّقمَهَ عَلی مَنْ غَصَبَها، وَخُذْ لَها یا رَبِّ بِحَقِّها، إنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ. اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَعَلی آلِ مُحَمَّدٍ، وَأبلِغْها مِنّا التَّحِیَّهَ، وَارْدُدْ عَلَینا مِنْها التَّحِیَّهَ، وَالسَّلامُ عَلَیها وَرَحمَهُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ (۱)؛

بار الها! بر محمد و آل محمد درود فرست، و مقام فاطمهٔ زهرا را بالا ببر، و منزلتش را ارجمند ساز، و پاداشش را فراوان کن، و محل نشستنش را به خود نزدیکتر کن و مکانت و جای او را نزد خود شریف گردان، و از دشمنش انتقام گیر، و عذاب ستمگران و کیفر غاصبان حقّش را دو چندان کن، و ای پروردگار! تو خود برای او حقّش را بستان، که تو بر هر چیز توانایی. بار الها! بر محمد و آل محمد درود فرست، و سلام ما را به فاطمه زهرا برسان، و پاسخ او را به ما برگردان، سلام و رحمت و برکات خدا بر او باد.

۱- (۱) . بحار الانوار ، ج ۱۰۲، ص ۲۲۰ به نقل از عتیق غروی ، موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۹۱ - ۲۹۲، ح ۳۵۸.

زیارت یازدهم زیارت فاطمه زهرا علیها السلام در روضه

السَّلامُ عَلَیکَ یا رَسولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم . السَّلامُ عَلَی ابْنَتِکَ الصِّدِّیقَهِ الطّاهِرَهِ.

السَّلامُ عَلَیکِ یا فاطِمَه بِنتَ رَسولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله و سلم یا سَیِّدَهَ نِساءِ العالَمِینَ. السَّلامُ عَلَیکِ أَیَّتُها البَتُولُ الشَّهیدَهُ الطّاهِرَهُ. لَعَنَ اللّهُ مانِعَکِ إرثَکِ، وَدافِعَکِ عَنْ حَقِّکِ، وَالرّادَّ عَلَیکِ قَولَکِ، لَعَنَ اللّهُ أشیاعَهُمْ وَأتباعَهُمْ، وَأَلحَقَهُم بِدَرَکِ الجَحِیمِ. صَلَّی اللّهُ عَلَیکِ وَعَلی أبِیکِ وَبَعلِکِ وَوُلدِکِ الأئِمَّهِ الرّاشِدِینَ وَعَلَیهِمُ السَّلامُ وَرَحمَهُ اللّهِ وَبَرَکاتُهُ (۱)؛

سلام بر تو ای رسول خدا! سلام بر دختر راست کردار و پاک سرشت تو. سلام بر تو ای فاطمه دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ! ای سرور زنان جهانیان! (سلام بر تو) ای (زهرای) بتول شهید و پاکیزه سرشت. خداوند از رحمت خود دور کند بازدارندهٔ ارث و حق تو را، و باز گردانندهٔ (درخواست و) گفتارت را، خدا شیعیان و پیروان آنان را لعنت کند، و ایشان را به پست ترین جای جهنم در آورد. درود خدا بر تو و بر پدر تو و همسر و فرزندان تو باد که امامان هدایتگرند، و سلام و رحمت و برکات خدا بر ایشان باد.

ص:۱۸۰

۱- (۱) . المزار (شیخ مفید)، ص ۱۷۹؛ البلد الأمین ، ص ۲۷۸؛بحارالانوار ، ج ۱۰۰، ص ۱۹۷، ح ۱۴؛موسوعه زیارات المعصومین ، ج ۱، ص ۲۸۳، ح ۳۵۲.

ضمائم

اشاره

ص:۱۸۱

متن لوح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

عَنْ أبی بَصیر، عَنْ أبی عَبْداللّه علیه السلام قالَ: قالَ أبی علیه السلام لِجابِرِ بنِ عَبدِاللّه الأنصاری: إنَّ لی إلَیکَ حاجَةً فَمَتی یخفُّ عَلیکَ أن أخلُو بِکَ فأَسأَلکَ عَنها؟ فقال له جابر: فی أیِّ الأوقاتِ شئتَ، فَخلا به أبوجعفر علیه السلام ، قالَ له: یا جابرُ أخْبرنی عَنِ اللَّوحِ الّذی رأیتَه فی یَدِ أمّی فاطمه بنتِ رسولِ اللّه صلی الله علیه و آله وَما أخبرتْکَ بِهِ أنّه فی ذلکَ اللّوح مکتوباً. فقال جابرُ: اشهَدُ باللّه أنّی دَخَلْتُ عَلی أمّک فاطِمه علیها السلام فی حَیاه رسولِ اللّه صلی الله علیه و آله اهنّئُها بِوِلاده الحُسَیْن علیه السلام فرأیتُ فی یَدها لَوحاً أخَضَر ظَنَنْتُ أنّه مِن زُمرُّد، وَرأیتُ فِیهِ کِتابهً بَیْضاء شَبیهه بِنورِ الشَّمسِ، فقلتُ لها: بأبی أنتِ وأمّی یا بنتَ رَسُولِ اللّه ما هذا اللّوحِ؟

ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرد، پدرم به جابر بن عبداللّه انصاری فرمود: من را با تو کاری است، چه وقت برایت ممکن است، بدون حضور دیگران دربارهٔ آن از تو بپرسم؟

جابر عرض کرد: هر وقت شما بخواهید.

امام باقر علیه السلام در مجلسی بدون حضور دیگران به جابر فرمود:

ای جابر! دربارهٔ لوحی که در دست مادرم فاطمه دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم دیدی و مطالب نوشته شده درون آن که حضرتش علیها السلام به تو خبر داد، مرا آگاه کن. جابر گفت:

خدا را شاهد می گیرم؛ در زمان زندگانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای تهنیت میلاد امام حسین علیه السلام بر فاطمه زهرا علیها السلام وارد شدم. در دست او لوحی سبزرنگ که گمان کردم از زمرّد است، مشاهده کردم و در آن نوشته ای سفید شبیه به نور خورشید دیدم.

عرض کردم: پدر و مادرم فدایت ای دخت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم ! این لوح چیست؟

ص:۱۸۳

فقـالَتْ: هـذا اللّوح أهـداهُ اللّه عزَّ وجلَّ إلى رَسُوله صـلی الله علیه و آله فیه اسمُ أبی واسمُ بَعْلی واسمُ ابنَیَّ وأسـماءُ الأوصـیاءِ مِنْ وُلْدی، فأعطاه أبی لِیَسُرَّنی بذلک.

قالَ جابرُ: فأعطَتْنیه امّکَ فاطمه علیها السـلام ، فقرأتُه وانتَسَخْتُه. فقالَ لَهُ أبی علیه السلام فَهلْ لَکَ یا جابرُ أن تَعرِضَه علیَّ؟ فقال: نَعَم، فمَشـی مَعَه أبی علیه السـلام حَتّی انتهی إلی مَنْزِلِ جابرٍ فَأخرَجَ إلی أبی صَحفیهً مِنْ رقٍّ، فقال: یا جابرُ انظُر أنتَ فی کتابِک لأقرَأه أنـا عَلیک، فَنظَر جابرُ فی نُسـخَتِه فقرأهُ علیهِ أبی علیه السـلام فَوَاللّهِ ما خالَفَ حرفٌ حَرفاً، قال جابرُ: فإنّی اشـهد بِاللّه أنّی هکَذا رأیتُهُ فی اللّوح مَکتُوباً:

فرمود: این لوح را خداوند عزّوجلّ به پیامبرش هدیه فرمود و نام پدر و شوهر و دو فرزندم و نام جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله از فرزندانم در آن است. پدرم آن را به من هدیه داد تا مرا شاد سازد.

جابر گفت: مادرت فاطمه علیها السلام آن را به من داد و من آن را خواندم و از روی آن نوشتم:

[امـام صادق علیه السـلام فرمود:] پـدرم فرمود: جابر! ممکن است آن را به من نشان دهی؟ گفت: بله. پس پـدرم به همراه او تا منزل جابر رفت. و او برای پدرم کاغذی نازک آورد.

پدرم فرمود: ای جابر! تو در نوشته خود بنگر تا من آن را [از نسخهٔ خود] برای تو بخوانم. پس جابر در نسخه خود نگریست، و پـدرم بر او خوانـد. به خدا سوگند حرفی با حرف دیگر تفاوت نداشت. جابر گفت: خدا را شاهد می گیرم من همینگونه دیدم در لوح نوشته شده بود:

بِسم اللّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيم: هٰذا كِتابٌ مِنَ اللّهِ العَزيزِ الحَكيم لِمُحَمَّدٍ نُورِه وسَفيرِه وحِجابِهِ ودَليله، نَزَلَ بِه الرُّوحُ الأمينُ مِنْ عِندِ ربِّ العالَمين؛ عظِّم يا مُحمّد أسمائی واشکُر نَعْمائی، وَلا تجْحَد آلائی، إنّی أنا اللّهُ لاإلهَ إلّاأنا، قاصِمُ الجَبّارين ومبير المُتَکبّرين ومُذِّلُ الظّالِمينَ ودَيّانِ يَوْم الدِّين، إنّی أَنَا اللّهُ لاإلهَ إلّا أَنا، فَمَنْ رَجا غَير فَضْلی، أو خافَ غَيرَ عَدْلی عذَّبتُه عَذاباً لا اعَذّبُه أحَداً مِنَ العالَمينَ، فَإیّایَ فَاعْبُد وَعَلَیَّ فتوکّل.

إنّی لَم أبعَثْ نبيّاً فأکمَلت أيّامَه وانقَضَت مَدَّتُه إلّا جَعلتُ لَه وصيّاً وإنّی فَضَّلتُک عَلَی الأنبياءِ وَفَضَّلتُ وَصِيَّک عَلَی الأوْصِياءِ. وأکْرَمْتُکَ بِشِبْلَيْک بَعدَه وبِسِبْطَيك الحَسَن والحُسَيْن،

به نام خداوند بخشنده مهربان این کتابی است از طرف خدای با عزت و حکیم برای محمّد نور و سفیر و حاجب و راهنمای از سوی او.

روح الامین آنرا از سوی پروردگار عالمیان نازل نمود. ای محمّد! اسماء مرا بزرگ دار و نعمت های مرا سپاس گذار و آنها را انکار نکن.

من اللّه ام که معبودی جز او نیست درهم کوبنده ستمکاران و خوار کنندهٔ ظالمان و جزا دهنده روز قیامت، من اللّه هستم که معبودی جز من نیست. هرکس به غیر فضل من امید داشته باشد، یا جز از عدالت من ترسان باشد کیفری دهم که هیچ یک از جهانیان را اینگونه کیفر نداده باشم. پس مرا پرستش و بر من توکل کن.

من هیچ پیامبری بر نیانگیختم که روزگار او تمام شود و زندگانی او پایان رسد مگر اینکه برای او جانشینی معین نمودم. و تو را بر پیامبران برتری دادم و جانشین تو را بر جانشینان پیامبران برتری دادم و به دو فرزند و نوه ات پس از او - امام حسن و امام حسین علیهما السلام - تو را کرامت دادم.

وَجَعَلْتُ حَسَناً مَعدِنَ عِلمی بعدَ انقضاءِ مدَّهِ أبیه، وَجَعَلتُ حُسَیْناً خازِنَ وَحْیی، وَأکرَمْتُه بالشَّهادَهِ، وَخَتَمتُ لَه بِالسَّعادَه، فَهُو أفضلُ مَنْ استُشْهد وَأرفعُ الشُّهَدَاءِ دَرَجهً، جَعلتُ کَلِمَتی التامَّهَ مَعَه، والحُجَّه البالِغَه عِنْدَه، بِعِتْرَتِهِ اثیبُ واُعاقبُ؛ أوَّلهم علیٌّ سیّدُ العابدین، وَزَینُ أولیائی الماضین؛ وَابنُه سَمِیُّ جَدّهِ المَحْمُود، مَحَمَّد الباقِرِ لِعِلمی وَالْمَعدِنِ لِحِکْمَتی؛ سَیهلِکُ المُرتابونَ فی جَعفر، الرّادُ عَلَیه کالرّادِّ علیَّ، حَقَّ القولُ منّی لاُکرمنَّ مَثوی جَعْفر، ولاُسرَّنَّه فی أولیائه وَأشیاعِه وأنصارِه؛ وانتَجبت بَعدَ مُوسی فتنه عَمیاء حِنْدِس، لأنَّ خیط فَرضی لایَنقطِع، وحُجّتی لاتَخفی، وأنَّ أولیائی لا یَشْقون أبَداً؛ ألا وَمَنْ جَحَد واحِداً مِنْهُم فَقَد جَحَدَ نعمتی، وَمْن غیّر آیهً مِن کتابی فَقَد افتری علیَّ.

و حسن را سرچشمه دانش خود پس از پایان دوران پدرش قرار دادم، و حسین علیه السلام را خزانه دار وحی خود قرار داده و به او شهادت کرامت نمودم و او را سعادتمند کردم.

پس او برترین کسی است که شهید شد درجهٔ او از همهٔ شهدا رفیع تر است. کلمهٔ تامه خود را همراه او قرار دادم. و حجت بالغه خود رانزد او قرار دادم، به سبب خانواده و عترتش پاداش و کیفر می دهم، اولین آنها علیّ، سَروَر عبادت کنندگان و زینت دوستداران در گذشته من است و فرزند او محمد شکافنده دانش من، همنام جد ستوده اش و معدن حکمتم می باشد. شک کنندگان دربارهٔ جعفر به زودی نابود خواهند شد. و کسی که سخن او را نپذیرد سخن مرا نپذیرفته است. سخن من حق است جایگاه جعفر را ارجمندی بخشم و او را دربارهٔ دوستداران و پیروان و یاری دهنده گانش شاد نمایم. پس از موسی فتنهٔ کور ظلمانی رخ خواهد داد، زیرا رشتهٔ واجب من [وصایت] قطع نمی شود و حجت من مخفی نمی ماند، و هرگز اولیای من از هم جدا نخواهند شد.

آگاه باش هرکس یکی از آنها را انکار کند نعمت مرا انکار کرده است. و هر کس آیه ای از کتاب مرا تغییر دهد بر من افترا بسته است،

وَوَيلٌ لِلمُفْتَرين الجاحِدِين عِنـدَ انقضاءِ مُدَّه عَبْدی مُوسی وَحَبیبی وَخِیَرتی، ألا إنَّ المُکذِّب بالثّامِنْ مُکذِّب بکلِّ أولیائی، وَعَلیٌّ ولیّی وناصِری، وَمَنْ أضعُ عَلَیْه أعْباء النبوَّه وأمتَحنه بِالاضْطِلاع، یَقْتُله عِفریتٌ مُستَکبر، یُدفن بالمدینه الَّتی بَناها العَبْد الصَّالِح ذُو القَرْنَیْن إلی جَنْبِ شرِّ خَلْقی، حَقَّ القولُ منّی لاُقرَّنَّ عَینه بِمُحمّد ابْنه وَخَلیفته مِن بَعدِهِ، فَهو وارِثُ عِلمی وَمعدِن حِکْمتی ومَوضِعُ سِرِّی وَحُجّتی عَلی خَلقی، جَعلتُ الجنّه مَثواه، وَشَفَّعتُه فی سَبْعین مِن أهل بَیته کلُّهم قَد اسْتَوجَبوا النّار، وأختِم بِالسَّعادهِ لابْنه علیٍّ وَلیّی وَناصِری، وَالشّاهِدِ فی خَلْقی، وَأمینی عَلی وَحْیی، اخرِجُ مِنْه الدَّاعی إلی سَبیلی والخازِنَ لِعلْمی الحَسَن،

وای بر کسانی که پس از وفات بنـده ام و حبیبم و برگزیـده ام موسـی افترا زننـد و انکار کننـد، آگاه باشـید تکـذیب کنندگان هشتمین امام تکذیب کنندهٔ همهٔ اولیای من هستند.

علی، ولی و یـاری کننـده من است. او کسـی است که بارهـای سـنگین نبـوت را بر دوش او قرار می دهم و او را بـا تحمـل آن بیازمـایم. مرد بسـیار پست و خود بزرگ بینی او را خواهـد کشت، و در شـهری که بنـده صالـح ذو القرنین بنـا نموده، در کنار بدترین مردم دفن خواهد شد. سـخن من محقَّق گردیده که با محمد فرزند و جانشـین او چشـمش را روشن کنم، پس او وارث علم من و معـدن حمکت من و جایگـاه سِرّ من و حجت من بر خلایق خواهـد بود، بهشت را جایگـاه او قرار دهم و او را برای هفتاد نفر از خانـدانش – که مسـتوجب آتشـند – شـفیع کنم. و بر فرزنـدش علی مُهر سـعادت زنم که ولی و یاری کننده من و شاهد در خلق و امین بر وحی من است.

از نسل او حسن را بیرون آورم که دعوت کننده به راه من و خزینه دار علم من است.

ص:۱۸۷

ثمَّ أکمـل ذٰلِک بابنِهِ رَحمهً للعالَمین، عَلیهِ کمال مُوسیٰ وَبهاء عیسیٰ وَصَبر أیُّوب، سَیَذلُّ أولیائی فی زَمانِه ویَتَهادون رؤُوسـهم کَما تهادی رُؤُوس التُرک والدَّیلم، فیُقتلون ویُحرقون ویَکُونون خائِفین مَرْعُوبین وَجِلین، تصْبَغُ الأَرض مِنْ دِمائهم، وَیَفْشُو الوَیل والرَّنین فی نِسائِهم؛ أولٰئک أولیائی حقّاً، بِهِم أدفَع کلَّ فِتنَه عَمْیاء حنْدَس، وَبِهِم أکشِفُ الزَّلازِل، وأرفَعُ عنهُم الآصار والأغلالَ، اولئک عَلیهم صَلواتٌ مِنْ رَبِّهم وَرَحمه وَاُولئک هُمُ المُهْتَدُونَ (۱)؛

سپس وصایت را با فرزند او که رحمت برای عالمیان است تمام کنم، او دارای کمال موسی و زیبایی و درخشش عیسی و صبر ایوب است.

در زمان [غیبت] او اولیای من خوار شونـد، و سر آنها را همچون سرهای ترک و دیلم به ارمغان فرستند، پس کشته شونـد و سوزانده شوند و در خوف و ترس به سربرند، زمین از خون آنها رنگین شود، و وای و شیون از زنانشان برخیزد.

آنها به حق، اولیای من هستند، و با ایشان هر فتنه کور و تاریکی را دفع کنم و زلزله ها را برطرف سازم، و از ایشان سختی ها و زنجیرها را بردارم. درودها و رحمت ها از پروردگار شان بر آنان باد و اینان هدایت شدگانند.

ص:۱۸۸

۱- (۱) . کمال الـدین و تمام النعمه ، ص ۳۰۸ - ۳۱۱، ح ۱؛عیون أخبار الرضا علیه السـلام ، ج ۱، ص ۳۴ - ۳۶، ح ۲، باب ۶؛ الکافی ، ج ۱، ص ۵۲۷، ح ۳؛بحارالانوار ، ج ۳۶، ص ۱۹۵ - ۱۹۷، ح ۳. ترجمهٔ ابتدای متن در کتاب در قسمت لوح حضرت فاطمه علیها السلام آمده است.

لیست اسامی القاب و صفات حضرت فاطمه علیها السلام در زیارات

ص:۱۹۰

ص:۱۹۱

ص:۱۹۲

لیست اسامی القاب و صفات حضرت فاطمه علیها السلام در منابع دیگر

تصویر

لیست اسامی القاب و صفات حضرت فاطمه علیها السلام در منابع دیگر[1]

ابنة الصفوة	أُمّ الحسين	أمة الله
إحدى الكبر	أُمّ الخيرة	آية الله
أرومة العناصر	أُمّ الرأفة	آية الله العظمى
أعزّ البريّة	أُمّ الرواق الحسينية	باكية العين
أُمّ الأئمّة المعصومين	أُمّ الريحانتين	البتول
أُمّ الأبرار	أُمّ السبطين	برزخ النبوّة والولاية
أُمّ أبيها	أُمّ العطيّة	بضعة الرسول صلی الله علیه و آله
أُمّ الأخيار	أُمّ العلا	بقيّة النبوّة
أُمّ الأزهار	أُمّ العلوم	بهجة الفؤاد
أُمّ الأطهار	أُمّ الفضائل	بهجة بيضاء بضّة
أُمّ الأنوار	أُمّ الكتاب	تفاحة الفردوس
أُمّ البدريّين	أُمّ المحسن	التقيّة
أُمّ البررة	أُمّ المؤمنين	ثالثة الشمس والقمر
أُمّ البريّة	أُمّ المواثع	ثمرة النبوّة
أُمّ البلجة	أُمّ النجباء	جرثومة المفاخر
أُمّ التقى	أُمّ النقى	جمال الآباء
أُمّ الحسن	أُمّ النورين	الجميلة الجليلة

۱. *عوالم العلوم* و مستدركاته. (فاطمة الزهراء علیها السلام)، ج ۱، ص ۹۵ و ۹۶.

تصویر

حاملة البلوى	زجاجة الوحي	صاحبة الأحزان الطويلة
الحانية	الزكيّة	صاحبة الجنّة السامية
الحبّة النابتة	زوجة وليّ الله الأعظم	صاحبة المصحف
حبّها خير العمل	الزهراء	الصادقة في السرّ والعلن
حبيبة المصطفى صلى الله عليه و آله	زين الفواطم	الصدف الفخّار
حجاب الله المرخى	ستر الله الكبرى	الصدّيقة
حجة الله الكبرى	سفينة النجاة	الصدّيقة الكبرى
الحرّة	سلالة الرضوان	صفوة الشرف
الحصان	سلالة الفخر	صلوة الوسطى
حظيرة القدس	سماء الكواكب الدريّة	ضامن الشفاعة
الحوراء	السماوية	الطاهرة
خامسة أهل العبا	السيّدة	الطاهرة في الأفعال
الخيرة من الخير	سيّدة بنات آدم عليه السلام	الطاهرة الميلاد
درّة التوحيد	سيدة نساء الأوّلين والآخرين	ظلّ الله الممدود
الدرّة المنضدة		العابدة التقيّة
الدعوة المستجابة	سيّدة نساء الجنّة	العارفة بالأشياء
الذروة الشامخة	سيّدة نساء هذه الأمّة	العالمة بما كان وما يكون
ذريعة الشيعة	سيدة النسوان	عالية الهمّة
راضية	شرف الأبناء	عديلة مريم الكبرى
الرضية	شفيعة الأمّة	العذراء
ربيبة مكّة	الشفيعة يوم القيامة	عروة الوثقى
الرشيدة	الشمس المضيئة	العفيفة
ركن الدين	الشهيدة	عقيلة الرسالة
روح بين جنبي المصطفى	الصائمة في النهار	عيبة العلم
ريحانة النبي صلى الله عليه و آله	الصابرة في المحن	عين الحجّة

عين الحياة
الغرّة الغرّاء
الفاضلة، الفضلى
فاطمة
فخر الأئمّة
فلذّة كبد المصطفى صلى الله عليه وآله
القائمة في الليل
القانتة
القانعة
القدوة المسدّدة
قرار القلب
قرّة عين الخلائق
قلادة الوجود
الكئيبة
الكريمة في النفقة
كلمة الله التامّة
كلمة التقوى
الكلمة الطيّبة
الكوثر
الكوكب الدرّي
ليلة القدر
المباركة
مبشّرة الأولياء

المتعوبة في الدنيا
المتهجّدة
محترقة القلب
المحدّثة
المرضيّة
مريم الكبرى
المزوّجة في الملأ الأعلى
مشكاة الأنوار
المضطهدة
المظلومة
معدن الحكمة
المعروفة في السماء
معصّبة الرأس
المَعصُومَة
المغصوبة حقّها
مقتولة الجنين
مكسورة الضلع
الممتحنة
الممنوعة إرثها
المنصورة
المنعوتة في الإنجيل
المنهدّة الركن
الموصوفة بالبرّ والتبجيل

موطن الرحمة
مهجة العالم
مهجة قلب المصطفى
الميمونة
ناحلة الجسم
الناطقة بالشهادتين عند الولادة
النبيلة
نجمة إكليل النبوّة
نخبة أبيها
النعمة الجليلة
نور الأنوار
النوريّة
والدة الحجج
والدة الحسن والحسين عليهما السلام
الوالهة الثكلى
الوحيدة الفريدة
وديعة الرسول
وعاء المعرفة
وليّة الله العظمى
الوليدة في الإسلام
ينابيع الحكمة
ينبوع العلم

منظومهٔ زیر که به زبان عربی است القاب بسیاری ازحضرت فاطمه زهرا علیها السلام را گرد آورده است

تصویر

منظومهٔ زیر که به زبان عربی است القاب بسیاری از حضرت فاطمه زهراعليها السلام راگرد آورده است

ألقاب بنت المصطفى كثيرة	نظّمت منها نبذة يسيرة
نفسي فداها وفدا أبيها	وبعلها الوليّ مع بنيها
سيّدة إنسيّة حسوراء	نوريّة حانية عذراء
كريمة رحيمة شهيدة	عفيفة قانعة رشيدة
شريفة حبيبة محترمة	صابرة سليمة مكرّمة
صفيّة عالمة عليمة	معصومة مغصوبة مظلومة
ميمونة منصورة محتشمة	جميلة جليلة معظّمة
حاملة البلوى بغير شكوى	حليفة العبادة والتقوى
حبيبة الله وبنت الصفوة	ركن الهدى وآية النبوّة
شفيعة العصاة أمّ الخيرة	تفّاحة الجنّة والمطهّرة
سيّدة النساء بنت المصطفى	صفوة ربّها وموطن الهدى
قرّة عين المصطفى وبضعته	مهجة قلبه كذا بقيّته
حكيمة فهيمة عقيلة	محزونة مكروبة عليلة
عابدة زاهدة قوّامة	باكية صابرة صوّامة
عطوفة رؤوفة حنّانة	البرّة الشفيقة الأنّانة
والدة السبطين دوحة النبيّ	نور سماويّ وزوجة الوصيّ
بدر تمام غرّة غرّاء	روح أبيها درّة بيضاء
واسطة قلادة الوجود	درّة بحر الشرف والجود
وليّة الله وسرّ الله	أمينة الوحي وعين الله
مكينة في عالم السماء	جمال الآباء شرف الأبناء

تصویر

درّة بحر العلم والكمال — جوهرة العزّة والجلال
قطب رحى المفاخر السنيّة — مجموعة المآثر العليّة
مشكاة نور الله والزجاجة — كعبة الآمال لأهل الحاجة
ليلة قدر ليلة مباركة — ابنة من صلّت به الملائكة
قرار قلب أمّها المعظّمة — عالية المحلّ سرّ العظمة
مكسورة الضلع رضيض الصدر
مغصوبة الحقّ خفيّ القبر[1]

۱. فاطمة الزهرا بهجة قلب المصطفى، ص ۲۰۹ و ۲۱۰؛ عوالم العلوم، ص ۹۳ و ۹۴ به نقل از الجنة العاصمة.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.

۲. نهج البلاغه، امیر المؤمنین علیه السلام ، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیر المؤمنین، ۱۳۷۹ش.

۳. الاحتجاج، احمد بن علی بن ابی طالب الطبرسی، مطبعه مفید، مشهد، ۱۴۰۳ق.

۴. الاختصاص، (مصنفات شیخ مفید ۱۲)، أبو عبداللّٰه محمد بن محمد بن نعمان، المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.

۵. ارشاد القلوب، الدیلمی، منشورات رضی.

۶. إعلام الوری، فضل بن حسن طبرسی، آل البیت ۱۴۱۷ق.

۷. الاقبال بالاعمال الحسنه، سید رضی الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۱۶ق.

۸. اقرب الموارد (۲-۱)، الشرتونی اللبنانی.

۹. المیزان فی تفسیر القرآن (۲۰-۱)، السید محمد حسین الطباطبائی، دار الکتب الاسلامیه ۱۳۹۲ق.

۱۰. امالی الصدوق، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات بیروت، ۱۴۰۰ق.

۱۱. امالی الطوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن الطوسی، منشورات مکتبه الداوری، قم.

۱۲. بحارالانوار (۱۰۰-۱)، علامه محمد باقر المجلسی، دارالکتب الإسلامیّه.

۱۳. البرهان فی تفسیر القرآن (۴-۱)، السیّد هاشم البحرانی، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۳ق.

۱۴. بصائر الدرجات، ابوجعفر محمّد بن الحسن بن فرّوخ الصفار القمی، منشورات مکتبه آیه العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.

۱۵. تفسیر العیاشی (۲-۱)، محمد بن مسعود بن عیاش السلمی، مکتبه العلمیه الاسلامیه ۱۳۸۰ق.

۱۶. تفسیر القمی (۱۶-۱)، علی بن ابراهیم القمی، مؤسسهٔ دار الکتاب للطباعه والنشر، ۱۴۰۴ق.

۱۷. التفسیر المنسوب الی الامام العسکری، مدرسه الامام المهدی، ۱۴۰۹ق.

۱۸. تفسیر روشن، علامه مصطفوی، چاپخانه اعتماد ۱۳۸۰ش.

۱۹. تفسیر فرات الکوفی، فرات بن ابراهیم بن فرات الکوفی، مؤسسه طبع و نشر ۱۴۱۰ق.

۲۰. تفسیر کنز الدقائق (۱۴-۱)، محمد بن محمد رضا القمی المشهدی، مؤسسه طبع و نشر ۱۴۱۱ق.

۲۱. تفسیر نور الثقلین، الشیخ عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم.

۲۲. الثغور الباسمه فی مناقب فاطمه، جلال الدین سیوطی، دارالصحابه للتراث بطنطا، ۱۴۱۱ق.

۲۳. ثواب الاعمال، ابو جعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی، منشورات الرضی، قم، ۱۳۶۸ش.

۲۴. الحجه الغراء علی شهاده الزهرا، آیه ا... جعفر سبحانی، نشر مؤسسهٔ امام صادق علیه السلام ، ۱۴۲۲ق.

۲۵. الخرائج والجرائح، قطب الدین الراوندی، مؤسسه الامام المهدی، قم المقدسه، ۱۴۰۹ق.

۲۶. الخصائص الفاطمیه، محمد باقر الکجوری، انتشارات شریف رضی، ۱۳۸۰ش.

۲۷. الخصال، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، منشورات جماعه المدرسین، قم، ۱۴۰۳ق.

۲۸. الدّرّ المنثور فی تفسیر بالمأثور (۷-۱)، جلاالدین سیوطی، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ق.

۲۹. در حریم یاس، مؤسسه امام هادی علیه السلام ، انتشارات پیام امام هادی علیه السلام ۱۳۸۴ش.

۳۰. دلائل الامامه، أبو جعفر محمد بن جریر رستم الطبری، منشورات رضی ۱۳۶۳ش.

۳۱. روضه المتقین، فی شرح من لا یحضره الفقیه، مولی محمد تقی مجلسی، بنیاد فرهنگ اسلامی حاج حسین کوشانپور، ۱۴۰۶ق.

۳۲. روضه الواعظین، محمد بن فتال النیشابوری، منشورات رضی قم ۱۳۶۸ش.

۳۳. الریاض النضره فی مناقب العشره (۴-۱)، لأبی جعفر احمد الشهیر بالمحب الطبری، دار الکتب العلمیه، بیروت.

۳۴. سیر اعلام النبلاء، محمد بن احمد بن عثمان الذهبی، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۹ق.

۳۵. صحیح البخاری (۹-۱)، محمد بن اسماعیل.. البخاری، دار الجیل بیروت.

۳۶. صدیقه طاهره بانوی بزرگ اسلام، عقیقی بخشایشی، دفتر نشر نوید اسلام، ۱۳۷۵ش.

۳۷. العدد القویه لدفع المخاوف الیومیه، رضی الدین علی بن یوسف بن المطهر الحلی، منشورات مکتبه آیه اللّه العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۸ق.

۳۸. عده الداعی ونجاح الساعی، محمد بن فهد الحلی، دار الکتب الإسلامیه.

۳۹. علل الشرائع، ابو جعفر محمد بن علی الحسین بن بابویه القمی، منشورات المکتبه الحیدریه، نجف، ۱۳۸۵ق.

۴۰. عوالم العلوم (فاطمهٔ زهرا علیها السلام) ، (۲-۱)، شیخ عبداللّه البحرانی الاصفهانی، مؤسسه الامام المهدی (عج)، ۱۴۱۵ق.

۴۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام ، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه، منشورات اعلمی تهران.

۴۲. فاطمه الزهرا، گفتار علامه امینی، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۲ش.

۴۳. فاطمه الزهرا بهجه قلب المصطفی، احمد الرحمانی الهمدانی، المنیر للطباعه والنشر، ۱۴۲۰ق.

۴۴. فرائد السمطین، ابراهیم بن محمد الجوینی الخراسانی، مؤسسه المحمودی للطباعه والنشر، بیروت، ۱۴۰۰ق.

۴۵. فضائل الخمسه من الصحاح السته، السیّد المرتضی الحسینی الفیروز آبادی، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۸ق.

۴۶. القاموس المحیط (۴-۱)، مجد الدین محمد بن یعقوب الفیروزآبادی، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۲ق.

۴۷. قرب الاسناد، عبد اللّٰه بن جعفر الحمیری، مؤسسه آل البیت ۱۴۱۳ق.

۴۸. الکافی (۱-۲)، ثقه الاسلام ابو جعفر محمد بن یعقوب الکلینی الرازی، دار الکتب الاسلامیه.

۴۹. کتاب الصافی فی تفسیر القرآن (۲-۱)، الفیض الکاشانی، منشورات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ش.

۵۰. کتاب سلیم بن قیس هلالی، سلیم بن قیس الهلالی، تحقیق انصاری، نشر الهادی قم، ۱۴۱۵ق.

۵۱. کشف الغمه فی معرفه الائمه (۴-۱)، علی بن عیسی بن ابی الفتح الاربلی، دارالکتاب الاسلامی، بیروت، ۱۴۰۱ق.

۵۲. کشف المراد، جمال الدین علامهٔ حلی، انتشارات کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۵۱ش.

۵۳. کمال الدین و تمام النعمه، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، مؤسسه النشر الاسلامی، جامعه المدرسین، ۱۴۱۶ق.

۵۴. لغت نامه دهخدا، علی اکبر دهخدا، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ش.

۵۵. اللمعه البیضاء فی شرح خطبه الزهراء، مولی محمدعلی بن احمد القراچه داغی التبریزی الأنصاری، انتشارات دلیل ما، ۱۴۲۴ق.

۵۶. لوامع صاحبقرانی، علامه محمد تقی المجلسی (الاول)، انتشارات دارالتفسیر، ۱۴۱۹ق.

۵۷. مجمع البحرین (۳-۱)، الشیخ فخر الدین الطریحی،مؤسسهٔ بعثت، ۱۴۱۵ق.

۵۸. مجمع البیان، ابو علی الفضل بن الحسن الطبرسی، رابطه الثقافه والعلاقات الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.

۵۹. مرآه العقول، علامه محمد باقر مجلسی، دار الکتب الاسلامیه تهران، ۱۳۶۳ش.

۶۰. مسند، الامام احمد بن حنبل، دار صادر بیروت.

۶۱. مصباح المتهجد، ابی جعفر محمد بن الحسن الطوسی، مؤسسه فقه الشیعه، بیروت، ۱۴۱۱ق.

۶۲. معارف و معاریف، سید مصطفی حسینی دشتی، انتشارات دانش، ۱۳۷۶ش.

۶۳. معانی الاخبار، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه القمی، انتشارات اسلامی، جامعهٔ مدرسین، ۱۳۶۱ش.

۶۴. معجم البلدان (۵-۱)، یاقوت بن عبداللّه الحموی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

۶۵. المعجم الوسیط (۲-۱)، مجمع اللغه العربیه المکتبه العلمیه طهران.

۶۶. ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار، علامه محمد باقر مجلسی، نشر مکتبه آیه اللّه المرعشی ۱۴۰۷ق.

۶۷. مناقب آل ابی طالب، رشید الدین محمد بن علی بن شهرآشوب المازندرانی، مؤسسه انتشارات علامه، قم.

۶۸. المناقب، الموفق بن احمد بن محمد المکی، انتشارات جامعه مدرسین ۱۴۱۴ق.

۶۹. وسائل الشیعه، محمد بن الحسن الحر العاملی، مؤسسه آل البیت، ۱۴۱۴ق.

ص:۲۰۰

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹